



## فصلنامه پژوهشنامه

علمی

- ۷ ارائه الگوی زیست معنوی مبتنی بر سیره علوی مدیران سازمان‌های دولتی ایران  
حسین اسماعیلی، صید مهدی ویسه، زینب طولایی
- ۳۹ بررسی الزامات اخلاقی و مدیریتی در مناسبات حاکم و کارگزاران حکومتی با محوریت نامه سوم  
نهج البلاغه و رویکرد تحلیل مضمون  
عاطفه بختیاری، زهرا صرفی
- ۷۲ تبارشناسی عهدنامه مفصل امام علی (ع) به محمد بن ابی‌بکر اعتبارسنجی متون و مصادر)  
علی حاجی‌خانی، حسین شاهواروقی فراهانی
- ۹۸ تحلیل نوآوری‌های زبانی و مفهومی در ترجمه انگلیسی نهج البلاغه اثر طاهره قطب‌الدین بر اساس  
نظریه هم‌ارزی کارکردی  
محمد طاهری، ناصر قره‌خانی
- ۱۲۱ چارچوب مفهومی بودجه‌ریزی بین نسلی بر اساس اولویت آبادانی زمین با تأکید بر نهج البلاغه  
فرزانه سبحانی چگنی، سید محمدعلی موسوی
- همگرایی حکمت علوی و دانش پزشکی و روانشناسی در ارتقای مهارت کنترل خشم  
(بازخوانی آموزه‌های نهج البلاغه و دستاوردهای علمی به مقوله خشم: رویکردی میان‌رشته‌ای)  
سید عقیل نسیمی، معصومه کرامتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





# فصلنامه پژوهش‌نامه نج البلاغه

سال سیزدهم / شماره چهل و نهم / بهار ۱۴۰۴

شماره چاپی ۵۲۳۳-۲۳۴۵

شماره الکترونیکی ۵۲۴۱-۲۳۴۵

بر اساس رأی جلسه مورخ ۹۲/۷/۱۵ به شماره ۱۰۹۰۵۹/۳/۱۸/کیسیون

بررسی اعتبار نشریات علمی - پژوهشی به فصلنامه پژوهش‌نامه نج البلاغه

درجه علمی - پژوهشی اعطا گردید.

این نشریه در مرکز استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، مکیران [magiran.com](http://magiran.com)، نورمگز

[noormags.ir](http://noormags.ir) و در پایگاه علمی جهاد دانشگاهی [www.sid.ir](http://www.sid.ir) نمایه‌سازی شده است.



## فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه

(علمی)

سال سیزدهم / شماره چهل و نهم / بهار ۱۴۰۴



- ❖ صاحب امتیاز: دانشگاه بوعلی سینا
- ❖ زمینه انتشار: پژوهش‌های نهج البلاغه
- ❖ مدیر مسئول: شهریار یارمحمدی واصل
- ❖ سردبیر: سید مهدی مسبوق
- ❖ ویراستار انگلیسی: سجاد سپهری نیا
- ❖ مدیر داخلی: وحیده میرزاابراهیمی

### ❖ هیأت تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

|                                |                         |
|--------------------------------|-------------------------|
| استاد دانشگاه اصفهان           | سید محمدرضا ابن‌الرسول  |
| استاد دانشگاه شهید چمران اهواز | حسن دادخواه تهرانی      |
| استاد دانشگاه قم               | محمدتقی دیاری بیدگلی    |
| دانشیار دانشگاه بوعلی سینا     | کرم سیاوشی              |
| استاد دانشگاه فردوسی مشهد      | سید حسین سیدی           |
| استاد دانشگاه تهران            | علی باقر طاهری نیا      |
| دانشیار دانشگاه بوعلی سینا     | صلاح‌الدین عبدی         |
| استاد دانشگاه بوعلی سینا       | مرتضی قائمی             |
| استاد دانشگاه بوعلی سینا       | سید مهدی مسبوق          |
| استاد دانشگاه تهران            | عزت ملاابراهیمی         |
| استاد دانشگاه تربیت مدرس       | فرامرز میرزائی          |
| استاد دانشگاه لرستان           | علی نظری                |
| استاد دانشگاه بوعلی سینا       | محمدرضا یوسف‌زاده چوسری |
| استاد دانشگاه بوعلی سینا       | شهریار یارمحمدی واصل    |

### ❖ هیأت تحریریه بین‌المللی

|                                                |                |
|------------------------------------------------|----------------|
| دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بغداد | انور عباس مجید |
|------------------------------------------------|----------------|

### ❖ مشاوران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفبا)

بهرام اخوان کاظمی، علی اصغری صارم، افشین افضلی، آتنا بهادری، علی آقا پیروز، رضا حاجیان حسین‌آبادی، سیدمهدی حسینی، مصطفی حسینی، محمد حکاک، کبری خبار، معصومه ریعان، سمیه سلمانیان، کرم سیاوشی، ابوالفضل شاه‌آبادی، حامد شریعتی نیاسر، محمدحسین شریفی‌نیا، سیدروح‌اله طباطبائی ندوشن، سولماز غفاری، فرامرز محمدی پویا، یدالله هنری لطیف‌پور، شهریار یارمحمدی واصل

### ❖ صفحه آرا: مژگان جمشیدی

### ❖ چاپ و صحافی: روشن

### ❖ شمارگان: ۱۰۰ نسخه

### ❖ قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

### ❖ نشانی: همدان - چهارباغ شهید احمدی‌روشن - دانشگاه بوعلی سینا - معاونت پژوهشی - دفتر نشریات دانشگاه

### ❖ تلفن: ۰۸۱-۳۱۴۰۰۰۰۰

### ❖ وب سایت سامانه نشریه: <http://nab.basu.ac.ir>

### ❖ پست الکترونیک: [journal.nahj@basu.ac.ir](mailto:journal.nahj@basu.ac.ir) و [journal.nahj@yahoo.com](mailto:journal.nahj@yahoo.com)

- ارائه الگوی زیست معنوی مبتنی بر سیره علوی مدیران سازمان‌های دولتی ایران.....۷**  
 حسین اسماعیلی/ کارشناسی ارشد، رشته مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران  
 صید مهدی ویسه/ دانشیار، گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران  
 زینب طولابی/ دانشیار، گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران
- بررسی الزامات اخلاقی و مدیریتی در مناسبات حاکم و کارگزاران حکومتی با محوریت نامه سوم نهج‌البلاغه و رویکرد تحلیل مضمون.....۳۹**  
 عاطفه بختیاری/ دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران  
 زهرا صرفی/ دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
- تبارشناسی عهدنامه مفصل امام علی(ع) به محمد بن ابی‌بکر اعتبارسنجی متون و مصادر).....۷۲**  
 علی حاجی‌خانی/ دانشیار، گروه قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران  
 حسین شاهواروقی فراهانی/ دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- تحلیل نوآوری‌های زبانی و مفهومی در ترجمه انگلیسی نهج‌البلاغه اثر طاهره قطب‌الدین بر اساس نظریه هم‌ارزی کارکردی.....۹۸**  
 محمد طاهری/ دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران  
 ناصر قره‌خانی/ استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
- چارچوب مفهومی بودجه‌ریزی بین نسلی بر اساس اولویت آبادانی زمین با تأکید بر نهج‌البلاغه .. ۱۲۱**  
 فرزانه سبحانی چگنی/ استادیار، گروه تفسیر قرآن، جامعه الزهراء سلم الله علیها، قم، ایران  
 سید محمدعلی موسوی/ استادیار، گروه اقتصاد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران
- همگرایی حکمت علوی و دانش پزشکی و روانشناسی در ارتقای مهارت کنترل خشم (بازخوانی آموزه‌های نهج‌البلاغه و دستاوردهای علمی به مقوله خشم: رویکردی میان‌رشته‌ای).....۱۴۷**  
 سید عقیل نسیمی/ استادیار، گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران  
 معصومه کرامتی/ استادیار، گروه معارف و عمومی، مجتمع آموزش عالی فنی مهندسی اسفراین، خراسان شمالی، ایران





## Providing a Spiritual Lifestyle Model Based on the Alawi Tradition for Managers in Iran's Public Organizations

(Research Article)

Hossein Esmaili<sup>1</sup> , Seyed Mahdi Viseh<sup>2\*</sup> , Zeinab Toulabi<sup>3</sup> 

**Submission Date:** 23 December 2024

**Revision Date:** 17 April 2025

**Acceptance Date:** 10 May 2025

(Page 1-32)

### Abstract

In contemporary public administration, attention to ethical and spiritual dimensions of management has become increasingly important for achieving good governance, administrative integrity, and public trust. Managers in governmental organizations are not merely responsible for performing technical and administrative duties; rather, their behavior, decisions, and value orientation significantly influence the legitimacy, efficiency, and ethical climate of public institutions. In societies such as Iran, whose cultural and political systems are rooted in religious values, management models that incorporate indigenous moral and spiritual principles are particularly necessary. Among the most valuable sources for such models are Islamic teachings and the conduct of prominent religious figures. The conduct of Imam Ali (peace be upon him), especially as reflected in Nahj al-Balagha and other classical texts, represents one of the richest sources of ethical and managerial teachings in Islamic thought. His approach to governance emphasizes justice, accountability, humility, social responsibility, and devotion to divine values. Accordingly, the present study aims to develop a model of spiritual living for managers of Iranian governmental organizations based on the Alawi tradition.

1. M.A. Student in Management, Faculty of Humanities, Ilam University, Ilam, Iran

2. Associate Professor, Department of Management, Faculty of Humanities, Ilam University, Ilam, Iran

3. Associate Professor, Department of Management, Faculty of Humanities, Ilam University, Ilam, Iran

\*: Corresponding Author:

**Email:** m.vayseh@ilam.ac.ir

**How to cite this article:** Esmaili, H., Viseh, S. M., & Toulabi, Z. (2025). Providing a Spiritual Lifestyle Model Based on the Alawi Tradition for Managers in Iran's Public Organizations. *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, 13(49), 1-32. <https://doi.org/10.22084/nahj.2026.30302.3141>

|                                                                                                                         |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>Keywords:</b> Spiritual life, Alawite tradition, Public managers, Nahj ul Balāgha, Ghurar al Hikam wa Durar al Kalim |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

## Extended Abstract

### 1. Introduction

In recent decades, the concept of spirituality in organizations has attracted considerable attention in management and organizational studies. Researchers have increasingly recognized that organizational effectiveness and sustainable leadership cannot be achieved solely through technical skills, rational planning, or structural reforms. Ethical commitment, moral responsibility, and spiritual awareness also play essential roles in shaping responsible leadership and healthy organizational environments. Consequently, many scholars have explored concepts such as spiritual leadership, workplace spirituality, and value-based management.

Despite this growing interest, much of the existing literature on spirituality in organizations is rooted in Western theoretical frameworks and cultural assumptions. While these approaches offer valuable insights, they may not fully correspond with the cultural and religious contexts of Islamic societies. In Iran, where social and political institutions are strongly influenced by Islamic values, it is essential to develop management models grounded in indigenous religious teachings.

Islamic sources provide rich guidance regarding leadership, responsibility, and ethical governance. Among these sources, the teachings and conduct of Imam Ali (peace be upon him) occupy a unique position. His sermons, letters, and sayings—preserved mainly in Nahj al-Balaghā—contain profound insights into justice, governance, ethical leadership, and social responsibility. Imam Ali's model of governance integrates spiritual devotion with practical administration, demonstrating that ethical leadership requires both moral self-discipline and responsible public service. Therefore, examining the Alawi tradition can provide a valuable foundation for constructing a model of spiritual living for contemporary public managers.

### 2. Research Problem

Although Islamic teachings emphasize ethical conduct and moral responsibility in governance, there often exists a gap between these ideals and the realities of administrative practice. In some governmental organizations, challenges such as declining public trust, bureaucratic inefficiency, and ethical misconduct highlight the need for stronger moral and spiritual foundations in leadership. Addressing these challenges

requires models of management that integrate professional competence with ethical and spiritual development.

Therefore, the central question addressed in the present study is ‘How can a model of spiritual living for managers of governmental organizations be derived from the conduct and teachings of Imam Ali (peace be upon him)?’ By identifying the ethical and spiritual principles embedded in the Alawi tradition, this study seeks to provide a conceptual framework that can act as a guiding force for the behavior and decision-making of public managers.

### **3. Theoretical Framework**

Previous research in organizational spirituality has emphasized the importance of values such as meaning in work, ethical commitment, compassion, and service orientation. Studies on spiritual leadership suggest that leaders who emphasize higher moral purposes can foster greater commitment, motivation, and trust among employees. However, most of these models have emerged from secular or non-Islamic philosophical backgrounds.

Islamic teachings, by contrast, present a holistic view of leadership in which spiritual accountability, moral integrity, and social justice are fundamental principles. In the Alawi tradition, leadership is considered a divine trust (*amanah*), and rulers or administrators are accountable not only to society but also to God. Imam Ali’s governance model highlights principles such as justice, honesty, humility, attention to the rights of citizens, protection of public resources, and compassion toward the disadvantaged.

These principles collectively form the basis of what can be called spiritual living in leadership—a mode of life in which personal spirituality and public responsibility are integrated. Such an approach emphasizes self-discipline, ethical awareness, and a constant sense of accountability before God and society.

### **4. Research Method**

The present study adopts a qualitative interpretive approach and employs thematic analysis to extract key components of spiritual living from Islamic sources. Data were collected through library research and direct analysis of classical texts, particularly Nahj al-Balagha and Ghorar al-Hikam wa Durar al-Kalim. Relevant passages related to leadership, ethics, and spiritual conduct were identified and systematically coded.

In the initial stage of analysis, 215 primary codes were extracted from the textual data. Through a process of conceptual refinement and categorization, these codes were reduced to 82 preliminary themes. Further analysis and integration led to the identification of 47 final themes, which were then organized into broader conceptual categories representing the main dimensions of spiritual living in Alawi leadership.

To enhance the validity and reliability of the findings, the proposed model and its thematic structure were evaluated by 15 experts in Islamic management and Nahj al-Balagha studies. Their feedback was collected through a structured questionnaire, and the results confirmed the conceptual coherence and relevance of the proposed model.

## **5. Findings**

The results of analysis revealed that spiritual living for managers, according to the Alawi tradition, can be explained through five major dimensions:

### **1. Patience and endurance**

This dimension reflects the ability of managers to endure difficulties and remain steadfast in fulfilling their responsibilities. Leadership in public organizations often involves facing criticism, pressure, and complex challenges. The Alawi model emphasizes patience, resilience, and perseverance as essential virtues for maintaining ethical integrity under such conditions.

### **2. Fulfillment of promises and responsibility**

From Imam Ali's perspective, leadership is a trust entrusted to individuals by society and ultimately by God. Managers must, therefore, honor their commitments, protect public resources, and act with a strong sense of accountability. Faithfulness to promises and responsibility toward citizens constitute a core element of ethical governance.

### **3. Precision and diligence in affairs**

Another important aspect of spiritual leadership in the Alawi tradition is careful supervision and diligence in administrative affairs. Managers are expected to monitor financial and organizational matters closely, ensure transparency, and avoid negligence in public responsibilities.

### **4. Sincerity and people-centeredness**

Sincerity (ikhlas) represents a fundamental spiritual value in Islamic ethics. In the context of management, it implies performing duties for the sake of justice and service rather than personal gain. This dimension also includes humility, simple living, compassion for citizens, and particular attention to the needs of disadvantaged groups.

### 5. Belief in the hereafter

Belief in accountability before God and awareness of death and judgment form the spiritual foundation of ethical behavior. In the Alawi worldview, remembrance of the hereafter encourages self-control, discourages corruption, and strengthens commitment to justice and integrity in public service.

Together, these five dimensions illustrate that spiritual living in management extends beyond personal piety and encompasses ethical conduct in all aspects of leadership and governance.

### 6. Conclusion

The findings of this study demonstrate that the Alawi tradition provides a comprehensive framework for understanding spiritual leadership in public administration. The proposed model of spiritual living emphasizes values such as patience, responsibility, diligence, sincerity, and belief in divine accountability. These principles integrate personal spirituality with ethical governance and responsible management.

Applying this model in governmental organizations could contribute to strengthening administrative integrity, improving ethical decision-making, and enhancing public trust in institutions. By grounding managerial practices in spiritual and moral principles derived from Islamic teachings, public administrators can foster more responsible and value-oriented governance.

Therefore, the Alawi model of spiritual living offers not only a theoretical contribution to the field of Islamic management studies but also a practical guide for promoting ethical leadership in contemporary governmental organizations.

### References [in English]

- Battaglio, Jr, R. P., Belardinelli, P., Bellé, N., & Cantarelli, P. (2019). Behavioral public administration ad fontes: A synthesis of research on bounded rationality, cognitive biases, and nudging in public organizations. *Public Administration Review*, 79(3), 304-320.
- Boulding, K. E. (1956). General systems theory—the skeleton of science. *Management science*, 2(3), 197-208.
- Gjaltema, J., Biesbroek, R., & Termeer, K. (2020). From government to governance... to meta-governance: a systematic literature review. *Public Management Review*, 22(12), 1760-1780.
- Lapuente, V., & Van de Walle, S. (2020). The effects of new public management on the quality of public services. *Governance*, 33(3), 461-475.



- Osborne, S. P. (2018). From public service-dominant logic to public service logic: are public service organizations capable of co-production and value co-creation?. *Public management review*, 20(2), 225-231.



(مقاله پژوهشی)

## ارائه الگوی زیست معنوی مبتنی بر سیره علوی مدیران سازمان‌های دولتی ایران

حسین اسماعیلی<sup>۱</sup>، صید مهدی ویسه<sup>۲</sup>، زینب طولابی<sup>۳</sup>

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳ بازنگری مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۲۸  
پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰  
(از ص ۷ تا ۳۲)

### چکیده

مدیران سازمان‌های دولتی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در اداره عمومی کشور به شمار می‌آیند و نوع نگرش و سبک زندگی آنان می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کارآمدی نظام اداری و اعتماد عمومی ایفا کند. از این‌رو، توجه به ابعاد اخلاقی و معنوی در تربیت مدیران دولتی اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف این پژوهش ارائه الگوی زیست معنوی مبتنی بر سیره علوی برای مدیران سازمان‌های دولتی ایران است. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شده است. داده‌های پژوهش از متون مرتبط با سیره علوی، به‌ویژه خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه، استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند و مضامین مرتبط با زیست معنوی مدیران شناسایی شده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که از مجموع ۲۱۵ شناسه و ۸۲ مضمون اولیه شناسایی شده، در نهایت ۴۷ مضمون نهایی در قالب پنج مفهوم اصلی طبقه‌بندی شدند: صبر و تحمل بالا (رزق و معیشت و رویارویی با سختی‌ها)، وفای به عهد و مسئولیت‌پذیری (امانت دانستن مدیریت، توجه به مفهوم بیت‌المال و الگو بودن حاکم جامعه)، حسابگری و دقت در امور (نظارت دقیق و حسابرسی مالی)، اخلاص و مردم‌داری (دوری از دنیاطلبی، مواسات، ساده‌زیستی و توجه به محرومان) و اعتقاد به معاد (مرگ‌آگاهی و ابتلا). این الگو می‌تواند به عنوان چارچوبی برای تقویت ابعاد معنوی و اخلاقی مدیران در نظام اداری کشور و ارتقای سلامت اداری و اعتماد عمومی مورد استفاده قرار گیرد.

**کلید واژه‌ها:** زیست معنوی، علوی، مدیران دولتی، نهج‌البلاغه، غررالحکم و دررالکلم.

۱. کارشناسی ارشد، رشته مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

۲. دانشیار، گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

۳. دانشیار، گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

\* نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

دولت چارچوبی از ارزش‌هاست که زندگی عمومی در آن جریان دارد و از قدرت عمومی برای تحقق آن ارزش‌ها استفاده می‌کند (Van de Walle, 2020 & LaPointe). دولت به عنوان یکی از پیچیده‌ترین نظام‌های اجتماعی، وظیفه مدیریت امور عمومی و هدایت جامعه تحت حاکمیت خود را بر عهده دارد (Battaglio et al., 2019). با این حال، پیچیدگی نظام‌های اجتماعی به گونه‌ای است که اداره و هدایت آن‌ها تنها با اتکای صرف به عقل ابزاری و محاسبات فنی امکان‌پذیر نیست. بر اساس طبقه‌بندی نظام‌ها که بولدینگ (۱۹۵۶) ارائه کرده است، نظام‌های اجتماعی از جمله پیچیده‌ترین نظام‌ها به شمار می‌آیند و مدیریت آن‌ها نیازمند توجه به ابعاد انسانی، اخلاقی و ارزشی در کنار ابعاد فنی و عقلانی است.

در این میان، مفهوم دولت اسلامی از جمله مهم‌ترین مفاهیم در اندیشه سیاسی معاصر به شمار می‌رود؛ زیرا در چنین دولتی ارزش‌های دینی نقش اساسی در شکل‌دهی به ساختارها و کارکردهای حکمرانی دارند و پیوند میان دین و سیاست به نظام سیاسی ماهیتی خاص و پیچیده می‌بخشد (احمدی احمدی، ۱۳۹۴). هرچند درباره اطلاق عنوان «دولت اسلامی» دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است، اما در یک نگاه کلی، دولت اسلامی دولتی تلقی می‌شود که در آن تلاش می‌شود میان ارزش‌های مطلوب و آرمانی اسلامی و واقعیت‌های اداره جامعه نوعی هماهنگی و انطباق برقرار گردد (عرفانی خانقاهی و همکاران، ۱۴۰۰).

از سوی دیگر، جامعه انسانی از مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادهای مختلف تشکیل شده است که هر یک با اهداف و وظایف خاصی فعالیت می‌کنند و تحقق اهداف کلان جامعه در گرو عملکرد صحیح این سازمان‌ها است. در این میان، مدیریت و رهبری سازمان‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل در تحقق اهداف سازمانی و اجتماعی به شمار می‌آید (Gajalatma et al., 2020). مدیریت از مهم‌ترین تلاش‌های انسانی در تاریخ حیات اجتماعی بشر محسوب می‌شود (Osborne, 2018) و بررسی تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که مدیران و رهبران در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به حرکت‌های اجتماعی و پیشرفت جوامع داشته‌اند. از این رو، بدون توجه به نقش مدیریت، هدایت و ساماندهی یک گروه، سازمان یا جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود (علایی، ۱۳۹۵).

با وجود این اهمیت، یکی از چالش‌های مهم در سازمان‌های دولتی، انتخاب یا به کارگیری الگوهای مدیریتی نامناسب و فاصله گرفتن برخی از مدیران از ارزش‌های اخلاقی و مسئولیت‌های اجتماعی در اداره امور عمومی است؛ مسئله‌ای که می‌تواند به کاهش کارآمدی سازمان‌های دولتی و تضعیف اعتماد عمومی منجر شود (بی‌آزار و همکاران، ۱۳۹۹). در چنین شرایطی، توجه به ابعاد اخلاقی و معنوی مدیریت و بهره‌گیری از منابع معرفتی بومی و دینی می‌تواند زمینه شکل‌گیری الگوهای مدیریتی کارآمدتر و متناسب با ارزش‌های جامعه را فراهم سازد.

در اندیشه اسلامی و به‌ویژه در سیره امام علی(ع)، مجموعه‌ای از اصول اخلاقی، معنوی و مدیریتی مطرح شده است که می‌تواند مبنایی برای تبیین شیوه صحیح اداره امور عمومی و رفتار مدیران در نظام اسلامی باشد. آموزه‌های علوی در حوزه‌هایی همچون عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری، ساده‌زیستی، توجه به بیت‌المال، مردم‌داری و پاسخ‌گویی، ظرفیت قابل توجهی برای تبیین الگوهای اخلاقی و معنوی در مدیریت دارد.

بر این اساس، یکی از پرسش‌های اساسی در حوزه مدیریت دولتی در جامعه اسلامی آن است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از آموزه‌ها و سیره امام علی(ع)، الگویی از زیست معنوی برای مدیران سازمان‌های دولتی ارائه کرد که بتواند به تقویت سلامت اخلاقی، مسئولیت‌پذیری و کارآمدی آنان در اداره امور عمومی کمک کند. از این‌رو، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال کلی است که الگوی زیست معنوی مبتنی بر سیره علوی برای مدیران سازمان‌های دولتی ایران دارای چه ابعاد و مؤلفه‌هایی است و چگونه می‌تواند به عنوان چارچوبی برای ارتقای رفتار مدیریتی در نظام اداری کشور مورد استفاده قرار گیرد.

## ۱-۱. بیان مسئله

عملکرد موفق سازمان‌های دولتی بخش قابل توجهی از تصویر ذهنی مثبت شهروندان درباره دولت‌ها را شکل می‌دهد، موجب ارتقای سطح کارآمدی دولت‌ها و افزایش مشروعیت آن‌ها نزد مردم می‌شود و از سوی دیگر ناکامی در انجام بهینه مسئولیت‌ها و وظایف، سبب تقویت تصویر ناکارآمدی دولت‌ها و کاهش مشروعیت آن‌ها می‌گردد (اسدی و همکاران، ۱۳۹۸). از این‌رو، برای افزایش ظرفیت حکمرانی و همچنین ارتقای کارایی و اثربخشی خدمات عمومی، نیاز به مدیران و کارکنانی است که بتوانند بر اساس شایستگی‌های حرفه‌ای و اخلاقی و با در نظر گرفتن مصالح عمومی جامعه، خدمات مطلوب‌تری به شهروندان ارائه کنند (علی‌زاده، ۱۳۹۴).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که عنصر اصلی و حیاتی هر سازمان، نظام مدیریتی آن است. مشاغل مدیریتی ماهیتی پیچیده دارند و انجام موفقیت‌آمیز و اثربخش آن‌ها مستلزم برخورداری از مجموعه‌ای از شایستگی‌ها، مهارت‌ها، توانایی‌ها و ویژگی‌های فردی و اخلاقی است. از این‌رو، در همه جوامع، گزینش، آموزش و تربیت حرفه‌ای مدیران شایسته از جمله چالش‌های اساسی نظام‌های مدیریتی به شمار می‌آید. چنانچه تربیت مدیران به‌صورت صحیح و مناسب انجام گیرد، منافع گسترده‌ای در سطح سازمانی و اجتماعی به همراه خواهد داشت (محبی و همکاران، ۱۴۰۲). در اندیشه اسلامی نیز تربیت مدیران شایسته از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌گونه‌ای که سهل‌انگاری در این زمینه نوعی خیانت به امانت اجتماعی تلقی می‌شود. در قرآن کریم آمده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾؛ همانا خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها بازگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری نمایید (نساء/۵۸).

در این میان، سیره و آموزه‌های امام علی(ع) به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اندیشه مدیریتی در سنت اسلامی، ظرفیت قابل توجهی برای ارائه الگوهای اخلاقی و معنوی در مدیریت دارد. در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، امام علی(ع) ضمن هشدار درباره فریبندگی دنیا، بر ضرورت خودسازی معنوی، پیوند مستمر با خداوند، غلبه بر وسوسه‌های نفسانی، یاد معاد و اصلاح آخرت تأکید می‌کنند. همچنین دستوراتی همچون امر به معروف، جهاد در راه خدا، صبر در سختی‌ها و پرهیز از رذایل اخلاقی را از الزامات زیست صحیح انسان معرفی می‌نمایند. این آموزه‌ها می‌توانند به ارتقای سطح معنویت فردی و اجتماعی و اصلاح الگوهای رفتاری مدیران در نظام اداری کمک کنند.

مقصود از زیست معنوی، فرایند رشد و تحول معنوی انسان، تعبد و بندگی خداوند و حرکت از ظلمات به سوی نور و روشنایی است. بر این اساس، انسان برای ارتقای سطح معنویت خود باید از مسیرهایی همچون آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی، شناخت صحیح دنیا و خودسازی معنوی از طریق کسب فضایل اخلاقی و ترک رذایل عبور کند تا در مسیر بندگی الهی قرار گیرد (خادمی و همکاران، ۱۳۹۸). قرآن کریم نیز برای تبیین مفهوم زیست معنوی از استعاره‌های متعددی بهره گرفته است؛ از جمله «زیست معنوی به منزله سفر»، «حرکت از ظلمات به سوی نور»، «رشد همچون زراعت»، «حرکت از پایین به بالا» و «پالایش درونی». بسیاری از این استعاره‌ها به‌ویژه استعاره «زیست معنوی سفر است»، بر اساس طرحواره‌های حرکتی و برخی نیز بر اساس طرحواره‌های جهتی و قدرتی شکل گرفته‌اند (شاکرنژاد، ۱۳۹۵).

از سوی دیگر، ساده‌زیستی، پرهیز از دنیاگرایی و دوری از تجمل‌گرایی از عوامل مهم موفقیت رهبران الهی در هدایت جامعه و تحقق عدالت اجتماعی بوده است. بررسی سیره عملی و نظری امام خمینی(ره) نشان می‌دهد که ایشان نه تنها خود به ساده‌زیستی پایبند بودند، بلکه همواره کارگزاران و مسئولان نظام را نیز به این امر توصیه می‌کردند و گرایش به رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی را از آفات مهم نظام اسلامی می‌دانستند (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب بر ضرورت توجه به سبک زندگی اسلامی تأکید کرده و تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری را از آسیب‌های جدی جامعه اسلامی برشمرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

با وجود این تأکیده‌ها، یکی از چالش‌های مهم در نظام اداری ایران آن است که در بسیاری از موارد میان ارزش‌ها و آموزه‌های دینی مورد تأکید در زمینه ساده‌زیستی، عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری و خدمت صادقانه با برخی از الگوهای رفتاری مدیران فاصله مشاهده می‌شود. در حالی که در اسناد بالادستی و قوانین اداری کشور به صراحت بر ضرورت سلامت اداری، ساده‌زیستی کارگزاران و پرهیز از تجمل‌گرایی تأکید شده است. به عنوان نمونه، در سیاست‌های کلی نظام اداری ابلاغی مقام معظم رهبری (۱۳۸۹) بر استقرار نظام اداری مبتنی بر «سلامت، پاکدستی، عدالت‌محوری و خدمت‌گزاری» تأکید شده است. همچنین در قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶)، اصولی همچون امانت‌داری در استفاده از منابع عمومی، پاسخ‌گویی و رعایت صرفه‌جویی در هزینه‌های دولتی مورد توجه قرار گرفته

است. افزون بر این، در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران نیز بر اصلاح نظام اداری، ارتقای سلامت اداری، مبارزه با فساد و تقویت فرهنگ ساده‌زیستی و مسئولیت‌پذیری مدیران تأکید شده است (قانون برنامه ششم توسعه، مواد ۳۵ و ۹۰).

با این حال، گزارش‌ها و تحلیل‌های منتشرشده درباره عملکرد نظام اداری نشان می‌دهد که در برخی موارد، فاصله‌ای میان این ارزش‌ها و واقعیت‌های رفتاری برخی مدیران مشاهده می‌شود. برای مثال، گزارش‌های رسمی نهادهای نظارتی همچون دیوان محاسبات کشور و سازمان بازرسی کل کشور در سال‌های اخیر به مواردی از استفاده نامتعارف از منابع عمومی، هزینه‌های غیرضروری اداری و برخی مظاهر تجمل‌گرایی در سطوح مدیریتی اشاره کرده‌اند که این امر می‌تواند موجب تضعیف اعتماد عمومی و کاهش سرمایه اجتماعی شود. همچنین برخی پژوهش‌ها در حوزه سلامت اداری نشان می‌دهد که فاصله میان ارزش‌های مطلوب مدیریتی و رفتارهای عملی در برخی سازمان‌های دولتی همچنان به عنوان یکی از چالش‌های جدی حکمرانی در ایران مطرح است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶).

این شکاف میان ارزش‌های مطلوب و رفتارهای مدیریتی می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی، تضعیف سرمایه اجتماعی و کاهش کارآمدی نظام اداری منجر شود. از این‌رو، یکی از نیازهای اساسی در حوزه مدیریت دولتی، تبیین و ارائه الگوهایی است که بتوانند ابعاد اخلاقی و معنوی مدیریت را به صورت نظام‌مند و کاربردی تبیین کنند و مبنایی برای تربیت و پرورش مدیران شایسته در نظام اداری فراهم آورند.

بر این اساس، این پژوهش در پی پاسخ به دو سؤال اصلی است:

-اول آنکه ابعاد و مؤلفه‌های زیست معنوی مبتنی بر سیره علوی برای مدیران سازمان‌های دولتی کدام‌اند؟

-دوم آنکه این الگو چگونه می‌تواند به عنوان چارچوبی برای تربیت و هدایت مدیران در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد؟

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

زیست معنوی به دلیل غیرمادی بودن، انتزاعی است و برای توضیح آن از مفاهیم حسی و تشبیه استفاده می‌شود. عرفا و اندیشمندان مسلمان برای بیان این تجربه غیرحسی، آن را به سفر تشبیه کرده‌اند. در قرون اول و دوم هجری، مسلمانان با اجرای فرایض و نوافل به تجارب معنوی دست یافتند و با بهره‌گیری از قرآن و روایات، کیفیت این تجارب و روش‌های دستیابی به آن‌ها را توضیح دادند. با گذر زمان، این تجارب ساختارمند شد و به صورت مراحل طولی و شبیه به منازل سفر توصیف گردید. شقیق بلخی، به عنوان نخستین پیشگام، در رساله "آداب العبادات" این مدارج و حالات را به طور منظم ترسیم کرد (شاکرنژاد، ۱۳۹۵).

در دهه‌های اخیر، مفهوم معنویت در سازمان و مدیریت به یکی از موضوعات مورد توجه در ادبیات مدیریت، رفتار سازمانی و رهبری تبدیل شده است. پژوهشگران نشان داده‌اند که معنویت در

محیط کار می‌تواند با پیامدهایی همچون افزایش معناجویی در کار، تعهد سازمانی، رضایت شغلی، رفتارهای اخلاقی، مسئولیت‌پذیری، اعتماد سازمانی و کاهش فرسودگی شغلی همراه باشد (Giactalone & Jurkiewicz, 2003; Fry, 2003; Petchsawang & Duchon, 2009). در این ادبیات، معنویت عموماً به‌عنوان تجربه‌ای از معناداری، احساس پیوند با دیگران، تعالی درونی، انسجام ارزشی و جهت‌گیری اخلاقی تعریف شده است. همچنین برخی الگوها، از جمله الگوی «رهبری معنوی» فرای (۲۰۰۳)، بر نقش چشم‌انداز، امید/ایمان و نوع‌دوستی در ایجاد انگیزش درونی و ارتقای عملکرد فردی و سازمانی تأکید کرده‌اند.

### زیست معنوی سیره علوی و شاخصه‌های آن

با بررسی محتوای مبانی اسلامی، پنج شاخصه عمده از زیست معنوی سیره علوی شناسایی و استخراج شد که در ادامه در پنج بخش به بررسی اهمیت هر شاخصه و آثار تربیتی آن خواهیم پرداخت.

#### ۱. وفای به نذر و آثار تربیتی آن

اولین شاخصه وفای به نذر است. نذر از نظر لغوی به معنی آنچه واجب گردانند بر خود است. همچنین التزام به انجام یا ترک عملی به صورت خاص به خاطر خداوند متعال با صیغه خاص که منعقد می‌شود از تعاریف دیگر نذر است (همامی و دیانی دردشتی، ۱۳۸۵). واژه نذر، راغب در مفردات مینویسد: «نذر یعنی در کاری که پیش می‌آید انسان چیزی را بر خودش واجب کند که در واقع واجب نیست»، می‌گویند: نذرت لله امراً - کاری را برای خدا بر خود نذر کردم که انجام دهم. بنابراین نذر آن است که انسان در برابر خداوند، خود را به چیزی ملتزم و متعهد کند و مثلاً چنین بگوید: من در برابر خدا نذر می‌کنم که فلان عمل را انجام دهم یا فلان چیز را انفاق کنم یا بگویم: من در برابر خدا نذر می‌کنم که اگر فلان حاجتم روا شود چنین و چنان کنم. اولی را نذر ابتدایی و دومی را نذر شرطی می‌گویند و از نظر فقهی هر دو لازم الاجرا است و کسی که نذر می‌کند بر او واجب می‌شود که به نذر خود عمل کند و اگر نکرد کفاره دارد (اکبریان، ۱۳۹۵). از فواید ثمرات وفای به نذر میتوان به ۱. خداوند، مددکار و یاور وفاکنندگان (بقره/۲۷۰)؛ ۲. از عوامل ورود به بهشت (انسان/۷)؛ ۳. مصونیت از سختی‌های قیامت (انسان/۷)، موجب شادابی و شادمانی در قیامت (همان) اشاره کرد. از مفهوم ﴿وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ در آیه ﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ (بقره/۲۷۰) که تارکان وفای به نذر در شمار آنان است استفاده می‌شود که وفاکنندگان به نذر مشمول نصرت الهی هستند (خسروپناه و پناهی آزاد، ۱۳۸۸).

#### ۲. معاد باوری و آثار تربیتی آن

معاد به عنوان یکی از اصول دین به اندازه‌ای مهم و تأثیرگذار است که در مورد آن چنین گفته شده است: «این اصل در اسلام، با سایر اصول اعتقادی و نیز با فروع دین و احکام و حتی اخلاق و به عبارتی با همه شؤون جهان و از جمله انسان در ارتباط است» (حاج‌حسینی و همکاران، ۱۳۹۸). شهید مطهری در اهمیت معاد می‌نویسد: «مسئله معاد از نظر اهمیت، بعد از مسئله توحید مهمترین مسئله دینی و اسلامی است.

پیامبران آمده‌اند برای اینکه مردم را به دو حقیقت مؤمن و معتقد کنند: یکی به خدا و دیگری به قیامت» (مطهری، ۱۳۳۱). با مراجعه به آیات و روایات در این زمینه این کارکرد بیشتر تبیین می‌شود، چنانچه بیش از یک سوم آیات قرآن درباره جهان پس از مرگ بوده و بسیاری از آنها بیانگر آثار ایمان یا پیامدهای انکار معاد هستند؛ زیرا ایمان به معاد ضامن اجرای قوانین الهی و زمینه ساز نیل آدمی به کمال نهایی و سعادت ابدی است (همامی و دیانی دردشتی، ۱۳۸۵). ایمان به معاد در واقع ایمان به اهداف عالیه معنوی و قدسی است که خداوند برای سعادت دنیوی و اخروی انسان ترسیم کرده است و از مهمترین ثمره‌های معادباوری رهابخشی از پوچگرایی با درنظر گرفتن اهداف معنوی و قدسی می‌باشد. یکی از مهمترین آثار باور به معاد و زندگی پس از مرگ احساس مسئولیت شدید در برابر فرمان الهی است به هر حال وقتی آنها به نذرهایی که بر خویشتن واجب کرده‌اند وفا می‌کنند به طریق اولی واجبات الهی را محترم شمرده و در انجام آن می‌کوشند. ترس آنها از شر آن روز بزرگ اشاره به ایمانشان به مساله معاد و احساس مسئولیت شدید در برابر فرمان الهی است. آنها به خوبی معاد را باور کرده‌اند، و به تمام کیفرهای بدکاران در آن روز ایمان دارند و اثر این ایمان در اعمالشان کاملاً نمایان است» (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۷).

### ۳. اطعام و آثار تربیتی آن

ویژگی سومی که در آیه هشتم سوره انسان برای معرفی خانواده علوی آمده اطعام است چنانچه می‌فرماید: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾؛ و هم بر دوستی او (یعنی خدا) به فقیر و طفل یتیم و اسیر طعام می‌دهند. این اطعام که پیشتر جریان آن در ارتباط با نذر و روزه گرفتن و اطعام غذای مورد احتیاج شدید خانواده علوی بیان شد، تفاسیر و تحلیل‌های متنوعی دارد. در تفسیر مجمع البیان آمده است: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ﴾؛ یعنی اطعام طعام می‌کنند با حبی که بر طعام انحصاری خود دارند». یعنی می‌خورانند طعام موجود و منحصر خود را با نیاز شدیدی که بر آن دارند. خداوند سبحان آنها را توصیف فرموده به ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خودشان (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۱). آیات شریفه سوره انسان، دستور و سرمشق بزرگی است برای کسانی که بخواهند مقام عالی و قرب سبحانی را دریابند به اطعام برای رضای خدا و از این جهت حضرت صادق (ع) این آیه را جاری در حق هر مؤمنی که اطعام نماید بر مسکین و یتیم و اسیر برای رضای خدا می‌داند (اکبریان، ۱۳۹۵). اطعام در قرآن به اشکال گوناگونی بیان شده است که اثرات آن هم دنیوی و هم اخروی است. خداوند در سوره ماعون آیه سوم می‌فرماید: ﴿وَلَا يَخْضُ عَلَيَّ طَعَامُ الْمُسْكِينِ﴾ و (کسی را) بر اطعام فقیر ترغیب نمی‌کند. در این سوره که اثرات انکار معاد را بیان می‌کند، به بحث عدم اطعام اشاره می‌کند. اطعام به نیازمندان و معادباوری رابطه تنگاتنگی با هم دارد که قرآن یکی از اثرات عدم معادباوری را اطعام نکردن و ترغیب دیگران به انجام ندادن این عمل و ویژگی شایسته است.



#### ۴. اخلاص و آثار تربیتی آن

اخلاص از ارکان عبادات محسوب می‌شود و اثرات تربیتی فراوانی دارد که خداوند در برخی موارد متضمن اعطای آنها است. در حدیثی در کتاب بحار آمده است: «کسی که چهل روز با اخلاص به سر ببرد چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبان (و قلم) او جاری می‌گردد». دستور بندگی خالص در قرآن علاوه بر واژه اخلاص و مشتقات آن با کلمات و عبارت‌های متنوع دیگری آمده است؛ مانند: «یُؤَدُّونَ وَجْهَهُ»، «أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ»، «نَصَحُوا اللَّهَ»، «ابْتَغَاءِ مَرْضَاتِ اللَّهِ»، «ابْتَغَاءِ وَجْهِ اللَّهِ»، «وَقُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ»، «خَنِيفٌ»، «تَبَتَّلَ إِلَيْهِ» (عبیات و مطوری، ۱۳۹۴). از طرفی شرک در تضاد با اخلاص است و از این جهت یکی از مهمترین شروط قبول شدن عبادات اخلاص است. در جای جای قرآن اخلاص پیامبران در هدایت مردم و تبلیغ رسالت به چشم می‌خورد مانند آیه ۷۲ سوره یونس: ﴿... فَمَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ...﴾؛ من مزدی از شما نمی‌طلبم پاداش من جز بر عهده خدا نیست. موارد متعددی قرآن در معرفی آنان (پیامبران) می‌فرماید از کسانی تبعیت کنید که از شما در ازای تبلیغ پاداش (اجر) دریافت نمی‌کنند. آیه نهم سوره انسان ویژگی چهارم این خانواده گرامی را بیان می‌کند. ﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكًّا وَرَاشِكُورًا﴾؛ (و زبان قال و حالشان این است که) جز این نیست که ما شما را برای رضای خدا اطعام می‌کنیم از شما پاداش و سپاسی نمی‌خواهیم. جز این نیست که ما اطعام می‌کنیم شما را قربۀ الی الله اراده نداریم از شما که عوضی و جزائی بما دهید یا شکرگزار ما باشید. بنابراین در زمان اطعام آنان، توقع جزا و شکرگزاری از آنها نداشتند و غرض از اطعام آنها جز رضا و خشنودی خدا و قربت و خلوص نبوده است. چنانچه عمل وقتی از خود خواهی و ریاء و باقی جهات طبیعی خالص گردید آن وقت انجام دهنده آن از نیکوکاران محسوب می‌گردد و ابرار کسانی می‌باشند که در انفاق، منت به فقیر نگذارند و عوض از وی نخواهند بلکه با کمال احتیاج خود خالصا مخلصا لوجه الله اتفاق نمایند (حاج حسینی و همکاران، ۱۳۹۸).

#### ۵. خوف الهی و آثار تربیتی آن

خوف از خداوند در حقیقت ترس از رفتار زشت و ناپسند خودمان است که بر اثر قوانین تشریعی الهی عذاب و کیفر خداوندگاری بر آنها مترتب می‌گردد و در اینباره باید از خدا بترسیم؛ چون او است که می‌تواند ما را ببخشد و کیفر و عذاب را از ما بردارد و یا ما را به عذاب خویش مبتلا سازد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰). دهمین آیه از سوره انسان به ویژگی خوف الهی خانواده علوی-فاطمی اشاره می‌کند: ﴿إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا غَبُوسًا قَمَطَرًا﴾ (انسان/۱۰)؛ ما از قهر پروردگار خود به روزی که از رنج و سختی آن رخسار خلق درهم و غمگین است می‌ترسیم. همچنین تعبیر از روز قیامت به روز «عبوس» و «سخت» با اینکه عبوس از صفات انسان است و به کسی می‌گویند که چهره‌اش را در هم کشیده، به خاطر تاکید بر وضع وحشتناک آن روز است، یعنی آن قدر حوادث آن روز سخت و ناراحت کننده است که نه تنها انسانها در آن روز عبوسند بلکه گویی خود آن روز نیز عبوس است (خسروپناه و پناهی آزاد، ۱۳۸۸). علامه طباطبایی مراد از "عبوس بودن آن" را ظهور کمال شدت آن برای مجرمین دانسته است و در خصوص کلمه

"قمطیر" به معنای دشوار و سخت است و اینکه اگر عمل مذکور خود را تنها و تنها به خاطر خدا انجام دادند، و عبودیت خود را برای خدا خالص کردند، بدین جهت است که از آن روز سخت و دشوار می‌ت رسیدند، و برای بیان علت مذکور اکتفاء نکردند به اینکه ما از آن روز می‌ترسیم، بلکه آن روز را به پروردگار خود نسبت داده، گفتند: «ما از پروردگار خود از روزی می‌ترسیم که چنین و چنان است»، تا فهمانده باشند هم اطعامشان و هم ترسشان برای غیر خداوند نیست (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۱) و این خوف الهی نیروی محرکه قوی جهت تعالی و رشد انسان است. هر چند امامان معصوم (ع) معرفت نابی به خداوند و شایستگی پرستش دارند و خوف الهی در وجود آنان متفاوت با غیر معصومین است، چنانچه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خدا! من تو را پرستش نکردم از ترس آتش جهنم و پرستش نکردم به طمع بهشت، بلکه فقط تو را شایسته پرستش می‌بینم». در این ارتباط آیت الله جوادی آملی می‌گوید: «سالکانی که خدای سبحان را «خوفاً من النار» عبادت کرده و در محدوده خوف و طمع، کار و عبادت می‌کنند: «یدعون ربهم خوفاً وطمعاً» در وادی محبت قدم نخواهند گذاشت. دوستان خدا می‌دانند که خدای سبحان آنها را از دوزخ می‌رهاند و به بهشت می‌رساند؛ لیکن آنان خدا را برای این عطای معلوم عبادت نمی‌کنند» (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۲).

با وجود این، ادبیات موجود درباره معنویت مدیریتی با چند محدودیت مهم روبه‌رو است. نخست آنکه بخش قابل توجهی از این مطالعات در بسترهای غربی و عمدتاً با رویکردهای روان‌شناختی و سازمانی شکل گرفته‌اند و معنویت را بیشتر در قالب متغیرهایی چون معنا در کار، احساس تعلق، رفاه روان‌شناختی یا رهبری ارزش‌محور بررسی کرده‌اند؛ در نتیجه، ابعاد هنجاری، تربیتی و سلوکی معنویت، به‌ویژه در نسبت با سنت‌های دینی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Benefiel et al., 2014). دوم آنکه در بسیاری از این پژوهش‌ها، معنویت بیش از آنکه به‌صورت یک «الگوی زیست» فهم شود، به‌مثابه یک سازه فردی یا سازمانی برای بهبود عملکرد تفسیر شده است؛ از این‌رو، نسبت میان معنویت، خودسازی اخلاقی، سبک زندگی مدیریتی و مسئولیت در قبال قدرت عمومی به‌طور کافی تبیین نشده است.

در ادبیات داخلی نیز هرچند پژوهش‌هایی درباره اخلاق مدیریتی، مدیریت اسلامی، شایستگی‌های مدیران، سلامت اداری، ساده‌زیستی مسئولان و نیز معنویت در سازمان انجام شده است، اما این مطالعات غالباً در یکی از سه سطح باقی مانده‌اند: یا به بیان کلیات اخلاق اسلامی در مدیریت پرداخته‌اند، یا برخی فضایل فردی مدیران را به‌صورت پراکنده بررسی کرده‌اند، و یا رابطه معنویت با متغیرهای سازمانی را سنجیده‌اند. در نتیجه، کمتر پژوهشی کوشیده است «زیست معنوی مدیر» را به‌عنوان یک الگوی منسجم، چندبعدی و قابل استفاده در تربیت مدیران دولتی مفهوم‌پردازی و صورت‌بندی کند. افزون بر این، در بسیاری از مطالعات داخلی، مرز میان مفاهیمی مانند اخلاق، دینداری، تقوا، معنویت، زهد، ساده‌زیستی و تعهد مدیریتی به‌روشنی مشخص نشده و همین امر به نوعی پراکندگی مفهومی در ادبیات انجامیده است.

از سوی دیگر، مطالعات مربوط به مدیریت دولتی در ایران غالباً بر موضوعاتی همچون بهره‌وری، فساد اداری، شایسته‌سالاری، پاسخ‌گویی، سلامت نظام اداری و اصلاح ساختارها تمرکز داشته‌اند؛ با این حال، سهم ابعاد درونی و تربیتی مدیران در این مطالعات کمتر برجسته شده است. این در حالی است که در سازمان‌های دولتی، مدیر نه فقط یک تصمیم‌گیر فنی، بلکه حامل امانت عمومی، الگوی رفتاری، صاحب اختیار در تخصیص منابع و دارای نقش مستقیم در شکل‌دادن به اعتماد عمومی است. از این‌رو، فقدان یک چارچوب روشن درباره زیست معنوی مدیران می‌تواند موجب شود که ابعاد اخلاقی و معنوی مدیریت، در حد توصیه‌های کلی باقی بماند و به الگوی عملی و تربیتی تبدیل نشود.

نکته مهم دیگر آن است که دانش موجود درباره معنویت مدیریتی، به‌ویژه در بستر اسلامی، با نوعی دوگانگی یا ابهام نیز مواجه است. از یک سو، بر نقش معنویت در ارتقای سلامت اخلاقی، خودکنترلی، عدالت‌ورزی و خدمت‌گزاری تأکید می‌شود؛ اما از سوی دیگر، در عمل و حتی در برخی پژوهش‌ها، روشن نیست که این معنویت دقیقاً از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده، چگونه باید در زندگی و رفتار مدیر تجلی یابد، و چه شاخص‌هایی برای تشخیص آن وجود دارد. به بیان دیگر، ادبیات موجود غالباً بر «اهمیت معنویت» توافق دارد، اما در «صورت‌بندی مفهومی و عملیاتی» آن برای مدیران دولتی، به‌ویژه در چارچوبی بومی و مبتنی بر منابع اسلامی، هنوز دچار کمبود است.

در این میان، سیره علوی می‌تواند ظرفیت ویژه‌ای برای رفع این خلأ نظری داشته باشد. امام علی(ع) در سنت اسلامی صرفاً یک شخصیت اخلاقی یا عبادی نیست، بلکه الگوی حکومت‌داری، زمامداری، عدالت‌محوری، رعایت بیت‌المال، مردم‌داری، نظارت بر کارگزاران، زهد در قدرت و التزام عملی به ارزش‌های الهی نیز به شمار می‌آید. از همین رو، سیره علوی این امکان را فراهم می‌کند که معنویت نه به‌عنوان حالتی صرفاً درونی یا فردی، بلکه به‌مثابه شیوه‌ای از زیستن، تصمیم‌گیری، مسئولیت‌پذیری، مواجهه با قدرت، مصرف منابع عمومی و ارتباط با مردم فهم شود. این ویژگی، سیره علوی را از بسیاری از رویکردهای رایج در ادبیات معنویت سازمانی متمایز می‌سازد.

افزون بر این، بخش مهمی از ادبیات موجود یا بر «معنویت در محیط کار» تمرکز دارد یا بر «رهبری معنوی»، در حالی که موضوع «زیست معنوی مدیران دولتی» مستلزم توجه هم‌زمان به ساحت فردی، اخلاقی، سازمانی، اجتماعی و حکمرانی است. مدیر دولتی در موقعیتی قرار دارد که تصمیم‌ها و سبک زندگی او فقط پیامد شخصی ندارد، بلکه می‌تواند بر عدالت اداری، اعتماد عمومی، سلامت سازمانی و حتی مشروعیت نظام حکمرانی اثر بگذارد. بنابراین، برای تبیین زیست معنوی چنین مدیری، نمی‌توان تنها به الگوهای عام معنویت سازمانی اکتفا کرد؛ بلکه لازم است الگویی بومی، هنجاری و ریشه‌دار در منابع اسلامی تدوین شود که هم از نظر مفهومی منسجم باشد و هم قابلیت الهام‌بخشی در تربیت مدیران را داشته باشد.

بر این اساس، خلأ اصلی در دانش موجود را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

نخست، نبود یک الگوی بومی و منسجم برای تبیین زیست معنوی مدیران دولتی در بستر جمهوری اسلامی ایران؛

دوم، غلبه نگاه‌های کلی، انتزاعی و توصیه‌ای بر مطالعات موجود و فقدان صورت‌بندی کاربردی از مؤلفه‌های زیست معنوی؛

سوم، کم‌توجهی به ظرفیت سیره علوی به‌عنوان منبعی جامع برای استخراج ابعاد معنوی، اخلاقی و رفتاری مدیریت؛

و چهارم، نبود مدلی که بتواند میان خودسازی فردی مدیر، مسئولیت سازمانی او و الزامات حکمرانی عمومی پیوند برقرار کند.

از این منظر، انجام پژوهش حاضر ضروری است؛ زیرا می‌کوشد با رجوع نظام‌مند به سیره علوی، الگوی زیست معنوی مدیران سازمان‌های دولتی را استخراج و مفهوم‌پردازی کند؛ الگویی که نه صرفاً مجموعه‌ای از فضایل اخلاقی پراکنده، بلکه چارچوبی منسجم برای تربیت، ارزیابی و هدایت مدیران در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران باشد.

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

در دنیای معاصر، سازمان‌های دولتی به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای خدمت‌رسان عمومی، نقشی تعیین‌کننده در تحقق عدالت، اعتماد اجتماعی، کارآمدی نظام اداری و رضایت شهروندان ایفا می‌کنند. در چنین فضایی، مدیران این سازمان‌ها صرفاً مجریان قوانین و مقررات نیستند، بلکه با نوع نگرش، شیوه تصمیم‌گیری، سبک رفتار و نظام ارزشی خود، جهت‌گیری اخلاقی و انسانی سازمان را نیز شکل می‌دهند. از این رو، هرگونه ضعف در بنیان‌های اخلاقی، معنوی و ارزشی مدیران می‌تواند پیامدهایی همچون کاهش سلامت اداری، تضعیف مسئولیت‌پذیری، گسترش منفعت‌طلبی فردی، کاهش اعتماد عمومی و فاصله گرفتن نظام مدیریتی از اهداف متعالی خود را در پی داشته باشد. بر این اساس، توجه به «زیست معنوی» مدیران، به‌ویژه در سازمان‌های دولتی، یک ضرورت اساسی و انکارناپذیر به شمار می‌آید.

ضرورت این پژوهش از آنجا برجسته‌تر می‌شود که بخش قابل توجهی از الگوها و نظریه‌های موجود در حوزه مدیریت، رهبری و معنویت سازمانی، عمدتاً برگرفته از مبانی نظری و فرهنگی غربی‌اند. هرچند برخی از این دیدگاه‌ها در تبیین رابطه معنویت و کارآمدی سازمانی مفید بوده‌اند، اما به دلیل تفاوت در مبانی انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی و غایت‌شناختی، لزوماً قابلیت انطباق کامل با جامعه اسلامی ایران را ندارند. در جامعه‌ای که ساختار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن مبتنی بر آموزه‌های دینی و ارزش‌های اسلامی است، بهره‌گیری از الگوهای بومی و برآمده از منابع اصیل اسلامی، ضرورتی علمی و کاربردی دارد. از این منظر، طراحی الگویی از زیست معنوی که بر پایه سیره علوی استوار باشد، می‌تواند خلأ موجود در ادبیات مدیریت بومی و اسلامی را تا حد زیادی جبران کند.

اهمیت این پژوهش همچنین از جایگاه ممتاز سیره علوی در اندیشه اسلامی ناشی می‌شود. سیره مدیریتی و حکمرانی امیرالمؤمنین امام علی (ع) در متونی همچون نهج البلاغه و غررالحکم، یکی از

غنی‌ترین و اصیل‌ترین منابع برای فهم نسبت میان معنویت، اخلاق و مدیریت است. در این سیره، مدیریت نه ابزاری برای سلطه، بلکه امانتی الهی برای اقامه حق، اجرای عدالت، صیانت از حقوق مردم و خدمت خالصانه به جامعه تلقی می‌شود. بنابراین، بازخوانی و صورت‌بندی علمی این آموزه‌ها در قالب یک الگوی مفهومی، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای اندیشه مدیریت اسلامی و ارائه چارچوبی قابل استفاده برای مدیران سازمان‌های دولتی باشد.

از سوی دیگر، اهمیت این پژوهش به شرایط خاص نظام اداری کشور نیز بازمی‌گردد. مدیران در سازمان‌های دولتی با موقعیت‌هایی مواجه‌اند که در آن‌ها امکان بروز تعارض منافع، سستی در انجام وظیفه، کم‌دقتی در بیت‌المال، کاهش پاسخ‌گویی و فاصله گرفتن از روح خدمت‌رسانی وجود دارد. در چنین شرایطی، صرف تکیه بر قوانین بیرونی و نظام‌های کنترلی رسمی کافی نیست؛ بلکه آنچه می‌تواند ضامن پایداری سلامت اداری و رفتار مسئولانه مدیران باشد، وجود نوعی خودکنترلی درونی و تعهد معنوی است. زیست معنوی، در این معنا، به‌عنوان یک سازوکار درونی تنظیم رفتار، نقش مهمی در هدایت مدیر به سوی درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دقت در امور، اخلاص در عمل و پاسخ‌گویی در برابر خداوند و مردم ایفا می‌کند. از این‌رو، تبیین مؤلفه‌های این زیست معنوی بر اساس سیره علوی، از اهمیت فراوانی برای بهبود عملکرد مدیریتی و سلامت نظام اداری برخوردار است.

اهمیت دیگر این پژوهش در بعد نظری و دانشی آن است. اگرچه درباره اخلاق مدیریتی، معنویت در سازمان، رهبری اخلاقی و مدیریت اسلامی پژوهش‌هایی انجام شده است، اما پژوهش‌هایی که به‌طور مشخص و نظام‌مند، «زیست معنوی مدیران» را با اتکا به سیره علوی مفهوم‌سازی و مدل‌سازی کرده باشند، محدود است. این پژوهش می‌کوشد با استفاده از روش تحلیل مضمون و استخراج مضامین از منابع معتبر اسلامی، ابعاد و مؤلفه‌های زیست معنوی مدیران را شناسایی و در قالب الگویی منسجم ارائه کند. از این حیث، پژوهش حاضر می‌تواند به غنای ادبیات نظری در حوزه مدیریت اسلامی، مدیریت دولتی و مطالعات معنویت سازمانی کمک کند و زمینه‌ساز پژوهش‌های تکمیلی در این عرصه باشد.

همچنین، اهمیت کاربردی این تحقیق بسیار قابل توجه است. نتایج این پژوهش می‌تواند برای نهادهای سیاست‌گذار، مراکز آموزش مدیریت، سازمان امور اداری و استخدامی، و نیز مدیران و برنامه‌ریزان منابع انسانی در دستگاه‌های دولتی سودمند باشد. الگوی به‌دست‌آمده می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای بازنگری در معیارهای انتخاب و انتصاب مدیران، طراحی دوره‌های آموزشی مبتنی بر اخلاق و معنویت، ارزیابی شایستگی‌های مدیریتی، و تقویت فرهنگ سازمانی مبتنی بر مسئولیت، عدالت و خدمت قرار گیرد. بدین ترتیب، این پژوهش تنها واجد ارزش نظری نیست، بلکه می‌تواند در سطح سیاست‌گذاری و عمل نیز راهگشا باشد.

بر پایه آنچه گفته شد، انجام این پژوهش از یک‌سو به دلیل خلأ الگوهای بومی و اسلامی در حوزه زیست معنوی مدیران، و از سوی دیگر به سبب نیاز مبرم نظام اداری کشور به مدیرانی متعهد، مسئول، دقیق، صادق و برخوردار از خودکنترلی معنوی، ضرورتی جدی دارد. بنابراین، پژوهش حاضر با تمرکز بر

سیره علوی و استخراج ابعاد زیست معنوی مدیران سازمان‌های دولتی ایران، تلاشی در جهت پاسخ‌گویی به یک نیاز واقعی در عرصه دانش و عمل مدیریتی کشور به شمار می‌آید.

## ۲. بحث

### ۲-۱. روش تحقیق

به‌طور خلاصه با توجه به فرایند پژوهش<sup>۱</sup> می‌توان گفت که این تحقیق از لحاظ فلسفه‌های پژوهش<sup>۲</sup>، تفسیری است. رویکرد این پژوهش هم استقرایی است و از راهبرد پژوهشی تحلیل مضمون نیز استفاده شده است که یکی از راهبردهای پژوهش‌های کیفی به‌شمار می‌رود. لازم به ذکر است که نوع این پژوهش نیز اکتشافی است. در چنین پژوهش‌هایی که به‌طور عمده اکتشافی و به دنبال ساخت مفاهیم، الگوها و چارچوب‌ها است، اغلب یافته‌های نهایی از پیش معلوم نیست، بر این اساس و با توجه به مبتنی بودن آن بر استنباطات عقلی و تحلیلی در هر مرحله از تحقیق از روش‌های زیر استفاده به عمل خواهد آمد:

- در مرحله اول جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. پیشینه تحقیق مورد توجه قرار گرفته و ادبیات علمی موضوع مورد واکاوی قرار گرفته است.
- در مرحله دوم سیره پژوهی انجام و تلاش شده با مطالعه و غور در کتاب‌های سیره امیرالمؤمنین (ع) و پژوهش‌هایی که در این حوزه صورت گرفته است از یک سو و از سوی دیگر با مراجعه مستقیم به دو کتاب گرانقدر نهج‌البلاغه و غررالحکم و دررالکلم، بیانات حضرت با روش تحلیل مضمون مورد تحلیل قرار گیرد و مضامین مرتبط با موضوع پژوهش استخراج شود.
- در مرحله سوم الگوی نهایی پژوهش با استفاده توزیع پرسشنامه و کسب نظر صاحب‌نظران و جمع‌بندی آن، استخراج و تدوین نهایی شده است. پرسشنامه در میان ۱۵ نفر از خبرگان حوزه مدیریت اسلامی و مطالعات نهج‌البلاغه توزیع شد و نتایج نشان داد که اکثر مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی از نظر خبرگان دارای میزان توافق بالا هستند. در این پرسشنامه، از خبرگان خواسته شد میزان اهمیت و تناسب هر یک از مؤلفه‌های الگوی زیست معنوی مدیران را بر اساس طیف لیکرت ارزیابی کنند و در صورت لزوم پیشنهادهای اصلاحی خود را ارائه دهند. نتایج حاصل از دیدگاه‌های خبرگان مورد جمع‌بندی قرار گرفت و بر اساس آن، الگوی نهایی پژوهش اصلاح و تدوین شد.
- تحلیل مضمون، فرایند شناسه‌گذاری اطلاعات کیفی است. مضمون یا تم<sup>۳</sup>، بیانگر موضوع مهمی در داده‌ها در زمینه سؤالات تحقیق است و تا حدی معنی و مفهوم الگوی مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. از کنار هم قرار گرفتن مضامین متعدد، شبکه مضامین شکل می‌گیرد. تحلیل مضمون به دنبال استخراج مضمون‌های برجسته متن در سطوح مختلف است. شبکه مضامین نیز به دنبال

1. Research Procces Onion

2. Research philosophies

3. Theme

آسان‌سازی ساختاردهی و ترسیم این مضمون‌ها است. این شبکه بر اساس روشی مشخص، این مضمون‌ها را نظام مند می‌کند:

الف. مضمون‌های پایه (شناسه‌ها و نکات کلیدی متن)،

ب. مضمون‌های سازمان‌دهنده (مقولات به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضمون‌های پایه)،

ج. مضمون‌های فراگیر (مضمون‌های عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان کل)؛

سپس این مضمون‌ها را به صورت نقشه‌های شبکه وب رسم می‌کند.

مضمون‌هایی که با روش تحلیل مضمون استخراج می‌شود، باید با روشی به الگویی علمی تبدیل

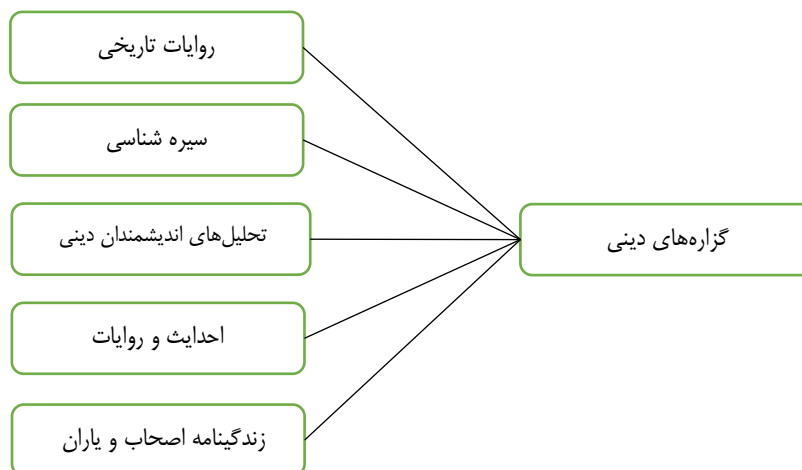
شود.

در تحلیل بیانات امیرالمؤمنین(ع) چند نکته قابل تأمل است:

اول) در سیره حضرت می‌توان دو دسته نظام را از یکدیگر جدا کرد: اول نظام تربیتی و زیست معنوی عمومی که هر انسانی که مؤمن است برای تربیت شدن باید قواعد آن را رعایت کند. نظام دوم خاصتر است و به نظام تربیتی و زیست معنوی کارگزاران حکومت اسلامی مربوط می‌شود. هرچند نظام تربیت کارگزاران می‌تواند بر نظام تربیت عمومی جامعه مبتنی باشد در این پژوهش تنها به نکات تربیتی اختصاصی کارگزاران توجه شده است.

دوم) در بررسی روایات، تنها مواردی تحلیل شده است که مرتبط با کارگزاران است. در جستجوی این نوع موارد نیز بیشتر به بررسی بیانات حضرت در تعامل با حاکمان خویش پرداخته ایم. در روایات نیز آنها که به تبیین احوال و ویژگی‌های مثبت و منفی حاکمان مربوط می‌شود، مورد بررسی بیشتری قرار گرفته است.

سوم) آنچه تحت عنوان منابع قابل مطالعه برای استخراج موضوعات مربوط به این پژوهش قابل ذکر است در حوزه سیره پژوهی در یک دسته‌بندی به شکل زیر قابل ارائه است:



شکل ۱. دسته‌بندی گزاره‌های دینی قابل بررسی در ارتباط با موضوع پژوهش

- روایات تاریخی عبارت است از گزاره‌هایی که در کتاب‌های تاریخی از احوال بزرگان دینی درج شده است. بدیهی است این گزاره‌ها به خودی خود قابل اتکا نیست و در صورت تحلیل و برقراری ارتباط بین آنها و دیگر گزاره‌های مربوط به پژوهش میتوان از نتایج آنها بهره برد. روش گردآوری داده‌ها در این دسته منابع مطالعات اسنادی بوده و روش تحلیل نیز استنباط تاریخی است. در این پژوهش گزاره‌های تاریخی از منابع دست دوم ذکر شده است. کتاب‌هایی که در تبیین زندگینامه‌های معصومین(ع) یا شرح نهج‌البلاغه نگارش شده است از این نوع گزاره‌ها بسیار در خود دارد. با عنایت به اینکه این گزاره‌ها از جنس نقل تاریخی است، می‌توان غیر از استنباط نگارنده، گونه‌ای دیگر استنباط کرد و در محل مناسب پژوهش از آنها استفاده کرد.
  - کتاب‌هایی که با عنوان سیره ائمه معصوم یا شرح زندگی نگاشته شده است. به سیره یا سبک رفتاری و زندگی مربوط می‌شود. سیره، ترکیب قول و فعل و تقریر معصوم(ع) در کنار یکدیگر است که بر جمع این موارد و در کنار یکدیگر قرار دادن آنها دلالت دارد. سیره در کنار این سه عامل، عامل تداوم زمانی را نیز با خود همراه دارد. در این پژوهش تلاش شده است تا این نگاه مبنای مطالعه قرار گیرد. این نوع تحلیل جامع، که به بررسی مجتهدانه دین‌شناسان نیاز دارد در زندگی معصومین(ع) متأسفانه کم‌رنگ است. آنچه تحت عنوان سیره در کتاب‌های مختلف ذکر شده نیز با این تحلیل تطبیق ندارد و عموماً به تجمیع روایات و احادیث در کنار یکدیگر با تحلیلی غیر عمیق بسنده شده است.
- دو کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه و غررالحکم و دررالکلم در این پژوهش منبع اصلی بوده است. روایات و احادیث این دو کتاب ارزشمند در این قالب از یکدیگر جدا شده است: خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار در این پژوهش مبتنی بر نکات یاد شده کتاب‌های تاریخی و شرح حال اصحاب حضرت با دقت مورد مطالعه قرار گرفت. از آنجا که کتاب‌های خوبی در تحلیل وضعیت اصحاب حضرت و برخی تعاملات آنان با حضرت نگاشته شده، استنباط اولیه‌ای از سیره بدین شکل صورت گرفته است. کتاب‌هایی از جمله: سیمای کارگزاران علی‌ابیطالب امیرالمؤمنین(ع)، اصحاب امام علی(ع)، موسوعه سیره اهل‌بیت(ع)، خاطرات امام علی(ع)، شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، اسوه‌های مدیریت و فرماندهی(زیست‌نامه فرماندهان صدر اسلام)، نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت(ع) و... که در مجموع بیش از ۱۴۰۰۰ صفحه مطالعه و از آنها فیش‌برداری شده است. استنباطات این حوزه به گزاره‌ها و تحلیل‌های این کتاب‌ها و برخی تحلیل‌های پژوهشگر مستند است. همچنین بیانات امیرالمؤمنین(ع) در دو کتاب گراندقدر نهج‌البلاغه و غررالحکم و دررالکلم به طور کامل بررسی و سخنان آن حضرت در باب تربیت کارگزاران حکومتی مورد بررسی قرار گرفته و احادیث مرتبط جدا و تحلیل شده است. در ادامه نیز نتایج مطالعات تاریخی و تحلیل سخنان حضرت در یکدیگر ادغام، و در قالب الگوی مفهومی اولیه برای تربیت کارگزاران ارشد تدوین شده است.



## ۲-۲. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در این بخش را می‌توان در دو بخش کلی جای داد: اول یافته‌های حاصل از بررسی سیره امیرالمؤمنین علیه السلام و نتایج تحلیل بیانات حضرت و دوم ارائه نتایج این مطالعه به صاحب‌نظران و گرفتن و تحلیل نظر آنان در زمینه مؤلفه‌های تربیت مدیران ارشد و ساخت الگوی مورد نظر پژوهش مبتنی بر آنها.

این یافته‌ها در قالب چهار محور تحلیل شده است: محور اول به گزاره‌های کتاب‌های تاریخی و سیره‌پژوهی مربوط است. محور دوم به تحلیل مضمون خطبه‌های نهج‌البلاغه مربوط است. محور سوم تحلیل مضمون نامه‌های حضرت را مورد توجه قرار داده است و در محور چهارم استنباط از کلمات قصار در غررالحکم و دررالکلم مورد توجه قرار گرفته است.

- تحلیل سیره پژوهانه: از مجموع بیش از ۲۰ جلد کتاب مطالعه شده در حوزه سیره و تاریخ حکومت امیرالمؤمنین(ع) با توجه به جهت‌گیری پژوهش ۱۲۶ عبارت کلیدی (شناسه) که به نوعی به چگونگی برخوردهای تربیتی حضرت اشاره کرده استخراج شده و از تأمل بر این ۷۱ شناسه، ۲۶ مضمون و اصل قابل اتکا استنباط شده که در رفتار حضرت و نگاه ایشان ملاک عمل قرار گرفته است. این ۲۶ مضمون در تحلیل نهایی در مقایسه با دیگر محورهای چهارگانه قرار گرفته و الگوی نهایی از آن استخراج شده است.

- تحلیل خطبه‌های نهج‌البلاغه: از مجموع خطبه‌های نهج‌البلاغه با توجه به جهت‌گیری پژوهش ۴۲ شناسه استخراج شده که به نوعی به چگونگی برخوردهای تربیتی حضرت اشاره کرده است از تأمل بر این ۴۲ شناسه ۱۵ مضمون قابل اتکا استنباط شده که در بیان حضرت و نگاه ایشان ملاک عمل تربیت مدیران ارشد قرار گرفته است. این ۲۵ مضمون در تحلیل نهایی در مقایسه با دیگر محورهای چهارگانه قرار گرفته و الگوی نهایی از آن استخراج شده است. به عنوان مثال در خطبه ۲۲۴ نهج‌البلاغه، امیرالمؤمنین(ع) در پاسخ به پیشنهاد استفاده از اموال عمومی برای تثبیت قدرت سیاسی می‌فرماید:

«وَاللّٰهُ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِیْمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَآكِهَا عَلٰی اَنْ اَعْصِيَ اللّٰهُ فِی نَمَلَةٍ اَسْلُبَهَا جَلْبَ شَعِیْرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ.»

در این گزاره، چند شناسه اولیه استخراج شد؛ از جمله:

پرهیز از ظلم حتی در کوچک‌ترین موارد، تقوای سیاسی، امانت‌داری در بیت‌المال، و مسئولیت‌پذیری در برابر خداوند.

از تجمیع این شناسه‌ها، مضمون پایه «تقوای مدیریتی و امانت‌داری در قدرت» استخراج شد که در مرحله بعد در ذیل مضمون سازمان‌دهنده «خوف الهی و مسئولیت‌پذیری در برابر خداوند» قرار گرفت.

- تحلیل نامه‌های نهج‌البلاغه: از مجموع نامه‌های نهج‌البلاغه با توجه به جهت‌گیری پژوهش ۶۸ شناسه استخراج شد که به نوعی به چگونگی برخوردهای تربیتی حضرت اشاره کرده است. از تأمل بر این

۶۸ شناسه ۲۵، مضمون قابل اتکا استنباط شده که در بیان حضرت و نگاه ایشان ملاک زیست معنوی مدیران ارشد قرار گرفته است. این ۲۵ مضمون در تحلیل نهایی در مقایسه با دیگر محورهای چهارگانه قرار گرفته و الگوی نهایی از آن استخراج شده است. شایان ذکر است عمده نکات قابل ذکر و تحلیل در سه نامه حضرت به امام مجتبی(ع)، که در حکم وصیت به ایشان است، نامه ۴۵ نهج البلاغه خطاب به عثمان بن حنیف، امیرالمؤمنین(ع) پس از آگاهی از حضور او در مهمانی اشرافی می‌فرمایند:

«أَفْتَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدُّهْرِ.»

در این عبارت، شناسه‌هایی مانند:

همدلی با محرومان، پرهیز از اشرافی‌گری، ساده‌زیستی حاکم، و مسئولیت اجتماعی مدیر استخراج شد. از ترکیب این شناسه‌ها، مضمون پایه «ساده‌زیستی و همدلی با مردم» شکل گرفت که در تحلیل نهایی در ذیل مضمون سازمان‌دهنده «اطعام و توجه به محرومان» قرار گرفت.

- تحلیل کلمات قصار: از مجموع کلمات قصار غررالحکم و دررالکلم و نهج البلاغه با توجه به جهت‌گیری پژوهش ۳۴ شناسه استخراج شد که به نوعی به چگونگی برخوردهای تربیتی حضرت اشاره کرده است. از تأمل بر این ۳۴ شناسه، ۱۸ مضمون قابل اتکا استنباط شده که در بیان حضرت و نگاه ایشان ملاک زیست معنوی مدیران ارشد قرار گرفته است. این ۱۸ مضمون در تحلیل نهایی در مقایسه با دیگر محورهای چهارگانه قرار گرفته و الگوی نهایی از آن استخراج شده است. در حکمت ۲۳۷ نهج البلاغه آمده است:

«طَوَيْتُ لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ وَعِلْمَهُ.» از این گزاره، شناسه‌هایی مانند: خلوص نیت در عمل، پرهیز از ریا، جهت‌گیری الهی در رفتار، و صداقت در عمل استخراج شد. در مرحله تحلیل، این شناسه‌ها در قالب مضمون پایه «اخلاص در عمل» طبقه‌بندی شد و در سطح بالاتر در ذیل مضمون سازمان‌دهنده «اخلاص به عنوان محور زیست معنوی مدیران» قرار گرفت. در غررالحکم آمده است:

«مَنْ كَثُرَ ذِكْرُهُ لِلْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيُسْرِ.»

در تحلیل این گزاره، شناسه‌هایی همچون:

یاد مرگ، بی‌اعتنایی به دنیا، کنترل تمایلات مادی، و توجه به آخرت استخراج شد.

- از ترکیب این شناسه‌ها، مضمون پایه «معادباوری و زهد در قدرت» شکل گرفت که در تحلیل نهایی در ذیل مضمون سازمان‌دهنده «معادباوری به عنوان سازوکار خودکنترلی مدیران» قرار گرفت.

تحلیل نهایی: در مجموع ۲۱۵ شناسه و ۸۲ مضمون که از چهار محور به دست آمده در مقایسه‌ای تحلیلی در کنار یکدیگر قرار گرفته و تلاش شده است از این مقایسه، مضمون‌های سازمان‌دهنده الگوی تربیتی و معنوی حضرت استخراج شود. طبیعی است بخشی از مضمون‌ها در هر یک از محورهای مشابه یکدیگر است که با ادغام آنها در نهایت ۴۷ مضمون نهایی ایجاد شد. در جدول ذیل مضمون‌های مرتبط در کنار یکدیگر قرار داده، و موارد مشترک در هم ادغام، و نشان داده شده که هر دسته از مضمون‌ها از

کدامیک از محورهای تحلیل استخراج و استنباط شده است. همچنین تلاش شده است برای هر دسته از مضمون‌ها یک مضمون کلیدی تر پیدا شود که این مضمون کلیدی گزینه اصلی جانمایی در الگوی نهایی است.

جدول ۱. مقایسه و استخراج مضمون‌های کلیدی

| ردیف | منبع تحلیل                               |          |                               | مضمون                 | مضمون کلیدی                                                                                                                                                                                |
|------|------------------------------------------|----------|-------------------------------|-----------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|      | سیره پژوهی                               | خطبه‌ها  | نامه‌ها                       | کلمات قصار            |                                                                                                                                                                                            |
| ۱    | ۳۰                                       |          | ۱، ۲۱، ۳۶، ۶۴                 |                       | نهی از دنیا طلبی مدیران                                                                                                                                                                    |
| ۲    | ۱۷، ۲۲، ۶۴، ۸۷، ۷۳                       | ۱، ۴، ۲۲ | ۲، ۲۴، ۸۴، ۹۴                 | ۳۸                    | الگو بودن مدیران برای کارکنان، اسوه بودن در عمل به دستورات خود، مدیر به عنوان مربی عمل می‌کند، نقش شخصیت مدیر و ویژگی‌های وی در تربیت کارکنان، الگو و اسوه بودن مدیران در سطح و نحوه زندگی |
| ۳    | ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۴۳، ۵۰، ۵۶، ۳۷               | ۱۲       | ۳، ۸، ۴۸                      |                       | حساسیت نسبت به بیت‌المال                                                                                                                                                                   |
| ۴    |                                          |          | ۳، ۳۲، ۴۹، ۵۰، ۶۲، ۶۴، ۸۸، ۹۷ | ۳، ۲۹                 | مرگ آگاهی و یاد قیامت، آخرتگرایی                                                                                                                                                           |
| ۵    | ۱۲۰، ۱۱۱، ۹۶۶                            | ۲۳       | ۵۷، ۵۰، ۳۵، ۱۲۳، ۳۳           | ۱، ۲۹، ۴۰             | ابتلا و آزمایش و نقش آن در تربیت، مبتلا شدن مدیر به مردم خود، ابتلا ابزاری برای سنجش و دادن مسئولیت‌های بزرگ، خودارزیابی                                                                   |
| ۶    | ۳۹، ۷۳، ۴، ۴۹، ۴۴، ۴۱، ۱۰۴، ۹۱، ۱۲۵، ۱۲۰ |          | ۴۸، ۸۷، ۱۳۲، ۱۹، ۲۹           |                       | نظارت دقیق بر رفتار و احوال مدیران ارشد، نظارت بر احوال مدیران به صورت عمومی و مردمی، نظارت دقیق و ارزیابی عملکرد، نظارت دقیق و محاسبه و مطالبه پاسخگویی                                   |
| ۷    |                                          |          | ۳۳، ۳۵، ۵۶، ۶۹                | ۵، ۱۴، ۱۹، ۱۶، ۲۰، ۴۱ | رویارویی با سختیها و صبر و استقامت، داشتن عزم                                                                                                                                              |

|    |                         |                            |                                                                                                                                                                                                                            |                     |
|----|-------------------------|----------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------|
| ۸  | ۶، ۳۰، ۳۸، ۳۴، ۵۷، ۷۲   | ۹، ۱۰، ۶۸، ۲۹، ۳۹، ۷۹، ۱۱۱ | رعایت حد کفاف در زندگی و معیشت روزانه، مدیر ارشد نباید تمام هم و غمش رزقش باشد، حد کفاف برای وی کفایت می‌کند، رزق حلال، تأمین رزق از محل درآمدهای شخصی حاکم، تأمین رزق و معاش مدیران از محل بیت‌المال و به میزان مردم عادی | رزق و معیشت         |
| ۹  | ۱۰، ۵۵، ۴۵              | ۷، ۱۷، ۹۲، ۱۰۰، ۱۱۶، ۱۱۷   | توجه به محرومان، توجه به مظلومان جامعه، قراردادن وقت مشخص برای رسیدگی به احوال فقرا و محرومان و توجه ویژه به یتیمان                                                                                                        | توجه به محرومان     |
| ۱۰ | ۲۶، ۱۶، ۴۴، ۴۷، ۳۷، ۱۰۵ | ۷، ۹، ۱۱، ۱۶، ۳۸، ۳۵، ۵۹   | مواسات با مردم، خیرخواهی برای مردم، ساده زیستی و پرهیز از اشرافیگری، مردم‌داری، مبارزه با تضاد طبقاتی مأموریت اصلی حاکم جامعه، حق‌پذیری ویژگی اصلی مدیران ارشد، انتقادپذیری و داشتن گوش شنوا برای شنیدن عیوب شخصی و کاری   | مواسات و ساده‌زیستی |
| ۱۱ | ۱۸، ۲۷، ۵۷              | ۱۲، ۴۸، ۶۸، ۹۸             | امانت دانستن مسئولیت، امانت‌دار دانستن حاکم در برابر بیت المال، عدم تلاش برای برعهده گرفتن مدیریت و حرص نداشتن به آن                                                                                                       | امانت دانستن مدیریت |
| ۱۲ | ۲۴، ۶۹، ۱۲۰، ۱۲۵        | ۸۵                         | حسابرسی دقیق مالی، گزارشگری منظم از حوزه تحت مسئولیت                                                                                                                                                                       | حسابرسی مالی        |

این ۴۷ مضمون کلیدی در مقایسه زوجی و چندگانه با یکدیگر قرار گرفته و براساس میزان شباهت‌های هر یک با دیگر مضمون‌ها، دسته‌بندی نهایی صورت گرفت.

اولین دسته از مضمون‌های کلیدی به داشتن صبر و تحمل بالا تأکید دارند. در این دسته مواردی مانند رعایت حد کفاف در زندگی و معیشت روزانه، مدیر ارشد نباید تمام هم و غمش رزقش باشد، حد کفاف برای وی کفایت می‌کند، رزق حلال، تأمین رزق از محل درآمدهای شخصی حاکم، تأمین رزق و معاش مدیران از محل بیت‌المال و به میزان مردم عادی، رویارویی با سختیها و صبر و استقامت، داشتن عزم قرار دارند. داشتن صبر و تحمل بالا باعث می‌شود مدیران در سختی‌ها کمتر دچار لغزش شوند.

دومین دسته از مضمون‌های کلیدی تحت عنوان وفا به عهد و مسئولیت‌پذیری آورده شده است. می‌توان این دسته را مهمترین مضمون سازمان‌دهنده این الگو تلقی کرد. مدیر بیشترین و ویژه‌ترین نقش را در سازمان‌های دولتی که متکی بر هزینه کرد بیت‌المال هستند دارند. عملکرد مدیران و روش‌ها و سبک‌هایی که به کار می‌برند، مستقیماً بازتاب‌کننده جایگاه ویژه آنها در حکومت اسلامی است. امانت دانستن مسئولیت، امانت‌دار دانستن مدیر در برابر بیت المال، عدم تلاش برای برعهده گرفتن مدیریت و حرص نداشتن به آن، حساسیت نسبت به بیت‌المال، الگو بودن مدیران برای کارکنان، اسوه بودن در عمل به دستورات خود، مدیر به عنوان مربی عمل می‌کند، نقش شخصیت مدیر و ویژگی‌های وی در تربیت کارکنان، الگو و اسوه بودن مدیران در سطح و نحوه زندگی از جمله مهمترین عوامل مؤثر بر این دسته هستند.

سومین دسته از مضمون‌های کلیدی تحت عنوان حسابگر و دقیق طبقه‌بندی شده‌اند. مدیر سازمان باید نسبت به هزینه‌کردهای خود و سازمان حساس باشد چرا که در سازمان‌های دولتی این هزینه‌ها از بیت‌المال تأمین می‌شود و این امر باعث می‌شود این سازمان‌ها بیشتر تحت نظارت مردم باشند. نظارت دقیق بر رفتار و احوال مدیران ارشد، نظارت بر احوال مدیران به صورت عمومی و مردمی، نظارت دقیق و ارزیابی عملکرد، نظارت دقیق و محاسبه و مطالبه پاسخگویی، حسابرسی دقیق مالی، گزارش‌گیری منظم از حوزه تحت مسئولیت از مهمترین عوامل مؤثر بر این دسته هستند.

چهارمین دسته از مضمون‌های کلیدی به اخلاص و مردم‌داری اشاره دارند. مدیران در فضای تعامل با دیگران و ارتباطات اجتماعی ظرفیت‌های خویش را می‌شناسد و برای به فعلیت رسانیدن آنها برنامه‌ریزی می‌کند. ربط مدیر با مردم در چگونگی زندگی خود و تطبیق آن با زندگی آنان در چشم‌پوشی از عیوب مردم و مدارا کردن با آنها که بسیار مورد توجه حضرت است در مردمی بودن و حضور بین مردم و در خدمت به مردم و محرومان جامعه و ایتم خود را نشان می‌دهد.

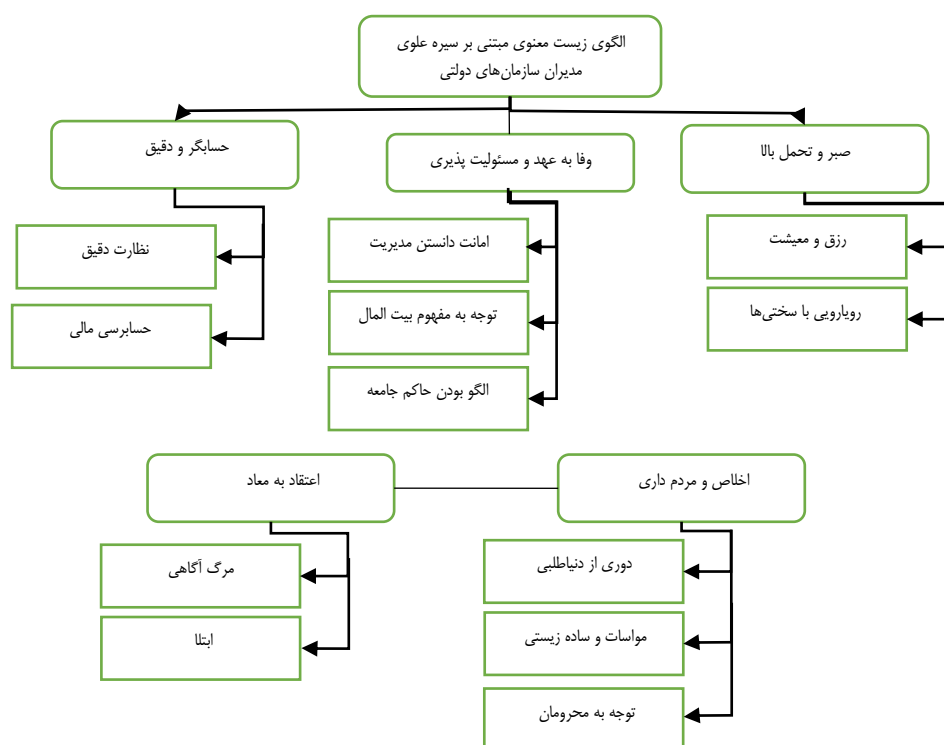
پنجمین دسته از مضمون‌های کلیدی تحت عنوان اعتقاد به معاد دسته‌بندی شده‌اند. مرگ آگاهی و یاد قیامت، آخرت‌گرایی، ابتلا و آزمایش و نقش آن در تربیت، مبتلاشدن مدیر به مردم خود، ابتلا ابزاری برای سنجش و دادن مسئولیت‌های بزرگ، خودارزیابی از مهمترین مضمون‌های کلیدی در این دسته هستند.

جدول ۲. چگونگی تولید مضمون‌های اصلی از مضمون‌های کلیدی

| مضمون‌های اصلی             | مضمون‌های کلیدی         | میزان تکرار مضمون‌ها |
|----------------------------|-------------------------|----------------------|
| صبر و تحمل بالا            | رزق و معیشت             | ۱۴                   |
|                            | رویارویی با سختی‌ها     | ۱۰                   |
| وفا به عهد و مسئولیت‌پذیری | امانت دانستن مدیریت     | ۷                    |
|                            | توجه به مفهوم بیت المال | ۱۲                   |
|                            | الگو بودن حاکم جامعه    | ۱۳                   |

|    |                    |                   |
|----|--------------------|-------------------|
| ۱۶ | نظارت دقیق         | حسابگر و دقیق     |
| ۵  | حسابرسی مالی       |                   |
| ۵  | دوری از دنیاطلبی   | اخلاص و مردم داری |
| ۱۶ | مواست و ساده زیستی |                   |
| ۹  | توجه به محرومان    |                   |
| ۱۴ | مرگ آگاهی          | اعتقاد به معاد    |
| ۱۳ | ابتلا              |                   |

با توجه به مطالب ارائه شده در زیر الگوی زیست معنوی مبتنی بر سیره علوی مدیران سازمان‌های دولتی ایران آورده شده است:



شکل ۲. الگوی زیست معنوی مبتنی بر سیره علوی مدیران سازمان‌های دولتی

### ۳. نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال پژوهش، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که الگویی زیست معنوی مبتنی بر سیره علوی که مدیران در دوران حکومت‌داری خود باید به کار بگیرند، دارای ۵ مفهوم صبر و تحمل بالا، وفای

به عهد و مسئولیت‌پذیری، حسابگر و دقیق، اخلاص و مردم‌داری و اعتقاد به معاد (معادباوری) می‌باشد. هر یک از این مفاهیم از زیرمؤلفه‌های مربوط به خود برخوردار است که توجه به آنها، اصول و ابعاد زیست معنوی مدیران را شکل می‌دهد.

مفهوم دولت‌مداری و مدیریت ارکان دولتی یکی از مفاهیم جدید در حوزه سازمان و مدیریت است. در ادبیات غربی، پژوهش‌های مربوط به معنویت در مدیریت عمدتاً در چند مسیر اصلی توسعه یافته‌اند: نخست، رویکرد «معنویت در محیط کار» که بر تجربه معنا، حس تعلق، همسویی ارزش‌های فرد و سازمان و پیامدهایی چون رضایت شغلی و تعهد سازمانی تمرکز دارد (Ashmos & Duchon, 2000; Giacalone & Jurkiewicz, 2003; Milliman, Czaplewski, & Ferguson, 2003; Rego & Cunha, 2008). دوم، رویکرد «رهبری معنوی» که معنویت را در پیوند با انگیزش، چشم‌انداز، نوع‌دوستی و تعهد سازمانی تحلیل می‌کند (Fry, 2003; Fry & Nisiewicz, 2013; Benefiel, Fry, & Geigle, 2014). سوم، مطالعات مربوط به اخلاق، ارزش‌مداری و رهبری اخلاقی در مدیریت و اداره عمومی که مفاهیمی چون خدمت عمومی، پاسخگویی، اعتماد عمومی، و مسئولیت اخلاقی مدیران را برجسته می‌سازد (Terry, 1998; Denhardt & Denhardt, 2000; Cooper, 2012; Lawton & Páez, 2015; Van Wart, 2013). با وجود غنای نسبی این ادبیات، بخش عمده آن در چارچوب معرفت‌شناسی سکولار و کارکردگرایانه شکل گرفته و معنویت را غالباً یا به‌منزله منبعی برای بهبود عملکرد سازمانی و سلامت روان کارکنان تعریف کرده، یا در بهترین حالت به سطحی از رهبری اخلاقی و ارزش‌محور تقلیل داده است. از این‌رو، این ادبیات هرچند در تبیین برخی کارکردهای فردی و سازمانی معنویت مفید است، در ارائه الگویی جامع برای «زیست معنوی مدیر» که رابطه او را با خدا، خود، مردم و عدالت اجتماعی به‌صورت توأمان تبیین کند، با محدودیت مواجه است. این خلأ به‌ویژه در حوزه مدیریت دولتی آشکارتر است؛ زیرا در این حوزه، مدیر تنها یک کارگزار سازمانی نیست، بلکه امانت‌دار حقوق عمومی، بیت‌المال و نظم اجتماعی است. بر این اساس، پژوهش حاضر با رجوع به سیره علوی می‌کوشد خلأ موجود را از منظر اسلامی - بومی جبران کند و الگویی از زیست معنوی ارائه دهد که فراتر از معنویت ابزاری یا اخلاق اداری صرف، بر پیوند هم‌زمان بندگی، عدالت، مسئولیت عمومی و خودمهارگری اخلاقی استوار باشد. از این‌رو، خلأ یک رویکرد سوم که بتواند دولت و مدیریت را نه صرفاً بر مبنای عقلانیت ابزاری یا تعارضات اقتصادی، بلکه بر پایه زیست معنوی و اخلاقی مدیران تبیین کند، آشکار می‌شود. الگوی «زیست معنوی مدیران مبتنی بر سیره علوی» که در این پژوهش طراحی و اعتبارسنجی شده است، ناظر به پرکردن همین خلأ نظری است. ویژگی متمایز این رویکرد را می‌توان در مفهوم «دولت نبوی - علوی» جستجو کرد؛ دولتی که بر شالوده ارزش‌های الهی، عدالت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اخلاقی و پیوند هم‌زمان سیاست، اخلاق و معنویت استوار است و ریشه در اندیشه و سیره پیامبر اکرم(ص) و امیرالمؤمنین علی(ع) دارد.

زیست معنوی به معنای رشد و تحول معنوی، تعبد و بندگی، حرکت از ظلمات به سمت نور و روشنایی است که در بسیاری از فرمایشات امام علی (ع) می‌توان این مدل را استخراج کرد. در این مقاله

با بررسی نهج البلاغه و دررال حکم و دررال کلم و همچنین مصاحبه با صاحب نظران علوی زیست معنوی مدیران سازمان‌های دولتی استخراج شد. بر این اساس می‌تواند رشد و تحول معنوی مدیران در قالب ۵ مفهوم صبر و تحمل بالا، وفا به عهد و مسئولیت‌پذیری، حسابگر و دقیق، اخلاص و مردم‌داری و اعتقاد به معاد (معادباوری) متبلور می‌شود. این ۵ مفهوم در قالب سه گام تدوین شده است. گام اول آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی است که انسان با شناخت نسبت به خود، خدا، مرگ و ... به بصیرت و معرفت دست می‌یابد. گام دوم دنیاشناسی و برخورد صحیح با دنیا است که به رشد و تحول معنوی انسان کمک می‌کند و ایشان را در برابر وسوسه‌های دنیوی مقاوم و پیروز می‌گرداند و آن را در مسیر رستگاری یاری می‌بخشد. گام آخر نیز خودسازی معنوی است که می‌توان از طریق کسب فضایل و ترک رذائل، در دو بعد فردی و اجتماعی، نظیر کسب تقوا، یقین، زنده نگه داشتن قلب با یاد خدا، امر به معروف، آشتی با خلق، جهاد در راه خدا و ... و ترک رذائلی نظیر دوری و فاصله گرفتن از کار زشت، تسلیم گمراهی شدن و ... سطح معنویت فرد و جامعه را ارتقا بخشید. مدیران براساس این مدل طراحی شده می‌تواند راه را برای رشد و کمال خود تسهیل بخشد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که الگوی «زیست معنوی مدیران مبتنی بر سیره علوی» با ارائه مؤلفه‌هایی چون وفای به نذر، معادباوری، اطعام و مواسات، اخلاص و خوف الهی، نوعی بازتعریف از معنویت در عرصه مدیریت و حکمرانی به شمار می‌آید. این مؤلفه‌ها نه تنها به ابعاد فردی معنویت و خودسازی اشاره دارند، بلکه در سطح سازمانی و مدیریتی نیز معنا می‌یابند و به رفتار اداری، عدالت سازمانی و سلامت مدیریت دولتی مرتبط می‌گردند.

در مقایسه با دانش موجود در حوزه «معنویت در سازمان»، می‌توان گفت رویکردهای رایج در ادبیات غرب - که بیشتر بر اساس دیدگاه‌هایی چون Fry(2003) و Giacalone(2003) & Jurkiewicz شکل گرفته‌اند - غالباً معنویت را ابزاری برای ارتقای عملکرد سازمانی و افزایش رضایت کارکنان تلقی کرده‌اند. این نوع نگاه، معنویت را از عرصه اخلاق و بندگی الهی جدا کرده و آن را به سطح کارکردگرایی مدیریتی فروکاسته است. در مقابل، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در بافت اسلامی، معنویت باید به عنوان غایت رفتار مدیریتی فهم شود؛ زیرا در سیره علوی، مدیریت امری اخلاقی، الهی و اجتماعی است که هدف آن تعالی انسان و تحقق عدالت است، نه صرفاً افزایش بهره‌وری. بنابراین، نتایج این تحقیق ضمن تأیید برخی مفاهیم جهانی معنویت سازمانی، به نقد دیدگاه‌های غربی می‌پردازد و مسیر تازه‌ای برای توسعه «پارادایم معنویت مدیریتی اسلامی» پیشنهاد می‌کند.

در پیوند با میدان پژوهش، تحلیل مضامین سیره علوی با شرایط واقعی مدیران سازمان‌های دولتی ایران هم‌خوانی آشکاری دارد. گزارش‌های نهادهای نظارتی کشور، ضعف‌هایی مانند فاصله گرفتن از ساده‌زیستی، ضعف عدالت مدیریتی، و عدم پاسخگویی نسبت به بیت‌المال را برجسته کرده‌اند. از این منظر، الگوی زیست معنوی علوی می‌تواند پاسخی بومی و عملی برای اصلاح رفتار مدیریتی و ارتقای سلامت نظام اداری ایران باشد؛ الگویی که نه تنها ارزش‌های الهی را در مدیریت زنده می‌کند، بلکه قابلیت



اجرایی و آموزشی دارد و می‌تواند مبنای طراحی دوره‌های تربیت مدیران، نظام ارزیابی عملکرد معنوی و دستورالعمل‌های سیاست‌گذاری اداری قرار گیرد.

در تبیین یافته‌ها، استدلال پژوهشگر بر این اصل استوار است که هر نظام مدیریتی برای استمرار کارآمدی، نیازمند پیوندی درونی میان معرفت، اخلاق و عمل است. الگوهای مدیریتی غربی با گسستن این پیوند، به کارکردگرایی صرف گراییده‌اند؛ در حالی که در سیره علوی، دولت و مدیریت عرصه تحقق عدالت، بندگی و خدمت‌گذاری به مردم‌اند. از این رو، الگوی زیست معنوی علوی نه صرفاً یک الگوی اخلاقی، بلکه چارچوبی مدیریتی است که می‌تواند جهت‌دهنده تصمیمات راهبردی، رفتار سازمانی و سیاست‌های عمومی مدیران دولتی باشد.

در جمع‌بندی نهایی، می‌توان گفت این پژوهش شکاف میان ادبیات جهانی معنویت سازمانی و نیازهای نظام اداری ایران را پر کرده است. زیست معنوی مدیران مبتنی بر سیره علوی، بنیانی تازه برای حکومت‌داری اخلاقی و پاسخگو در کشور فراهم می‌آورد و از سطح فردی تا سطح نهادی، پیوند میان ارزش‌های دینی و منافع اجتماعی را تقویت می‌کند. بدین‌سان، این الگو نه تنها بازتاب‌دهنده تجربه اسلامی در مدیریت است، بلکه پیشنهادی نظری و عملی برای تحول در مدل‌های دولت و سازمان در بستر فرهنگی ایران و جهان اسلام به‌شمار می‌آید.

### محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش همچون سایر مطالعات کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون، با مجموعه‌ای از محدودیت‌ها همراه است که توجه به آن‌ها برای تفسیر نتایج ضروری است.

نخست، داده‌های پژوهش بر پایه منابع روایی و متنی شامل خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه و مجموعه غررالحکم استخراج شده است. تفسیر این متون، هرچند با رعایت اصول تحلیل مضمون انجام شده، اما به‌طور طبیعی متأثر از پیش‌فهم‌ها، نوع نگاه و انتخاب‌های پژوهشگر است؛ از این‌رو امکان وجود محدودیت‌های تفسیری یا برداشت‌های بدیل در پژوهش‌های آتی وجود دارد.

دوم، فرایند تحلیل مضمون مبتنی بر نمونه‌گیری نظری و هدفمند است؛ بنابراین یافته‌ها الزاماً قابلیت تعمیم آماری به همه مدیران یا همه متون اسلامی را ندارند، بلکه ماهیتاً تبیینی و نظری‌اند و بیشتر در خدمت توسعه الگو و چارچوب مفهومی قرار می‌گیرند.

سوم، بخش اعتبارسنجی الگو بر اساس نظر ۱۵ نفر از خبرگان حوزه‌های مدیریت، علوم سیاسی و معارف اسلامی انجام شده است. اگرچه استفاده از خبرگان با تجربه علمی معتبر، روایی الگو را تقویت می‌کند، اما دامنه محدود خبرگان و تنوع نسبتاً کم تخصص‌ها می‌تواند بر گستره نتایج تأثیر بگذارد. افزایش تعداد متخصصان، به‌ویژه از حوزه‌های اداری و اجرایی، می‌تواند در پژوهش‌های آینده به غنای بیشتر نتایج کمک کند.

چهارم، این پژوهش بر مدیران سازمان‌های دولتی ایران متمرکز بوده است. این تمرکز به دلیل هدف پژوهش و بافت فرهنگی و حقوقی خاص نظام اداری کشور ضروری بوده، اما امکان تعمیم مستقیم

یافته‌ها به سایر حوزه‌ها، مانند سازمان‌های خصوصی، نهادهای غیردولتی یا نظام اداری سایر کشورهای اسلامی، محدود است. مطالعات تطبیقی در آینده می‌توانند میزان کارآمدی و قابلیت انتقال این الگو را روشن‌تر سازند.

پنجم، از آنجا که پژوهش حاضر بر تحلیل متن و نظر خبرگان استوار است، امکان بررسی مستقیم پیامدهای عملی الگوی زیست معنوی در محیط‌های واقعی مدیریتی وجود نداشت. بنابراین لازم است در مرحله بعد، مطالعات میدانی، آزمایش‌های رفتاری یا پژوهش‌های پیمایشی به‌منظور سنجش تأثیر مؤلفه‌های الگو بر تصمیم‌گیری، انگیزش، سلامت سازمانی و عملکرد مدیریتی انجام گیرد. به‌طور کلی، این محدودیت‌ها از ارزش نظری و بومی الگوی ارائه‌شده نمی‌کاهد، اما نشان می‌دهد که پژوهش حاضر می‌تواند نقطه آغاز مجموعه‌ای گسترده‌تر از مطالعات تکمیلی، تجربی و تطبیقی در حوزه زیست معنوی مدیران در نظام اداری باشد.

## منابع

- قرآن کریم.
- احمدی، مسعود (۱۳۹۴). رابطه ویژگی‌های مدیر از دیدگاه اسلام با بهره‌وری در سازمان‌های دولتی. مدیریت اسلامی، ۲۳(۲)، ۱۰۳-۱۱۹.
- اسدی، اسماعیل، کوشکی جهرمی، علیرضا، بانسی، عباداله، و صادقی، رضا (۱۳۹۸). طراحی و تدوین الگوی شایستگی مدیران دولتی ایران. مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۳(۱۰)، ۱۹۷-۲۲۶.
- اکبریان، سید محمد (۱۳۹۵). نقد درونی تبیین دین و معنویت در نظریه پیوند معنویت و عقلانیت، نقد و نظر، شماره ۸۴، ۴-۲۶.
- بی‌آزار، احمد، مرتضوی، مهدی، و شاه‌قلیان، کیوان (۱۳۹۹). ارائه مدلی جهت بازی‌وارسازی مدیریت منابع انسانی در سازمان‌های دولتی. مدیریت منابع در نیروی انتظامی، ۸(۴)، ۵۱-۸۴.
- جلیلی، علی، جاودانی، موسی، و قاسم‌آبادی، وحید (۱۳۹۲). ساده زیستی و الگوی اسلامی پیشرفت، کنگره پیشگامان پیشرفت.
- حاج‌حسینی، رقیه، شجاعی، احمد، و عبدالرحیمی، علیرضا (۱۳۹۸). سنتز پژوهی تبیین مدیریت اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه با تأکید بر مدیریت شایسته‌سالار. فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، ۷(۲۸)، ۷۹-۹۷.
- خادمی، مریم، حق‌جو اردکانی، فاطمه، و خدری، سارا (۱۳۹۸). مدل زیست معنوی امام علی علیه‌السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های نهج البلاغه، ۱۸(۲)، ۱۷۱-۱۹۰.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵). بیانات مقام معظم رهبری. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غیر غم.
- خدایاری‌فرد، محمد، غباری‌بناب، باقر، رحیمی‌نژاد، عباس، فقیهی، علی‌نقی، و شکوهی یکتا، محسن (۱۳۹۱). مبانی نظری و روش‌شناسی مقیاس‌های دین‌داری (به انضمام پرسشنامه‌های دین‌داری)، تهران: آوای نور.
- خسروپناه، عبدالحسین، و پناهی آزاد، حسن (۱۳۸۸). نظام معرفت‌شناسی صدرایی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- دشتی، محمد (۱۳۸۳). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی، قم، طلوع مهر.
- رشیدی، بهروز، جعفری نژاد، مسعود، و فوزی، یحیی (۱۳۹۸). نقش ساده‌زیستی کارگزاران حکومتی در سلامت نظام جمهوری اسلامی ایران با رویکردی بر نظر امام خمینی(س). *پژوهشنامه متین*، ۲۱(۸۵)، ۷۱-۵۷.
- شاکرنژاد، احمد (۱۳۹۵). ظرفیت نظریه استعاره‌های مفهومی برای استخراج الگوهای قرآنی در تبیین «زیست معنوی، علوم قرآن و تفسیر معارج» (۱)، ۲(۱)، ۹۹-۱۲۸.
- عیبات، عاطی، و مطوری، علی (۱۳۹۴). مبانی مدیریت توانساز در نهج البلاغه. *بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۲(۳۵)، ۴۳-۷۵.
- عرفانی خانقاهی، مهشاد، بهرام‌زاده، حسینعلی، و سعیدی، هادی (۱۴۰۰). ارائه الگوی شایستگی مدیران دانشگاه آزاد اسلامی خراسان رضوی. *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ۷(۱)، ۳۱۹-۳۳۱.
- علی‌زاده، مهدی. (۱۳۹۴). معرفی معیارها و ارزشهای محوری تعالی در سازمانهای دولتی (مطالعه موردی: سازمانهای دولتی ایران). *پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)*، ۱۰(۱)، ۱۰۹-۱۲۶.
- محبی، مهدی، داودی، سیدمحمدرضا، و آقادات، سید رسول (۱۴۰۲). طراحی و تبیین مدل ارتقاء مدیران مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در سازمان تأمین اجتماعی کشور (ستاد مرکزی). *مدیریت تبلیغات و فروش*، ۴(۳۰)، ۱-۱۹.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). چکیده ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی، تدوین: محمد مهدی نادری، ترجمه حسین علی عربی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. *فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی*، ۳۱(۵۰)، ۵۹-۶۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). *مجموعه آثار استاد مطهری*. ج ۲۱، تهران، صدرا.
- همامی، عباس، و دینانی دردشتی، اکرم (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی مدیریت سیاسی حاکمان و زمامداران با تأکید بر سیره حکومت امام علی(ع). *پژوهش دینی*، ۱۴(۱)، ۹۵-۱۱۷.
- یعقوبی، ابوالقاسم، عروتنی موفق، اکبر، و فتحی، فتانه (۱۳۹۷). سبک‌های مدیریت در نهج البلاغه. *پژوهشنامه نهج البلاغه*، ۶(۲۱)، ۵۷-۷۶.
- Battaglio, Jr, R. P., Belardinelli, P., Bellé, N., & Cantarelli, P. (2019). Behavioral public administration ad fontes: A synthesis of research on bounded rationality, cognitive biases, and nudging in public organizations. *Public Administration Review*, 79(3), 304-320.
- Boulding, K. E. (1956). General systems theory—the skeleton of science. *Management science*, 2(3), 197-208.
- Gjaltema, J., Biesbroek, R., & Termeer, K. (2020). From government to governance... to meta-governance: a systematic literature review. *Public Management Review*, 22(12), 1760-1780.
- Lapuente, V., & Van de Walle, S. (2020). The effects of new public management on the quality of public services. *Governance*, 33(3), 461-475.
- Osborne, S. P. (2018). From public service-dominant logic to public service logic: are public service organizations capable of co-production and value co-creation?. *Public management review*, 20(2), 225-231.



## Investigating Ethical and Managerial Requirements in the Relationship Between the Ruler and Government Officials, Focusing on the third letter of Nahj ul-Balagha and the Content Analysis

(Research Article)

Atefeh Bakhtiari<sup>1</sup> , Zahra Sarfi<sup>2\*</sup> 

Submission Date: 13 February 2025

Revision Date: 25 April 2025

Acceptance Date: 7 June 2025

(Page 33-64)

### Abstract

The effectiveness of government systems is rooted in several factors, with one of the key factor being attention to ethical and managerial requirements in the interactions between the ruler and the agents. With the aim of analyzing and explaining these requirements within the framework of the ruler-government agent relationship, this research examined the third letter of Nahj ul-Balagheh using content analysis method and Excel software and analyzed the passages of this letter in order to identify the abundance of organizing and comprehensive themes after a quantitative analysis of the data and, while discovering the hidden aspects of Imam Ali's (AS) words, and explain his behavioral pattern in the face of luxury, worldliness, and moral corruption of the agents. The findings show that the comprehensive themes of this letter are divided into two categories: the ethical requirements of the agent, meaning what the agent is required to observe and maintain the managerial requirements, meaning the orders and commands of the ruler, which can be considered the most central principles governing this letter. Finally, a practical model for analyzing ethical and managerial requirements in the relationship between the ruler and the government officials was developed based on the third letter of Nahj ul-Balagha.

1. Ph.D student in Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

2. Associate Professor in Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

\*: Corresponding Author:

Email: sarfi@alzahra.ac.ir

**How to cite this article:** Bakhtiari, A., & Sarfi, Z. (2025). Investigating ethical and managerial requirements in the relationship between the ruler and government officials, focusing on the third letter of Nahj ul-Balagheh and the content analysis. *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, 13(49), 33-64. <https://doi.org/10.22084/nahj.2026.31301.3210>

**Keywords:** Nahj ul-Balagheh, content analysis, managerial requirements, ethical requirements, third letter

## Extended Abstract

### 1. Introduction

The orientation and development of any society are strongly influenced by the performance, beliefs, and ethical commitments of its leaders and administrators. One of the key indicators of an effective political system is the presence of competent, trustworthy, and morally responsible officials. Throughout history, the progress of nations has often depended on the quality of leadership and the integrity of those entrusted with authority. Without capable and principled governance, achieving stability, justice, and social development becomes difficult.

In Islamic thought, particularly in the teachings of Imam Ali (peace be upon him), leadership is understood not merely as a political role but as a moral and social responsibility. Imam Ali emphasizes the decisive role of a just ruler in guiding the society. In one of his sermons, he states that the best of God's servants is a just leader who is guided and guides others, establishes recognized traditions, and eliminates harmful innovations. This statement highlights the transformative power of righteous leadership in directing society toward moral and social prosperity.

Imam Ali also stresses humility, accountability, and open communication between rulers and the people. He warns against arrogance among governors and encourages people to speak openly without fear. Furthermore, he considers public office a divine trust rather than a personal privilege, reminding officials that their authority is a responsibility placed upon them. These principles, reflected in his letters and instructions in Nahj al-Balagha, present a model of governance based on justice, responsibility, and service to society.

### 2. Theoretical Framework

The theoretical framework of this study is grounded in the concept of ethical governance as articulated in the political and moral teachings of Imam Ali (peace be upon him). Within this perspective, governance is not merely an administrative structure but a moral system in which authority, responsibility, and justice are closely interconnected. A central premise of this framework is that the effectiveness and legitimacy of a political system largely depend on the ethical conduct and competence of those who occupy positions of authority. Consequently, the selection and appointment of

qualified and trustworthy individuals to governmental positions represent a fundamental principle of sound governance.

In the Alawi perspective, public office is understood as a moral trust rather than a source of personal benefit. Therefore, rulers bear a responsibility not only to appoint capable officials but also to supervise their conduct and hold them accountable for their actions. Failure to adhere to this principle can lead to administrative disorder, corruption, and instability within the governing system. From this viewpoint, confronting misconduct among officials becomes a necessary mechanism for maintaining the integrity and effectiveness of the political structure. Ethical discipline within administrative institutions, thus, functions as a key element in preserving justice and ensuring political stability.

This study also draws upon the concept of moral-administrative relations between the ruler and governmental agents. Within this framework, governance operates through a reciprocal system of responsibilities: the ruler is responsible for fair oversight and guidance, while officials are obligated to act with integrity, restraint, and commitment to public welfare. These principles are clearly articulated in the third letter of Nahj al-Balagha, where Imam Ali warns officials against greed and worldly attachment while emphasizing accountability and ethical self-control.

Accordingly, the present research employs thematic analysis to explore how the third letter of Nahj al-Balagha conceptualizes the ethical and managerial requirements governing the relationship between rulers and their officials. By examining these themes, the study aims to identify a coherent model of ethical governance rooted in the teachings of Imam Ali.

### **3. Research Method**

This study employs a qualitative research design, using thematic analysis as its primary analytical method. Qualitative methods, as noted in methodological literature, focus on producing non-numerical findings and aim to interpret the underlying meanings within textual data. Thematic analysis, as a core technique within qualitative inquiry, enables the systematic identification, organization, and interpretation of patterns within the data.

The analysis was carried out in several sequential stages. First, key statements and textual units from the source were extracted and coded into basic themes, representing the most direct meanings drawn from the text. These basic themes were then summarized, grouped, and refined to form more abstract organizing themes. In the final stage, the organizing themes

were integrated into overarching global themes, which capture the dominant conceptual structure governing the entire text. The resulting thematic network provides a coherent representation of the ethical and managerial principles embedded in letter three of *Nahj ul-Balagheh*.

#### 4. Conclusion

The findings of this study establish a comprehensive model for the ethical and managerial requirements governing the relationship between rulers and officials, as derived from letter three of *Nahj ul-Balagheh*. Through the application of thematic analysis and data organization via Excel software, the research extracted a hierarchy of basic, organizing, and global themes. The results indicate that thematic analysis is an exceptionally effective method for systematizing the teachings of *Nahj ul-Balagheh* into a coherent framework. The analysis revealed two primary dimensions within the model: 'Ethical requirements', referring to the moral obligations of the agent (official), and 'managerial requirements', referring to the directives and commands issued by the ruler.

In the worldly domain 'ethical requirements' encompass such themes as the avoidance of luxury and consumerism, the liberation of intellect from carnal desires to perceive truth, accountability, and the maintenance of a close bond between faith and action. In the otherworldly domain, the emphasis is placed on the transience of the deceptive world versus the permanence of the hereafter. Regarding 'managerial requirements', the extracted themes focus on the inevitability of death and judgment, the critical nature of life-altering choices, the subordination of law to ethics, and the prevention of greed. This model demonstrates that the efficiency of a governance system is fundamentally dependent on the integration of both worldly and otherworldly perspectives.

#### References [in Persian]

- Ibn Shahr Ashub (1279 AH). *Manaqib Al Abi Talib*. Edited by Mohammad Hossein Ashtiani and Hashem Rasouli. Vol. 2. Qom: Allameh.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2012). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Translated by Ebrahim Afshar. 2nd ed. Tehran: Nashr-e Ney.
- Ibn Maytham al-Bahrani (1404 AH). *Sharh Nahj al-Balagheh*. 2nd ed. Qom: Daftar Nashr al-Ketab.
- Bakhtiari, A., Diani, M. M., & Hosseini, S. H. (2025). Pathology of the Meaning of Monotheistic Life from the Perspective of Nahj al-Balagheh. *Nahj al-Balagheh Research Quarterly*, 12(45), 133-156. <https://doi.org/10.22084/nahj.2025.29618.3085>
- Baydoun, L. (1996). *Classification of Nahj al-Balagheh*. Qom: Tablighat.

- Jafar Pisheh-Fard, M. (2007). Alavi Governance and Social, Economic, and Developmental Reforms. *Islamic Government Quarterly*, No. 18, 56–97.
- Jafari, M. T. (1997). *Translation and Commentary on Nahj al-Balagheh*. Tehran: Daftar Nashr-e Farhang-e Islami.
- Javadi Amoli, A. (2005). *Thematic Exegesis of the Holy Qur'an*. Vol. 11. Qom: Asra.
- Javadi Amoli, A. (2013). *Interpreting Humanity through Humanity*. Qom: Sadra.
- Hassanpour, J., & Deh-Yadegari, M. (2009). Ethics and Politics from the Perspective of Critical Theory. *Journal of Political and International Research*, 2(32), 107-138.
- Hakimi, M. R. & Hakimi, M. (2001). *Translation of al-Hayat*. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Daftar Nashr-e Farhang-e Islami.
- Dashti, M. (2010). *Translation of Nahj al-Balagheh*. Qom: Ashkezar Publications.
- Delshad Tehrani, M. (1994). *The Prophetic Conduct (Sirah Nabawi)*. Vol. 3. 1st ed. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Rahmani, A. H. (2004). Accountable Government in Islam. *Ma'refat Journal*, No. 82, 113-120.
- Rahimian Mohaghegh, A. (2001). *Worldliness and Worldly Orientation in Nahj al-Balagheh* (Compiled from the Works of Javadi Amoli). Tehran: Asra.
- Ranjbar, M. (2008). Political Ethics from the Perspective of Imam Ali (AS). *Islamic Revolution Research Journal*, 7(15), 85–118.
- Sharaf al-Din, H. (2017). *Social Values from the Perspective of the Qur'an*. 1st ed. Tehran: Islamic Culture and Thought Publication Organization.
- Sheikhzadeh, M., Faqihi, A. H., Abedi, H., & Taslimi, M. S. (2011). Thematic Analysis and Thematic Networks. *Strategic Management Thought*, 2(10), 151-198.
- Sheikhzadeh, M. & Bani Asad, R. (2020). *Thematic Analysis: Concepts, Approaches, and Applications*. Tehran: Logos.
- Sheikh Saduq (1980). *Al-Amali*. Beirut: Al-A'lami.
- Sheikh Mufid (1998). *Defense of Shi'ism: Theological Discussions of Sheikh Mufid*. Translated by Mohammad ibn Hossein Khansari. Qom: Mo'menin.
- Lankarani, M. F. (2007). *Principles of Governance from the Perspective of Imam Ali (AS)*. Qom: Nashr-e Farhang.
- Motahhari, M. (2010). *A Survey of Nahj al-Balagheh*. Tehran: Sadra.
- Makarem Shirazi, N. (2009). *The Message of Imam Amir al-Mu'minin*. Qom: Ali ibn Abi Talib Publications.

#### References [In Arabic]

- Tamimi Amadi, Abd al-Wahid ibn Muhammad (1410 AH). *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim*. Edited by Mahdi Raja'i. 2nd ed. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- Kuzeh Konani Tabrizi, Ahmad ibn Abdullah (1406 AH). *Iqaz al-Ulama wa Tanbih al-Umara*. 2nd ed. Qom: Maktab al-I'lam al-Islami.



- Kulayni, Muhammad ibn Ya‘qub (1407 AH). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Mas‘udi, Ali ibn al-Husayn (1990). *Muruj al-Dhahab wa Ma‘adin al-Jawhar*. 2nd ed. Beirut: Dar al-Alami.
- Al-Musawi, Sayyid Abbas Ali (1418 AH). *Sharh Nahj al-Balaghah*. 1st ed. Beirut: Dar al-Rasul al-Akram.

**References [In English]**

- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research. *Qualitative Research*, 1, 385-405.  
<http://dx.doi.org/10.1177/146879410100100307>



(مقاله پژوهشی)

## بررسی الزامات اخلاقی و مدیریتی در مناسبات حاکم و کارگزاران حکومتی با محوریت نامه سوم نهج البلاغه و رویکرد تحلیل مضمون

عاطفه بختیاری<sup>۱</sup>، زهرا صرفی<sup>۲\*</sup>

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵ بازنگری مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵  
پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷  
(از ص ۳۹ تا ۶۴)

### چکیده

کارآمدی نظام‌های حکومتی، ریشه در عوامل متعددی دارد که یکی از کلیدی‌ترین آن‌ها، توجه به الزامات اخلاقی و مدیریتی در تعاملات میان حاکم و کارگزاران است. این پژوهش با هدف تحلیل و تبیین این الزامات در چارچوب مناسبات حاکم و کارگزاران، به بررسی نامه سوم نهج البلاغه با روش تحلیل مضمون و استفاده از نرم‌افزار Excel پرداخته و فرازهای این نامه را مورد واکاوی قرار داده است تا پس از بررسی کمی و کیفی داده‌ها، فراوانی مضامین سازمان دهنده و فراگیر را شناسایی نماید و ضمن کشف زوایای پنهان کلام امام‌علی(ع)، الگوی رفتاری ایشان را در مواجهه با تحمل‌گرایی، دنیاطلبی و فساد اخلاقی کارگزاران تبیین کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مضامین فراگیر این نامه به دو دسته‌ی الزامات اخلاقی کارگزار به معنای آن‌چه کارگزار ملزم به رعایت و حفظ آن است و الزامات مدیریتی به معنای اوامر و دستورات برخاسته از جانب حاکم جامعه، تقسیم شده‌اند. این دو دسته به عنوان محوره‌ای بنیادین نامه سوم نهج البلاغه نشان‌دهنده یک سیستم تعاملی متوازن و متعادل در حکومت است. در نهایت، الگوی عملی تحلیل الزامات اخلاقی و مدیریتی در مناسبات حاکم و کارگزار با توجه به نامه سوم نهج البلاغه ترسیم شده است که می‌تواند به عنوان چارچوبی نظری و کاربردی برای مدیریت حکومتی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

**کلید واژه‌ها:** نهج البلاغه، تحلیل مضمون، الزامات مدیریتی، الزامات اخلاقی، نامه سوم.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن وحدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه علوم قرآن وحدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

\* نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

عملکرد و باورهای مدیران و کارگزاران در جهت‌گیری جامعه بسیار تعیین‌کننده است. یکی از مهم‌ترین عوامل در اثبات کارایی یک نظام سیاسی مؤثر، وجود کارگزاران و به عبارتی کارمندان صالح است. از بیان امام‌علی(ع) در عبارت «فَاعْلَمْ أَنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ هُدًى وَ هَدًى، فَأَقَامَ سُنَّةَ مَعْلُومَةٍ وَ أَمَاتَ بِدَعَاةٍ مَجْهُولَةٍ» (خطبه/۱۶۴) بدان، که بهترین مردم در نزد خداوند، پیشوای دادگری است که خود هدایت یافته و مردم را هدایت نماید. سنت شناخته شده را برپای دارد و بدعت ناشناخته را بمیراند دریافت می‌شود که حاکم جامعه می‌تواند با پایه‌ریزی سنتی صحیح، جامعه را به سمت عاقبت‌بخیری سوق دهد از این جهت، بهبود نظام حکومتی سبب رشد ملت خواهد شد؛ چراکه وقتی تاریخ توسعه کشورهای مختلف مورد مذاقه قرار می‌گیرد، نقش مدیریت افراد شایسته در پیشرفت خودنمایی می‌کند و نمی‌توان هدایت و توسعه یک کشور را بدون در نظر گرفتن نقش حاکمان طراحی نمود. نقش نظام حکومتی کارآمد و ارتباط صحیح آن با مردم به عنوان عامل مؤثر در رسیدن به جامعه پیشرفته بر هیچ فردی پوشیده نیست آن‌جا که امام می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ أَسْخَفِ خَالَاتِ الْوَلَاةِ عِنْدَ صَالِحِ النَّاسِ أَنْ يُظَلَّ بِهِمْ حُبُّ الْفَخْرِ وَ يُوضَعَ أَمْرُهُمْ عَلَى الْكِبَرِ..... فَلَا تَكَلِّمُونِي بِمَا تَكَلَّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةُ وَ لَا تَتَحَفَّطُوا مِنِّي بِمَا يَتَحَفَّطُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ» (خطبه/۲۱۶) از سخیف‌ترین حالات والیان در نزد مردم صالح این است که مردم پندارند آنان دوستدار فخر و مباحات‌اند. و بنای کار خود بر کبر و غرور می‌نهند ..... آنسان که با جباران سخن می‌گویند، با من سخن مگویند و از من پنهان مدارید آنچه را از مردم خشمگین به هنگام خشمشان پنهان می‌دارند.

توجه به الزامات اخلاقی و مدیریتی بین حاکم و کارگزاران، از جمله ضروری‌ترین روابط حاکم بر یک نظام حکومتی پایدار و درعین حال از اصلی‌ترین پایه‌های استحکام آن محسوب می‌شود، که امام(ع) برای ایجاد نظام حکومتی مشروع همواره آن را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دادند تا بتوانند برپایه‌ی آن تحولات مثبتی نه بر پایه دارایی‌های مادی، بلکه بر اساس مهارت‌های فکری و خدمات بالارزش به مردم بنا نمایند؛ زیرا از نظر ایشان، منصب، امانتی الهی است که باید در جهت خدمت به بندگان خدا قرار گیرد و به یکی از کارگزاران خود می‌فرماید: «وَ إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ، وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ» (نامه/۵). حکمرانی برای تو طعمه نیست، بلکه امانتی است برعهده ات. لذا رعایت الزامات مدیریتی توسط حاکم و همین‌طور رعایت الزامات اخلاقی توسط کارگزاران، عاملی حیاتی در تقویت مشروعیت و مقبولیت یک حکومت است که امام به زیبایی این اصول را در نامه‌های مختلفی که به کارگزاران ابلاغ می‌کند به تصویر کشیده است از جمله نامه‌ی سوم نهج‌البلاغه.

## ۱-۱. بیان مسئله

در امتداد آموزه‌های علوی و با توجه به ضرورت‌های حکمرانی معاصر، شناسایی و انتصاب شایسته‌ترین افراد در مناصب کلیدی و مسئولیت‌های حکومتی، که تجلی اصلی حاکمیت قلمداد می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدیهی است عدم رعایت این اصل بنیادین، به آشفتگی‌های متعددی در زیرساخت‌های حکومتی دامن زده و می‌تواند چالش‌های جدی در اداره امور پدید آورد. از همین روست که

برخورد قاطع با کارگزاران خاطی، از دیدگاه امام علی (ع)، امری ضروری برای حفظ سلامت و کارآمدی نظام محسوب می‌شود. این امر نه تنها به سلامت ساختارهای اجرایی حکومت علوی، بلکه به تحقق عدالت و پایداری سیاسی در آن نیز منجر می‌شود. نگاه به اخلاق حکومتی و روابط سالم بین حاکم و کارگزار به عنوان یک عمل ارزشی-سیاسی، نقش محوری ایفا می‌کند.

در این راستا، امام علی (ع)، به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمادهای مدیریت اخلاقی و حکومتی در تاریخ اسلام، در نامه‌ی سوم نهج‌البلاغه با تأکید بر اصولی متعدد چون پرهیز دادن کارگزاران از زیاده‌خواهی و یادآوری خطرات دنیا و دنیاگرایی، چارچوب قابل توجهی در این زمینه ارائه داده‌اند. ایشان در این نامه که یکی از مهم‌ترین آثار فکری و عملی حضرت شناخته می‌شود، مفاهیمی مانند مسئولیت حاکم در مقابل کارگزاران و مسئولیت کارگزاران نسبت به جایگاه خود را مطرح نموده‌اند. بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش دارد تا با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون به این مسأله پاسخ دهد که نامه‌ی سوم نهج‌البلاغه چه الگویی از الزامات اخلاقی و مدیریتی در مناسبات بین حاکم و کارگزاران حکومتی ارائه می‌دهد؟.

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه مطالعاتی پژوهش باید اظهار داشت که پژوهش‌هایی با عناوین مشابه با عنوان مقاله حاضر انجام شده‌اند، مهم‌ترین آن‌ها که به نوعی با موضوع پژوهش در ارتباطاند، عبارتند از:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

| ردیف | عنوان                                                                        | مؤلف                   | برداشت                                                                                                                                                                                                                |
|------|------------------------------------------------------------------------------|------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | تحلیل مضمون شیوه برخورد با لغزش کارگزار در نهج البلاغه                       | صرفی و پورکاویان، ۱۳۹۹ | این مقاله نشان می‌دهد که عدالت‌محوری و مبارزه با فساد از ارکان حکومت علوی بوده است، به گونه‌ای که امام‌علی(ع) با نظارت و برخورد قاطع با خطاکاران، الگویی صحیح از حکمرانی عادلانه ارائه دادند.                         |
| ۲    | تبیین فضیلت خیرخواهی در اخلاق کارگزاران حکومت اسلامی با تأکید بر نهج‌البلاغه | ملکوتی‌نیا، ۱۴۰۰       | این پژوهش نشان می‌دهد خیرخواهی با ایجاد محبت و همگرایی، موجب کاهش اختلافات، اصلاح روابط و تهذیب اخلاقی کارگزاران و مردم می‌شود و به افزایش اعتماد عمومی و کارآمدی نظام می‌انجامد                                      |
| ۳    | واکاوی نظارت حاکمیت در مسأله کارگزاران و حریم خصوصی                          | کعبی و رحمانی، ۱۳۹۷    | این تحقیق به تعارض میان نظارت حکومتی بر کارگزاران و حریم خصوصی آنان می‌پردازد و با استناد به مفاهیم فقهی مانند «اضطرار»، «مصلحت» و «حفظ نظام»، معیارهای مجاز نقض حریم خصوصی را تبیین می‌کند.                          |
| ۴    | ویژگی‌های ناظر و نظارت موثر بر کارگزاران در اسلام                            | مظاهری، ۱۴۰۲           | این مقاله بر جایگاه ویژه نظارت در پیشگیری از مفاسد اقتصادی و بی‌عدالتی تأکید دارد. از مهم‌ترین ویژگی‌های ناظر اسلامی: تقوا، امانتداری، شجاعت و قاطعیت، و از اصول نظارت مؤثر: عدم تبعیض، انعطاف‌پذیری را نام برده است. |

|   |                                                               |                        |                                                                                                                                                                                                                                                                                                          |
|---|---------------------------------------------------------------|------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۵ | طراحی الگوی روش نظارت و کنترل کارکنان از دیدگاه نهج البلاغه   | حاجیان و مختاری، ۱۴۰۲  | در این مقاله به اهمیت کنترل، نظارت و طراحی مدل روش‌های نظارت بر کارگزاران پرداخته و به نتایج همچون: پیشگیری از کج روی، لزوم داشتن تقوی و خودکنترلی کارگزاران، پاداش دادن و مجازات کردن مستحقان دست یافته است.                                                                                            |
| ۶ | نقش کارگزاران متعهد در اعتلای حکومت اسلامی با تکیه بر نامه ۵۳ | ترکشاوند و سقایی، ۱۴۰۰ | در این مقاله مفاهیمی چون عدالت، نظم در امور، اصلاح امور مردم، لزوم رفع نقایص از عملکرد کارگزاران، لزوم اطاعت کارگزار از رهبر از منظر امام علی(ع) مورد واکاوی قرار گرفته است.                                                                                                                             |
| ۷ | تدوین راهبرد آسیب زدایی اخلاقی سیاسی کارگزاران                | محمدی و همکاران، ۱۴۰۱  | این مقاله به این موضوع پرداخته که کارگزاران حکومت‌ها در معرض انواع آسیب‌های دینی و غیر دینی قرار دارند. لذا به تدوین راهبرد آسیب زدایی اخلاقی سیاسی کارگزاران پرداخته و به نتایجی همچون صداقت در سیاست، حمایت از کارگزاران خلاق و با استعداد و گفتمان سازی دینی و حقوقی با بهره‌گیری از تاریخ رسیده است. |

پژوهش حاضر با موضوع تحلیل الزامات اخلاقی و مدیریتی در مناسبات حاکم و کارگزار بر مبنای نامه ۳ نهج البلاغه دارای نوآوری و در تکمیل نظریه‌های اسلامی است از این حیث بارز بودن این پژوهش نسبت به پژوهش‌های گذشته مشخص است.

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

در دنیای پیچیده امروز، کارآمدی نظام‌های حکومتی به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر عواملی قرار می‌گیرد که ریشه در ارزش‌های اخلاقی و مدیریتی دارند. با توجه به چالش‌های متعدد جهانی، از جمله فساد اقتصادی، نابرابری اجتماعی و فروپاشی اعتماد جامعه به نهادهای دولتی، بررسی الزامات اخلاقی و مدیریتی در روابط میان حاکم و کارگزاران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پژوهش، با تمرکز بر نامه‌ی سوم نهج البلاغه، تلاش دارد تا الگویی از رفتار حاکم و کارگزار اسلامی را ارائه دهد که بر مبنای اصول اخلاقی و مدیریتی استوار است؛ زیرا بررسی و تحلیل شکاف‌های موجود در روابط حاکم و کارگزاران می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر در جهت ارتقای کارآمدی حکومت‌ها و برقراری عدالت اجتماعی عمل کند. نامه سوم نهج البلاغه یک چارچوب تحلیلی در روابط بین حاکم و کارگزاران ارائه می‌دهد و تا کنون پژوهشی با تمرکز بر متن این نامه با روش تحلیل مضمون به تبیین الزامات اخلاقی کارگزاران و الزامات مدیریتی مدیران یا حاکمان از منظر امام علی(ع) نپرداخته است. نتایج این پژوهش می‌تواند در بازنگری در نظام شفاف‌سازی، نظارت، مسئولیت‌پذیری، تعهد و نحوه‌ی برخورد مدیر با کارگزاران خاطی مؤثر باشد و امید است بتوان از نتایج آن در رفع چالش‌های امروزی مانند فساد، ناکارآمدی و رفع کاهش اعتماد به نهادهای به ویژه در کشورهای مسلمان و سیستم‌های حکومتی مبتنی بر اصول اخلاقی بهره برد.

## ۱-۴. روش شناسی پژوهش

روش، به تکنیک‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها گفته می‌شود و روش‌های کیفی پژوهش‌هایی هستند که در آن‌ها یافته‌های تولید شده شمارشی نیست (استراوس کربین، ۱۳۹۱: ۳۲/۲۵) با این تعریف می‌توان گفت تحلیل مضمون در این دسته جای می‌گیرد که یکی از روش‌های تحلیلی مطالعات کیفی می‌باشد و نوعی مهارت است که به سبب آن داده‌های کیفی تحلیل می‌شوند (شیخ‌زاده، ۱۳۹۹: ۳۳) این روش یکی از شیوه‌های بنیادین در روشهای کیفی است که با روشهای دیگری که به دنبال مطالعات کیفی هستند متفاوت است (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۶).

نخستین قدم برای تحلیل مضمون، استخراج گزاره‌های متن به مضامین پایه است که نخستین مضامین برگرفته از متن هستند. بعد از تلخیص و دسته بندی مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده استخراج می‌شوند. سعی مؤلف در این است که مضامین سازمان‌دهنده را انتزاعی‌تر ارائه نماید و در مرحله آخر مضامین فراگیر با توجه به مضامین سازمان‌دهنده به دست خواهد آمد که حاکم بر کل متن است (استرلینگ آترید، ۲۰۰۱: ۳۸۸) و در انتها شبکه مضامین طراحی و ارائه می‌شود. در پژوهش حاضر پس از بررسی نامه سوم نهج‌البلاغه مطابق روند زیر، فرایند انجام پژوهش صورت پذیرفت:



## ۲. بحث

جدول تحلیل مضمون در زیر ارائه شده است:

جدول ۲. تحلیل مضمون

| ردیف | متن                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  | مضمون پایه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  | مضمون سازمان دهنده                                                                                                                                                                          | مضمون فراگیر             |
|------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------|
| ۱    | رُويَ أَنَّ شُرَيْحَ بْنَ الْحَارِثِ قَاضِيَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) اشْتَرَى عَلَى عَهْدِهِ دَاراً بِثَمَانِينَ دِينَراً قَبْلَهُ ذَلِكَ، فَاسْتَدْعَى شُرَيْحاً، وَ قَالَ لَهُ: بَلِّغْنِي أَنَّكَ ابْتِغَتْ دَاراً بِثَمَانِينَ دِينَراً وَ كَتَبْتَ لَهَا كِتَاباً وَ أَشْهَدْتَ فِيهِ شُهوداً فَقَالَ لَهُ شُرَيْحٌ قَدْ كَانَ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع)، قَالَ فَتَنْظُرْ إِلَيْهِ نَظَرَ الْمُغْضَبِ | اهمیت دادن امام نسبت به موضوع<br>مسئولیت پذیری کارگزاران<br>توجه امام به پرهیز از ثروت اندوزی<br>لزوم شفافیت مالی و پاسخگویی مسئولان به مقام بالاتر                                                                                                                                                                                                                                                         | توجه و همت کارگزار نسبت به:<br>۱. عدم تجمل گرایی،<br>۲. مسئولیت پذیری و پاسخگویی                                                                                                            | الزامات اخلاقی کارگزاران |
|      |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      | نظارت مستقیم امام بر عملکرد شریح:<br>۱. نحوه برخورد با خطاکار: خشم الود<br>۲. اطمینان از صحت خبر: به من خبر<br>رسیده<br>۳. عدم برخورد آبی و بدون تحقیق<br>۴. اقرار شخص به خطا                                                                                                                                                                                                                               | نظارت بر کار کارگزار توسط حاکم                                                                                                                                                              | الزامات مدیریتی          |
| ۲    | ثُمَّ قَالَ لَهُ: يَا شُرَيْحُ أَمَا إِنَّهُ سَيَأْتِيكَ مَنْ لَا يَنْظُرُ فِي كِتَابِكَ وَ لَا يَسْأَلُكَ عَنْ بَيْتِكَ، حَتَّى يُخْرِجَكَ مِنْهَا شَاخِصاً وَ يُسَلِّمَكَ إِلَى قَبْرِكَ خَالِصاً                                                                                                                                                                                                                                  | هدف تربیتی امام برای تمام انسانها با یادآوری مرگ و معاد<br>یادآوری امام نسبت به این موضوع که قدرت و دارایی حتی با وجود سند و مدرک دائمی نیست (محدودیت قدرت)<br>انتقاد امام از دلبستگی به دنیا با اشاره به خروج از منزل دنیوی و تسلیم قبر شدن<br>توجه امام به بی اعتباری اسناد قانونی در هنگام مواجهه با مرگ<br>توجه امام به ناپایداری دنیا و فرجام گرایی<br>عدم کارکرد داشتن مقام دنیوی هنگام مواجهه با مرگ | اهمیت دادن کارگزار به فریبندگی دنیای فناپذیر و آخرت ماندگار از جمله:<br>الف. اهمیت قدرت و مقام در دنیا و بی ارزشی آن هنگام مرگ.<br>ب. اهمیت اسناد و قانون در دنیا و بی اعتباری آن هنگام مرگ | الزامات اخلاقی کارگزاران |
| ۳    | فَانْظُرْ يَا شُرَيْحُ لَا تَكُونُ ابْتِغَتْ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكَ أَوْ نَقَذْتَ الثَّمَنَ مِنْ                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | اهتمام امام به مشروعیت و حلال بودن مال<br>یادآوری امام نسبت به عواقب مال حرام و نامشروع                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     | اهتمام کارگزار نسبت به ۱. عدم داشتن فساد مالی<br>۲. حفظ رابطه                                                                                                                               | الزامات اخلاقی کارگزاران |

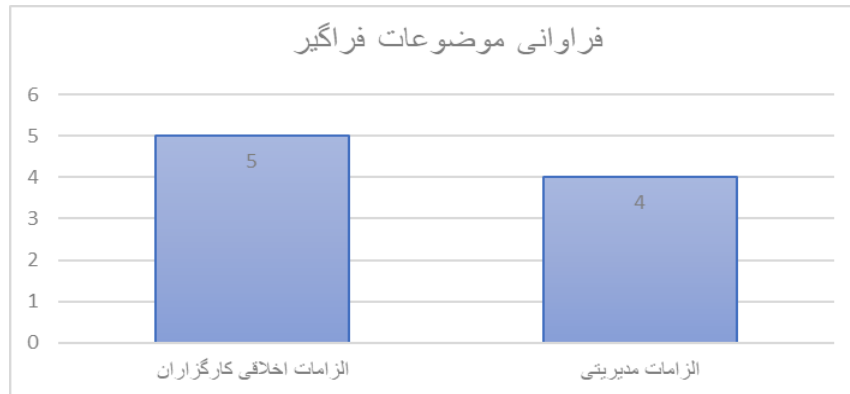
|                          |                                                                                                                                 |                                                                                                                                                   |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |   |
|--------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---|
|                          | تنگاتنگ ایمان و عمل در مسئولیت‌های اجتماعی و قضایی                                                                              | توجه امام به اینکه یک قاضی باید الگوی رعایت قانون باشد نه مفسد اقتصادی                                                                            | عَبَّرَ خَلَالِكَ؛ فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ.                                                                                                                                                                                                                                                |   |
|                          |                                                                                                                                 | یادآوری امام نسبت به این موضوع که بین ایمان و عمل رابطه تنگاتنگ است                                                                               |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |   |
| الزامات مدیریتی          | نظارت بر کار کارگزار توسط حاکم                                                                                                  | نظارت امام بر کار شریع                                                                                                                            |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |   |
| الزامات مدیریتی          | وظایف حاکم: ۱. نظارت حاکم بر کار کارگزار ۲. پرهیز دادن کارگزار از زیاده خواهی ۳. قرار دادن قانون در خدمت اخلاق                  | اهمیت سیاست تنبیهی از سوی حاکم برای جلوگیری از افتادن کارگزار در دام مادیات                                                                       | أَمَّا إِنَّكَ لَوْ كُنْتَ أَتَيْتَنِي عِنْدَ بَرَائِكَ مَا اشْتَرَيْتَ لَكُنْتُ لَكَ كِتَابًا عَلَى هَذِهِ الشَّخْصَةِ، فَلَمْ تَرْغَبْ فِي شِرَاءِ هَذِهِ الدَّارِ [بِالْزَّهْمِ] بِدَرَاهِمٍ فَمَا فَوْقَ.                                                                                                                        | ۴ |
|                          |                                                                                                                                 | اهمیت نظارت حاکم بر کار کارگزار                                                                                                                   |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |   |
|                          |                                                                                                                                 | توجه امام به پرهیز از طمع و زیاده خواهی نسبت به مال دنیوی                                                                                         |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |   |
|                          |                                                                                                                                 | طمع و زیاده خواهی در معاملات، حتی با وجود اسناد قانونی، در پیشگاه الهی بی ارزش است                                                                |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |   |
| الزامات اخلاقی کارگزاران | توجه کارگزار نسبت به دنیای فریبده و آخرت ماندگار                                                                                | توجه امام به فنا پذیری و ناپایداری دنیا و گذرا بودن متعلقات آن از جمله ثروت                                                                       | و الشَّخْصَةُ هَذِهِ هَذَا مَا اشْتَرَى عَبْدٌ دَلِيلٌ مِنْ مَيِّتٍ قَدْ أُرْجِعَ لِلرَّحِيلِ اشْتَرَى مِنْهُ دَارًا مِنْ دَارِ الْغُرُورِ مِنْ جَانِبِ الْفَاقِينَ وَ خِطَّةَ الْهَالِكِينَ.                                                                                                                                        | ۵ |
|                          |                                                                                                                                 | یادآوری مرگ از جانب امام و مد نظر داشتن توشه آخرت                                                                                                 |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |   |
|                          |                                                                                                                                 | واژه عبد دلیل نشان میدهد انسان در مقابل خداوند موجودی ناتوان و نیازمند است                                                                        |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |   |
|                          |                                                                                                                                 | هشدار و موعظه حاکم به قاضی که فریب دنیا را نخورد                                                                                                  |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |   |
| الزامات مدیریتی          | وظایف حاکم: ۱. ترسیم تصویر دنیا و خطرات ناشی از دلبستگی به آن که شامل: ۱. آفات و بلاها ۲. مصائب ۳. هوس ۴. شیطان. ۲. معرفی وسوسه | نگاه تحقیر آمیز امام به آنچه که متعلق به دنیاست که نشان از زهد ایشان است                                                                          | و تَجَمُّعُ هَذِهِ الدَّارِ خُدُودُ أَرْبَعَةِ الْحَدِّ الْأَوَّلُ يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْأَفَاتِ وَ الْحَدِّ الثَّانِي يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْمُصِيبَاتِ وَ الْحَدِّ الثَّالِثُ يَنْتَهِي إِلَى الْهَوَى الْمُدِي وَ الْحَدِّ الرَّابِعُ يَنْتَهِي إِلَى الشَّيْطَانِ الْمُغْوِي وَ فِيهِ يُشْرَعُ تَابُ هَذِهِ الدَّارِ. | ۶ |
|                          |                                                                                                                                 | امام دنیا را خانه ای توصیف میکند که برای دنیا پرستان چهار حد دارد: آفات، مصائب، هوای نفس، شیطان                                                   |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |   |
|                          |                                                                                                                                 | برحذر داشتن امام از دنیا پرستی                                                                                                                    |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |   |
|                          |                                                                                                                                 | از دیدگاه امام ورود به دنیای مادی از همان مرز چهارم (شیطان) آغاز میشود. این تعبیر هشدار میدهد که وابستگی به دنیا، همیشه با وسوسه شیطانی همراه است |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |   |



|  |                                                                                                                                                                                                                                    |                                                                                                                                                         |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|--|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---|
|  |                                                                                                                                                                                                                                    | مصائب نشان از این دارد که سیاری از بلاهای زندگی، نتیجه مستقیم انتخابهای نادرست انسان در پیروی از نفس و شیطان است                                        |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|  |                                                                                                                                                                                                                                    | تاکید امام بر اینکه حتی اگر انسان از آفات و مصیبت‌های بیرونی بگذرد، خطرناکترین دشمن، تمایلات درونی اوست                                                 |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|  | های شیطان به عنوان اصلیترین راه نفوذ به دامهای دنیا                                                                                                                                                                                |                                                                                                                                                         |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|  |                                                                                                                                                                                                                                    | امام با به کار بردن عبارت «مَعْتَرٍ بِالْأَمَلِ» اشاره به انسانی دارد که اسیر آرزوهای بی پایان شده و غافل از گذرا بودن دنیا و نزدیکی مرگ است.           |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|  |                                                                                                                                                                                                                                    | دنیاگرایی سبب فریب و دوری انسان از خداست                                                                                                                |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|  |                                                                                                                                                                                                                                    | عزت واقعی در بی نیازی دل از تعلقات مادی است، نه در انباشت ثروت                                                                                          |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|  |                                                                                                                                                                                                                                    | جمع آوری مال دنیا سبب از دست رفتن جایگاه انسان و ذلت نزد خداوند میشود                                                                                   |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|  |                                                                                                                                                                                                                                    | اشاره امام به بیهوده بودن ثروت اندوزی در دنیا با توجه به این موضوع که داراییهای دنیا مانند کالایی است که مالکش توانایی حفظ آن را ندارد(بازار فانی دنیا) |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|  |                                                                                                                                                                                                                                    | هشدار امام نسبت به زندگی تجملگرا که هر چه بیشتر از آن چشیده شود حرص بیشتر میشود                                                                         |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|  | وظایف حاکم: ۱. شناساندن دنیا و خطرات ناشی از دلبستگی به آن همچون غفلت از مرگ، دوری از خداوند، ذلت نزد خدا، افزوده شدن حرص، غفلت از فانی و موقتی بودن دنیا. ۲. شناساندن راه رسیدن به عزت در دنیا به کارگزار با اظهار بی نیازی از آن |                                                                                                                                                         | اشْتَرَى هَذَا الْمُعْتَرِ بِالْأَمَلِ مِنْ هَذَا الْمُرْجِعِ بِالْأَجَلِ هَذِهِ الدَّارَ بِالْخُرُوجِ مِنْ عَرِّ الْقَنَاعَةِ وَ الدُّخُولِ فِي ذُلِّ الطَّلَبِ وَ الصَّرَاعَةِ.                                             | ۷ |
|  |                                                                                                                                                                                                                                    | ناچیزی قدرت حتی امپراتوریهای بزرگ در برابر ملک الموت                                                                                                    |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|  |                                                                                                                                                                                                                                    | عاقبت دنیاپرستی، نابودی مشابه نابودی امپراتوریهای دنیاپرست                                                                                              |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|  |                                                                                                                                                                                                                                    | مرگ عامل پایان دادن به مالکیت های دنیوی است                                                                                                             |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|  |                                                                                                                                                                                                                                    | سقوط پادشاهی های مقتدر، آینه ای برای انسانهای مغرور است                                                                                                 |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|  |                                                                                                                                                                                                                                    | زیانهای ناشی از حرص به دنیا، جزئی از نظام عدالت الهی است که به دست فرشتگان اجرا میشود                                                                   |                                                                                                                                                                                                                               |   |
|  | بیان ویژگیهای مرگ ۱. مستکبرا ن با مرگ مجازات میشوند، ۲. مرگ عامل عدالت و عبرت ۳. با مرگ مالکیت‌های دنیوی پایان میپذیرد                                                                                                             |                                                                                                                                                         | فَمَا أَدْرَكَ هَذَا الْمُشْتَرِي فِيَمَا اشْتَرَى مِنْهُ مِنْ دَرَكٍ فَعَلَى مُبْلِلٍ أَجْسَامَ الْمُلُوكِ وَ سَالِبِ نَفُوسِ الْجَبَابِرَةِ وَ مُزِيلِ مُلْكِ الْفَرَاغَةِ مِثْلَ كِسْرَى وَ قَبْصَرٍ وَ تَبَعٍ وَ حَمِيرٍ. | ۸ |
|  | الزامات مدیریتی                                                                                                                                                                                                                    |                                                                                                                                                         |                                                                                                                                                                                                                               |   |

|                          |                                                                                                                                                                                                     |                                                                                                               |                                                                                                                                                                                                                                                              |    |
|--------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----|
|                          |                                                                                                                                                                                                     | مرگ ابزاری برای مجازات مستکبران                                                                               |                                                                                                                                                                                                                                                              |    |
| الزامات مدیریتی          | شناساندن فناپذیری دنیا و تلاشهای دنیوی از جمله ۱. ناپایداری و موقتی بودن تلاشهای دنیوی و مادی و باقی ماندن مسئولیت آنها بردوش انسان ۲. یادآوری اینکه امنیت ناشی از ثروت اندوزی دنیوی توهمی بیش نیست | انتقاد امام از تجمل‌گرایی و ساخت و سازهای پر هزینه                                                            | وَمَنْ جَمَعَ الْمَالَ عَلَى الْمَالِ فَأَكْثَرَ وَ مَنْ بَنَى وَ شَيْدَ وَ زَخْرَفَ وَ نَجَّدَ وَ ادَّخَرَ وَ اعْتَقَدَ وَ نَظَرَ بِزَعْمِهِ لِلْوَلَدِ إِشْخَاصُهُمْ جَمِيعاً إِلَى مَوْقِفِ الْعَرْضِ وَ الْحِسَابِ وَ مَوْضِعِ الثَّوَابِ وَ الْعِقَابِ. | ۹  |
|                          |                                                                                                                                                                                                     | امام اندوختن ثروت برای نسل‌های آینده را بدون ملاحظه معنوی محکوم می‌کند                                        |                                                                                                                                                                                                                                                              |    |
|                          |                                                                                                                                                                                                     | یادآوری امام نسبت به اینکه تمام این جمع‌آوری‌های مالی و ساخت‌وسازها در مقابل مرگ و محاسبه الهی بی‌اهمیت هستند |                                                                                                                                                                                                                                                              |    |
|                          |                                                                                                                                                                                                     | ثروتها و امتیازات دنیوی، انسان را از حسابرسی دقیق الهی معاف نمیکند                                            |                                                                                                                                                                                                                                                              |    |
|                          |                                                                                                                                                                                                     | یادآوری امام نسبت به اینکه دنیا گذراست و آخرت باقی                                                            |                                                                                                                                                                                                                                                              |    |
|                          |                                                                                                                                                                                                     | انسان باید به جای اسارت در چرخه طمع، خود را برای آخرت آماده کند                                               |                                                                                                                                                                                                                                                              |    |
| الزامات مدیریتی          | بیان ویژگی‌های قیامت توسط امام از جمله: ۱. آشکار شدن حقیقت در آن ۲. رسوا شدن باطل‌گرایان ۳. حاکمیت عدالت الهی در آن روز                                                                             | یادآوری امام نسبت به این موضوع که قیامت جایگاه آشکار شدن حقیقت است                                            | إِذَا وَقَعَ الْأَمْرُ بِفَضْلِ الْقَضَاءِ «و خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ» ، شَهِدَ عَلَى ذَلِكَ الْعَقْلُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَسْرِ الْهَوَى وَ سَلِمَ مِنْ عِلَاقِ الدُّنْيَا                                                                           | ۱۰ |
|                          |                                                                                                                                                                                                     | قیامت صحنه رسوایی باطل‌گرایان                                                                                 |                                                                                                                                                                                                                                                              |    |
|                          |                                                                                                                                                                                                     | اشاره امام به این مورد که خرد پاک ، به خوبی درک میکند که خلقت نظام آفرینش بر پایه عدل است                     |                                                                                                                                                                                                                                                              |    |
|                          |                                                                                                                                                                                                     | معرفی عقل توسط امام به عنوان هم پیمان دین                                                                     |                                                                                                                                                                                                                                                              |    |
|                          |                                                                                                                                                                                                     | تا زمانی که عقل انسان تحت سلطه تمایلات نفسانی است، نمیتواند حقیقت را به درستی درک کند                         |                                                                                                                                                                                                                                                              |    |
| الزامات اخلاقی کارگزاران | اهتمام کارگزار به آزاد بودن عقلش از تمایلات نفسانی برای درک حقیقت.                                                                                                                                  | خرد حقیقی، عدالت الهی در قیامت را تأیید میکند                                                                 |                                                                                                                                                                                                                                                              |    |
|                          |                                                                                                                                                                                                     | عقل سلیم، عقل بی نیاز از تعلقات مادی است.                                                                     |                                                                                                                                                                                                                                                              |    |
|                          |                                                                                                                                                                                                     |                                                                                                               |                                                                                                                                                                                                                                                              |    |

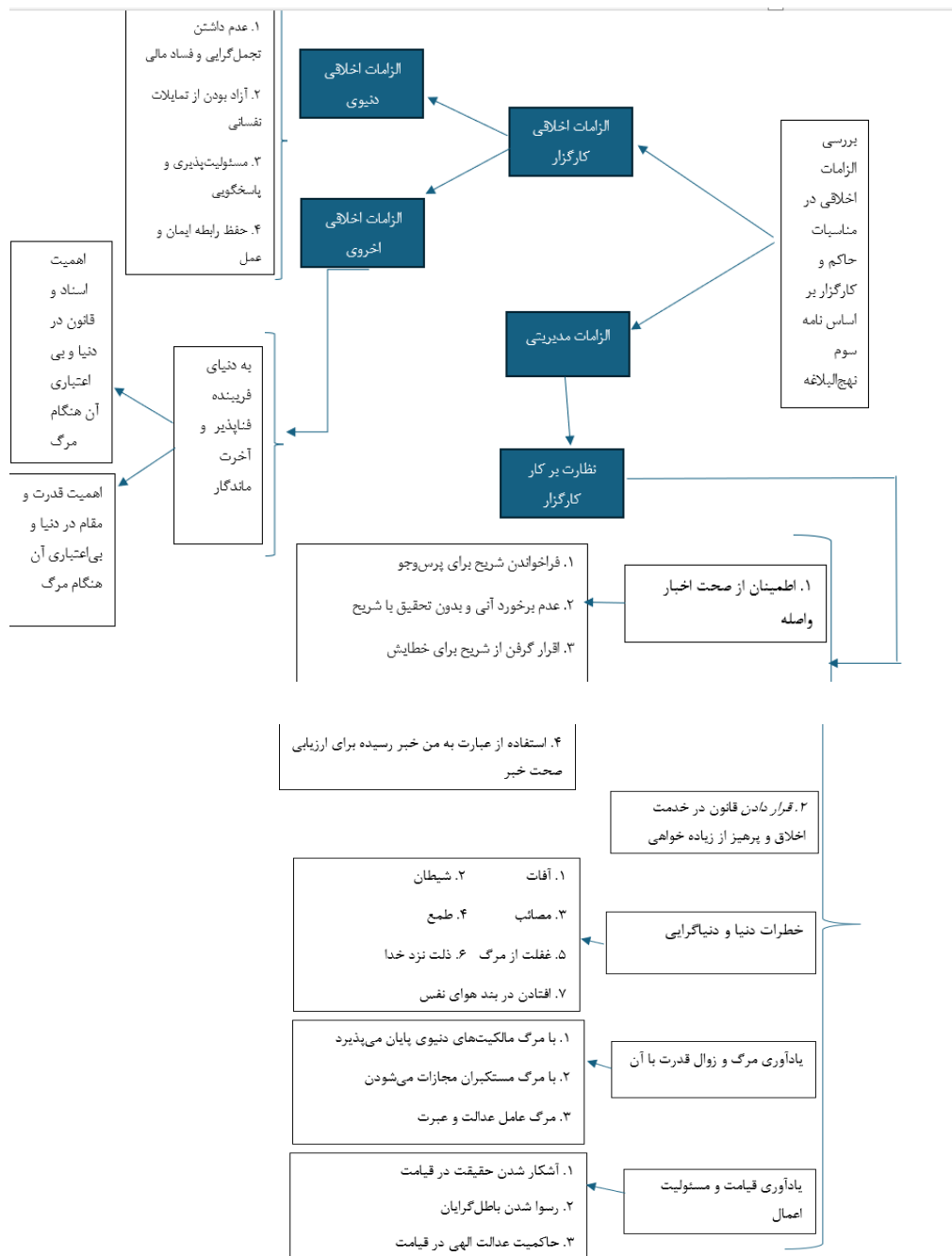
همانطور که در جدول مشخص است مضامین فراگیر حول محورهای الزامات اخلاقی کارگزاران و الزامات مدیریتی می‌چرخد که میزان فراوانی آن‌ها در نمودار زیر ارائه شده است.



نمودار ۱. فراوانی فراگیرها

## ۲-۱. یافته‌های پژوهش

با بررسی انجام شده ۹ مضمون سازمان‌دهنده از نامه امام‌علی(ع) به شریح قاضی استخراج شد که ۵ مضمون آن الزامات اخلاقی کارگزاران و ۴ مضمون آن الزامات مدیریتی می‌باشد. آنچه که در طی روند استخراج مضامین مورد توجه قرار گرفت این بود که امام در برشمردن ویژگی‌های کارگزار تنها به الزامات دنیوی بسنده نکرده‌اند بلکه به تمام ساحت‌های دنیوی و اخروی پرداخته‌اند که به صورت جداگانه ارائه خواهد شد. در ابتدا شبکه مضامین الزامات اخلاقی و مدیریتی ترسیم شده است.

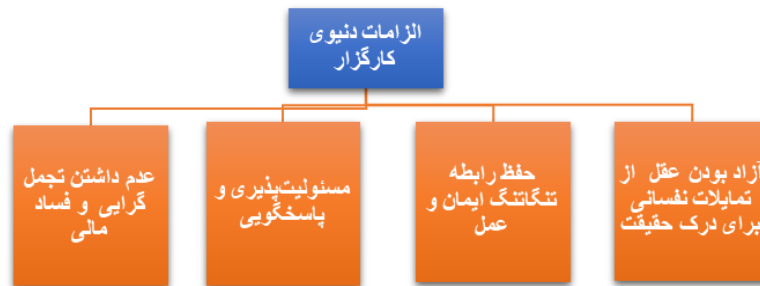


نمودار ۲. الگوی به دست آمده نهایی از تحلیل مضمون

## ۲-۱-۱. الزامات اخلاقی کارگزار

الزامات اخلاقی کارگزار، به صورت جداگانه در دو دسته الزامات اخلاقی دنیوی کارگزار و الزامات اخلاقی اخروی کارگزار ارائه می‌شود.

## ۲-۱-۱-۱. الزامات اخلاقی بعد دنیوی کارگزاران



## نمودار ۳. الزامات اخلاقی دنیوی

## ۲-۱-۱-۱-۱. آزاد بودن عقل از تمایلات نفسانی برای درک حقیقت

اولین گام برای اجرایی شدن قانون اسلام، برقراری حکومت اسلامی است و از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند در کارآمدی حکومت مؤثر واقع شود رعایت الزامات اخلاقی توسط کارگزاران متعهد به مردم است که در سایه این تعهد و سیاست‌های سنجیده تمدن‌ها بارور و فرهنگ‌ها پایا می‌شوند (حسن‌پور و ده‌یادگاری، ۱۳۸۸: ۱۳۶) اولین تعهدی که کارگزار باید نسبت به سمت خود داشته باشد کنترل نفس و پاک نگاه داشتن آن از علایق دنیاست. به بیان امام‌علی(ع) «عاجزترین مردم کسی است که از اصلاح نفسش ناتوان باشد» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ۲۰۴) امام در نامه به شریح خاطر نشان می‌کند تا زمانی که عقل تحت سلطه تمایلات نفسانی است، نمی‌تواند حقیقت را به درستی درک کند و عقل سلیم، عقل بی‌نیاز از تعلقات مادی است. ایشان به شریح آموزش می‌دهد هر تعهد اخلاقی که کارگزار ملزم به رعایت آن است به همین حق اصلی برمی‌گردد و بدون آن هیچ قانونی ضمانت حقیقی در عرصه عمل نخواهد داشت و عدم کنترل آن سبب جابه‌جایی ردائل و فضائل در نظر انسان می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۵۶۷/۱۰).

امام (ع) در نامه سوم نهج‌البلاغه از عقل سلیم و رها شده از بند نفس به عنوان هم‌پیمان دین نام می‌برد که به جای خدمت به خواسته‌های شخصی، به دنبال حقیقت است و می‌فرماید: «شَهِدَ عَلَى ذَلِكِ الْعَقْلُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَسْرِ الْهَوَىٰ وَ سَلِمَ مِنْ غَلَاظِ الدُّنْيَا» (نامه ۳) بر این گواهی دهد عقلی که از اسارت هوا خارج شده، و از وابستگی‌های دنیا سالم مانده باشد. امام رفتار کارگزاران را الگوی مردم و زمینه حاکمیت اخلاق و تأمین غایت حکومت اسلامی می‌داند زیرا پاک‌ی نفس زمامدار عامل پاک‌ی توده مردم خواهد شد (رنجبر، ۱۳۸۷: ۹۷) اما وقتی نفس انسان با طمع عجین شد به خیانت در اموال هم امر خواهد کرد. از این‌رو امام به روشنی نقش نفس را در انحراف مسیر انسان از «خدایی» به «خودی» ترسیم می‌کند و در

نامه به شریح یادآور می‌شود که تغییر جهت دادن به سمت هواپرستی بسیار ظریف اتفاق می‌افتد و در این صورت انسان به جای این که بسازد می‌سوزاند لذا کنترل نفس از دیدگاه امام در عین فردی بودن اما آثار اجتماعی ارزشمند از خود بجا می‌گذارد (شرف‌الدین، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

## ۲-۱-۱-۲. حفظ رابطه تنگاتنگ ایمان و عمل

مؤلفه دیگری که امام در نامه به شریح مطرح می‌کند حفظ رابطه تنگاتنگ ایمان و عمل است و عدم وجود آن را نشانه ضعف اعتقاد درونی به آرمان‌های مقدسی می‌داند که کارگزار برای انجام آن به کار گرفته شده است. لذا از دیدگاه امام کارگزار حکومت علوی باید با اعضا و جوارحش خداوند را یاری کند به همین دلیل امام با قاطعیت این موضوع را به شریح تذکر می‌دهند و می‌فرمایند: «انظُرْ يَا شَرِيحُ لَا تَكُونُ ابْتَعْتَ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكٍ أَوْ نَقَذْتَ الثَّمَنَ مِنْ غَيْرِ حَالِكٍ فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ» (نامه/۳)، ای شریح، مواظب باش که این خانه را از غیر مال خود نخریده، یا قیمت آن را از غیر مال حلال نداده باشی که در این صورت دچار خسارت دنیا و آخرت شده‌ای.

در این فراز امام به عواقب مال نامشروع اشاره می‌کند به کارگزارش می‌فهماند که خانه‌اش را با مالی خریده که متعلق به او نبوده و نباید خودش را مالک آن بداند زیرا از طریق رشوه به او رسیده است (مکارم، ۱۳۸۶: ۴۵/۹) و خاطر نشان می‌کند قاضی باید الگوی رعایت قانون باشد نه مفسد اقتصادی؛ زیرا اگر ایمان و عمل در کنار هم نباشند آن‌چه باقی می‌ماند تنها یک اسلام عریان است که پیامبر درباره‌اش هشدار می‌دهند و می‌فرمایند: «اسلام عریان است، لباسش حیا، زینتش وفا، مروتش عمل صالح و ستونش تقواست» (صدوق، ۱۹۸۰م: ۲۶۸).

اگر ایمان تنها بر زبان بیاید و در عمل کارگزار تجلی پیدا نکند روح وحدت از بین خواهد رفت. مردم در آن صورت تنها در ظاهر صورتی از اتحاد را نشان می‌دهند در حالی که خود را جدا و پراکنده از حکومت خواهند دید؛ زیرا وقتی ثمره ایمان که در عمل متبلور می‌شود و عمل نیک کارگزار از ریشه آن تغذیه می‌کند با رفتارهایش در تضاد باشد ادعایی پوچ و همچون کالبدی است که هیچ روحی در آن دمیده نیست، لذا هرچه جلوتر برود از مقصدش که همان رضایت خداوند است دورتر می‌شود و روحش از درون می‌پوسد.

## ۲-۱-۱-۳. مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی

مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی یکی دیگر از الزاماتی است که کارگزار علوی موظف به رعایت آن می‌باشد در واقع مسئولیت‌پذیری، نتیجه پاسخگویی است؛ زیرا در مقابل وظیفه‌ای که کارگزار ملزم به انجام آن است در برابر مردم و مقام بالاتر باید پاسخگو باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۲: ۴۳۴) و بی‌گمان کسی که نگاه مسئولانه به خود و منصبش دارد، منصبی که از توان او بیرون است را نخواهد پذیرفت چراکه پذیرش آن خیانت به جامعه و خود فرد خواهد بود؛ زیرا نمی‌تواند بار مسئولیتش را آن‌چنان که شایسته یک کارگزار است بردارد و نتیجه‌اش تضییع حق مردم خواهد بود. کارگزار اگر پست خود را امانتی الهی بداند تلاشش را در جهت حفظ آن امانت خواهد کرد.

امام علی(ع) در نامه به شریح این موضوع را یادآوری کرده که او در مقابل مقام بالادستی موظف به پاسخ‌گوییست و می‌فرمایند: «بَلِّغْنِي أَنَّكَ ابْتِغَتْ دَاراً بِمَمَانَيْنِ دِينَاراً وَ كَتَبْتَ لَهَا كِتَاباً وَ أَشْهَدْتُ فِيهِ شُهُوداً» (نامه/۳) به من خبر رسیده خانه‌ای به هشتاد دینار خریده و برایش سند نوشته و بر آن گواهی گرفته‌ای! از آنجایی که کارگزار به سبب اختیاراتی که دارد در معرض سوءاستفاده خواهد بود (لنکرانی، ۱۳۸۶: ۹۲) و قدرت، سبب مرزشکنی و خود را فراتر از قانون دیدن می‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۱۴۱) لذا باید مرجعی برای رسیدگی به امور باشد تا حد و مرز وظایف تعیین شود. این که امام به شریح می‌فرماید به من خبر رسیده که خانه‌ای به مبلغ ۸۰ دینار خریده‌ای و عصبانیت خود را نسبت به این موضوع ابراز کردند نشان می‌دهد که شریح درک درستی از مسئولیت، وظیفه و موقعیت اجتماعی خود نداشته و خودش را نسبت به سمتی که در آن به کار گماشته شده بود مسئول و پاسخگو نمی‌دید. امام نسبت به این خلاء رفتاری واکنش نشان داده تا شیوه بهره‌گیری درست از فرصت‌های موجود و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه‌اش را آموزش دهد تا با استفاده از منابع ارزشمندی که در اختیار کارگزارش قرار می‌گیرد که یکی از آن‌ها عمر است برای پیشرفت آینده جامعه تلاش کند و به طور مستمر در حال بهبود عملکرد خود باشد؛ زیرا در صورت پاسخگویی و مسئولیت‌پذیر بودن کارگزار فرایندها و عملکردها بین او و مردم تداوم پیدا می‌کند که نتیجه‌اش بقای حکومت خواهد بود.

#### ۴-۱-۱-۲. عدم تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی

مؤلفه مهم دیگری که در نامه امام به شریح قاضی به آن پرداخته شده عدم تجمل‌گرایی و فسادمالی است و اهمیت آن از دیدگاه امام به حدی است که است که وقتی شریح در پاسخ به سوال امام درباره خریدن منزل ۸۰ دیناری پاسخ مثبت داد، غضبناک شد «فَنَظَرُ إِلَيْهِ نَظَرُ مُغْضَبٍ» (نامه/۳). این واکنش نشان‌دهنده این است که حتی خرید یک خانه با پولی که منشأ آن مشکوک باشد، برای یک فرد مسئول حکومتی ممنوع است. چه رسد به بالاتر از خانه و سیره خود ایشان در این زمینه به گونه‌ای است که هرگونه توجیه و بهانه‌ای را از دیگران سلب می‌کند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۸/۲).

بی‌تردید فساد و تجمل‌گرایی که در پس آن به وجود می‌آید زمینه نارضایتی مردم و اضمحلال حکومت اسلامی را رقم خواهد زد که اگر در دستگاه قضا باشد دیگر نمی‌تواند شمشیر برنده‌ای در برابر بی‌عدالتی و ظلم تلقی شود و از حقوق مردم و محرومان حمایت کند. از این جهت امام به شریح هشدار داد که بر عملکردش اشراف دارد و نقاط ضعفش را به او گوشزد نمود. اگر در حکومت علوی قاضی، چنان خانه‌ای را با پولی که از راه مشروع به دست آمده خریداری کرده باشد، سبب یأس مردم از حکومت و دستگاه قضاوت خواهد بود. و اگر با پول حرام خریده، قطعاً به بیت‌المال تعدی نموده است و یا از طریق رشوه به دست آمده و البته باز هم موجب یأس و بدبینی مردم می‌شود و به راحتی نمی‌توان آثار شوم آن را از زندگی و خاطر مردم محو کرد. هدف امام ایجاد نظام اداری کارآمد برای برآوردن هرچه بهتر نیازهای مردم بود و علاوه بر نامه سوم در نامه‌ها و خطبه‌های دیگر نیز مقابل ویژه‌خوانی می‌ایستاد به

عنوان مثال، نامه به ابن عباس (نامه/۱۸) و عثمان بن حنیف (نامه/۴۵) نیز به این اقدام مدیریتی امام گواهی می‌دهد.

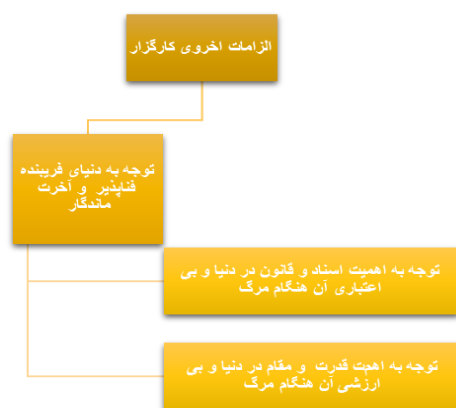
البته باید گفت «می‌خواهم» هایی که مزاحم ابعاد اصیل حیات فرد و اجتماع نباشد، مشروع بوده از دیدگاه حیات معقول محکوم نخواهد بود، بلکه زمانی محکوم است که حیات معقول به واسطه آن مختل شود (جعفری، بی تا، ج ۴: ۶۷) که در اینجا ظاهراً سخن از رشوه‌خواری است.

برای درک بهتر معنای حیات معقول بهتر است گفته شود همان احساسی است که با فعالیت عقل و وجدان درون انسان‌ها بروز می‌یابد (همان: ۶۹) و کمتر کسی را می‌توان یافت که با تزریق کردن آگاهی به او این احساس درونش پیدا نشود. لذا از دیدگاه امام تا شکاف طبقاتی جامعه پر نمی‌شد کارامدی حکومت ایشان آسیب‌پذیر بود و جامعه اسیر انواع بحران‌های مقبولیت قرار می‌گرفت و تولید اندیشه‌های دینی نه تنها اثرگذار نبود بلکه به ضد ارزش تبدیل می‌شد (جعفر پیشه فرد، ۱۳۷۹: ۶۳).

از دیدگاه امام (ع) فساد خواص زمینه ساز فقر اقتصادی است و بارزترین جلوه انحراف در نظام اقتصادی افزایش نابرابری در سطح اجتماع است. از نظرگاه ایشان تجمل‌گرایی و فربه شدن بخشی از جامعه در اثر برخورداری بیشتر به صورت غیرشفاف و غیرمنصفانه از بیت‌المال است که به موازات آن بخش اعظم جامعه را فقر فرا خواهد گرفت.

لذا حکومت علوی توانش را در راه بنیان نهادن نظام سیاسی قوی و کارآمد متمرکز نمود و نخستین گام در این راه اصلاح کارگزاران و هسته‌های مرکزی حکومت بود تا ثروت جامعه به جای توزیع عادلانه، در دست گروهی از خواص متمرکز نشود. بر این اساس، الزامات اخلاقی دنیوی کارگزار، نه در تجمل و انباشت ثروت، بلکه در خدمت خالصانه، تلاش برای رفع فقر از جامعه و تحقق عدالت متجلی می‌شود. کارگزاران می‌توانند با ساده‌زیستی، الگویی برای جامعه باشند و تمام توان خود را در جهت منافع عمومی و تحقق اهداف نظام به کار گیرند تا با این روش بتوانند رضایت خداوند و اعتماد مردم را جلب نمایند.

## ۲-۱-۱-۲. الزامات اخلاقی بعد اخروی کارگزار



## نمودار ۴. الزامات اخلاقی اخروی



## ۱-۲-۱-۱-۲. توجه به دنیای فریبنده فناپذیر و آخرت ماندگار

الزامات اخروی کارگزار، دارای بعدی فراتر از عملکرد دنیوی اوست و بر مبنای ارزشی مشخص استوار است که تخلف از این الزامات موجب سقوط در گمراهی، و پایبندی به آن‌ها زمینه‌ساز تعالی جامعه و تقرب به معبود می‌شود. امام با اشاره به فناپذیری دنیا، شتاب انسان برای رخت بستن از آن را به شریح یادآوری نموده و ملک الموت را به لشگری قدرتمند شبیه کرده که با نیرویی فوق العاده به سویش می‌آید. ترسیم این تقابل مسابقه‌ای را در ذهن تداعی می‌کند که در صورت شکست، کارگزارش عاقبت خوشی نخواهد داشت. امام با یادآوری مرگ قصد تربیت شریح را دارد تا او را متوجه کند که مراقب دنیا در کور کردن چشم دلش باشد و دچار حیرت و ضلال در دنیای ناپایدار نشود؛ شریح باید نسبت به این موضوع آگاه شود که در نظام تکوین جز خداوند کسی مالکیت ندارد و حتی انسان مالک اعضای خود هم نیست. لذا با تاکید بر این نکته به او می‌فرماید: «يَا شَرِيحُ أَمَا إِنَّهُ سَيَأْتِيكَ مَنْ لَا يَنْظُرُ فِي كِتَابِكَ، وَ لَا يَسْأَلُكَ عَنْ بَيْتِكَ، حَتَّى يُخْرِجَكَ مِنْهَا شَاخِصًا، وَ يُسَلِّمَكَ إِلَى قَبْرِكَ خَالِصًا» (نامه/۳) به زودی کسی به زدت می‌آید (ملک الموت) که به سند خانه نظر نمی‌کند، و از گواه آن نمی‌پرسد، تا آنکه تو را از آن خانه بیرون می‌کند، و تنها تسلیم خانه قبر می‌نماید.

استفاده امام از تعبیر «شاخص» از ماده شخوص به معنای مسافرت است یعنی انسان چیزی از اموال دنیا را جز کفن با خود نمی‌برد (مکارم، ۱۳۸۶: ۴۵/۹). ایشان با هشدار نسبت به گذرا بودن دنیا سعی در بیان پیوند ذاتی آن با آخرت و تناسب هریک با دیگری دارد. از دیدگاه ایشان دنیا ظرف توجه به آخرت است و وجه بیهوده نبودن دنیا جهت‌یافتگی آن به سمت آخرت است. لذا به بیان تفاوت ارزش‌های مادی و اخروی پرداخته و می‌فرماید تمام ارزشهای دنیا مانند قدرت و مقام و ثروت در هنگام مرگ بی‌ارزش است و او را متوجه این موضوع می‌کند که در حصار فریبندگی دنیا قرار نگیرد؛ زیرا انسان علی‌رغم آگاهی که نسبت به اهمیت عمر دارد گاهی تفکرش فقط معطوف به پدیده‌های مادی خواهد بود و با سرعتی نامعقول خود را در راه آرزوهای دنیوی خرج خواهد کرد و در این مسیر، دنیا را که تنها یکی از مراحل حیاتش است به عنوان معبود خودش قرار می‌دهد؛ که در این حالت اسیر دنیا خواهد شد و به عبارتی به «عبادت دنیا» خواهد پرداخت (بیضون، ۱۳۷۵: ۱۸۵).

باید دانست، وقتی بخواهند سرمایه باارزشی را از انسان بگیرند یا او را از مقصدی که در پیش دارد بازدارند کالای بی‌ارزشی را برایش می‌آریند تا او را شیفته ظاهر زیبای آن کالای بی‌ارزش کنند و از آنجایی که انسان تنها موجودی است که نسبت به مظاهر دنیا حریص است و اگر امکان به دست آوردن آن برایش مهیا نشود حتی به انکار آخرت دست خواهد زد. در این صورت مرگی که در تعقیب اوست و فاصله‌ای با او ندارد را نفی خواهد کرد و تمام تلاشش را صرف دنیایی می‌کند که نمی‌داند به زودی از آن رخت خواهد بست. امام این نکته را بعد از خرید خانه به شریح یادآور می‌شود و می‌فرماید: «هَذَا مَا اشْتَرَيْتَ عَبْدٌ ذَلِيلٌ، مِنْ مَيِّتٍ قَدْ أُزْعِجَ لِلرَّحِيلِ، اشْتَرَيْتَ مِنْهُ دَاراً مِنْ دَارِ الْغُرُورِ مِنْ جَانِبِ الْفَنَاءِ، وَ خَطَّةَ الْهَالِكِينَ» (نامه/۳) این خانه‌ای است که آن را بنده‌ای خوار، از مرده‌ای که برای کوچ کردن به سرای دیگر از این خانه

بیرونش کرده‌اند خریده است، از او خانه‌ای از خانه‌های فریب از جانب فانی‌شوندگان، و سرزمین اهل هلاکت خریده.

البته «این که انسان توقع داشته باشد بتواند از مختصات زندگی دنیا رهایی پیدا کند همان مقدار نابجا است که کسی توقع خیس نشدن بعد از افتادن در آب را از خودش داشته باشد» (جعفری، ۱۳۷۶: ۱۲۶/۱۳). لذا مقصود امام نه سست گرفتن دنیا و نه قهر کردن با آن است؛ زیرا اگر دنیا به طور یکطرفه فریب‌دهنده بود که یک‌جانبه عمل می‌کرد و یک طرف را نشان می‌داد، ولی دنیایی که قدرت و سلامتی را نشان می‌دهد، در کنارش ضعف و ناتوانی را هم نشان می‌دهد. در کنار عزت، ذلت را هم نمایان می‌کند پس به گونه یکطرفه فریب‌دهنده نیست و امام در نهج‌البلاغه به این موضوع اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «وَحَقًّا أَقُولُ مَا الدُّنْيَا غَرَّتْكَ وَ لَكِنَّ بِهَا اغْتَرَزْتَ وَ لَقَدْ كَاشَفْنَاكَ الْغِطَاتِ وَ آذَنَّاكَ عَلَى سَوَاءٍ وَ لَهَا بِمَا تَعُدُّكَ مِنْ نُزُولِ الْبَلَاءِ بِجِسْمِكَ وَ الْتَقْصُ فِي قُوَّتِكَ أَصْدَقُ وَ أَوْفَى مِنْ أَنْ تَكْذِبَكَ أَوْ تَغُرَّكَ» (خطبه/۲۲۳) به راستی، دنیا تو را نفریفته، تو خود فریفته آن شده‌ای. دنیا هر چیز را که از آن عبرتی توان گرفت، برایت آشکار ساخت و از فواید عدالت آگاهت نمود. دنیا که تو را به دردمند شدن تن و نقصان نیرو وعده می‌دهد، صادقتر و وفادارتر از آن است که به تو دروغ گوید یا فریب دهد. بنابراین این انسان است که به بیان امام فریب دنیا را می‌خورد. اگر چیزی تمام آن‌چه را که در طبیعتش است به انسان نشان دهد، در واقع به انسان پند داده است. فریب‌کار کسی است که در خودش هم خوبی و بدی را داشته باشد اما فقط، خوبی را به نمایش بگذارد و بدی را بپوشاند (کوزه‌کنانی‌تبریزی، ۱۴۰۶: ۱۷۶) منظور امام این است که کارگزارش در مقابل دنیا با بصیرت زندگی کند و از این دنیا ره توشه مناسبی برای خویشتن خویش بردارد، نه این‌که فقط در راه تورم خود طبیعی و حیوانی‌اش بهره‌برد (بختباری و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۵۳)؛ زیرا ظاهر دنیا بسیار جذاب و باطن آن است که خطرناک می‌باشد (مکارم ۱۳۸۶: ۲۲۱/۱۱).

امام از کنار هم قرار دادن تجملات و اشرافی‌گری در دنیا و مرگ و نظام پیچیده بعد از آن در آخرت به شریح هشدار می‌دهد تا «در روز بازنشستگی میز دنیا را با دست خالی رها نکند و فرسوده از این دنیا کوچ ننماید» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۴: ۱۴۱/۱۱). به همین دلیل امام او را به خودش می‌آورد که برای عمل شتاب کند لذا دنیا و متعلقات آن را ناپایدار معرفی کرده و با یادآوری مرگ به شریح می‌آموزد که حتی با وجود قدرت در برابر خداوند ناتوان است.

## ۲-۱-۲. الزامات مدیریتی

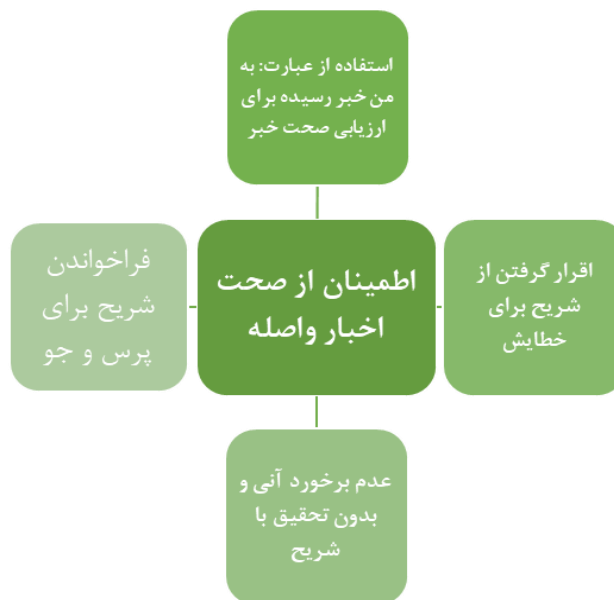
الزامات مدیریتی، چارچوبی الزام‌آور است که شیوه انجام درست وظایف محوله به کارگزاران را از سوی امام مشخص می‌کند و مبتنی بر رعایت بایدها و نبایدهایی است که کارگزار علوی در جهت تعالی جامعه ملزم به رعایت آن است. مضامین الزامات مدیریتی نامه سوم در نمودار زیر ارائه شده است.



نمودار ۵. الزامات مدیریتی

### ۲-۱-۲-۱. اطمینان از صحت اخبار واصله

در بررسی سازوکار نظارتی امام علی (ع) بر عملکرد کارگزاران، مطالعات نشان می دهد دقت ایشان در مواجهه با گزارش های دریافتی، منحصربه فرد است. امام پیش از صدور هرگونه حکم تنبیهی یا اصلاحی، با اعتبارسنجی شخصی، صحت ادعاها را مورد واکاوی قرار می داد. این رویکرد پایش فعالانه، مانع شتابزدگی در قضاوت می شد که نشان از تعهد امام به کرامت ذاتی انسان ها داشت. در نمودار زیر نتایج این مضمون با توجه به نامه سوم نهج البلاغه ارائه شده است.



نمودار ۶. بررسی صحت اخبار واصله

## ۲-۲-۱-۲. قرار دادن قانون در خدمت اخلاق و پرهیز از زیاده خواهی

نامه امام علی(ع) برای شریح اصولی از احکام قضاوت را آشکار می‌کند که شامل صفات و ویژگی‌های است که باید در قاضی جمع باشد و او را با موعظه‌هایی تکان دهنده متوجه مسئولیتش می‌کند اما تنها به این بسنده نمی‌کند چرا که می‌داند قدرت همواره میل به تمامیت خواهی را در انسان به وجود می‌آورد. شیوه نظارتی امام بر مهار قدرت کارگزاران قابل انکار نیست؛ زیرا اگر کارگزار بداند بر عملکرد او نظارت می‌شود کمتر دچار تخلف می‌شود. در ابتدای نامه سوم، امام به شریح می‌نویسد: «بَلِّغْنِي أَلَّكَ...» به من خبر داده شده که تو... این نکته مهمی است که در نامه امام به کارگزارانش بازتاب یافته و نشان می‌دهد حکومت علوی نیروی کافی برای رساندن اخبار به مرکز حکومت را دارد و کارکرد کارگزاران خود را زیر نظر داشته است و آن‌ها را طبق عملکردشان تشویق و یا مجازات می‌کند.

همانگونه که گذشت، یکی از راه‌های تربیتی امام علی(ع) استفاده از سیاست تنبیه و تشویق کارگزاران است که به دلیل مسئولیت‌های گسترده نیاز به آن دارند. حکومت علوی نسبت به کارگزاران خود نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد و از عملکرد افراد صالح و خدوم قدردانی و به افراد غیر صالح و منحرف هشدار می‌دهد و در برابر هر یک موضع مناسب می‌گیرد (نامه ۳/۵۳، ۵، ۱۸...) زیرا مسامحه کارگزاران در امر حکومت پیامدهای ناگواری برای نظام علوی خواهد داشت. یکی از ابعاد تنبیهی امام، توجه به ارزش‌های اخلاقی کارگزار نسبت به ظواهر قانونی است که هیچ‌گاه در حکومت علوی قربانی امور تجربی و تخصصی نشد. از دید امام گاه یک جمله، یک تذکر، یک اندرز، انسان را بیدار و او را از اعمال خود آگاه می‌سازد. گاه یک موعظه انسان را به تفکر واداشته و به خودسازی ترغیب می‌کند. به همین دلیل امام بعد از تأیید شریح

مبنی بر خرید خانه اینگونه او را مورد خطاب قرار می‌دهند و می‌فرمایند: «مَا إِنَّكَ لَوْ كُنْتَ أَتَيْتَنِي عِنْدَ شِرَائِكَ مَا اشْتَرَيْتَ لَكُنْتُ لَكَ كِتَابًا عَلَى هَذِهِ التُّسْحَةِ، فَلَمْ تَرْغَبْ فِي شِرَاءِ هَذِهِ الدَّارِ [بِالْبَرِّهِمْ] بِدِرْهِمٍ فَمَا فَوْقُ» (نامه/۳) آگاه باش، اگر زمان خرید خانه نزد من آمده بودی، برای تو سندی مانند این سند می‌نوشتیم، که در خرید این خانه به یک درهم چه رسد بالاتر از آن رغبت نمی‌کردی.

با توجه به بیان امام در متن بالا یکی از کم‌کاری‌های شریح، داشتن تصور رسیدن به امنیت با استفاده از غنای تکاثری و طمع بود و غفلت از نیازهای اجتماع (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۳۸۳) این افراط‌گرایی برای بزرگی است که انسان را به طغیان خواهد کشید و او را به جمع‌آوری مال مشغول کرده و آدمی گمان می‌کند که این مال همه چیز اوست و بدیهی است که سیاست علوی با این قواعد و اصول که با سعادت بشر کاری ندارد سازگار نیست. بلکه هدف آن تضعیف حیات آدمی است. در قرآن و نهج‌البلاغه نمونه‌های زیادی است که نشان می‌دهد هدف از خلقت انسان تکاثر در مال و اموال و فرزند نبوده بلکه از آن‌ها با عنوان فتنه یا وسیله آزمایش نام برده شده است به عنوان مثال قرآن می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (انفال/۲۸) و بدانید که اموال و فرزندان فقط وسیله آزمایش شماست.

از دید امام (ع) چون انسان برای آخرت خلق شده است و به این موضوع نیز اینگونه اشاره می‌کند که: «مَيِّتَ قَدْ أُزْعِجَ لِلْحَيَلِ» (نامه/۳) مرده‌ای که برای کوچ کردن به سرای دیگر از این خانه بیرونش کرده‌اند لذا شایسته نیست که با جمع‌آوری اموال در طلب امنیت باشد. بلکه باید الگوی خود را حاکم جامعه اسلامی قرار دهد که وقتی درباره لباس وصله‌دار ایشان سؤال شد فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي أَمَامًا لِّخَلْقِهِ، فَفَرَضَ عَلَى التَّقْدِيرِ فِي نَفْسِي وَ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ مَلْبَسِي كَضَعَاءِ النَّاسِ، كِي يَقْتَدِيَ الْفَقِيرُ الْفَقِيرَ وَلَا يَطْغَى الْغَنَى غَنَاهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۴۱۰).

خدا مرا امام و پیشوا قرار داده و بر من واجب کرده است که در رفتار و خوراک و پوشاکم مانند مردم ضعیف و مستمند، بر خود تنگ گیرم، تا فقیر از فقر من پیروی کند و ثروتمند هم به واسطه ثروتش طغیان نکند.

از بیان امام می‌توان این نتیجه را گرفت که زندگی کردن همانند اکثر مردم، نفس‌فرعون‌صفت را به زانو درخواهد آورد و از آن مهم‌تر این است الگویی که یک کارگزار در صحنه مسئولیت از خود نشان می‌دهد از ارائه الگوی گفتاری او کارسازتر است (حمیدزاده‌گیوی، ۱۳۹۵: ۳۴۰) لذا امام به شریح نسبت به عواقب زیاده‌خواهی که یا به اسراف و یا به خیانت نسبت به مردم منتهی شده و آن‌ها را مورد بهره‌کشی قرار می‌دهند هشدار داده و به او آموزش می‌دهد که طمع و زیاده‌خواهی‌های دنیوی حتی با وجود اسناد قانونی، در پیشگاه الهی بی ارزش است. بنابراین پذیرش غنای تکاثری توسط کارگزاران نه تنها نشانه فهم دین نیست بلکه حاصل از اقتصاد آزاد و بی قیدوشرط آن‌ها است

### ۳-۲-۱. خطرات دنیا و دنیاگرایی

از آنجایی که دنیا سکه‌ای دوروست که اگر یک طرفش انسان را مغرور می‌کند (رحیمیان محقق، ۱۳۸۰: ۷۵) طرف دیگرش می‌تواند او را متواضع کند، امام به شکلی استعاره‌ای و هشداردهنده به این موضوع اشاره

می‌کنند و می‌فرمایند: «اشْتَرَى مِنْهُ دَاراً مِنْ دَارِ الْغُرُورِ مِنْ جَانِبِ الْفَانِينَ وَ خِطَّةِ الْهَالِكِينَ» (نامه/۳) خانه ای خریده از خانه های فریب از جانب فانی شوندگان و سرزمین اهل هلاکت. این عبارت، نمادی از گذران بودن دنیای مادی و موقت است که اگرچه به نظر می‌رسد مالکیت و امکاناتی را در اختیار انسان قرار می‌دهد، اما در واقع، این دنیا «خانه فریب» است و در نهایت به سرزمینی منتهی می‌شود که هلاکت و نابودی را در خود جای داده است و شریح را به برگرفتن توشه فرمان می‌دهد که می‌تواند خشیت نسبت به خداوند، تقوا، زهد، عدالت، عمل نیک، ساده زیستی و .... باشد که هرکدام به نوبه خود سبب حفظ صاحبش خواهد شد و البته که همه این‌ها امور دنیوی اند و در همین دنیا محقق خواهند شد (ابن میثم بحرانی، ۱۴۰۴: ۱۴۵/۲، ۱۶۵). از نظرگاه امام این ارزش‌ها، اگرچه در دنیای مادی و محسوس محقق می‌شوند ولی هدف نهایی آن‌ها، تحقق انسانی معنوی و اخلاقی است که در دنیای مادی، از طریق انتخاب‌های هوشمندانه و متعهدانه، ساخته و پرداخته می‌شود. بنابراین، دنیا در این دیدگاه، نه به عنوان هدف، بلکه به عنوان زمینه‌ای برای تحقق ارزش‌های ابدی تلقی می‌شود.

دنیا به عنوان یک امر عینی و خارجی را نمی‌توان مذمت یا ستایش کرد، بلکه با انتخاب و اختیار می‌تواند صورت ارزشی و یا ضدارزشی به خود بگیرد. پس در واقع این انتخاب انسان است که یا خوب و یا بد است ولی به دنیا نسبت داده می‌شود. امام در نامه به شریح چهره مذموم دنیا و حدود آن را نشان می‌دهد. ایشان دنیا را خانه‌ای با حدودی خاص توصیف می‌کند و می‌فرماید: «و تَجْمَعُ هَذِهِ الدَّارُ حُدُودَ أَرْبَعَةِ الْحُدُودِ الْأَوَّلُ يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْآفَاتِ وَ الْحَدُّ الثَّانِي يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْمُصِيبَاتِ وَ الْحَدُّ الثَّالِثُ يَنْتَهِي إِلَى الْهَوَى الْمُرْدِي وَ الْحَدُّ الرَّابِعُ يَنْتَهِي إِلَى الشَّيْطَانِ الْمُغْوِي وَ فِيهِ يُشْرَعُ بَابُ هَذِهِ الدَّارِ» (نامه/۳) این خانه را چهار حد و جهت است: حد اول به آفات و بلاها، حد دوم به مصائب، حد سوم به هوس‌های تباهی‌آور، و حد چهارم به شیطان گمراه کننده، و در این خانه به همین حد چهارم باز می‌شود.

امام به صراحت به این موضوع اشاره می‌کند که دنیاپرستان در محاصره چهار عامل خطرناک‌اند، یکی از آن‌ها انواع آفت‌ها مانند بیماری‌ها و جنگ‌هاست که از بیرون به انسان تحمیل می‌شود و دیگر مصائبی است که انسان از داخل به آن گرفتار می‌گردد مانند از دست دادن عزیزان، و از سوی سوم و چهارم هوا و هوس سرکش که از درون بر انسان فشار می‌آورد و شیطانی که از برون انسان را وسوسه می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۵۰/۹).

امام ورود به دنیای مادی را همان مرز چهارم می‌داند و هشدار می‌دهد که وابستگی به دنیا، با وسوسه شیطانی همراه است؛ زیرا شیطان همیشه در تلاش است با ارائه تصویری قدرتمند از خودش و با زیبا جلوه دادن آثار تبعیت از خود ﴿وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌّ لَكُمْ﴾ (انفال/۴۸) و [یاد کنید] هنگامی را که شیطان اعمالشان را [که در راه دشمنی با پیامبر و لشکرکشی بر ضد اهل ایمان بود] در نظرشان آراست و گفت: امروز [به سبب جمعیت بسیار و آرایش جنگی شما] هیچ کس از مردمان [با ایمان] پیروز شونده بر شما نیست، و من پناه دهنده به شمایم انسان را به هواخواهی خویش فراخواند. امام شیطان را عامل آفت و مصیبت معرفی می‌نماید و از این‌که کارگزارش دست

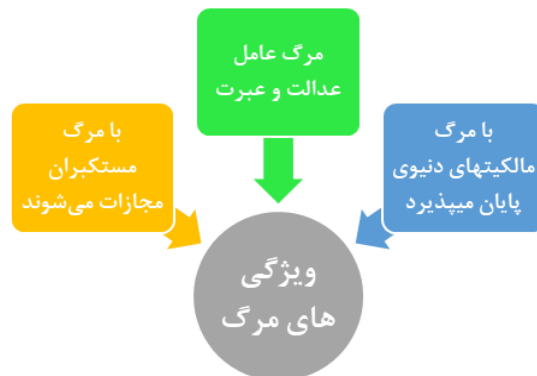
بردگی به سوی او دراز کند ابراز ناراحتی می‌کند. چراکه می‌داند شیطان از اعتماد اولیای خود سوءاستفاده کرده و در جوارح آن‌ها نفوذ می‌کند (الموسوی، ۱۴۱۸: ۱۳۴) از دید امام رسوایی در قیامت نتیجه مستقیم انتخاب‌های نادرست قاضی علوی در پیروی از شیطان است که حتی اگر از آفات و مصیبت‌های بیرونی بگذرد، خطرناک‌ترین دشمن برای او شیطان و تمایلات درونی است؛ زیرا اگر قاضی به دنیا دل بسته شود و میل به تجملات ظاهری پیدا کند از مسیر عدالت که از مو باریک‌تر است منحرف خواهد شد و حقی که از مردم سلب می‌کند سبب می‌شود که اعتماد و امنیت از بین برود و خصیصه حق‌کشی و گرایش به رشوه‌دهی بین مردم رواج پیدا کند به همین دلیل امام نسبت به عواقب مال حرام و نامشروع هشدار می‌دهد تا از افتادن شریح در دام مادیات جلوگیری کند و به مصائب دنیا گرفتار نشود یعنی در نهایت دلیل دنیا نشود.



نمودار ۷. خطرات دنیاگرایی

#### ۴-۲-۱. مرگ و زوال قدرت

امام برای متنبه ساختن شریح نسبت به عاقبت تجمل‌گرایی از مرگ و ویژگی‌های آن سخن می‌گوید و می‌فرماید: «مُبْلِلُ أَجْسَامِ الْمُلُوكِ وَ سَالِبِ نَفُوسِ الْجَبَابِرَةِ وَ مُزِيلُ مُلْكِ الْفَرَّاعِنَةِ مِثْلَ كِسْرَى وَ قَيْصَرَ وَ تَبِعَ وَ حَمِيرَ» (نامه/۳) نابود کننده بدن‌های پادشاهان، و گیرنده جان گردنکشان، و نابودکننده سلطنت فرعونیان، همچون شاهان ایران و روم، و یمن و حمیر.



نمودار ۸. ویژگی های مرگ

از نظرگاه امام علی (ع) یکی از راهکارهای عملی برای بیداری وجدان و مراقبت از اعمال و مبارزه با اشرافی گری و فساد، یاد مرگ است. امام علی (ع) بارها در نهج البلاغه بر این نکته تأکید کرده اند که غفلت از یاد مرگ منشأ بسیاری از خطاها و انحراف های اخلاقی و اجتماعی است. ایشان با تأکیدهای مکرر و تصویرسازی های عمیق، اهمیت توجه به مرگ را برای کارگزارش بیان می کنند و با لحنی هشداردهنده، انسان را به مراقبت از زمان و اعمال خود فرا می خوانند و با بهره گیری از مثال های ملموس، پیام اخلاقی و تربیتی مرگ را به روشنی بیان می کنند این نکته بسیار مهمی است. اگر مرگ نبود هیچ گاه به فلسفه «بودن» فکر نمی شد. در شرایطی که بلای دنیاگرایی قبل از خلافت امام علی (ع) به جان اسلام افتاده بود (مسعودی، ۱۹۹۰م: ۳۰۵) امام از رسوخ جریان سرمایه داری در بدنه جامعه ابراز نگرانی می کرد و کارگزارانش را با یاد مرگ به حقیقت زندگی رهنمون می کرد. امام دنیا را منزلی می دانند که هر لحظه باید آماده کوچ از آن بود لذا به نکات بسیار مهم درباره مرگ پرداختند و ویژگی هایی را برشمردند که کاملاً متناسب با شرایط شریع بود. ایشان مرگ را با عباراتی چون پایان دهنده مالکیت های دنیوی، عامل مجازات مستکبران، عامل عدالت و عبرت معرفی کرده و از این رو به شریع هشدار می دهد که با وجود مرگی که پایان دهنده مقام و دارایی اوست برای رسیدن به عزت در دنیا و آخرت باید به مظاهر دنیا بی نیازی نشان دهد، چراکه دنیا پرستی و فراموشی مرگ اخلاق را به انحطاط می برد (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۵۰).

## ۵-۲-۱-۲. قیامت و مسئولیت اعمال

امام در ادامه سخنان خود به شریع، ویژگی های قیامت را تشریح می کند و به او می فهماند که در آن روز، حقیقت به طور کامل آشکار خواهد شد و تمام تلاش ها و اعمال انسان ها، چه نیک و چه بد، بی پرده و واضح نمایان خواهد شد. در آن روز، باطل گرایان و کسانی که در زندگی دنیا به ظلم و ستم و دروغ پرداخته اند، رسوا و خوار خواهند شد و اعمال زشت و ناپسندشان بر همگان آشکار خواهد شد. این روز، روز حاکمیت عدالت الهی است: «إِذَا وَقَعَ الْأَمْرُ بِفَضْلِ الْقَضَاءِ» (نامه ۳) زمانی که فرمان حق برای جدایی بین حق و باطل فرود آید جایی که هر کس به خاطر اعمال خود، پاداش یا کیفر خواهد دید و عدالت خداوند بر



همه آشکار و جاری خواهد بود. لذا می‌فرماید: «مَنْ جَمَعَ الْمَالَ عَلَى الْمَالِ فَأَكْثَرَ وَ مَنْ بَنَى وَ شَيَّدَ وَ زَخْرَفَ وَ نَجَّدَ وَ اَذْخَرَ وَ اعْتَقَدَ وَ نَظَرَ بِزَعْمِهِ لِلْوَلَدِ إِشْخَاصَهُمْ جَمِيعاً إِلَى مُوقِفِ الْعَرْضِ وَ الْحِسَابِ وَ مُؤْضِعِ الثَّوَابِ وَ الْعِقَابِ» (نامه/۳) آن‌هایی که ثروت بر ثروت افزودند، و آنان که ساختند و محکم کردند، و زینت دادند و بیاراستند و ذخیره نمودند و به اعتقاد و گمان خود نسبت به برنامه اولاد توجه کردند، ملک الموت همگی را به جایگاه بازپرسی و حساب و محل مزد و جریمه روانه کند



#### نمودار ۹. ویژگی‌های قیامت

امام با اشاره به این که تمام قدرت‌ها به زوال می‌رود و تمام ثروت‌ها و مالکیت‌ها به جا می‌ماند و همه انسان‌ها از جام مرگ می‌نوشند و در قیامت در پای حساب حاضر می‌شوند مخاطبشان را از نظر معنوی رشد داده و به او کمک می‌کند که از نیازدگی نجات یابد و در کنار دنیا از مسأله آخرت غافل نشود. باید در کنار ظاهرسازی‌هایی که برای زندگی دنیوی انجام می‌شود و اصالتی که انسان به جلوه‌های مادی زندگی خود در تمام شئون می‌دهد، قدری پرده‌های تجمل و توهم‌های روزانه اش را کنار بزند و از خود بپرسد که برای مقصد اصلی چه باید کرد؟ زیرا اگر انسان بتواند نسبت به واقعیت‌هایی که در این دنیا وجود دارد بصیرت و آگاهی یابد می‌تواند از این بصیرت برای رسیدن به سعادت در جهان دیگر بهره ببرد. هدف امام این است که کارگزارش هنگام شتاب برای بهره بردن هر چه بیشتر از مواهب دنیا نظیر ثروت و تجمل و تکاثر، مرگ و دنیای بعد از آن را فراموش نکند زیرا یاد مرگ و پایان تمام منصب‌ها و مالکیت‌های دنیا به وسیله آن سبب می‌شود که غفلت انسان از بین برود و سبب محکم شدن قلب آدمی با وعده‌های الهی می‌شود، روح انسان را از تک‌خواهی و قساوت به سوی لطافت سوق داده شده و سبب شکسته شدن نشانه‌های هوس در وجود آدمی می‌شود و همچون آبی است که می‌توان با آن آتش طمع را خاموش کرد.

### ۳. نتیجه گیری

این پژوهش در نامه سوم نهج البلاغه، الزامات اخلاقی و مدیریتی حاکم بر مناسبات بین حاکم و کارگزار حکومتی را استخراج و الگوی حاکم بر آن را تبیین کرده است. این الگو بر اساس تحلیل مضمون و طبقه بندی مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه، با بهره گیری از داده های استخراج شده در نرم افزار اکسل به دست آمده است.

در این راستا، می توان نتایج ذیل را ذکر کرد:

ره آورد مطالعه دقیق این خطبه بیانگر آن است که روش تحلیل مضمون در بررسی خطبه ها و نامه های نهج البلاغه بسیار کارآمد است و موضوعات مختلف مندرج در آن ها را در نظام و چارچوبی هماهنگ بیان می سازد. تحلیل مضمون نامه سوم نهج البلاغه منجر به استخراج الگویی شامل دو بعد اصلی شد. الزامات اخلاقی به معنای آن چه کارگزار ملزم به رعایت آن است و الزامات مدیریتی به معنای اوامر و دستورات حاکم. در ساحت دنیوی الزامات اخلاقی به مباحث: عدم تجمل گرایی، آزاد بودن عقل از تمایلات نفسانی برای درک حقیقت، مسئولیت پذیری و پاسخگویی، حفظ رابطه تنگاتنگ ایمان و عمل پرداخته شد و در بعد اخروی، دنیای فریبده فناپذیر و آخرت ماندگار مورد توجه قرار گرفت. در قسمت الزامات مدیریتی نیز، ویژگی های قیامت، ویژگی های مرگ، دنیا و انتخاب های سرنوشت ساز و قرار دادن قانون در خدمت اخلاق و پرهیز از زیاده خواهی مضامین مستخرج از پژوهش بود. این الگو نشان می دهد که کارآمدی نظام در گرو پیوند هر دو ساحت دنیا و آخرت بنا شده است.

### منابع

- قرآن کریم.
- ابن شهر آشوب (۱۲۷۹ق). مناقب آل ابی طالب. مصحح: آشتیانی، محمدحسین و رسولی، هاشم. ج ۲. قم: علامه.
- استروس، انسلم و کریت، جولیت (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای. ترجمه: ابراهیم افشار. دوم. تهران: نشرنی.
- بحرانی، ابن میثم (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. چ دوم. قم: دفتر نشر الکتاب.
- بختیاری، عاطفه، دیانی، محمد مهدی و حسینی، سیدحسن (۱۴۰۳). آسیب شناسی معنای زندگی توحیدی از منظر نهج البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، ۱۲(۴۵)، ۱۳۳-۱۵۶.
- <https://doi.org/10.22084/nahj.2025.29618.3085>
- بیضون، لیب (۱۳۷۵). تصنیف نهج البلاغه. قم: تبلیغات.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم. محقق: مهدی رجایی. دوم. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- جعفر پیشه فرد، مصطفی (۱۳۸۶). حکومت علوی و اقدام به اصلاحات اجتماعی، اقتصادی، توسعه. فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۸، ۵۶-۹۷.

- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۴). تفسیر موضوعی قرآن کریم. ج ۱۱. قم: اسراء.
- ----- (۱۳۹۲). تفسیر انسان به انسان. قم: صدرا.
- حسن پور، جمیل و ده یادگاری، منوچهر (۱۳۸۸). اخلاق و سیاست از دیدگاه نظریه انتقادی. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۲(۳۲)، ۱۰۷-۱۳۸.
- حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد (۱۳۸۰). ترجمه الحیاة. ترجمه: احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دشتی، محمد (۱۳۸۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: انتشارات اشکذر.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۳). سیره نبوی. ج ۳. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رحمانی، عبدالحکیم (۱۳۸۳). دولت پاسخگو در اسلام. مجله معرفت، ۸۲، ۱۱۳-۱۲۰.
- رحیمیان محقق، عباس (۱۳۸۰). دنیاشناسی و دنیاکرایی در نهج البلاغه (گردآوری شده از آثار جواد آملی). تهران: اسراء.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۷). اخلاق سیاسی از دیدگاه امام علی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۷(۱۵)، ۸۵-۱۱۸.
- شرف‌الدین، حسین (۱۳۹۶). ارزشهای اجتماعی از منظر قرآن. اول. تهران: سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شیخ‌زاده، محمد، فقیهی، ابوالحسن، عابدی، حسن، و تسلیمی، محمدسعید (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین. اندیشه مدیریت راهبردی، ۲(۱۰)، ۱۵۱-۱۹۸.
- شیخ‌زاده، محمد و بنی‌اسد، رضا (۱۳۹۹). تحلیل مضمون. مفاهیم، رویکردها و کاربردها، تهران: لوگوس.
- شیخ صدوق (۱۹۸۰ م). الامالی. بیروت: العلمی.
- شیخ مفید (۱۳۷۷). دفاع از تشیع: بحثهای کلامی شیخ مفید. ترجمه: خوانساری، محمدبن حسین. قم: مومنین.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کوزه کنانی تبریزی، احمدبن عبدالله (۱۴۰۶). ایقاظ العلماء و تنبیه الامراء. دوم. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- لنکرانی، محمدفاضل (۱۳۸۶). آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع). قم: نشر فرهنگ.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۹۹۰). مروج الذهب و معادن الجواهر. دوم. بیروت: دارالعالمی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). سیری در نهج البلاغه. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸). پیام امام امیرالمومنین. قم: انتشارات علی بن ابی طالب.
- الموسوی، السید عباس علی (۱۴۱۸). شرح نهج البلاغه. چ ۱. بیروت: دارالرسول الاکرم.
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research. *Qualitative Research*, 1, 385-405.  
<http://dx.doi.org/10.1177/146879410100100307>



## Genealogy of the detailed testament of Imam Ali (AS) to Muhammad ibn Abi Bakr (Authentication of texts and sources)

(Research Article)

Ali Hajikhani<sup>1\*</sup> , Hossein Shahvaroghi Farahani<sup>2</sup> 

Submission Date: 30 January 2025

Revision Date: 26 May 2025

Acceptance Date: 16 June 2025

(Page 65-92)

### Abstract

The letters of Imam Ali (AS), the Commander of the Faithful, addressed to rulers, scholars, and people of various lands, represent a vital intellectual treasure within Islamic hadith and historical heritage. The detailed covenant letter to Muhammad ibn Abi Bakr, following that of Malik al-Ashtar—and in some respects surpassing it—is deemed the most significant, comprehensive, and elaborate letter issued by Imam Ali (AS). Its distinction from other letters to Muhammad lies in the ambiguity of its textual boundaries in sources, potentially challenging its authenticity in attribution and content. Thus, an independent study on the genealogy of this covenant letter was necessary, employing a library-based method for data collection and a descriptive-analytical-comparative approach for processing, aiming to refine and analyze its content. The study addresses: How many letters did Imam Ali (AS) write to Muhammad ibn Abi Bakr, and which sources have reported them? How is the covenant letter reflected in hadith and historical sources? How is its authenticity evaluated? Findings revealed seven letters reported in fifteen early sources, with the detailed covenant letter appearing in the eighth, varying in elaboration, segmentation, and combination of passages. Its authenticity is readily proven through reliable verification methods supported by corroborative evidence.

1. Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

2. Master's student, Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

\*: Corresponding Author:

Email: ali.hajikhani@modares.ac.ir

**How to cite this article:** Hajikhani, A., & Shahvaroghi, H. (2025). Genealogy of the detailed testament of Imam Ali (AS) to Muhammad ibn Abi Bakr (Authentication of texts and sources). *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, 13(49), 65-92. <https://doi.org/10.22084/nahj.2026.31367.3214>

**Keywords:** Imam Ali (AS), detailed testament, Muhammad ibn Abi Bakr, genealogy, source studies, authentication.

## Extended Abstract

### 1. Introduction

The letters of the Commander of the Faithful, Imam Ali (AS), to the rulers, scholars and people of various lands are among the most important treasures of knowledge deposited in the hadith and historical heritage of Islam. The detailed treaty of Muhammad ibn Abi Bakr, after the treaty of Malik al-Ashtar, and in some respects even before it, is the most important, most comprehensive and most detailed letter written at the behest of Imam Ali (AS), which requires an independent study in the field of content analysis. However, before realizing this topic of "Al-Arsh Tham Anqash", it is first necessary to clarify and complete the origin of the letter, its limits and limitations and its authenticity because when referring to hadith, historical and exegetical sources, it is observed that some of them have reported a relatively short and concise text under the title of a single letter, others have reported multiple and sometimes detailed texts describing multiple letters, and still others have texts of intermediate quality between the two. The quality of the report in these sources, the identification, determination and distinction of this testament from other letters of Imam Ali (AS) to Muhammad, the limits and gaps of its text, are accompanied by ambiguity and brevity in a way that they may challenge the validity of its original in terms of citation and content.

### 2. Theoretical Framework

In the present study, primary sources refer to the sources that did not use other sources that existed before them - based on historical and hadith documents - in quoting the letters of Imam Ali (a.s.) to Muhammad ibn Abi Bakr and the detailed testament, but rather the report of other sources was influenced and derived from them. The meaning of the validation of the hadith is the process by which the validity of a hadith is based on the accuracy of the citation and content; in this article validity of the hadith will be based on two conventional methods: the authenticity of the transmission and the authenticity of the chain of transmission.

### 3. Research Method

The present study attempts to conduct an independent study on the genealogy of the detailed testament of Muhammad ibn Abi Bakr using a

library method in data collection and descriptive-analytical-comparative in their processing, with the aim of refining the subject of content and content analysis of this valuable letter, based on the following questions: How many letters have been reported to have been sent from Imam Ali (AS) to Muhammad ibn Abi Bakr and what are the sources reporting them? How is the detailed testament of Muhammad ibn Abi Bakr reflected in hadith and historical sources? How is the validation of the detailed testament?

#### 4. Conclusion

The total number of letters sent from Imam Ali (a.s.) to Muhammad ibn Abi Bakr is seven, which have been reported in 15 reliable, authentic, and early sources. Titles of the letters include the following: First brief treaty, promise to send a detailed treaty to Muhammad ibn Abi Bakr, second brief treaty, letter of response to jurisprudential issues, Muhammad ibn Abi Bakr's detailed treaty, letter of consolation and encouragement to resist the enemy and advice to persevere in the face of Muawiyah's hostility and attack, and promise to send aid. Names of the reporter's advanced sources include: Author of Abd al-Razzaq, Author of Ibn-Abi-Shibah, Al-Gharat, Ansab-ul-Ashraf, Tarikh al-Tabari, Al-Lagha and Salawa al-Arifin, Nazha al-Absar and the virtues of al-Aqtar, Tohf al-Aqool, Amali Mufid, Amali Tusi, Tahhib al-Ahkam, Al-Istbasar Fima Akhtlaf Man al-Akhbar, Nahj ul-Balaghah, Commentary on Nahj ul-Balaghah by Ibn Abi al-Hadid, Al-Kamal fi al-Tarikh. Sources reporting the detailed testament of Muhammad Ibn Abi Bakr include: Al-Gharat, Al-Laghat and Salwa al-Arifin, Nazha al-Absar and the virtues of al-Akhtar, Tuhfat ul-Oqool, Amali Mofid, Amali Tusi, Nahj ul-Balaghah, description of Nahj ul-Balaghah Ibn Abi al-Hadid.

The Book of Al-Qaraat is distinguished from other earlier sources in various ways: being inclusive of all the letters, mentioning the references and their brevity, less interference in quoting the number of letters and their phrases, the specialization of the book's subject and the knowledge of its author on the subject of the book and letters. For this reason, in addition to other previous sources, the aforementioned book has been the basis for most of the descriptions, analyses, and comparisons made. Al-Hadhar and Salwat al-A'rifin, Nuzhat al-Absar and Mahasin al-Athar, Amali of Sheikh Mufid and Tusi, Tuhf al-Uqol and Explanation of Nahj ul-Balagha by Ibn Abi al-Hadid in the detailed report of the treaty, are ranked after the al-Gharat in order of detail, fragmentation and additions. The book Nahj ul-Balaghah, due to the fragmentation and deletion of many paragraphs and the compilation with a very short section of the second brief treatise, has presented the most specific and different account of the detailed treatise. In

the field of validating the content and attribution of the detailed testament of Imam Ali (AS) to Muhammad ibn Abi Bakr, although the authenticity of this testament cannot be proven by the method of authentic chain of transmission due to the existence of some disputes based on the most stringent principles - which is the failure to establish the authenticity and justice of all the narrators in the chain of transmissions - and also, according to some other principles available in this method, the authenticity of the documents in question can be proven, but the method of authentic chain of transmission can easily prove the claim of the authenticity of Muhammad's detailed testament and its attribution to the Commander of the Faithful, Imam Ali (AS). The evidence that creates and increases credibility in this regard includes: maximum agreement in content with the firmaments and appearances of the Holy Quran and the abundance of exemplary Quranic references in it, relatively high agreement in content with the hadiths cited from the Prophet (PBUH), the existence of abundant evidence indicating the authenticity of the content and its reference in authentic hadiths transmitted from the Infallible Imams (PBUH) - through methods other than those mentioned in the second part -, the detailed report of the testament by the great scholars of exegesis, hadith, and history in famous and reliable books, and the existence of abundant rational and logical evidence and support for the authenticity of the teachings conveyed in it.

#### References [in Persian]

- Ja'fari, Muhammad Mahdi (1380 SH). *Portāvi az Nahj al-Balāgha*. 3rd ed. Tehran: Vezārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī – Sazman-e Chap va Enteshārāt.
- Hājī Khānī, 'Alī (1397 SH). *Istirnād Nahj al-Balāghah va Naqd Shubahāt Purumun U*. Tehran: Samt.
- Setāyesh, Ahmad Ridā (1395 SH). *Barresī Zendegi-ye Siyāsī Ejtemā'i Muḥammad ibn Abī Bakr va Naqsh-e U dar Estahkam-e Tashayyo*. Supervisor: Sayyid Jawād Khātemī. Hakim Sabzevāri University. (Master's Thesis).
- Subḥānī Yāmcī, Muḥammad (1402 SH). *Naqs-e Onsur-e Zamān va Makān dar Sodūr va Mohtavā-ye Name-ye Imām 'Alī ('a) be Muḥammad ibn Abī*
- Shāhwārūqī Farāhānī, Husayn (1404 SH). *Tabar-shenāsi va Tahlīl-e Farā-ye Sodūr va Mohtavā-ye Name-hā-ye Amīr al-Mu'minīn 'Alayhi al-Salām be Muḥammad ibn Abī Bakr*. Supervisor: 'Alī Hājī Khānī. Tarbiat Modares University. (Master's Thesis).
- Mākarm Shīrāzī, Nāsir (1375 SH). *Payām Imām Amīr al-Mu'minīn 'Alayhi al-Salām*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmī.

#### References [In Arabic]

- *The Noble Qur'an*.
- Ibn Abī al-Ḥadīd, 'Abd al-Ḥamīd ibn Hibat Allāh (1404 AH). *Sharḥ Nahj al-Balāgha*. Qom: Maktabat Āyat Allāh al-'Uzmā al-Mar'ashī al-Najāfī.

- Ibn Abī Shayba, ‘Abd Allāh ibn Muḥammad (1409 AH). *Musannaf Ibn Abī Shayba*. Beirut: Dār al-Tāj.
- Ibn al-Āthīr, ‘Alī ibn Muḥammad (1385 AH). *Al-Kāmil fī al-Tārīkh*. Beirut: Dār Ṣādir. (Note: "Bi chā" indicates unspecified edition).
- Ibn Shu‘ba al-Ḥarrānī, Ḥasan ibn ‘Alī (1404 AH). *Ṭuḥaf al-‘Uqūl*. 2nd ed. Qom: Jāmi‘ah Mudarresīn.
- Ibn Maytham, Maytham ibn ‘Alī (1404 AH). *Sharḥ Nahj al-Balāgha*. Tehran: Dawrat Nashr al-Kutub.
- Ibn al-Nadīm, Muḥammad ibn Ishāq (1346 SH). *Al-Fihrist*. 2nd ed. Tehran: Bank-i Bazargān-i Irān (Chapkhāna).
- Aḥmadī Miānījī, ‘Alī (1426 AH). *Mukātibat al-A’immah ‘Alayhim al-Salām*. Qom: Dār al-Ḥadīth.
- Astrābādī, Muḥammad ibn ‘Alī (1422 AH). *Manhaj al-Maqāl fī Tahqīq Ahwāl al-Rijāl*. Qom: Mūssasat Āl al-Bayt ‘Alayhim al-Salām li-Iḥyā’ al-Turāth.
- Baḥrānī, Sīd Ḥāshim ibn Sulaymān (1374 SH). *Al-Barhān fī Tafṣīr al-Qur’ān*. Qom: Mūssasah Ba’tḥah.
- Al-Balādhurī, Aḥmad ibn Yaḥyā (1417 AH). *Ansāb al-Ashraf*. Beirut: Dār al-Fikr.
- Al-Ṣaqqāf, Ibrāhīm ibn Muḥammad ibn Sa’īd ibn Hilāl (1410 AH). *Al-Ghārāt (Old Edition)*. Ed./Rev.: Ḥusaynī, ‘Abd al-Zahrā’. Qom: Dār al-Kutub al-Islāmī.
- ----- (1395 AH). *Al-Ghārāt (New Edition)*. Ed./Rev.: Muḥaddith Armavī. Tehran: Anjuman-i A’tḥār-i Millī.
- ----- (1374 SH). *Al-Ghārāt (Translated by Āyati)*. Trans.: Āyati, ‘Abd al-Ḥamīd. Tehran: Irshād.
- Al-Jurjānī (Muwaffaq Allāh), Ḥusayn ibn Ismā’īl (1380 AH). *Al-I’tibār wa Sulwat al-‘Ārifīn*. Ed.: Wajīh, ‘Abd al-Salām ibn ‘Abbās. ‘Oman: Mūssasat Imām Zayd ibn ‘Alī al-Thaqāfīyah.
- Ḥurr al-‘Āmilī, Muḥammad ibn al-Ḥasan (1409 AH). *Wasā’il al-Shī‘ah*. Qom: Mūssasat Āl al-Bayt ‘Alayhim al-Salām.
- Al-Jabūrī, Muḥammad Majīd (2022 CE). *Taqyīm Arā’ al-Mutarikhīn Hawla Mawāqif Muḥammad ibn Abī Bakr fī Ṣadr al-Islām*. Supervisor: Sayyid Akbar Mūsawī Tāniānī. Dīn va Mazāhib University. (Master’s Thesis).
- Dambālī Khū’ī, Ibrāhīm ibn Ḥusayn (n.d.). *Al-Durrat al-Najafīyyah*. Beirut: Bi-Nā. (Note: "Bi tā" indicates no date; "Bi chā" indicates no edition).
- Al-Daylamī, Ḥasan ibn Muḥammad (1412 AH). *Irshād al-Qulūb ilā al-Ṣawāb*. Qom: al-Sharīf Raḍī.
- Al-Dahabī, Muḥammad ibn Aḥmad (1409 AH). *Tārīkh al-Islām wa Wafayāt al-Mashāhīr wa al-A’lām*. 2nd ed. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Arabī.
- Subḥānī, Ja‘far (1435 AH). *Uṣūl al-Ḥadīth wa Ahkāmuhu fī ‘Ilm al-Darāyah*. 9th ed. Qom: Mūssasah Nashr al-Islāmī.
- The role of the element of time and place in the issuance and content of the letter of Imam Ali (AS) to Muhammad Bin Abi Bakr. *Pajooreshname-ye Nahj al-Balāghah*, Vol. 11, No. 43, 107-128.



- Sharīf Raḍī, Muḥammad ibn al-Ḥusayn (1414 AH). *Nahj al-Balāgha* (trans. al-Ṣubḥī Ṣāliḥ). Qom: Hajarat.
- Shūshtarī, Muḥammad Taqī (1418 AH). *Bahj al-Ṣibāgha*. Tehran: Dār Āmir Kabīr lil-Nashr.
- ----- (1415 AH). *Qamus al-Rijal*. 2nd ed. Qom: Jamā'at al-Mudarrisīn fī al-Ḥawzah al-ʿIlmiyyah bi Qom, Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī.
- Safwat, Ahmad Zaki (1354 AH). *Jumhūrat Rasā'il al-ʿArab fī ʿUṣūr al-ʿArabiyyah*. Beirut: al-Maktabah al-ʿIlmiyyah.
- Sanaʿānī, ʿAbd al-Razzāq b. Hammām (1403 AH). *Muṣannaf ʿAbd al-Razzāq*. Beirut: al-Majlis al-ʿIlmī.
- Ṭabarī Āmulī, ʿImād al-Dīn Abī Jaʿfar Muḥammad b. Abī al-Qāsim (1383 AH). *Bishārat al-Muṣṭafā li-Shīʿat al-Murtaḍā* (old edition). 2nd ed. Najaf: Maktabat al-Ḥaydarīyah.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr (1404 AH). *Tārīkh al-Umam wa al-Mulūk* (*Tārīkh al-Ṭabarī*). Qom: Maktabat Urūmiyyah.
- Ṭabarī Māmīṭarī, ʿAlī b. Mahdī (1387 SH). *Nuzhat al-Aḥsār wa Maḥāsīn al-Āthār*. Edited by Muḥammad Bāqir Maḥmūdī. Tehran: al-Majma' al-ʿĀlamī li-l-Taqrīb bayna al-Madhāhib al-Islāmiyyah.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan (1414 AH). *Al-Amālī* (by al-Ṭūsī). Qom: Dār al-Thaqāfah.
- ----- (1407 AH). *Tahdhīb al-Aḥkām* (edited by Khurrāsān). 4th ed. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- ----- (1390 AH). *Al-Istibṣār fīmā ikhtalafa min al-akhbār*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- ʿIrāqī, Diyā' al-Dīn (1417 AH). *Nihāyat al-Afrāk*. 3rd ed. Qom: Daftar Nashr Islāmī.
- Kulaynī, Muḥammad b. Yaʿqūb (1407 AH). *Al-Kāfī* (al-Islāmiyyah ed.). 4th ed. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Māmqānī, ʿAbdullāh (n.d.). *Tanqīḥ al-Maqāl fī ʿIlm al-Rijāl*. Najaf al-Ashraf: Maṭbaʿat al-Murtaḍawiyyah.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir b. Muḥammad Taqī (1403 AH). *Biḥār al-Anwār* (Beirut ed.). 2nd ed. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-ʿArabī.
- Māmodī, Muḥammad-Bāqir (1418 AH). *Nahj al-Saʿādah fī Mustadrak Nahj al-Balāgha*. Tehran: Vezārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī, Sazman-e Chap va Enteshārāt.
- Mughniyah, Muḥammad-Jawād (1979 CE). *Fī Ṣill Nahj al-Balāgha*. Beirut: Dār al-ʿIlm lil-Malāyīn.
- Al-Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad (1413 AH[a]). *Al-Amālī*. Qom: Kungarraḥ Shaykh Mufīd.
- ----- (1413 AH[b]). *Al-Khaṣā'is*. Qom: al-Mu'tamar al-ʿĀlamī li-Aḥfīyat al-Shaykh al-Mufīd.
- Mūsawī, Sayyid Ṣādiq (1426 AH). *Tamām Nahj al-Balāgha*. Beirut: Mūssasat al-ʿĀlamī lil-Maṭbūʿāt.
- Namāzī Shāhrūdī, ʿAlī (1414 AH). *Mustadrak ʿIlm al-Rijāl al-Ḥadīth*. Tehran: Firzand-i Mu'allif.

- Al-Warrām ibn Abī Farrās, Mas‘ūd ibn ‘Īsā (1410 AH). *Majmū‘ah al-Warrām*. Qom: Maktabat al-Faqīh.
- Hāshimī Khū‘ī, Mīrzā Ḥabīb Allāh (1400 AH). *Manāhij al-Barā‘ah fī Sharḥ Nahj al-Balāgha (Khū‘ī)*. 4th ed. Tehran: Maktabat al-Islāmiyyah.



(مقاله پژوهشی)

## تبارشناسی عهدنامه مفصل امام علی(ع) به محمد بن ابی‌بکر (اعتبارسنجی متون و مصادر)

علی حاجی‌خانی<sup>۱</sup>، حسین شاهواروقی فراهانی<sup>۲</sup>

بازنگری مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶

(از ص ۷۲ تا ۹۲)

### چکیده

نامه‌های امیرالمؤمنین امام علی(ع) به حاکمان، دانشمندان و مردمان سرزمین‌های مختلف از مهم‌ترین گنجینه‌های معرفتی به‌وَدیعت نهاده‌شده در تراث حدیثی و تاریخی اسلام هستند. عهدنامه مفصل محمد بن ابی‌بکر پس از عهدنامه مالک‌اشتر بلکه از برخی جهات، قبل از آن، مهم‌ترین، جامع‌ترین و مفصل‌ترین نامه نگاشته‌شده به امر امام علی(ع) است. تمایز این عهدنامه از سایر نامه‌های امام علی(ع) به محمد، حدود و ثغور متن آن در منابع، با ابهام و اجمال همراه بوده به نحوی که ممکن است اعتبار آن را از جهت استناد و محتوا با چالش مواجه سازد. بنابراین ضرورت اقتضا نمود تا پژوهش مستقلی پیرامون تبارشناسی عهدنامه مفصل محمد بن ابی‌بکر با روش کتابخانه‌ای در گردآوری داده‌ها و توصیفی - تحلیلی - تطبیقی در پردازش آن‌ها و با هدف تنقیح موضوع تحلیل محتوایی این نامه ارزشمند، بر محور سؤالات پیش‌رو صورت گیرد: تعداد نامه‌های امام علی(ع) به محمد بن ابی‌بکر و منابع گزارش‌کننده از آن‌ها کدامند؟ کیفیت بازتاب عهدنامه مفصل محمد بن ابی‌بکر در منابع حدیثی، تاریخی و چیست؟ اعتبارسنجی عهدنامه مفصل چگونه است؟ تعداد این نامه‌ها ۷ و در ۱۵ منبع متقدم گزارش شده‌اند که در میان آن‌ها عهدنامه مفصل وجود دارد که با کیفیات نسبتاً متفاوت از جهات تفصیل و اختصار، میزان تقطیع، ترکیب برخی عبارات نامه‌ها با یکدیگر، ذکر اسناد و... در ۸ منبع متقدم تاریخی و حدیثی نقل شده‌است. حجیت استناد و محتوای این عهدنامه با روش وثوق صدوری به کمک قرائن اطمینان‌زا و اطمینان‌افزا همچون موافقت با قرآن کریم، سنت نبوی(ص)، روایات ائمه(ع) کثرت اعتماد اجلاء به نقل آن و... به راحتی قابل اثبات است.

**کلید واژه‌ها:** امام علی(ع)، عهدنامه مفصل، محمد بن ابی‌بکر، تبارشناسی، منبع‌شناسی، اعتبارسنجی.

۱. دانشیار، گروه قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

## ۱. مقدمه

نامه‌های امام علی(ع) خطاب به پادشاهان(دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۳۶۵/۲)، دانشمندان(رضی: نامه/۷۶)، مردمان سرزمین‌های مختلف(مفید، ۱۴۱۳ق ب: ۷۹) و ... از مهم‌ترین و ارزشمندترین گنجینه‌های معرفتی به-ودیعت‌نهاده‌شده در تراث حدیثی و تاریخی اسلام هستند. عهدنامه مفصل محمدبن ابی‌بکر از مهم‌ترین، جامع‌ترین و مفصل‌ترین آن‌ها محسوب می‌گردد که در شرایط اجتماعی بسیار حساس برای حاکم یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین ممالک تحت امر امام علی(ع)، مصر، نگاشته شده‌است. این عهدنامه مشتمل بر مسائل گوناگون و ضروری برای سعادت جامعه اسلامی در معاد و معاش از تقوا، جایگاه اهل بیت معصوم پیامبر(ص) و معاد و نفاق گرفته تا مواظب اخلاقی و ارائه روش‌های مطلوب برای اداره جامعه اسلامی است(ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۱۴۴/۱؛ فراهانی، ۱۴۰۴: ۱۲۲-۱۶۵).

## ۱-۱. بیان مسئله

مسئله‌ای که بر سر راه تحلیل محتوایی این عهدنامه و بهره‌مندی از معارف غنی نهفته در آن وجود دارد این است که تمایز این عهدنامه از سایر رسائل ارسالی از ناحیه امام علی(ع) به محمدبن ابی‌بکر در منابع تاریخی و حدیثی و حدود و ثغور متن آن در گزارش‌های صورت گرفته از آن در کتب مختلف با ابهام و اجمال نسبتاً زیادی مواجه است. برخی منابع، متنی بسیار مفصل(ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۱۴۶)، و برخی دیگر متنی بسیار مختصر و کوتاه(طبری، ۱۴۰۴ق: ۵۵۶/۳؛ رضی: نامه/۲۷) و برخی دیگر متنی ما بین این دو را (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۶) تحت عنوان عهدنامه محمدبن ابی‌بکر و مشابه آن ذکر نموده‌اند. گاهی مشاهده می‌شود در یک کتاب چندین نامه و عهدنامه حکومتی از امام علی علیه السلام به محمد گزارش شده‌است(طبری، ۱۴۰۴ق: ۵۵۶/۳، ۷۲/۴، ۷۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۳۹۳/۲، ۴۰۰/۲؛ ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۱۴۱/۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۷۲، ۱۸۲؛ رضی: نامه/۲۷ و ۳۴). بنابراین ضرورت اقتضا نمود پژوهش اختصاصی و نسبتاً مفصل نسبت به بحث تبارشناسی عهدنامه مفصل محمدبن ابی‌بکر با روش کتابخانه‌ای در گردآوری داده‌ها و توصیفی-تحلیلی-تطبیقی در پردازش آن‌ها در راستای پاسخ به پرسش‌های زیر صورت گیرد:

۱. نامه‌های امام علی(ع) به محمدبن ابی‌بکر و منابع گزارش‌کننده آن‌ها کدامند؟
۲. کیفیت بازتاب عهدنامه مفصل محمدبن ابی‌بکر در منابع حدیثی و تاریخی چگونه است؟
۳. نتیجه اعتبارسنجی عهدنامه مفصل محمدبن ابی‌بکر چیست؟

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

تحقیق مستقلی نسبت به موضوع پژوهش حاضر بر اساس جست‌وجوهای صورت گرفته در پایگاه‌های معرفی‌کننده فعالیت‌های علمی و پژوهشی، یافت نشد. اما تعدادی از کارهای علمی-پژوهشی که ارتباط مستقیم با مسئله محل بحث ما نداشته وجود دارد که برخی جزئیات پژوهش حاضر به صورت نسبتاً مختصر در آن‌ها گزارش شده است:

۱. ستایش، احمد رضا «بررسی زندگی سیاسی اجتماعی محمد بن ابی بکر و نقش او در استحکام تشیع»، استاد راهنما: سید جواد خاتمی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری، ۱۳۹۵ ش. محقق در این پایان‌نامه به تفصیل جنبه‌های گوناگون زندگی شخصی و حقوقی محمد بن ابی بکر را مورد توصیف و تحلیل قرار داده است. از جمله این جنبه‌ها مکاتبات صورت گرفته میان امام علی (ع) و محمد است. در این تحقیق نسبت به نسخه‌های متعدد و گوناگون نامه‌های تبادل یافته میان امام علی (ع) و محمد بن ابی بکر از جهت مصدر و متن شناسی تحلیل و جمع‌بندی صورت نگرفته و در برخی مواضع میان آن‌ها درهم آمیختگی و ابهام به وجود آمده است. در برخی موارد به نقل از منابع بسیار متأخر اکتفا نموده که این امر بر اختلاط و ابهام در تعداد و نسخ گوناگون نامه‌ها افزوده است.
  ۲. داوود الجبوری، محمد مجید «تقییم آراء المؤرخین حول مواقف محمد بن ابی بکر فی صدر الاسلام»، استاد راهنما: سید اکبر موسوی تنیانی، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۲۰۲۲ م. در این پایان‌نامه سعی شده با روش تاریخی-تحلیلی و مبتنی بر منابع اولیه تاریخی دیدگاه‌های مقبول متخذ از منابع معتبر شیعی نسبت به شخصیت محمد بن ابی بکر و مواضع اتخاذی او در قبال فرامین امام علیه (ع) اثبات گردد. همچنین به برخی مکاتبات صورت گرفته میان امام (ع) و محمد با استناد به منابع نسبتاً تاریخی بدون تحلیل مصدري و متنی و البته همراه با تحلیل محتوایی مختصر اشاره شده است.
  ۳. شاهواروقی فراهانی، حسین «تبارشناسی و تحلیل فضای صدور و محتوای نامه‌های امیرالمؤمنین امام علیه (ع) به محمد بن ابی بکر»، استاد راهنما: علی حاجی‌خانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۴۰۴ ش. تمام نامه‌های ارسالی از ناحیه امام علی (ع) خطاب به محمد بن ابی بکر خصوصاً عهدنامه مفصل، به صورت کامل در این پایان‌نامه مورد تحلیل تبارشناسانه، فضای صدور و محتوایی قرار گرفته است.
  ۴. سبحانی یامچی، محمد «نقش عنصر زمان و مکان در صدور و محتوای نامه امام علی (ع) به محمد بن ابی بکر»، پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره ۱۱، شماره ۴۳، پاییز ۱۴۰۲ ش. نویسنده سعی کرده ابتدا از فضای صدور عهدنامه محمد بن ابی بکر و محتوای آن تحلیلی ارائه دهد سپس تأثیر کیفیت فضای صدور بر کیفیت محتوای آن را تبیین کند که البته از نوآوری نسبتاً خوبی برخوردار است.
- در خصوص تفاوت پژوهش حاضر با پیشینه‌های مورد اشاره بایستی تصریح شود که پایان‌نامه‌های مذکور پاسخگوی سؤالات و مسأله پژوهش حاضر نبودند. با این حال، به دلیل اشاره به برخی از نامه‌های امام علی (ع) که به محمد بن ابی بکر خطاب شده‌اند، و اینکه این نامه‌ها ممکن است در راستای مسأله اصلی پژوهش مطرح شده باشند، تعدادی از آن‌ها به عنوان پیشینه تحقیقاتی ذکر شدند تا در یافتن منابع مرتبط کمک کنند. اما نسبت به مقاله یادشده جای اصلاح و تکامل قابل توجه‌ای وجود دارد علاوه بر این، با توجه به تعدد نامه‌های ارسالی از امام علیه علیه السلام به محمد بن ابی بکر و اشتباه و اختلاط برخی با برخی دیگر از آن‌ها در اکثر منابع، بحث تبارشناسانه و اعتبارسنجی مفصل به عنوان مقدمه برای ورود به پژوهش‌های محتوایی جدید، امری اجتناب ناپذیر بوده که مقاله حاضر می‌تواند در راستای تحقق آن، ایفای نقش نماید.

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

در اهمیت عهدنامه محمد بن ابی بکر به عنوان برجسته ترین و جامع ترین نامه های امام علی (ع)، همین بس که وقتی امیرالمؤمنین امام علی (ع) آن را برای محمد نگاشت او پیوسته در آن نظر می کرد، از آن علم می آموخت و بر اساس آن، احکام را صادر می نمود و هنگامی هم که خبر به سرقت رفتن عهدنامه توسط معاویه به امام علی (ع) رسید این امر بسیار بر ایشان سنگین آمد (ثقفی، ۱۴۱۰ ق: ۱/۱۵۹). این عهدنامه در تبیین معارف مربوط به معاد حاوی دقائق و ظرایفی است که در سایر سخنان حضرت در جایگاه های دیگر حتی در عهدنامه مالک اشتر و نامه امام حسن مجتبی (ع) با وجود جامعیت مثال زدنی آن ها، یافت نمی شود (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ ق: ۸۳/۱۹).

غناي كم نظير معرفتي و وجوب تاسی علمی و عملی از امیر المؤمنین (ع) در مقیاس حیات فردی و اجتماعی اقتضا می کند قبل از ورود به بحث تحلیل محتوایی و بهره مندی از معارف نهاده شده در عهدنامه مذکور، جهت رفع ابهام و اجمال در تمایز این عهدنامه از سایر نامه ها و عهدنامه های محمد و حصول تعین حدود و ثغور متن آن، از «باب ثبت العرش ثم انقش» تحلیل تبارشناسانه نسبت به کیفیت بازتاب این عهدنامه در منابع متقدم و چگونگی گزارش های صورت گرفته از آن صورت گیرد به نحوی که منتهی به حصول نتیجه در باب اعتبارسنجی انتساب و محتوای عهدنامه مزبور گردد.

### ۲. بحث

#### ۲-۱. بازتاب نامه های امام علی (ع) به محمد بن ابی بکر در منابع حدیثی و تاریخی

امیرالمؤمنین امام علی (ع) در طول مدت حدود دو سال امارت جناب محمد بن ابی بکر بر سرزمین مصر مکاتبات متعددی با او داشته است. از جمله آن ها "عهدنامه مفصل محمد بن ابی بکر" بوده که البته در گزارش های صورت گرفته در منابع حدیثی، تاریخی و تفسیری، به صورت یک عنوان مشخص و متمایز در میان این مکاتبات وجود ندارد تا به راحتی بتوان بر اساس آن، متن و منابع گزارش کننده از این عهدنامه را مورد معرفی، توصیف و تحلیل تطبیقی قرار داد. افزون بر این، با جست و جوی اجمالی صورت گرفته در این مکاتبات، یک نحوه اختلاط و درآمیختگی متنی نیز در میان آن ها مشاهده می شود که خود، مسأله تشخیص و تمایز عهدنامه مفصل محمد بن ابی بکر را با پیچیدگی بیشتری مواجه می نماید. بنابراین ابتدا بر دو موضوع استقراء تعداد نامه های مکاتباتی متمایز شده از یکدیگر و منابع گزارش کننده از آن ها تمرکز نموده سپس عهدنامه مفصل محمد بن ابی بکر و منابع گزارش کننده از آن، به صورت مشخص و ممتاز، معرفی و کیفیت گزارش آن ها از آن، مورد توصیف و تحلیل تطبیقی قرار گرفته و در نهایت با طرح مسأله اعتبارسنجی عهدنامه یاد شده سعی بر ارائه پاسخ مستند به سؤال سوم پژوهش حاضر خواهد شد.

منابع قابل دسترس گزارش کننده از نامه های امام علی (ع) به محمد بن ابی بکر شامل کتاب های نگارش یافته در حوزه حدیث و تاریخ از قرن سوم تا عصر حاضر، هستند. برخی از این منابع به جهت آنکه

به‌نوعی در گزارش این نامه‌ها، از سایر منابع موجود نقل نداشته‌اند منابع اولیه و دست‌اول و منابع گزارش-کننده نامه‌های امام علی (ع) به محمد بن ابی بکر از منابع اولیه، منابع ثانویه، متأخر و دست‌دوم نام‌گذاری خواهند شد. باین‌وجود، ممکن است برخی کتاب‌ها به جهت وجود نکته خاصی - مانند شرح ابن ابی‌الحدید معتزلی بر نهج‌البلاغه با توجه به شواهد دلالت‌کننده بر دسترسی او به برخی نسخ نسبتاً ممتاز از لغارت و همچنین اهمیت ویژه خود این کتاب - در شمار منابع متقدم و اولیه قرار گیرند.

## ۲-۲. منابع اولیه گزارش‌کننده از نامه‌های امام علی (ع) به محمد بن ابی بکر

متقدم‌ترین منبع گزارش‌کننده از نامه‌های امام علی (ع) به محمد بن ابی بکر، مصنف عبدالرزاق نگاشته شده عبدالرزاق بن همام صنعانی است. او در این کتاب در سه موضع (صنعانی، ۱۴۰۳ق: ۶/۶، ۳۹۴/۸، ۳۲۱/۱۰) چندین مکاتبه صورت‌گرفته میان امام علی (ع) و محمد، حول برخی مسائل فقهی در باب ارتداد، زنا با زن نصرانی و ارث مکاتب را گزارش نموده است. اگرچه ظاهر گزارش‌های او دلالت بر تعدد وقایع و مکاتبات دارد؛ اما با تأمل در آن‌ها خصوصاً اتحاد‌آسانید روشن می‌شود حکم هر سه مسأله در قالب مکاتبه واحده بوده که به جهت ملاحظه برقراری تناسب با ابواب کتب فقهی و حدیثی، در متن، تقطیع صورت گرفته است.

دومین منبع متقدم، مصنف ابن ابی‌شیبیه است که تقریباً با همان سبک و سیاق مصنف صنعانی عمل کرده (ابن ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹ق: ۴/۴۲۸، ۴۰۳/۴) جز آنکه در برخی طبقات سند، متفاوت از آن است. ابراهیم ثقفی صاحب کتاب لغارت به‌صورت نسبتاً مفصل، مکاتباتی چند میان امام علی (ع) و محمد بن ابی بکر را گزارش کرده است (ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۴۱). او در این کتاب که گزارش‌های تاریخی و حدیثی خود را اختصاصاً در موضوع غارت‌های صورت‌گرفته توسط معاویه پس از جنگ نهروان (ثقفی، ۱۳۷۴ش: ۱۰) به قلمرو حکومتی امام علی (ع)، متمرکز نموده به‌حسب ظاهر، حدود ۷ نامه (همان: ۱/۱۴۱، ۱/۱۴۳، ۱/۱۴۴، ۱/۱۴۶، ۱/۱۷۱، ۱/۱۸۲) ارسالی از امام علی (ع) به محمد بن ابی بکر را گزارش می‌کند.

احمد بن یحیی بلاذری در کتاب انساب‌الاشراف، دو متن (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۲/۳۹۳، ۲/۴۰۰) را تحت عنوان نامه امام علی (ع) به محمد بن ابی بکر و محمد بن جریر طبری در کتاب تاریخ الامم و الملوک معروف به تاریخ طبری سه مورد (طبری، ۱۴۰۴ق: ۳/۵۶۶، ۴/۷۲، ۴/۷۳) از نامه‌های امام علی (ع) به محمد را با اختلاف در سند و شباهت بسیا زیاد نسبت به متن دو نامه، گزارش نموده‌اند.

ششمین و هفتمین منبع متقدم، کتاب الاعتبار و سلوة العارفين و کتاب نزهة الابصار و محاسن الآثار هستند که اولی دو مورد (جرجانی، ۱۳۸۰ش: ۵۸۵) و دومی سه مورد (طبری مامطیری، ۱۳۸۷ش: ۲۶۲، ۲۶۴، ۵۸۵) از مکاتبات صورت‌گرفته میان امیرالمؤمنین علی (ع) و محمد بن ابی بکر را گزارش نموده است. ابن شعبه حرانی نیز در کتاب تحف‌العقول به‌عنوان هشتمین منبع دست‌اول، از جمله محدثانی است که به‌صورت مفصل به گزارش تعدادی (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۶، ۱۷۷) از نامه‌های محل بحث پرداخته است.

شیخ مفید در روایت سوم از مجلس سی و یکم (مفید، ۱۴۱۳ ق الف: ۲۶۰) و شیخ طوسی در روایت سی و یکم از مجلس اول (طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۲۵) از کتاب *مالی* خودشان، طبق اسنادشان می‌گویند: هنگامی که امام علی (ع)، محمد را برای ولایت مصر منصوب نمود نامه‌ای برای او نگاشته و او را مأمور به قرائت آن برای مردم مصر و عمل به مضمون آن کرد؛ سپس نامه‌ای مفصل را گزارش می‌کنند.

شیخ طوسی همچنین در دو کتاب *تهذیب الأحکام* و *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار* خود به فراخور مباحث فقهی مرتبط با زنانی با زن نصرانی و یهودی، مکاتبه‌ای بسیار مختصر، میان محمد و امام علی (ع)، مشابه گزارش مصنف *عبد الرزاق* و مصنف *ابن ابی شیبہ* البته با اسناد اختصاصی خود، از امام صادق (ع) گزارش نموده است (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۱۵/۱۰؛ ۱۳۹۰ ق: ۲۰۷/۴).

شریف رضی در کتاب *نهج البلاغه* به عنوان سیزدهمین و یکی از خاص‌ترین<sup>۱</sup> منابع متقدم، در ارتباط با نامه‌های محل بحث، در یک موضع، متن نسبتاً مختصری را تحت عنوان «و من عهد له ع إلی محمد بن أبي بكر رضي الله عنه حين قلده مصر» (رضی: نامه ۲۷) و متن دیگری را در موضع دیگر با عنوان «و من کتاب له ع إلی محمد بن أبي بكر لما بلغه توجده من عزله بالأشتر عن مصر، ثم توفي الأشتر في توجهه إلی هناك قبل وصوله إلیها» (همان: نامه ۳۴) گزارش می‌کند.

در شرح ابن ابی‌الحدید معتزلی بر *نهج البلاغه* شریف رضی تعدادی نامه از امام علی (ع) به محمد بن ابی‌بکر برگرفته از دو کتاب *نهج البلاغه* و *الغارات* گزارش شده‌اند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۶۵/۶-۶۷ و ۷۸، ۱۵/۱۶، ۱۶۳/۱۶). آنچه از نهج البلاغه نقل شده، حکم محتوای منقول از همان کتاب را داشته جز آنکه به شرح برخی عبارات آن پرداخته می‌شود؛ اما مطالبی که از *الغارات* در این شرح گزارش شده، به جهت اختلاف سندی و متنی با گزارش *الغارات*، محقق را بر آن داشت تا کتاب شرح *ابن ابی‌الحدید* را به عنوان منبع مستقل متقدم و دست‌اول برای نامه‌های موضوع پژوهش، ذکر نماید.

آخرین کتاب در بخش پیش‌رو، به عنوان پانزدهمین منبع متقدم گزارش‌کننده نامه‌های امام علی (ع) به محمد، *الکامل فی التاریخ* ابن اثیر است که تنها در یک جا از کتاب خود، مکاتبه بسیار مختصر میان امیر سخن علی (ع) و محمد، حول مسأله جایگزینی مالک‌اشتر با او برای امارت سرزمین مصر را گزارش می‌کند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ ق: ۷۰۶/۲).

تأمل در کیفیت گزارش‌های صورت‌گرفته از نامه‌ها، نشان می‌دهد که اولاً: اگرچه شمار این نامه‌ها مبهم به نظر می‌رسد اما اصل تعدد و صدور آن‌ها در فواصل زمانی مختلف، مسلم هستند؛ ثانیاً: برخی منابع مانند *الغارات*، هم از جهت استقصاء تعداد نامه‌ها و هم از جهت پوشش حجم متنی هر یک از آن‌ها، بسیار مفصل‌تر از سایر منابع، برخی دیگر از آن‌ها مانند *الکامل فی التاریخ*، از هر دو جهت یادشده، بسیار مختصرتر و برخی دیگر مانند *تحف العقول*، ما بین این دو، به گزارش آن‌ها پرداخته‌اند؛ ثالثاً: تعدد برخی

۱. وجه خاص‌ترین بودن نهج البلاغه در میان سایر منابع متقدم گزارش‌کننده از نامه‌های امام علی (ع) به محمد بن ابی‌بکر، ویژگی انحصاری خود کتاب است که تخصصاً متمرکز بر کلمات نورانی امام علی (ع) شده‌است و کیفیت گزارش شریف رضی از این نامه‌ها می‌باشد که توصیف آن جلوتر بیان خواهد شد.



نامه‌ها در برخی منابع، صوری است به نحوی که در اصل یک نامه واحده بوده اما در اثر برخی ملاحظات، نامه واحده دستخوش تقطیع قرار گرفته و به صورت نامه‌های متعدد گزارش شده است مانند آنچه در کتاب مصنف عبدالرزاق اتفاق افتاده است؛ رابعاً: در برخی منابع مانند نهج البلاغه، علاوه بر اعمال اختصار و تقطیع در گزارش، به نوعی، تألیف قطعاتی چند از نامه‌های متعدد و ارائه در قالب یک نامه واحده صورت گرفته است.

تدقیق در نامه‌های گزارش شده در این منابع، موجب حدس قوی به ۷ بودن شمار آن‌ها است. با توجه به محتوای هر یک از این نامه‌ها می‌توان آن‌ها را بر اساس ترتیب زمان صدور، مرتب و معنون به عناوین: "عهدنامه مختصر اول" (ثقفی، ۱۴۱۰ ق: ۱/۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ ق: ۲/۳۹۳؛ طبری، ۱۴۰۴ ق: ۳/۵۵۶؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۰ ق: ۱۷۶؛ طبری مامطیری، ۱۳۸۷ ش: ۲۶۲)، "وعده ارسال عهدنامه مفصل" (ثقفی، ۱۴۱۰ ق: ۱/۱۴۲؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۷۶)، "عهدنامه مختصر دوم" (ثقفی، ۱۴۱۰ ق: ۱/۱۴۴؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۷۷؛ رضی: نامه ۲۷)، "پاسخنامه مسائل فقهی" (صنعانی، ۱۴۰۳ ق: ۶/۶۲، ۸/۳۹۴، ۱۰/۳۹۵؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ ق: ۴/۴۰۳، ۴۲۸؛ ثقفی، ۱۴۱۰ ق: ۱/۱۴۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۱۰/۱۵، ۱۳۹۰ ق: ۴/۲۰۷)، "عهدنامه مفصل محمد بن ابی بکر" (ثقفی، ۱۴۱۰ ق: ۱/۱۴۶؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۷۶؛ طبری مامطیری، ۱۳۸۷ ش: ۲۶۸؛ جرجانی، ۱۳۸۰ ش: ۵۸۵؛ مفید، ۱۴۱۳ ق: الف: ۲۶۰؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۲۴؛ رضی: نامه ۲۷؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۶/۶۷)، "نامه دلجوئی و تشویق بر مقاومت در برابر دشمن" (ثقفی، ۱۴۱۰ ق: ۱/۱۷۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷ ق: ۲/۴۰۰؛ طبری، ۱۴۰۴ ق: ۴/۷۲؛ رضی: نامه ۳۴؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۶/۸۷، ۱۶/۱۴۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق: ۲/۷۰۶) و "توصیه به پایداری در مقابل عداوت و حمله معاویه و عمرو بن عاص و وعده ارسال کمک" (ثقفی، ۱۴۱۰ ق: ۱/۱۸۲؛ طبری، ۱۴۰۴ ق: ۴/۷۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۶/۸۴)، معرفی نمود.

### ۲-۳. منابع ثانویه گزارش‌کننده از نامه‌های امام علی (ع) به محمد بن ابی بکر

نامه‌های ارسالی از ناحیه امام علی (ع) به محمد علاوه بر اینکه در منابع اولیه و متقدم گزارش شده‌اند در کتاب‌های مهم و معتبر ثانویه نیز بازتاب گسترده‌ای داشته‌اند. این منابع متأخر اگرچه از حیث کثرت، بسیار بیشتر از منابع متقدم هستند لکن به جهت فقدان مطلب علمی قابل توجه در ذکر، توصیف و تحلیل کیفیت گزارش همه آن‌ها، صرفاً به تناسب بحث اعتبارسنجی آتی، به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱. طبری آملی، ۱۳۸۳ ق: ۴۳.

۲. ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰ ق: ۲/۱۷۸.

۳. بحرانی، ۱۳۷۴ ش: ۳/۱۴۰.

۴. حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۸/۱۵۲.

۵. مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۳۳/۵۴۳، ۶۷/۶۶، ۷۴/۳۸۷، ۷۶/۹۲.

۶. احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق: ۱/۲۴۱، ۲۴۶، ۲۴۸.

۷. صفوت، ۱۳۵۴ق: ۴۶۶/۱.

شروح و مستدرکات نهج البلاغه مانند:

۱. ابن میثم، ۱۴۰۴ق: ۴۱۹/۴.

۲. دنبلی خویی، بی تا: ۳۱۰.

۳. شوشتری، ۱۳۷۶ش: ۱/۹.

۴. مغنیه، ۱۹۷۹ م: ۴۵۴/۳.

۵. مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش: ۳۴۱/۹.

۶. هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ۵۸/۱۹.

۷. جعفری، ۱۳۸۰ش: ۲۱۶/۴.

۸. موسوی، ۱۴۲۶ق: ۳۳۸/۷.

۹. محمودی، ۱۴۱۸ق: ۱۰۹/۴.

#### ۴-۲. کیفیت بازتاب عهدنامه مفصل محمدبن ابی بکر در منابع متقدم حدیثی و تاریخی

عهدنامه مفصل محمدبن ابی بکر بر اساس جست و جویهای صورت گرفته در منابع متقدم حدیثی و تاریخی قابل دسترس در هشت کتاب: الغارات، تحف العقول، نزهة البصار و محاسن الآثار، الاعتبار و سلوة العارفين، امالی مفید، امالی طوسی، نهج البلاغه، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید به صورت نسبتاً متفاوت از یکدیگر گزارش شده است. گزارش الغارات، اگرچه در مقایسه با نقل برخی منابع دیگر، به ندرت، فاقد برخی فرازهای کوتاه است، اما به طور کلی می توان گفت که نسبتاً کامل ترین و جامع ترین نقل از این عهدنامه محسوب می شود. به همین جهت و همچنین به جهت تخصصی بودن نسبی کتاب الغارات در رابطه با موضوع و فضای صدور این عهدنامه و سایر نامه های مکاتباتی میان امام علی (ع) و جناب محمد این کتاب عنوان مبنا، جهت ارائه کیفیت گزارش سایر منابع قرار می گیرد. حال با لحاظ نکته یاد شده به ارائه نسبتاً تحلیلی گزارش هر یک منابع متقدم از عهدنامه مفصل محمدبن ابی بکر می پردازیم:

##### • الغارات

ابراهیم ثقفی عهدنامه مفصل را با سند «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عُبَايَةَ قَالَ» (ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۱۴۶/۱) ذکر نموده که به نظر می رسد با سند نامه دوم مخالفت داشته و بدین ترتیب می توان آن را به عنوان یکی از مؤیدات عدم وحدت نامه های دوم و پنجم تلقی نمود. عبارات بسیار کوتاهی که در نسخه الغارات نسبت به سایر نسخ، محذوف هستند به دو دسته تقسیم می شوند. دسته اول عبارتی هستند که اگرچه ابراهیم ثقفی آن ها را در عهدنامه مفصل گزارش نموده است اما در ضمن عبارات سایر نامه ها به عنوان جزئی از آن ها گزارش کرده است. دسته دیگر، عباراتی هستند که نه در نامه پنجم و نه در هیچ یک از نامه های ارسالی امام علی (ع) به محمد، در نسخه الغارات، از آن ها ذکری به میان نیامده است بلکه صرفاً در منابع متقدم دیگر از آن ها گزارش شده است.

عبارات دسته اول:

۱. «اعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي وَلِيُّكَ... وَاجْعَلْهُمْ بِطَانَتِكَ وَ إِخْوَانِكَ» (ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۴۵؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۸؛ طبری مامطیری، ۱۳۸۷ش: ۲۷۵؛ جرجانی، ۱۳۸۰ش: ۵۹۲؛ مفید، ۱۴۱۳ق الف: ۲۶۶؛ رضی: نامه/۲۷؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۹؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ۶/۶۷؛ ۱۵/۱۶۴).

عبارت فوق در نسخ تحف‌العقول، نزهة الابصار و محاسن الآثار، الاعتبار و سلوة العارفين، الامالین و نهج‌البلاغه همراه با تقدیم‌وتأخیر به‌عنوان جزئی از عهدنامه مفصل، اما در *الغارات* به‌عنوان جزئی از عهد-نامه مختصر دوم، در ضمن نامه سوم گزارش شده‌است.

۲. «وَ اعْلَمْ أَنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَ فَنَاءٍ... كَانَتْ لَهُمْ نِيَّةٌ» (ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۴۴؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۹؛ طبری مامطیری، ۱۳۸۷ش: ۲۷۹؛ جرجانی، ۱۳۸۰ش: ۵۹۵؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ۶/۶۶).

عبارت فوق در نسخ تحف‌العقول، نزهة الابصار و محاسن الآثار، الاعتبار و سلوة العارفين همراه با تقدیم‌وتأخیر به‌عنوان جزئی از نامه پنجم اما در *الغارات* به‌عنوان جزئی از عهدنامه مختصر دوم گزارش شده‌است.

عبارات دسته دوم:

۱. «وَ إِذَا أَنْتَ قَضَيْتَ بَيْنَ النَّاسِ... وَ أَنَا أَرْجُو أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۷؛ رضی: نامه ۲۷؛ طبری مامطیری، ۱۳۸۷ش: ۲۶۸؛ جرجانی، ۱۳۸۰ش: ۵۸۵).

عبارت بالا در نسخه *الغارات* حذف بوده و تنها در نسخه‌های *تحف‌العقول*، *نزهة الابصار* و *محاسن الآثار*، *الاعتبار* و *سلوة العارفين* و *نهج‌البلاغه* صرفاً بخشی از آن - موجود است.

۲. عبارت «قال الله عزوجل: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾» (شوری/۲۳) وقال [تعالی]: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾» (آل عمران/۳۱) - که قبل از عبارت «وَ اخْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ الْمَوْتَ وَ نُزُولَهُ» قرار گرفته است - و عبارت «وَ أُمِرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ إِنْهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ» (لقمان/۱۷) - که بعد از عبارت «اجْعَلْ نَفْسَكَ أَسْوَةً لِقَرِيبِ الْمُسْلِمِينَ وَ بَعِيدِهِمْ» قرار گرفته است.

عبارات فوق نیز در هیچ یک از نامه‌های ارسالی از ناحیه امام علی (ع) به محمد در کتاب *الغارات* گزارش نشده‌اند بلکه تنها در دو کتاب *نزهة الابصار* و *محاسن الآثار* و *الاعتبار* و *سلوة العارفين* در ضمن عهدنامه مفصل ذکر گردیده‌اند.

#### • تحف‌العقول

ابن شعبه حرانی عهدنامه مفصل محمد بن ابی‌بکر را با حذف اسناد و مختصرتر از ابراهیم ثقفی - حدود دو سوم آن - در کتاب *تحف‌العقول* گزارش نموده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۶). برخی آیات استشهادی در نسخه *تحف‌العقول* کوتاه و با عبارت‌الآیه بدان اشاره گردیده است. برخی از عبارات نامه سوم، عهدنامه مختصر دوم، در در عهدنامه مفصل محمد با نسخه *تحف‌العقول* گنجانیده شده که بیان کامل آن‌ها در گزارش تفصیلی از مشخصات گزارش ابراهیم ثقفی از نامه پنجم تبیین گردید. وجود

عباراتی که در نسخه الغارات موجود نبوده‌اند و تنها در تحلف العقول، نهضة الابصار و محاسن الآثار و الاعتبار و سلوة العارفين وجود دارند که شرح آن‌ها نیز پیش‌تر بیان شد. عباراتی که در الغارت موجود اما در تحلف العقول محذوف است به شرح زیر هستند:

۱. «اعلموا عباد الله أنَّ الْمُؤْمِنَ يَعْمَلُ لِثَلَاثٍ... تَحَاضُّوا عَلَيْهِ» (تقفی، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۴۷).
۲. «شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ... فَإِلَى هَذَا يَشْتَأِقُ مَنْ كَانَ لَهُ عَقْلٌ وَ لَا حَوْلٌ وَ لَا قُوَّةٌ إِلَّا بِاللَّهِ» (همان: ۱/۱۴۸).
۳. «إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ تَفَارِقَ رُوحُهُ» (همان: ۱/۱۴۹) ... وَ الدُّنْيَا تُطَوَّى مِنْ خَلْفِكُمْ» (همان: ۱/۱۵۰).
۴. «فَإِنَّهُ كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعْظًا وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) كَثِيرًا مَا يُوصِي أَصْحَابَهُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ» (همان: ۱/۱۵۰).
۵. «وَ اخْذَرُوا الْقَبْرَ» (همان: ۱/۱۵۰) ... أَشَدُّهُمْ لَهُ خَوْفًا» (همان: ۱/۱۵۴).
۶. «يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَتَمَنَّا وَ أَنْ تَحْفَظَهَا بِالْأَرْكَانِ وَ لَا تُخَفِّفَهَا وَ أَنْ تُصَلِّيَهَا لَوْفَتِهَا» (همان: ۱/۱۵۴).
۷. «اغْسِلْ كَفْيَكَ» (همان: ۱/۱۵۴) ... فَإِذَا سَجَدَ قَالَ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ» (همان: ۱/۱۵۶).
۸. «أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي يَرَى وَ لَا يُرَى... جَعَلَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَخْزَنُونَ» (اعراف/۳۵) (همان: ۱/۱۵۶).
۹. «عَصَمَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ بِالْهُدَى وَ سَلَكَ بِنَا وَ بِكُمْ الْمَحْجَةُ الْوُسْطَى وَ إِيَّاكُمْ وَ دَعْوَةَ الْكَذَّابِ ابْنِ هَنْدٍ وَ تَأَمَّلُوا وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَا سَوَاءَ إِمَامٌ الْهُدَى وَ إِمَامُ الرَّذَى وَ وَصِي النَّبِيِّ وَ عَدُوُّ النَّبِيِّ جَعَلَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِمَّنْ يُحِبُّ وَ يُرْضَى» (همان: ۱/۱۵۷).

● نهضة الابصار و محاسن الآثار، الاعتبار و سلوة العارفين

طبری مامطیری و جرجانی نیز عهدنامه مفصل محمد را در کتاب‌های خود با مشخصات زیر گزارش نموده‌اند.

۱. همراه با ذکر سند: «و ذکر أبو مخنف عن سليمان بن أبي راشد الأسدي عن عبد الرحمن بن عبيد» (طبری مامطیری، ۱۳۸۷ش: ۲۶۴؛ جرجانی، ۱۳۸۰ش: ۵۸۵).
۲. دارای برخی عبارات که در نسخه الغارات زیر عهدنامه مفصل محمد نیامده بلکه ضمن نامه سوم، عهدنامه مختصر دوم محمد با ترتیبی بر خلاف ترتیب عبارات موجود در این دو کتاب، آمده است که شرح آن سابقاً گذشت.
۳. دارای عباراتی که در هیچ یک از نامه‌های الغارات نیامده است که بیان کامل آن‌ها ضمن توضیح گزارش الغارات ارائه گردید.
۴. عبارت انحصاری نسخه این دو کتاب از نامه پنجم، عبارت: «فإذا قضيت بين الخصمين... فإن القضاء فريضة محكمة نزل بها القرآن من عند الله تعالى و سنة سنتها رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم» (طبری مامطیری، ۱۳۸۷ش: ۲۶۸؛ جرجانی، ۱۳۸۰ش: ۵۸۵) است که در هیچ یک از نسخ منابع متقدم نه الغارات و نه غیر آن، دیده نمی‌شود.

۵. حذف برخی عبارات نسخه *الغارات*: اگرچه عهدنامه مفصل در نسخه این دو کتاب از جهت تعبیر لفظی و حجم متنی نسبت به سایر منابع اولیه گزارش‌کننده آن، بسیار نزدیک به نسخه *الغارات* است اما با این وجود برخی عبارات در *الغارات* هستند که در این دو کتاب، موجود نمی‌باشند:

ع «و وَضِعَ عَنْهُ كُلُّ ثَقَلٍ... قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (نحل/۳۲) وَ يَقُولُ ﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ فَاَدْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾ (نحل/۲۸ و ۲۹) «ثَقْفِي، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۴۹».

۷. «و لَا تُخَالِفَ أَلْسِنَتُكُمْ قُلُوبَكُمْ... وَ إِيَّاكُمْ وَ دَعْوَةَ الْكَذَّابِ ابْنِ هَنْدٍ» (همان: ۱/۱۵۷).

۸. «وَقَالَ النَّبِيُّ (ص) مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَاتُهُ... حُسْنُ سَمْتٍ وَ فِقْهٌ فِي سُنَّةٍ» (ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۵۷).

#### • امالی مفید و امالی طوسی

مشخصات گزارش شیخ مفید و شیخ طوسی از عهدنامه مفصل محمد بن ابی بکر در *الامالین* به شرح زیر است:

۱. همراه با ذکر سند: «قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ حَبِيشٍ الْكَاتِبُ قَالَ أَخْبَرَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الرَّعْفَرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنُ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عُثْمَانَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَبِي سَعِيدٍ عَنْ فَضِيلِ بْنِ الْجَعْدِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ...».

۲. مختصرتر از گزارش *الغارات*؛ میزان اختصار گزارش عهدنامه مفصل محمد بن ابی بکر در *الامالین* بیشتر از دو کتاب *نزهة الابصار* و *محاسن الآثار و الاعتبار و سلوة العارفين* و کمتر از سایر منابع اولیه مانند *تحف العقول* است. حذفیات دو کتاب مزبور نسبت به نسخه *الغارات* به شرح زیر هستند:

۱. «يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أُحِبُّ الْخَيْلَ أَفِي الْجَنَّةِ خَيْلٌ (ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۵۲)... إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ طَاعَةً لِلَّهِ أَشَدُّهُمْ لَهُ خَوْفًا» (همان: ۱/۱۵۴).

۲. «وَ كَانَ إِذَا رَكَعَ... فَإِذَا سَجَدَ قَالَ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ» (همان: ۱/۱۵۶).

۳. «جَعَلْنَا اللَّهَ وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (اعراف/۳۵) (همان: ۱/۱۵۷).

۴. «عَصَمَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ... إِيَّاكُمْ وَ دَعْوَةَ الْكَذَّابِ ابْنِ هَنْدٍ وَ تَأْمَلُوا» (همان: ۱/۱۵۷).

۵. «وَقَالَ النَّبِيُّ (ص) مَنْ سَرَّتْهُ... حُسْنُ سَمْتٍ وَ فِقْهٌ فِي سُنَّةٍ» (همان: ۱/۱۵۷).

ع «و عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَكَفَ عَامًا... ثُمَّ صَامَ سِتَّةَ أَيَّامٍ مِنْ شَوَّالٍ فَكَأَنَّمَا صَامَ السَّنَةَ» (همان: ۱/۱۵۸).

۳. وجود برخی عبارات که در نامه سوم از نسخه *الغارات* با ترتیبی متفاوت، ذکر شده‌اند:

۱. «ثُمَّ أَعْلَمَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ أَنْ يَقْدَرُ وَلَيْتَكَ... وَ اجْعَلْهُمْ بِطَانَتَكَ وَ إِخْوَانَكَ» (مفید، ۱۴۱۳ق الف: ۲۶۶؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۹).

۲. «الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ... وَ لَا تَنْسَ نَصِييَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (مفید، ۱۴۱۳ق الف: ۲۶۸؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۰).

۴. با لحاظ نقل به معنا و اغماض از زیاده و کاستی‌های کلمه‌ای بر خلاف گزارش‌های ابن شعبه حرانی، طبری مامطیری، جرجانی و شریف رضی، تقریباً می‌توان گفت هیچ عبارتی در گزارش شیخ مفید و شیخ طوسی وجود ندارد که ابراهیم ثقفی آن را ذکر نکرده باشد.

۵. عبارت بیان کیفیت وضوی پیامبر(ص) در نسخه *الامالی* شیخ مفید و شیخ طوسی مطابق نظر امامیه و بر خلاف گزارش نسخه *الغارات* است.

#### • نهج البلاغه

شریف رضی در کتاب *نهج البلاغه* با توجه به غرض خاصی که از تألیف این کتاب پی‌جو بوده (رضی، ۱۴۱۴ق: ۳۳)، در نامه ۲۷ و ۳۴ ام، یک عهدنامه و نامه دلجویی و تشویق به مقاومت در برابر دشمن را گزارش نموده است (همان: نامه ۲۷ و ۳۴). او این عهدنامه را اولاً بدون سند ذکر نموده و ثانیاً بر اساس جست‌وجوهای صورت گرفته، این نامه با لحاظ سبک و سیاق خاص خود در این کتاب در هیچ منبع دردسترس، نمونه‌ای بی‌سابقه بوده است؛ بنابراین یا نسخه‌ای خاص از عهدنامه محمد بن ابی‌بکر در اختیار شریف رضی قرار داشته و ایشان از میان نسخ متعدده صرفاً آن را در کتاب *نهج البلاغه* گزارش نموده است و یا نسخه موجود در *نهج البلاغه* تحت عنوان عهدنامه محمد بن ابی‌بکر در حقیقت محصول تألیف قطعاتی چند از نامه یا نامه‌های متعدد موجود در سایر منابع متقدم قابل‌دسترس است. آنچه که به ذهن، قوی‌تر به نظر می‌رسد احتمال دوم است؛ زیرا اگر نسخه‌ای از عهدنامه محمد بن ابی‌بکر با مشخصات و سبک و سیاق نسخه *نهج البلاغه* در منابع متقدمی که شریف رضی از آن نقل می‌نموده، وجود داشت طبیعتاً سایر محدثین و مورخین نیز گزارشی از آن ارائه می‌نمودند خصوصاً شخصیت‌هایی همچون ابراهیم ثقفی که به صورت تخصصی تمرکز بر موضوع حوادث دوران حکومت امیرالمؤمنین امام علی(ع) داشته است. همچنین در خود نسخه شریف رضی نیز شواهد درون‌متنی حاکی از وقوع تقطیع موجود است آنجا که ایشان می‌گوید: «و من عهد له (ع) إلى محمد بن أبي بكر» (همان: نامه ۲۷)، «و من هذا العهد منه» (همان: نامه ۲۷)؛ چراکه «من» دلالت دارد که صرفاً بخش‌هایی از عهدنامه محمد بن ابی‌بکر گزارش گردیده است. همچنین اگر سایر نامه‌های گزارش شده در *نهج البلاغه* مورد ملاحظه و مقایسه با گزارش سایر منابع متقدم و هم‌عصر آن قرار گیرد<sup>۱</sup> روشن می‌شود که روش شریف رضی بر گزارش کامل نامه‌ها نبوده است.

در ارتباط با عبارت ابتدایی عهدنامه محمد بن ابی‌بکر موجود در *نهج البلاغه*، عبارت «فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ... لَا يَبْتَاسَ الضُّعْفَاءُ مِنْ عَذْلِكَ عَلَيْهِمْ»، اگرچه کتاب *الغارات* با وجود جامعیت و پیشینه داشتن نسبی‌اش، گزارشی از آن در هیچ یک از رسائل ارسالی از امام علی(ع) به جناب محمد به میان نیاورده است. باین وجود، این عبارت، در صدر عهدنامه مفصل گزارش شده در کتاب‌های *تحف العقول*، *نزهة البصائر* و *محاسن الآثار و الاعتبار و سلوة العارفين* موجود است.

۱. به عنوان نمونه اگر به نامه دوم از رسائل *نهج البلاغه* «و من كتاب له ع إلهيم بعد فتح البصرة و جزاكم الله من أهل مصر عن أهل بيت نبيكم أحسن ما يجزي العالمين بطاعته و الشاكين لنعمة فقد سمعتم و أطعتم و دعيتم فأجبتهم» مراجعه شود مشاهده می‌شود که صرفاً بخشی از نامه مفصلی است که تفصیل آن در کتاب *الكافة في إبطال توبة الخاطئة* نگاشته شیخ مفید گزارش شده است.

فراز دوم از نامه ۲۷ نهج‌البلاغه که عمده حجم متنی آن را شکل می‌دهد، مگر عبارت «وَأَعْلَمَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي بَكْرٍ أَنِّي قَدْ وَلَّيْتُكَ... لَيْسَ مِنَ اللَّهِ خَلْفُ فِي غَيْرِهِ»، اختصار و تقطیع شده از عهدنامه مفصل محمد بن ابی‌بکر، عنوان شده با نامه پنجم در پژوهش حاضر و عبارت مستثنا، برگرفته و تقطیع شده از عهدنامه مختصر دوم محمد بن ابی‌بکر، عنوان شده با نامه سوم در پژوهش حاضر است.

بنابراین، عهدنامه محمد بن ابی‌بکر گزارش شده در نهج‌البلاغه حاصل ترکیب عهدنامه مفصل - البته با اختصار و تقطیع فراوان - و مختصر دوم - البته با تقطیع تنها حدود سه بند از آن - است. باین حال ناگفته نماند که عبارت «فَحَطُّوا مِنَ الدُّنْيَا بِمَا حَظِّي بِهِ الْمُتَرَفُّونَ وَ أَخَذُوا مِنْهَا مَا أَخَذَهُ الْجَبَّارَةُ الْمُتَكَبِّرُونَ ثُمَّ انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبْلَغِ وَ الْمُنْجَرِ الرَّابِعِ» منحصراً در نسخه نهج‌البلاغه از عهدنامه مفصل، گزارش شده مگر آنکه ادعا گردد: عبارت یادشده در حقیقت، اجمال (شوشتری، ۱۴۱۸ق: ۱۶/۹) و نقل به معنای عبارت «فَأَكْلُوا مِنْهُمْ مِنْ طَيِّبَاتِ مَا يَأْكُلُونَ وَ شَرِبُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا يَشْرَبُونَ وَ لَبَسُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَلْبَسُونَ وَ سَكَنُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَسْكُنُونَ وَ تَزَوَّجُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَتَزَوَّجُونَ وَ رَكِبُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَرْكَبُونَ» (ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۴۸؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۶) هست که گزارش آن، در سایر نسخ عهدنامه مفصل آمده است و چه‌بسا ممکن است در تأیید این ادعا، به نوع غرضی که شریف رضی از تألیف نهج‌البلاغه داشته و در مقدمه کتاب خود بدان تصریح نموده، استیناس بلکه استدلال گردد.

#### • شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید

ابن‌ابی‌الحدید معتزلی در شرح خود بر نهج‌البلاغه هر یک از نسخ الغارات و نهج‌البلاغه از نامه پنجم را نقل نموده است. مشخصات نقل او از نهج‌البلاغه مشابه مشخصات نسخه نهج‌البلاغه بوده اما نقل او از ابراهیم ثقفی در برخی فرازاها، متفاوت از نسخه الغارات است. او حدود دو سوم از متن عهدنامه مفصل با نسخه الغارات را گزارش کرده است. ممکن است ابن‌ابی‌الحدید نسخه الغارات را تقطیع کرده باشد و یا اینکه نسخه دیگری از آن در اختیار داشته است. باین‌وجود، نقل ابن‌ابی‌الحدید مانند نقل شیخ مفید و شیخ طوسی نیست که مقداری اضافات نسبت به گزارش ابراهیم ثقفی داشتند و همچنین برخی محذوفات ابن‌ابی‌الحدید، متفاوت از محذوفات موجود در الامالیین است. محذوفات شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید نسبت به نسخه الغارات عبارت‌اند از:

۱. «اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُؤْمِنَ يَعْمَلُ لثَلَاثٍ (ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۴۷) ... وَ تَخَاضُوا عَلَيْهِ» (همان: ۱/۱۴۸).
۲. «وَ تَزَوَّجُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَتَزَوَّجُونَ وَ رَكِبُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَرْكَبُونَ» (همان: ۱/۱۴۸).
۳. «كُلُّ هَذَا يَكُونُ عِنْدَ الْمَوْتِ... ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ اذْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾» (نحل: ۳۲) (همان: ۱/۱۴۹).
۴. «فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أُحِبُّ الْخَيْلَ... وَقَدْ صَارَتْ صُورَةُ زَوْجَتِي عَلَى مَا اشْتَهَى» (همان: ۱/۱۵۳).
۵. «اغْسِلْ كَفَّيْكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ (همان: ۱/۱۵۴) ... فَإِذَا سَجَدَ قَالَ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ» (همان: ۱/۱۵۶).

ع «وَقَالَ النَّبِيُّ (ص) مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَاتُهُ... حُسْنُ سَمْتٍ وَ فِقْهُ فِي سُنَّةٍ» (همان: ۱/۱۵۶).

۷. «أَعَانَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ عَلَى شُكْرِهِ وَ ذِكْرِهِ وَ أَدَاءِ حَقِّهِ وَ الْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ» (همان: ۱۵۸/۱).

۸. «وَ عَلَى أَيِّ خَالٍ كُنْتُ عَلَيْهَا جَعَلَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (همان: ۱۵۸/۱).

۹. «وَ عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ» (همان: ۱۵۸/۱)... شَوَّالٍ فَكَأَنَّمَا صَامَ السَّنَةَ (همان: ۱۵۹/۱).

• اعتبارسنجی عهدنامه مفصل محمدبن ابی بکر

منابع متقدم گزارش کننده عهدنامه مفصل محمدبن ابی بکر، با تفصیل کیفیت گزارش آن‌ها، جهت دستیابی به حدود و ثغور متن و محتوای عهدنامه مفصل، در بخش دوم ارائه گردیدند. در بخش حاضر، با استفاده از روش‌های مرسوم در حوزه کشف حجیت داده‌های روایی و تاریخی، به اعتبارسنجی عهدنامه مفصل از حیث محتوا و استناد، پرداخته می‌شود.

اعتبارسنجی داده‌های حدیثی و تاریخی که در اصطلاح، از طریق خبر واحد منتقل می‌شوند به دو روش محوری و ثوق سندی و وثوق صدوری که در کلام برخی محققین از آن با تعبیر رویکرد معرفت-شناسانه خصوصاً در حوزه معارف هستی‌شناسانه یاد شده (حاجی‌خانی، ۱۳۹۷: ۱۸-۲۳)، تقسیم می‌شود. در روش اول برای احراز اعتبار استناد محتوا حدیثی و تاریخی به گوینده نخستین، تمرکز اصلی بر سند داده بوده و با ارائه و تحلیل شاخصه‌هایی چند، اعتبار استناد، محرز می‌گردد. از مهم‌ترین این شاخصه‌ها، بررسی تک‌تک راویان موجود در سلسله سند داده است. براین اساس، داده حدیثی، بسته به اینکه احوال طبقات راویان موجود در سند، باتوجه به اطلاعات گزارش شده در کتب رجال، از چه خصوصاتی برخوردار باشند انقسام‌های گوناگونی پیدا می‌کند که از مهم‌ترین آن‌ها تقسیم حدیث به صحیح، حسن، موثق و ضعیف است (سبحانی، ۱۴۳۵: ۴۳). البته در تعداد اقسام و تعریف آن‌ها ممکن است در دوره‌های گوناگون میان صاحب‌نظران، اختلاف نظر وجود داشته باشد (همان: ۴۷-۶۰). در اینکه کدام یک از این اقسام معتبر است بسته به چپستی دلیل اعتبار خبر واحد، میان صاحب‌نظران اختلاف وجود دارد. گروهی که مفاد ادله اعتبار خبر واحد را خبر عدل امامی می‌دانند در حالت عادی تنها حدیث صحیح را معتبر خواهند دانست (همان: ۶۰).

اما بنا بر روش دوم، باتوجه به دلیل اعتبار آن که نوعاً سیره عقلاً مطرح می‌شود اگر به هر طریق معقول نزد عقلاً، نسبت به صحت داده حدیثی و تاریخی و استناد آن، اطمینان حاصل گردد اعتبار حدیث اثبات خواهد شد و البته وجود راویان عدل امامی در تمام طبقات سند می‌تواند یکی از طرق احراز وثاقت یادشده باشد (عراقی، ۱۴۱۷: ۱۳۵/۳)؛ بنابراین و لو حدیثی بر اساس روش وثوق سندی به جهت احوال راویان واقع در سلسله سند، حسن یا ضعیف باشد لکن در صورت حصول اطمینان به صدور محتوای حدیث به واسطه قرائن اطمینان‌آور، آن حدیث، قابل اعتنا خواهد شد.

باتوجه به مقدمه بیان شده در باب روش‌های اعتبارسنجی داده‌های حدیثی و تاریخی، به ارزیابی میزان اعتبار عهدنامه مفصل محمدبن ابی بکر و انطباق روش‌های مذکور بر آن‌ها می‌پردازیم.



### • روش وثوق سندی

باتوجه به اینکه اخبار و احادیث گزارش‌کننده از عهدنامه مفصل محمد بن ابی بکر از شمار خبر واحد محسوب می‌شوند اثبات اعتبار آن‌ها با روش وثوق سندی دشوار خواهد بود. چرا این اخبار و احادیث یا مبتلی به ارسال در اسناد هستند<sup>۱</sup> و یا اینکه سلسله راویان موجود در سند آن‌ها با افراد غیر امامی، یا مجهول، یا غیر موثق و... مواجه بوده<sup>۲</sup> و حدیث صحیح مصطلح مبتنی بر سخت‌گیرانه‌ترین مبنا، بر آن‌ها صادق نخواهد شد.

اگرچه ادعای تواتر لفظی نسبت به نقل عهدنامه یادشده سخنی اثبات نشده است لکن بعید نیست بتوان گفت: اصل ثبوت آن باتوجه به منابع متقدم و اسناد و طرق ارائه شده در طول بخش دوم و مسلم بودن حجیت قدر متیقن محتوای آن‌ها، با تواتر معنوی یا تواتر فی‌الجمله قابل اثبات باشد. حتی و لو ادعای تواتر به صورت مطلق نسبت به گزارش‌های صورت گرفته از عهدنامه مفصل - به دلیل ابتلای نوع این گزارش‌ها با ارسال و وجود راوی مجهول - منتفی باشد اما اندراج آن ضمن اخبار مستفیضة، قطعی است؛ در این صورت اگرچه بر اساس سخت‌گیرانه‌ترین مبنا در روش وثوق سندی نتوان خبر صحیح بر آن اطلاق نمود ولی با توجه به استفاضه نقل آن و انضمام برخی قرائن که در تقریب استدلال به روش وثوق صدوری خواهد آمد می‌توان از آن با عنوان خبر یا روایت معتبر یاد نمود.

### • روش وثوق صدوری

بر اساس روش وثوق صدوری، قرائنی جهت حصول اطمینان نسبت به صدور محتوای حدیث از گوینده نخستین و اعتبار استناد آن، مطرح هستند که در معرفی مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مواردی همچون: وثاقت راوی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۴۳/۳۰)، وجود حدیث در یکی از کتب اصولی که بر اعتبار آن‌ها میان اصحاب امامیه اتفاق نظر هست و یا در کتاب محرز الاستناد به یکی از ثقات اصحاب امامیه (همان: ۲۴۴/۳۰)، موافقت مفاد حدیث با قرآن کریم (همان: ۲۴۵/۳۰)، ورود مکرر حدیث در کتب معتبر متعدد و... اشاره نمود.

### • موافقت با قرآن کریم

عهدنامه مفصل محمد بن ابی بکر بر اساس روش وثوق صدوری، با بررسی یکایک عبارات موجود در آن، مشاهده می‌شود که نه تنها مفاد آن‌ها در بالاترین درجه از موافقت با محکومات و ظواهر قرآن کریم است بلکه بر اساس تحلیل محتوایی که نسبت به مضامین این نامه، صورت گرفته است (فراهانی، ۱۴۰۴: ۱۲۲-۱۶۸) به وضوح اثبات می‌گردد که امیرالمؤمنین تقریباً در بندبند جملات، گاهی بالظهور و الصراحه و گاهی بالاشارة و الکنایه، مستند به آیات شریفه قرآن کریم ایراد سخن می‌فرماید به نحوی که در برخی فرازها، خواننده احساس می‌نماید مشغول قرائت قرآن کریم است؛ بنابراین، اگر برای صحت اعتبار محتوای معارف نورانی موجود در آن و همچنین صحت استناد آن‌ها به گوینده‌ای در وزان علم و عصمت

۱. مانند گزارش صورت گرفته از عهدنامه مزبور در کتاب تحف العقول.

۲. نوع گزارش‌های صورت گرفته از عهدنامه مفصل محمد بن ابی بکر این گونه هستند.

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام، دلیل و شاهی نبود جز همین موافقت مضامین آن‌ها با آیات شریفه قرآن کریم، آن هم در مقیاس یادشده، مخاطبین آگاه از معارف ناب وحیانی را نسبت به حصول اطمینان، کافی بود؛ اما درعین حال برای تقویت هر چه بیشتر حجیت آن به تعدادی چند از سایر قرائن اعتبارافزا، اشاراتی می‌گردد.

#### • موافقت با احادیث و سنت نبوی(ص)

احادیث نبوی(ص) در عصر صدور نامه‌های امام علی(ع) به محمدبن ابی‌بکر در میان اصحاب و اهل علم، مشهور بوده‌اند. شاهد این مطلب استنادهای متعدد امام علی(ع) در مواضع متعدد از بیانات خویش به سخنان پیامبر(ص) است؛ زیرا زمانی استدلال به احادیث یادشده موجه به نظر می‌رسد که لااقل در میان صحابی پیامبر(ص) مشهور و مسلم بوده باشند؛ بنابراین اتکای امام علی(ع) در عهدنامه محل بحث به احادیث مشهوره و غیر مشهوره نبوی(ص)(همان)، در قالب تألیف خاصی که توسط ایشان صورت گرفته است، اگرچه به حسب ظاهر به میزان قرآن کریم نمی‌باشد لکن می‌تواند به عنوان یکی از قرائن قابل توجه در اعتبارافزایی این نامه‌ها عنوان گردد.

#### • موافقت با احادیث وارده از ائمه معصومین علیهم السلام

تمام علوم و معارف موجود در قرآن کریم(کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۲۷/۱) و سنه نبوی(ص)(همان: ۲۲۳/۱) پس از وجود مقدس ایشان در اختیار ائمه معصومین(ع) قرار گرفته است. بررسی روایات معتبر وارد شده از ایشان علیهم السلام، حاکی از آن است که در آن‌ها برای صحت - اگر نگوییم تمام، لااقل - اکثر عبارات عهدنامه مفصل محمدبن ابی‌بکر، شواهد روایی مستفیضه بلکه متواتره وجود دارند(همان)؛ بنابراین شهادت این دسته از روایات در لسان اهل بیت معصوم پیامبر(ع) می‌تواند به عنوان دیگرقرینه دلالت کننده بر اعتبار عهدنامه مفصل مطرح گردد.

#### • گزارش نامه‌ها توسط بزرگان علم فقه، حدیث و تاریخ در کتب مشهور و معتمد

عالمانی که متعرض گزارش عهدنامه محمدبن ابی‌بکر در کتاب‌های خود شده‌اند هم خودشان از متخصصین کم‌نظیر در فن فقه، حدیث و تاریخ بوده‌اند و هم کتاب‌های آن‌ها از شهرت و اهمیت ویژه‌ای نزد خاصه و عامه برخوردار بوده است. از جمله آن‌ها ابراهیم ثقفی است که وحید بهبهانی در شأن او گفته است: دعوت علمای قم از ابراهیم ثقفی، درخواست علمای کوفه، تألیفات فراوان، رحمت فرستادن شیخ طوسی بر او و توثیق ابن طاووس، دلالت بر جلالت قدر و منزلت او دارند(استرآبادی، ۱۴۲۲ق: ۳۴۹/۱). ذهبی در توصیف او می‌نویسد: «من رءوس الشیعة صاحب تصانیف... سکن صاحب الترجمة أصفهان و یکنی أبا إسحاق بن الرضا و طلبه أهل قم لیأخذوا عنه فامتنع»(ذهبی، ۱۴۰۹ق: ۱۱۲/۲۱). ابن ندیم در الفهرست در باب ابراهیم ثقفی می‌گوید: «ابواسحاق ابراهیم بن محمد اصفهانی از موثقان علماء صاحب تصنیف است»(ابن ندیم، ۱۳۴۶ش: ۴۱۰). دعوت قمی‌ها که در أخذ و نقل احادیث، مبانی بسیار سختی داشتند گواه خوبی بر وثاقت و جلالت قدر ابراهیم هست(مامقانی، بی‌تا: ۳۱/۱). همچنین قرارگرفتن او در اسناد تفسیر قمی و طریق ابن قولویه نیز می‌تواند مؤید بلکه شاهد بر توثیق او مطرح گردد(نمازی شاهرودی،

۱۴۱۴ق: ۱/۱۹۴). اعظم کثیری از علمای متقدم و متأخر در فن فقه، حدیث و تاریخ که همیشه تحریر شدید در کیفیت أخذ حدیث داشتند با روایت از او یا نقل از کتاب *الغارات* و یا سایر کتب او، به‌نوعی بر اعتبار و وثاقت کتاب، احادیث و مؤلف آن گواهی می‌دهند (ثقفی، ۱۳۹۵ق: مقدمه جلد ۶۹/۱ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۰/۱۵۳).

نسبت به وثاقت و اعتبار سایر منابع گزارش‌کننده از عهدنامه مفصل محمد بن ابی‌بکر و مؤلفان آن، مانند *الامالی* شیخ مفید، *نهج‌البلاغه* شریف رضى، *الامالی* شیخ طوسی، *بشارة المصطفی لشعبة المرتضى* طبری آملی، *مجموعه ورام ورام بن ابی‌فراس*، *بحارالانوار* علامه مجلسی، *وسائل‌الشیعه* شیخ حر عاملی، *البرهان فی تفسیر القرآن* بحرانی و... نیز اگر گفته نشود بعضاً بسیار بالاتر از *الغارات* و مؤلف آن است قطعاً کمتر نخواهد بود که جهت جلوگیری از اطاله غیرضروری مقاله از تحلیل و اثبات آن صرف‌نظر می‌گردد.

### • موافقت با قواعد عقلی و عقلایی

در مضامین وارد شده در عهدنامه مفصل محمد بن ابی‌بکر کم نیست از معارف حقه در حوزه بدیهیات و نظریات عقل نظری و عملی که اگر به عقل سلیم و عقلای عالم عرضه شوند اگرچه وصول و التفات به آن‌ها بدون تعلم از مخازن علم الهی از طریق انبیاء و اولیاء (ع) ناممکن یا بسیار صعب بوده لکن با تأمل و تدبر در آن‌ها ولو به استعانت از مسلمات و حیانی واصل شده، بی‌تردید به صحت و حقانیت آن‌ها حکم خواهند کرد. بله برخی علوم و حیانی وجود دارند که نه‌تنها عقول انسان‌های غیرمعصوم راهی بدان ندارند بلکه از غور در آن‌ها نیز بر حذر داشته شده‌اند. به‌عنوان مثال، احکام شرعیه تعبدیه محضه را تنها می‌توان از منبع شرع مقدس در بستر دلالت‌های معتبر برگرفته از ظاهر کلام قرآن کریم و سخنان انبیاء و اوصیاء الهی (ع) تحصیل، تلقی، تفقه و عمل نمود. در این دسته از علوم و حیانی احراز عدالت و وثاقت تمام راویان موجود در سلسله سند حدیث آن هم صرفاً بنا بر سخت‌گیرانه‌ترین مبنا در حوزه اعتبارسنجی احادیث به روش وثوق سندی، می‌تواند به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر مطرح گردد؛ اما بسیاری از مباحث مطروحه در این عهدنامه، از اطاعت و تقوای الهی گرفته تا عدالت و معاد و حکمت‌ها و مواعظ پندآموز، همگی از اموری هستند که یا عقول بشر، با تأمل و تذکر، به حقانیت آن‌ها و گوینده آن‌ها صحه گذاشته و یا تحت تعلیم و تأدیب انسان‌های کامل الهی به صحت آن‌ها معترف خواهند شد و لو عدالت و وثاقت یکایک طبقات راویان روایات گزارش‌کننده از آن‌ها محرز نگردد.

باتوجه‌به قرائن ارائه شده و قرائن فراوان غیر مذکور در پژوهش حاضر، به راحتی می‌توان به صحت اعتبار محتوای نامه‌های ارسالی از ناحیه امام علیه (ع) به محمد بن ابی‌بکر و استناد آن‌ها، دست یافت.

### ۳. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر پس از توصیف و تحلیل‌های صورت‌گرفته زیر سه بخش مترتب بر یکدیگر نتایج زیر را به ارمغان می‌آورد:

۱. نامه‌های نگاشته شده از سوی امیرالمؤمنین امام علی(ع) به‌سوی محمدبن ابی‌بکر در ۳۰ منبع حدیثی، تاریخی و تفسیری گزارش شده‌اند. تعداد منابع متقدمی که به‌نوعی گزارش آن‌ها از نامه‌های موضوع بحث برگرفته از کتاب‌های موجود و در دسترس دیگر نبوده به حدود ۱۵ کتاب می‌رسد. شمار این نامه‌های، ۷ عدد بوده و عناوین آن‌ها عبارتند از: عهدنامه مختصر اول محمدبن ابی‌بکر، وعده ارسال عهدنامه مفصل به محمدبن ابی‌بکر، عهدنامه مختصر دوم محمدبن ابی‌بکر، پاسخ‌نامه مسائل فقهی، عهدنامه مفصل محمدبن ابی‌بکر، نامه دلجویی و تشویق بر مقاومت در برابر دشمن و توصیه به پایداری در مقابل عداوت و حمله معاویه و وعده ارسال کمک. تفصیل گزارش‌های صورت‌گرفته در منابع متقدم از نامه‌های هفت‌گانه به شرح جدول زیر است:

اختصار گزارش‌های صورت‌گرفته از نامه‌های امام علی(ع) به محمدبن ابی‌بکر در منابع متقدم

| نام<br>کتاب                           | اول:<br>عهدنامه<br>مختصر<br>اول | دوم: وعده<br>ارسال عهدنامه<br>مفصل به<br>محمدبن ابی‌بکر | سوم:<br>عهدنامه<br>مختصر<br>دوم | چهارم:<br>پاسخ‌نامه<br>مسائل<br>فقهی | پنجم: عهدنامه<br>مفصل<br>محمدبن ابی‌بکر | ششم:<br>نامه<br>دلجویی<br>و تشویق<br>بر<br>مقاومت<br>در برابر<br>دشمن | هفتم:<br>توصیه به<br>پایداری در<br>مقابل<br>عداوت و<br>حمله معاویه<br>و وعده<br>ارسال کمک |
|---------------------------------------|---------------------------------|---------------------------------------------------------|---------------------------------|--------------------------------------|-----------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------|
| مصنف<br>عبدالرزاق                     |                                 |                                                         |                                 | ✓                                    |                                         |                                                                       |                                                                                           |
| مصنف<br>ابن ابی‌شبه                   |                                 |                                                         |                                 | ✓                                    |                                         |                                                                       |                                                                                           |
| الغارات                               | ✓                               | ✓                                                       | ✓                               | ✓                                    | ✓                                       | ✓                                                                     | ✓                                                                                         |
| انساب<br>الاشراف                      | ✓                               |                                                         |                                 |                                      |                                         | ✓                                                                     |                                                                                           |
| تاریخ طبری                            | ✓                               |                                                         |                                 |                                      |                                         | ✓                                                                     | ✓                                                                                         |
| الاعتبار و<br>سلوة العارفين           |                                 | ✓                                                       | ✓                               |                                      | ✓                                       |                                                                       |                                                                                           |
| نزهة الابصار و<br>محاسن الآثار        | ✓                               | ✓                                                       | ✓                               |                                      | ✓                                       |                                                                       |                                                                                           |
| تحف العقول                            | ✓                               | ✓                                                       | ✓                               |                                      | ✓                                       |                                                                       |                                                                                           |
| امالی مفید                            |                                 |                                                         | ✓                               |                                      | ✓                                       |                                                                       |                                                                                           |
| امالی طوسی                            |                                 |                                                         | ✓                               |                                      | ✓                                       |                                                                       |                                                                                           |
| تهذیب<br>الأحكام                      |                                 |                                                         |                                 | ✓                                    |                                         |                                                                       |                                                                                           |
| الإستبصار<br>فیما اختلف<br>من الأخبار |                                 |                                                         |                                 | ✓                                    |                                         |                                                                       |                                                                                           |
| نهج البلاغة                           |                                 |                                                         | ✓                               |                                      | ✓                                       | ✓                                                                     |                                                                                           |

|   |   |   |  |   |  |   |                      |
|---|---|---|--|---|--|---|----------------------|
| ✓ | ✓ | ✓ |  | ✓ |  | ✓ | شرح<br>نهج البلاغه   |
|   | ✓ |   |  |   |  |   | الكامل فی<br>التاریخ |

۲. عهدنامه مفصل محمدبن ابی بکر در ۸ منبع متقدم حدیثی و تاریخی: *الغارات*، *تحف العقول*، *نزهة الابصار* و *محاسن الآثار*، *الاعتبار و سلوة العارفين*، *امالی مفید*، *امالی طوسی*، *نهج البلاغه* و *شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید* گزارش شده است. کتاب *الغارات* از جهات گوناگون: اشتغال بر تمام نامه‌ها، ذکر آسانید و کوتاهی آن‌ها، دخل و تصرف کمتر در نقل تعداد نامه‌ها و عبارات آن‌ها، تخصصی بودن موضوع کتاب و خبری بودن مؤلف آن در موضوع کتاب و نامه‌ها، در اضافه با سایر منابع متقدم، ممتاز بوده و به همین جهات، کتاب یادشده به عنوان مبنای اکثر توصیف، تحلیل و تطبیق‌های صورت گرفته در بخش دوم، قرار گرفته است.

۳. در حوزه اعتبارسنجی محتوا و استناد عهدنامه مفصل امام علی (ع) به محمدبن ابی بکر اگرچه به روش وثوق سندی به جهت وجود برخی مناقشات وارده بنا بر سخت گیرانه ترین مبانی - که عبارت باشد از عدم احراز وثاقت و عدالت تمام راویان موجود در سلسله آسانید نامه‌ها - نتوان حجیت این عهدنامه را اثبات نمود و همچنین بنا بر برخی مبانی دیگر موجود در این روش قابلیت اثبات حجیت نامه‌های محل بحث وجود داشته لکن به روش وثوق صدوری به راحتی می توان ادعای اعتبار عهدنامه مفصل محمد و استناد آن به امیرالمؤمنین امام علی (ع) را اثبات نمود. قرائن اعتبارزا و اعتبار افزا در این راستا عبارت اند از: موافقت حداکثری محتوایی با محکمت و ظواهر قرآن کریم و کثرت مثال زدنی استنادات قرآنی موجود در آن، موافقت نسبتاً زیاد محتوایی با احادیث نبوی (ص)، وجود شواهد فراوان دلالت کننده بر صحت محتوا و استناد آن در احادیث معتبره وارد شده از ناحیه ائمه معصومین (ع) - از طرقی غیر از طرق مطرح شده در بخش دوم - گزارش عهدنامه مفصل توسط بزرگان تفسیر، حدیث و تاریخ در کتب مشهور و معتمد و وجود شواهد و مؤیدات فراوان عقلی و عقلایی بر صحت معارف القا شده در آن.

### پیشنهادهات:

۱. تحلیل فضای صدور عهدنامه مفصل محمدبن ابی بکر
۲. تحلیل محتوایی عهدنامه مفصل محمدبن ابی بکر

### منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغة*. قم: مكتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابن ابی شیبة، عبد الله بن محمد (۱۴۰۹ق). *مصنف ابن أبي شيبة*. بيروت: دار التاج.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق). *الكامل فی التاريخ*. بی چا. بيروت: دار صادر.

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.
- ابن میثم، میثم بن علی (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه (ابن میثم). بی جا. تهران: دفتر نشر کتاب.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۶ش). الفهرست (ابن ندیم). چاپ دوم. تهران: بانک بازرگانی ایران (چاپخانه).
- احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶ق). مکاتیب الأئمة علیهم السلام. قم: دارالحديث.
- استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق). منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال. قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴ش). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه بعثه.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق). انساب الاشراف. بیروت: دارالفکر.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعیدین هلال (۱۴۱۰ق). الغارات (ط - القديمة). محقق / مصحح: حسینی، عبدا لزهراء. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- ----- (۱۳۹۵ق). الغارات (ط - الحديث). محقق / مصحح: محدث ارموی. تهران: انجمن آثار ملی.
- ----- (۱۳۷۴ش). الغارات / ترجمه آیتی. مترجم: آیتی، عبد الحمید، تهران: ارشاد.
- جرجانی (موفق بالله)، حسین بن اسماعیل (۱۳۸۰ق). الإعتبار و سلوة العارفين. محقق: وجیه، عبد السلام بن عباس. عمان: مؤسسة الإمام زيد بن علي الثقافية.
- جعفری، محمد مهدی (۱۳۸۰ش). پرتوی از نهج البلاغه. چاپ سوم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - سازمان چاپ و انتشارات.
- حاجی خانی، علی (۱۳۹۷ش). إسناده نهج البلاغه و نقد شبهات پیرامون آن. تهران: سمت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشيعة. قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
- داوود الجبوری، محمد مجید (۲۰۲۲م). تقييم آراء المؤرخين حول مواقف محمد بن أبي بكر في صدر الاسلام. استاد راهنما: سید اکبر موسوی تنیانی. دانشگاه ادیان و مذاهب.
- دنبلی خویی، ابراهیم بن حسین (بی تا). الدرة النخفية. بی جا. بی نا.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمي). قم: الشريف رضى.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۹ق). تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام. چاپ دوم. بیروت: دارالکتاب العربی.
- سبحانی، جعفر (۱۴۳۵ق). اصول الحديث و احكامه فی علم الدراية. الطبعة التاسعة. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- سبحانی یامچی، محمد (۱۴۰۲ش). نقش عنصر زمان و مکان در صدور و محتوای نامه امام علی (ع) به محمد بن ابی بکر. پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره ۱۱، شماره ۴۳، ۱۰۷-۱۲۸.
- ستایش، احمد رضا (۱۳۹۵ش). بررسی زندگی سیاسی اجتماعی محمد بن ابی بکر و نقش او در استحکام تشیع. استاد راهنما: سید جواد خاتمی. دانشگاه حکیم سبزواری.

- شاهواروقی فراهانی، حسین (۱۴۰۴ش). تبارشناسی و تحلیل فضای صدور و محتوای نامه‌های امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به محمد بن ابی بکر. استاد راهنما: علی حاجی‌خانسی. دانشگاه تربیت مدرس.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج‌البلاغه (للمصباحی صالح). قم: هجرت.
- شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۸ق). بهج‌الصباغة. تهران: دار امیرکبیر للنشر.
- ----- (۱۴۱۵ق). قاموس الرجال. چاپ دوم. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- صفوت، احمد زکی (۱۳۵۴ق). جمهرة رسائل العرب في عصور العربية. بيروت: المكتبة العلمية.
- صنعانی، عبد الرزاق بن همام (۱۴۰۳ق). مصنف عبدالرزاق. بيروت: المجلس العلمی.
- طبری آملی، عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی‌القاسم (۳۸۳ق). بشارة المصطفی لشيعة المرتضى (ط - القديمة). چاپ دوم. نجف: مكتبة الحيدرية.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۴ق). تاريخ الامم و الملوك (تاريخ الطبري). بی‌جا. قم: مكتبة اروميه.
- طبری مامطیری، علی بن مهدی (۱۳۸۷ش). نزهة الأبصار و محاسن الآثار. محقق: محمودی، محمدباقر. تهران: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). الأمالي (للطوسي). قم: دار الثقافة.
- ----- (۱۴۰۷ق). تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان). چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- ----- (۱۳۹۰ق). الإستبصار فيما اختلف من الأخبار. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- عراقی، ضیاء‌الدین (۱۴۱۷ق). نهاية الافکار. چاپ سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافي (ط - الإسلامية). چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مامقانی، عبدالله (بی‌تا). تنقيح المقال فی علم الرجال. نجف اشرف: مطبعة المرتضوية.
- مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ط - بيروت). چاپ دوم. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمودی، محمدباقر (۱۴۱۸ق). نهج‌السعادة في مستدرک نهج‌البلاغه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- مغنیه، محمدجواد (۱۹۷۹م). فی ظلال نهج‌البلاغه. بی‌جا. بيروت: دارالعلم للملایین.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق الف). الأمالي (للمفيد). قم: کنگره شیخ مفید.
- ----- (۱۴۱۳ق ب). الاختصاص. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵ش). پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام. بی‌جا. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- موسوی، سید صادق (۱۴۲۶ق). تمام نهج‌البلاغه. بيروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴ق). مستدرک علم رجال الحديث. تهران: فرزندان مؤلف.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق). مجموعة ورام. قم: مكتبة فقيه.
- هاشمی‌خوبی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ق). منهاج‌البراعة في شرح نهج‌البلاغه (خوئی). چاپ چهارم. تهران: مكتبة الإسلامية.



## Analysis of Linguistic and Conceptual Innovations in the English Translation of Nahj ul-Balagha by Taherah Qutbuddin Based on Functional Equivalence Theory

(Research Article)

Mohammad Taheri<sup>1\*</sup> , Naser Gharekhani<sup>2</sup> 

**Submission Date:** 14 January 2025

**Revision Date:** 20 April 2025

**Acceptance Date:** 30 May 2025

(Page 93-116)

### Abstract

Tahera Qutbuddin's English translation of Nahj ul-Balagha marks a turning point in the translation history of this seminal work and sets a new standard for rendering classical Islamic texts. Unlike previous efforts, which largely relied on non-critical editions, this project is based on an Arabic text critically edited by the translator herself. With a distinctly academic skopos, the work transforms Nahj ul-Balagha from a primarily intra-religious text into a globally accessible research resource. The linguistic success of this translation lies in achieving functional equivalence—where the rhythm, tone, and emotional power of Imam Ali's (a.s.) words are revived for the English reader through the recreation of parallel structures and precise lexical choices, while avoiding the softening of the original's striking metaphors. At the conceptual level, the translation provides a comprehensive scholarly apparatus of analytical footnotes that clarify historical references and theological concepts, while also uncovering intertextual connections with the Qur'an. This enables a profound understanding of the text's foundational ideas and situates them in dialogue with contemporary human concerns. Thus, this outstanding translation serves as a powerful tool for advancing Shi'i studies in Western academic circles. By presenting an intellectual and eloquent portrait of Islamic thought, it challenges the often-reductionist discourses on Islam.

1. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran
2. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

\*: Corresponding Author:

**Email:** mtaheri@basu.ac.ir

**How to cite this article:** Taheri, M., & Gharekhani, N. (2025). Analysis of Linguistic and Conceptual Innovations in the English Translation of Nahj ul-Balagha by Taherah Qutbuddin Based on Functional Equivalence Theory. *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, 13(49), 93-116. <https://doi.org/10.22084/nahj.2026.31176.3204>



**Keywords:** *Nahj ul-Balagha*, English translation, Tahera Qutbuddin, functional equivalence theory.

## Extended Abstract

### 1. Introduction

In an era of global communication, where cross-cultural understanding is a pressing necessity, translating foundational Islamic texts into international languages—particularly English—plays a pivotal role in presenting the transcendent thoughts of Islam and dismantling Orientalist reductionism. *Nahj ul-Balagha*, universally recognized as the pinnacle of Islamic wisdom, eloquence, and rhetoric, has long attracted the attention of translators. However, previous English renditions (such as those by Seyed Ali Reza, S.H.M. Jafari, and others), despite their religious and promotional value, have frequently encountered fundamental challenges. These challenges include a reliance on non-critical, standard Arabic editions, an exclusively intra-religious approach, and a profound inability to convey the vast rhetorical, metaphorical, and rhythmic capacities (such as *Saj'* or rhymed prose) of Imam Ali's (a.s.) discourse. The recent translation by Tahera Qutbuddin (2024), underpinned by her unparalleled mastery of Arabic philology and a deep understanding of Western academia, adopts a radically different approach. The primary objective of this study is to systematically analyze the conceptual and linguistic innovations of this translation. By utilizing the framework of "Functional Equivalence," this research demonstrates how the translator successfully recreated the rhetorical impact, emotional depth, and philosophical nuances of the source text for a Western academic audience.

### 2. Theoretical Framework

This research is grounded in a robust synthesis of three major translation theories. The first one is Gideon Toury's "Descriptive Translation Studies" (DTS), which avoids prescriptive judgments and instead analyzes the operational norms guiding the translator's choices within the target culture's literary system. The second theory is Eugene Nida's Theory of "Functional (Dynamic) Equivalence," which posits that true fidelity to a text does not lie in preserving the formal, literal structure of words, but in recreating the "equivalent effect." According to Nida, a successful translation should evoke the same cognitive, emotional, and aesthetic responses in the new reader as the original text did in its primary audience. Finally, the third one is Vermeer and Reiss's "Skopos Theory," which asserts that the

overarching purpose (skopos) of the translation dictates all macro and micro-level strategies. Qutbuddin's explicit skopos was to produce a rigorous, critical reference work for global academics; thus, every linguistic and structural decision she makes serves this academic objective.

### 3. Research Method

The method used in the present study is descriptive-analytical, based on a close, critical reading of the text. The primary corpus is the bilingual (Arabic-English) edition of Tahera Qutbuddin's translation, *Nahj ul-Balagha: Wisdom and Eloquence of Ali* (NYU Press). Due to the extensive volume of the text, purposive sampling was employed to select specific sermons, letters, and aphorisms that present significant cultural, metaphorical, philosophical, and rhythmic translation challenges, allowing for a comprehensive evaluation of the translator's strategies.

### 4. Findings and Discussion

The findings revealed that Qutbuddin's innovations can be categorized into two main dimensions: "Conceptual" and "Linguistic."

#### A) Conceptual and Academic Innovations

The translator's most fundamental achievement is providing a critical Arabic edition based on fourteen ancient manuscripts. This guarantees the scholarly credibility of the work, positioning it alongside critical editions of classical Greek and Latin texts in Western academia. Furthermore, through an extensive apparatus of analytical footnotes, she performs "cultural disambiguation." For instance, she does not translate the phrase "Cauterizing is the last resort" (ākhir al-dawā' al-kayy) merely as a medical statement; her footnotes clarify its status as an ancient proverb denoting final military and diplomatic strategies. Similarly, regarding the complex metaphor of the "hyena's sleep" (al-ḍab' tanām 'alā ṭūl al-ladm), she decodes the specific hunting techniques of desert Arabs for the Western reader. Another conceptual innovation is the "creation of an intertextual network." Through precise citations, Qutbuddin maps the deep intertextual links between Imam Ali's words and the Holy Qur'an (such as the story of Moses or the metaphor of the spider's web), demonstrating the revelatory roots of *Nahj ul-Balagha* to non-Muslim scholars.

#### B) Achieving Functional Equivalence in Language and Rhetoric

Linguistically, Qutbuddin expertly departs from literal translation to achieve functional equivalence. In recreating the "emotional impact," she refuses to soften striking metaphors. When describing the materialistic people of the world (kilāb 'āwiyah), she uses "howling dogs" instead of

merely "barking dogs" to convey a sense of terror and savagery. She translates the word 'Iyy not merely as a speech impediment, but as "impotence," elevating it to a psychological and moral paralysis.

Facing the immense challenge of Saj' (Arabic rhythmic and rhymed prose), she avoids artificial English rhyming. Instead, she employs "structural parallelism" and "syntactical symmetry." For example, in translating the famous phrase about this world and the hereafter, she uses a rhetorical chiasmus: "Today is the day for deeds, not reckoning. Tomorrow is the day of reckoning, not deeds." This perfectly recreates the decisive, epic rhythm of the Arabic original in the English reader's mind. Similarly, in translating aphorisms, her use of concise, dynamic verbs successfully produces sentences that function as standalone proverbs in the English language.

## 5. Conclusion

By adopting a strictly academic skopos and intelligently applying functional equivalence, Tahera Qutbuddin has elevated Nahj ul-Balagha from an exclusive intra-religious text to a masterpiece on par with world literature and philosophy. This translation illustrates how combining traditional manuscript codicology with modern translation theories can successfully transfer the most delicate metaphors and rhythmic sermons of Arabic into English without losing their semantic or emotional weight. Presenting a highly rational, literary, and multi-layered portrait of Islamic thought, this outstanding work provides a powerful tool for advancing Shi'i studies in Western universities and effectively challenges reductionist narratives about Islam.

## References [in Persian]

- Pirzadeh Niknam, A., Asgari, E., & Niknasab, L. (2023). Analysis of the English Translation of Nahj al-Balaghah's Allusions: A Case-Thematic Study of Curses and Reproaches. *Scientific-Research Quarterly of Quran and Hadith Translation Studies*, 10(19), 270-310.
- Derakhshannia, F., & Imani, M. (2017). A Comparative Study of the Translation of Two English Versions of Nahj al-Balaghah (Translation of Seyyed Ali Reza and Translation of Pierre Mohamed Ibrahim Trust). *Translation Researches in Arabic Language and Literature*, 3(1), 77-98.
- Rasi Tehrani, H. (2024). A Reflection on the Newest English Translation of the Noble Book of Nahj al-Balaghah: A Critique of Tahereh Qutb al-Din's Translation; Professor at the Faculty of Asian and Middle Eastern Studies, St. John's College, University of Oxford. *Ayeneh-ye Pajouhesh*, 35(208), 351-397.
- Semnani Jafarabadi, Z. (2015). *Translator's Perspective: A Case Study of English Translations of Nahj al-Balaghah* (Master's thesis). Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University.

- Fathi Mozaffari, R., Masboogh, S. M., & Ghaemi, M. (2017). Pragmatics of Referential Meanings of Words in the Translation Process of Nahj al-Balaghah. *Modares Quranic and Hadith Researches (Former Quran and Hadith Translation Studies)*, 4(7), 95-123.
- Qasi Hamzeh, K. (2022). *A Comparative Study of Shift Strategies in English Translations of Nahj al-Balaghah: A Case Study of Aphorisms 1-30 (Master's thesis)*. Department of English Translation, Faculty of Literature and Humanities, Imam Reza International University.
- Masoudi, A., & Falahzadeh Abarghouei, H. (2013). A Critique of Professor Dashti's Translation of the Wisdoms of Nahj al-Balaghah. *Journal of Nahj al-Balaghah Research*, 1(4), 111-128.
- Mirzaei, P., & Khatami, M. (2020). A Critique of the Translation of Allusions in Nahj al-Balaghah (Case Study: "La abalaka wa la aba li ghayrik"). *Journal of Nahj al-Balaghah Research*, 8(30), 113-133.
- Niknasab, L., Asgari, E., & Pirzadeh Niknam, A. (2024). A Study of Intertextuality Translation in Hadith Texts: A Case Study of the English Translation of Nahj al-Balaghah. *Alawite Research Journal*, 15(29), 227-247.

#### References [in Arabic]

- The Holy Quran.
- Nahj ul-Balaghah.

#### References [in English]

- Baker, M., & Malmkjær, K. (1998). *Routledge encyclopedia of translation studies*. London: Routledge.
- Hatim, B., & Munday, J. (2004). *Translation: An advanced resource book*. Routledge.
- Inloes, A. (2024). Nahj al-Balāghah: The wisdom and eloquence of 'Alī. *The Muslim World Book Review*, 45(1), 23-26.
- Jiang, R. (2023). Advertising Translation in the Perspective of Functional Equivalence Theory. *Frontiers in Business, Economics and Management*, 8(2), 1-6.
- Munday, J. (2001). *Introducing Translation Studies: Theories and Applications*. London & New York: Routledge.
- Nida, E. A. (1964). *Toward a Science of Translating: With Special Reference to Bible Translating*. Leiden: Brill.
- Qutbuddin, T. (2014). *Nahj al-Balagha: Selections from the Sermons, Letters, and Sayings of Amir al-Mu'minin Ali ibn Abi Talib*. Library of Arabic Literature. New York: New York University Press.
- Reiss, K., & Vermeer, H. J. (2014). *Towards a general theory of translational action: Skopos theory explained, Translated by Christiane Nord*. London: Routledge.
- Shi'i Research Institute. (2024). *Nahj al-Balaghah Translation*. <https://shiaresearch.ca/publications/nahj-al-balaghah-translation/>



(مقاله پژوهشی)

## تحلیل نوآوری‌های زبانی و مفهومی در ترجمه انگلیسی نهج البلاغه اثر طاهره قطب‌الدین بر اساس نظریه هم‌ارزی کارکردی

محمد طاهری<sup>۱\*</sup>، ناصر قره‌خانی<sup>۲</sup>

بازنگری مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

(از ص ۹۸ تا ۱۱۶)

### چکیده

ترجمه انگلیسی طاهره قطب‌الدین از نهج البلاغه، به دلیل رویکرد آکادمیک و جامع خود، نقطه عطفی در تاریخ ترجمه این اثر و معیاری نوین برای برگردان متون کلاسیک اسلامی محسوب می‌شود. این پروژه، برخلاف تلاش‌های پیشین که عمدتاً بر نسخه‌های غیرانتقادی تکیه داشتند، بر پایه متن عربی تصحیح‌شده توسط خود مترجم استوار است. با هدف (اسکوپوس) مشخص علمی، این اثر نهج البلاغه را از متنی عمدتاً درون‌دینی به یک منبع پژوهشی جهانی تبدیل می‌کند. موفقیت زبانی این ترجمه در دستیابی به «هم‌ارزی کارکردی» نهفته است؛ به این معنا که ریتم، لحن و قدرت عاطفی کلام امام (ع) از طریق بازآفرینی ساختارهای موازی و انتخاب واژگان دقیق، برای خواننده انگلیسی‌زبان زنده می‌شود و از تلطیف استعاره‌های کوبنده متن اصلی پرهیز می‌گردد. در بُعد مفهومی، این اثر با ارائه یک دستگاه علمی کامل از پانویس‌های تحلیلی که اشارات تاریخی و مفاهیم کلامی را روشن می‌سازند، و با آشکار ساختن ارتباطات بینامتنی با قرآن، درک عمیقی از مفاهیم بنیادین متن را ممکن ساخته و آن را در گفت‌وگو با دغدغه‌های انسان معاصر قرار می‌دهد. به این ترتیب، این ترجمه ممتاز، ابزاری قدرتمند برای ارتقاء مطالعات شیعی در محافل آکادمیک غرب فراهم آورده و با ارائه چهره‌ای عقلانی و ادیبانه، گفتمان‌های غالباً تقلیل‌گرایانه در مورد اسلام را به چالش می‌کشد.

**کلید واژه‌ها:** نهج البلاغه، ترجمه انگلیسی، طاهره قطب‌الدین، نظریه هم‌ارزی کارکردی.

۱. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

\*: نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

در عصر حاضر، با گسترش ارتباطات بین‌المللی، پدیده‌ها و چالش‌های جهانی و نیاز مبرم به درک متقابل فرهنگی و دینی، ترجمه متون بنیادین اسلامی به زبان‌های جهانی، به ویژه انگلیسی، اهمیت مضاعفی یافته است. ترجمه نهج البلاغه به انگلیسی، به منزله پلی است که اندیشه‌های متعالی امام علی (ع) را به مخاطبان وسیع‌تری در سراسر جهان، از جمله پژوهشگران، دانشجویان، تصمیم‌گیرندگان سیاسی و علاقه‌مندان به مطالعات اسلامی و ادبیات، معرفی می‌کند. این ترجمه‌ها علاوه بر اینکه به ترویج اسلام‌شناسی کمک می‌کنند، می‌توانند در رفع سوء تفاهات، تصحیح کلیشه‌های نادرست درباره اسلام و تبیین چهره واقعی اسلام و تشیع در دنیای غرب نقش محوری ایفا کنند. سوای اینها، در بستر آکادمیک، دسترسی به متون اصلی اسلامی به زبان انگلیسی، به محققان غیرعرب‌زبان اجازه می‌دهد تا به طور مستقیم با منابع دست اول تعامل داشته باشند، که این امر به تولید دانش دقیق‌تر و تحلیل‌های عمیق‌تر منجر می‌شود و از اتکای صرف به منابع ثانویه یا تفاسیر گاه مغرضانه جلوگیری می‌کند.

مسیر ترجمه نهج البلاغه به زبان انگلیسی، سفری طولانی از گزیده‌های اولیه تا ارائه آثار کامل بوده است. تلاش‌های نخستین، که اغلب بر انتخابی از کلمات قصار و پندهای اخلاقی متمرکز بودند، نقشی مهم در آشنایی اولیه مخاطبان با بخشی از معارف علوی ایفا کردند. با این حال، این آثار به طور طبیعی از ارائه تصویر جامع و چندبعدی این اقیانوس معرفت، که شامل خطبه‌های پیچیده کلامی و نامه‌های سیاسی-اجتماعی نیز می‌شود، باز می‌ماندند. با افزایش علاقه جهانی به درک عمیق‌تر آموزه‌های امام علی (ع)، نیاز به ترجمه‌های کامل‌تر به شدت احساس شد. در پاسخ به این نیاز، مترجمان متعددی، به‌ویژه از کانون‌های علمی و دینی در شبه‌قاره هند، ایران و پاکستان، این وظیفه خطیر را بر عهده گرفتند. آثاری از چهره‌های برجسته‌ای چون سید علی رضا، میرزا جعفر تبریزی طسوجی نجفی، سید حسین محمد جعفری، سید محمد عسکری جعفری، و در ایران، طاهره صفارزاده و علاءالدین بازارگادی، از جمله این تلاش‌های ارزشمند و قابل تقدیر هستند. این ترجمه‌ها، که عمدتاً با هدف مخاطبان شیعی انگلیسی‌زبان تدوین شده بودند، به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته و نقشی حیاتی در ترویج و انتقال آموزه‌های علوی به نسل‌های جدید و جوامع غیرعرب‌زبان ایفا کرده‌اند.

## ۱-۱. بیان مسئله

علی‌رغم ارزش و کوشش ستودنی مترجمان، از آنجا که ترجمه متون دینی به دلیل حساسیت‌های ذاتی خود، همواره با مشکلات و دشواری‌هایی خاص همراه است (مظفری و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۶). در این میان ترجمه کتاب شریف نهج البلاغه به دلیل مواردی چون تفاوت ساختار زبان‌ها، وجود ضرب‌المثلها و فصاحت و بلاغت فوق‌العاده متن و موارد متعدد دیگر همواره امری چالش برانگیز بوده است (مسعودی و فلاح‌زاده ابرقویی، ۱۳۹۲: ۱۱۱). از این رو بسیاری از این ترجمه‌ها با مجموعه‌ای از چالش‌ها و کاستی‌های بنیادین همراه بودند که ضرورت ارائه ترجمه‌ای نوین انگلیسی با رویکردی متفاوت را آشکار می‌ساخت. شاید بنیادی‌ترین چالش، عدم اتکای این آثار بر ویرایشی انتقادی و علمی از متن عربی بود. با توجه به وجود

اختلافات در نسخ خطی کهن، استفاده از یک نسخه چاپی استاندارد می‌توانست دقت ترجمه را در موارد حساس تحت تأثیر قرار دهد. ضعف دیگر، به هدف ترجمه بازمی‌گشت؛ هدف بسیاری از این آثار، ترویج دینی و استفاده عبادی بود که این امر گاه به گرایش به ترجمه‌های تحت‌اللفظی یا انتخاب واژگانی منجر می‌شد که برای خوانندگان دانشگاهی یا غیرمسلمان، فاقد روانی و شفافیت لازم است.

بزرگترین چالش اما، خود مسئله انتقال فصاحت و بلاغت بی‌نظیر نهج‌البلاغه بود. «بلاغت» در اینجا علاوه بر شیوایی کلام، نظامی پیچیده از صنایع ادبی، وزن آهنگین و موسیقی کلام (سجع)، و استعاره‌های عمیق فرهنگی و کنایات را شامل می‌شود که بازآفرینی آن در زبان انگلیسی، هنری فراتر از دانش زبانی می‌طلبد و «عدم توجه به این مهم، مسئله‌ای است که ترجمه‌های نهج‌البلاغه بدان مبتلا هستند» (میرزایی و خاتمی، ۱۳۹۹: ۱۱۳). اغلب ترجمه‌های انگلیسی در انتقال کامل این جنبه منحصر به فرد با محدودیت‌های جدی مواجه بودند. افزون بر این، کمبود یک دستگاه انتقادی جامع، شامل پاورقی‌های تحلیلی و توضیحی برای روشن ساختن اشارات تاریخی (مانند اشاره به جنگ‌ها یا شخصیت‌ها)، مفاهیم کلامی پیچیده و اصطلاحات خاص، فهم متن را برای خواننده‌ای که با پس‌زمینه غنی اسلامی-عربی آشنایی نداشت، بسیار دشوار می‌کرد.

خانم طاهره قطب‌الدین، استاد ادبیات عربی و مطالعات اسلامی در مراکز علمی چون دانشکده مطالعات آسیایی و خاورمیانه آکسفورد و کالج سنت جان و دانشگاه شیکاگو، و دارای سابقه علمی و پژوهشی درخشان، ضمن تسلط بی‌نظیر بر ادبیات کلاسیک عربی و معاصر، مطالعات اسلامی، آگاهی عمیقی از انتظارات و ذهنیت مخاطب غربی دارد و این پیشینه منحصر به فرد، او را قادر ساخته است تا رویکردی متفاوت و نوآورانه را در ترجمه نهج‌البلاغه در پیش گیرد (راشی تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۵۴). این ترجمه علاوه بر این که از لحاظ زبانی، از دقت، شیوایی و رعایت جنبه‌های بلاغی متن اصلی برخوردار است، به لحاظ مفهومی نیز، با تکیه بر تحلیل‌های آکادمیک و ارائه حواشی و توضیحات غنی، سعی در بازنمایی هرچه دقیق‌تر و به‌روزتر مفاهیم نهج‌البلاغه برای مخاطب عصر حاضر دارد. رویکرد قطب‌الدین، که محصول ترکیبی از سنت‌شناسی عمیق و دانش آکادمیک مدرن است، این ترجمه را به معیاری جدید در حوزه ترجمه متون اسلامی تبدیل کرده است (Shi'i Research Institute, 2024).

هدف اصلی این پژوهش، تبیین و تحلیل روش‌مند نوآوری‌های ترجمه طاهره قطب‌الدین از نهج‌البلاغه است. این تحقیق می‌کوشد با به‌کارگیری «نظریه هم‌ارزی کارکردی» به عنوان چارچوب اصلی، نشان دهد که مترجم چگونه در دو سطح زبانی و مفهومی، موفق به بازآفرینی تأثیر بلاغی و عمق معنایی متن اصلی برای مخاطب آکادمیک غربی شده است. در این راستا، پژوهش حاضر می‌کوشد تا به پرسش‌های بنیادین زیر پاسخ دهد:

۱. طاهره قطب‌الدین چگونه با بهره‌گیری از راهبردهای مبتنی بر «هم‌ارزی کارکردی»، موفق به بازآفرینی عناصر بلاغی کلیدی نهج‌البلاغه، نظیر لحن، ریتم و قدرت استعاری، در زبان انگلیسی شده است؟

۲. نوآوری‌های مفهومی این ترجمه، چگونه به تحقق «هم‌ارزی کارکردی» در سطح درک و دریافت مفاهیم عمیق متن برای مخاطب ناآشنا با بستر فرهنگی اسلام کمک می‌کند؟  
پیکره اصلی این پژوهش، ترجمه انگلیسی طاهره قطب‌الدین با عنوان "Nahj al-Balagha: Wisdom and Eloquence of Ali" به همراه متن عربی انتقادی ارائه شده در همان اثر است و با توجه به حجم گسترده نهج البلاغه، نمونه‌گیری به صورت هدفمند صورت گرفته است.

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در حوزه مطالعات انتقادی ترجمه‌های انگلیسی نهج البلاغه را می‌توان در دو دسته اصلی طبقه‌بندی کرد: دسته نخست، پژوهش‌هایی که به طور عام به تحلیل و مقایسه ترجمه‌های انگلیسی پرداخته‌اند؛ و دسته دوم، آثاری که منحصرأ ترجمه طاهره قطب‌الدین را نقد و بررسی کرده‌اند. مهم‌ترین آثار موجود در دسته اول عبارتند از:

۱- مقاله نیک‌نام پیرزاده و همکاران (۱۴۰۲) به صورت مشخص به تحلیل ترجمه «کنایه» به عنوان یکی از مهم‌ترین صنایع ادبی در سه ترجمه انگلیسی (سیدعلی‌رضا، عسکری‌جعفری، و فروتن/مرعشی) می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هیچ‌یک از مترجمان موفق به معادل‌یابی کنایی نشده‌اند و بیشتر به راهبردهای ترجمه معنایی یا تحت‌اللفظی روی آورده‌اند. این پژوهش ضمن تأکید بر دشواری ذاتی این امر، نتیجه می‌گیرد که بهترین شیوه عملی، ترجمه معنایی یا تلفیقی است و در موارد دشوار، ترجمه تحت‌اللفظی بر حذف کامل کنایه ارجحیت دارد. این مقاله نمونه‌ای بارز از مطالعاتی است که بر چالش سبکی خاص در ترجمه نهج البلاغه متمرکز شده است.

۲- پایان‌نامه سمنانی جعفرآبادی (۱۳۹۴) با به‌کارگیری نظریه «بیگانه‌سازی» و «بومی‌سازی» لارنس ونوتی، به تحلیل گرایش مترجمان به سمت «مرئی» یا «نامرئی» بودن می‌پردازد و راهبردهای اتخاذ شده در ترجمه‌ها را ذیل این چارچوب نظری بررسی می‌کند.

۳- قصی حمزه (۱۴۰۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، با استفاده از مدل «شیفت ترجمه» کنفورد، به تحلیل آماری و کیفی تغییرات ساختاری در ترجمه‌های انگلیسی جملات قصار پرداخته و تأثیر این شیفت‌ها را بر دقت ترجمه ارزیابی کرده است. پژوهشی که نشان‌دهنده تلاش برای تحلیل علمی و روش‌مند ترجمه‌های نهج البلاغه بر اساس مدل‌های نظری رایج در مطالعات ترجمه است.

۴- نیک‌نسب و همکارانش (۱۴۰۳) در پژوهشی متمرکز بر «بینامتنیت»، با استفاده از مدل لپی‌هالمر به تحلیل ترجمه تلمیحات در ترجمه انگلیسی سید علی‌رضا از نهج البلاغه پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که مترجم در اغلب موارد، به‌ویژه در روابط بینامتنی لفظی، به راهبرد «ترجمه تحت‌اللفظی» اکتفا کرده و تلاشی برای ابهام‌زدایی از تلمیح انجام نداده است. این تحقیق به‌طور خاص به بررسی چگونگی انتقال ارجاعات فرهنگی و متنی در ترجمه می‌پردازد.

در دسته دوم با توجه به اینکه کمتر از یک سال از چاپ و انتشار ترجمه و تصحیح قطب‌الدین می‌گذرد؛ تاکنون دو مقاله به طور اختصاصی به معرفی و آن پرداخته‌اند:



۱- امینه اینلوئس (Inloes, 2024) از کالج اسلامی لندن در مقاله خود با موضوع معرفی ترجمه قطب‌الدین، تأکید کرده است که این ترجمه و نسخه انتقادی جدید نهج‌البلاغه، خلأیی جدی را در مطالعات اسلامی و ادبیات عرب پر می‌کند که با موفقیت میان دقت علمی و خوانایی ادبی توازن برقرار کرده است. به گفته او کتاب با افزودن ضمیمه‌ای تحقیقی در باب منابع، پانویس‌های روشنگر، و نمایه‌های متعدد، به ابزاری جامع برای پژوهشگران تبدیل شده است و یک «گام واقعی رو به جلو» و دستاوردی برجسته و بی‌نقص در این حوزه محسوب می‌شود.

۲- راثی تهرانی (۱۴۰۳) ضمن پژوهشی دقیق و عالمانه ضمن ارج نهادن به تلاش‌های علمی دکتر قطب‌الدین، با رویکردی دقیق و جزئی‌نگر به نقد و بررسی پاره‌ای از معادل‌ها، واژگان و عبارات ترجمه او پرداخته است. نویسنده نقدهای خود را در سه دسته «لغزشگاه‌ها»، «افتادگی‌ها» و «پیشنهادهایی برای ترجمه بهتر» سامان داده و با مقایسه ترجمه قطب‌الدین با آثار پیشین، بر ضرورت دقت بیشتر در معادل‌یابی تأکید کرده است.

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت و اهمیت این پژوهش در پاسخ به یک خلأ علمی مشخص و پیامدهای چندگانه آن نهفته است. درحالی‌که ترجمه طاهره قطب‌الدین از نهج‌البلاغه به عنوان دستاوردی برجسته در محافل علمی مورد تحسین قرار گرفته، فقدان یک تحلیل نظام‌مند که نوآوری‌های زبانی و مفهومی آن را واکاوی کند، کاملاً محسوس است. این تحقیق با پر کردن این خلأ، فراتر از یک ارزیابی صرف، به تدوین الگویی عملی نوین برای چالش ترجمه متون کلاسیک دینی با بلاغت پیچیده می‌پردازد و راهبردهای موفق آن را برای مترجمان آینده مدون می‌سازد. تحلیل روش‌های مترجم در دسترس‌پذیر ساختن مفاهیم عمیق علوی برای مخاطب آکادمیک غربی، به ارتقاء کیفیت مطالعات اسلامی در عرصه بین‌المللی کمک کرده و مسیری برای ورود مؤثر دیگر منابع اصیل به گفتمان‌های جهانی فراهم می‌آورد. همچنین این پژوهش با برجسته‌سازی نقش ترجمه‌ای دقیق در تصحیح کلیشه‌ها، به تقویت ابزارهای گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و معرفی چهره عقلانی و انسانی اسلام یاری می‌رساند. از این رو، تحقیق حاضر با داشتن ابعاد نظری و کاربردی، اهمیتی فرارشته‌ای در حوزه‌های ترجمه‌شناسی، اسلام‌شناسی و ارتباطات جهانی می‌یابد و زمینه درک عمیق‌تر از اثری معیار و شیوه‌های انتقال آن به جهان معاصر فراهم می‌آورد.

### ۲. بحث

نظریه‌های توصیفی ترجمه که توسط پژوهشگرانی مانند گیدئون توری شکل گرفتند، با رویکردی غیرتجویزی و تحلیلی به مطالعه پدیده ترجمه می‌پردازند. برخلاف نظریه‌های سنتی که به دنبال ارائه دستورالعمل‌های «چگونه ترجمه کردن» بودند، این رویکرد تمرکز خود را بر مطالعه نظام‌مند ترجمه‌های موجود و تحلیل آنچه در عمل رخ می‌دهد؛ قرار داده است.

در چارچوب نظری هنجارهای ترجمه، دو دسته اصلی از هنجارها مطرح می‌شود:

۱. **هنجارهای مقدماتی:** مربوط به سیاست‌های کلان ترجمه و جهت‌گیری کلی مترجم (مانند انتخاب متن، ترجمه مستقیم در مقابل ترجمه از زبان واسطه، یا پذیرش یا عدم پذیرش متن خاصی برای ترجمه).  
 ۲. **هنجارهای عملیاتی:** مرتبط با انتخاب‌های زبانی و متنی در سطح خرد و نحوه تصمیم‌گیری مترجم در حین فرآیند ترجمه (مانند الگوهای افزودن، حذف، جابه‌جایی یا تقسیم بندهای متنی) (Munday, 2001:113-115).

این چارچوب تحلیلی به پژوهشگران امکان می‌دهد بدون پیش‌داوری و قضاوت ارزشی درباره «کیفیت ترجمه»، به بررسی الگوهای ترجمه‌پردازی مترجمانی چون طاهره قطب‌الدین بپردازند. از این منظر، تصمیم‌های مترجم در بستر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خاص خود تحلیل می‌شود و جایگاه ترجمه در نظام ادبی زبان مقصد (در این مورد انگلیسی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.  
 در حوزه مطالعات اسلامی معاصر، این رویکرد به ویژه برای تحلیل میزان پذیرش ترجمه‌های قطب‌الدین در محافل آکادمیک غرب و تأثیر این ترجمه‌ها در شکل‌گیری هنجارهای جدید در ترجمه متون اسلامی بسیار راهگشا است و به درک بهتر تعامل میان سنت‌های ترجمه شرقی و غربی کمک شایانی می‌کند.

دومین رکن اساسی در چارچوب نظری این پژوهش، نظریه هم‌ارزی پویا<sup>۱</sup> (Nida, 1964: 129) است که بعداً به هم‌ارزی کارکردی<sup>۲</sup> نیز شهرت یافت؛ این نظریه که توسط یوجین نایدا در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ توسعه یافت، نقطه عطفی مهم در گذار از رویکردهای متن‌محور به رویکردهای مخاطب‌محور محسوب می‌شود. نایدا در دو کتاب «به سوی علم ترجمه»<sup>۳</sup> (۱۹۶۴) و «تئوری و عمل ترجمه»<sup>۴</sup> (۱۹۶۹) استدلال می‌کند که وفاداری حقیقی به متن مبدأ، در حفظ پوسته ظاهری کلمات نیست، بلکه در بازآفرینی «تأثیر» پیام نهفته است. بر اساس اصل محوری این نظریه، یعنی «تأثیر هم‌سنگ»، رابطه میان مخاطب مقصد و ترجمه باید متناظر با رابطه میان مخاطب اصلی و متن مبدأ باشد. بدین معنا که ترجمه باید همان واکنش‌های عاطفی، شناختی و زیبایی‌شناختی را در خواننده جدید برانگیزد که متن اصلی در مخاطب نخستین ایجاد کرده است (Nida, 1964: 129).

در این چارچوب، مترجم برای دستیابی به شیوایی و طبیعی بودن کلام در زبان مقصد، اختیار عمل دارد تا ساختارهای دستوری و صوری را تغییر دهد و معادل‌های فرهنگی ملموس را جایگزین واژگان ناآشنا نماید. این رویکرد به‌ویژه در ترجمه متون دینی و بلاغی، که هدفشان فراتر از اطلاع‌رسانی صرف و معطوف به ایجاد تحول روحی و اقناع مخاطب است، کارکردی حیاتی می‌یابد (Hatim & Munday, 2004: 34) با بهره‌گیری از هم‌ارزی کارکردی، مترجم می‌کوشد تا شکاف‌های تاریخی و فرهنگی را پر کند و پیام را برای مخاطب بومی، زنده و قابل‌فهم سازد. این نظریه با تأکید بر نقش فعال مخاطب،

1. Dynamic Equivalence  
 2. Functional Equivalence  
 3. Toward a Science of Translating  
 4. The Theory and Practice of Translation

زمینه‌ساز ظهور نظریه‌های هدفمندتری همچون اسکوپوس شد و امروزه اصول آن به عنوان استاندارد پذیرفته شده در ترجمه متون ادبی، تبلیغاتی و رسانه‌ای مورد استناد قرار می‌گیرد (Jiang, 2023: 1-6). سومین و محوری‌ترین بخش چارچوب نظری که تبیین‌کننده ساختار کلان اثر قطب‌الدین است، نظریه اسکوپوس<sup>۱</sup> نام دارد. هانس ورمیر و کاتارینا رایس با طرح این نظریه، «هدف<sup>۲</sup>» را به عنوان عامل مسلط در فرآیند ترجمه معرفی کردند (Vermeer & Reiss, 2014:100). طبق اصول این نظریه، ترجمه یک «کنش انسانی<sup>۳</sup>» است و هر کنشی لزوماً معطوف به هدفی مشخص است. قاعده بنیادین نظریه اسکوپوس تصریح می‌کند که هدف، روش را تعیین می‌کند؛ بدین معنا که راهبردها و انتخاب‌های مترجم تابع غایتی است که برای متن در زبان و فرهنگ مقصد تعریف شده است (Vermeer & Reiss, 2014: 100). در این نگرش، متن مبدأ به عنوان یک «پیشنهاد اطلاعاتی» تلقی می‌شود و مترجم بر اساس نیاز مخاطب و کارکرد مورد نظر (اعم از آموزشی، پژوهشی یا مذهبی)، درباره چگونگی انتقال، شرح یا تغییر بخش‌های مختلف متن تصمیم‌گیری می‌کند.

نظریه اسکوپوس با جایگزینی مفهوم «کفایت<sup>۴</sup>» به عنوان معیار اصلی ارزیابی، موفقیت ترجمه را در گرو تحقق هدف تعیین شده می‌داند. این رویکرد بر «مخاطب‌محوری» استوار است و نیازهای فرهنگی و سطح دانش مخاطبان مقصد را تعیین‌کننده استراتژی ترجمه می‌شمارد (Baker & Malmkjær, 1998:198). مثلاً، در صورتی که هدف ترجمه استفاده در محافل دانشگاهی باشد، رعایت استانداردهای دقیق علمی، ارجاعات مستند و زبان فنی برای مترجم یک الزامی حرفه‌ای خواهد بود.

## ۱-۲. تحلیل نوآوری‌های ترجمه طاهره قطب‌الدین

با به کارگیری این دو چارچوب نظری، می‌توان می‌توان با قاطعیت گفت که اسکوپوس اصلی قطب‌الدین صرفاً ارائه یک متن مذهبی-تبلیغی برای شیعیان (که البته این کارکرد را نیز می‌تواند داشته باشد) نیست، بلکه هدف اصلی او ایجاد نسخه ای علمی، انتقادی و مرجع برای مخاطبان دانشگاهی، پژوهشگران و دانشجویان مطالعات اسلامی، ادبیات عرب و فلسفه در سراسر جهان بوده است. این هدف، یعنی تثبیت جایگاه نهج‌البلاغه به عنوان اثری کلاسیک جهانی هم‌تراز با متون بزرگ فلسفی و ادبی دیگر، در تمام اجزای کتاب او متبلور است.

## ۱-۱-۲. تهیه نسخه انتقادی متن عربی نهج البلاغه

اساس و بنیاد اعتبار علمی ترجمه طاهره قطب‌الدین، و شاید مهم‌ترین نوآوری او، در اقدامی ریشه‌ای‌تر نهفته است: ارائه یک متن عربی تصحیح‌شده و انتقادی. برخلاف بسیاری از ترجمه‌های پیشین که بر اساس چاپ‌های رایج و غیرانتقادی نهج‌البلاغه (مانند نسخه صبحی صالح یا محمد عبده) صورت گرفته‌اند، اساس کار قطب‌الدین، متنی است که شخصاً بر پایه چهارده دست‌نویس کهن و برگزیده از میان

- 
1. Skopos Theory
  2. Skopos
  3. Translational Action
  4. Adequacy

ده‌ها نسخه خطی موجود در کتابخانه شخصی‌اش تصحیح کرده است. این انتخاب، که خود حاصل سال‌ها پژوهش در حوزه پیچیده نسخه‌شناسی و فیلولوژی است، مستقیماً از «اسکوپوس» یا هدف غایی آکادمیک او نشأت می‌گیرد و سنگ بنای اعتبار کل اثر محسوب می‌شود (Qutbuddin, 2024: 50).

اهمیت و اعتبار این رویکرد عالمانه، توسط برجسته‌ترین متخصصان این حوزه نیز تأیید شده است. دوین جی. استوارت<sup>۱</sup>، استاد دانشگاه اموری<sup>۲</sup>، این اثر را «نسخه‌ای جدید و دقیق از این اثر ماندگار ادبیات عرب، مبتنی بر کهن‌ترین و معتبرترین نسخ خطی» توصیف می‌کند. به همین ترتیب، خیرت یان فان خیلدر، استاد بازنشسته دانشگاه آکسفورد، بر ماهیت علمی این نسخه تأکید کرده و آن را یک «نسخه علمی درخشان» و «دست‌آوردی بزرگ» می‌نامد (Qutbuddin, 2024, back cover). این تمجیدها از سوی بالاترین مراجع علمی، نشان می‌دهد که اقدام قطب‌الدین، نقطه عطفی در مطالعات نهج‌البلاغه تلقی شده است.

ارائه نسخه‌ای انتقادی در کنار ترجمه، کتاب را به ابزاری برای پژوهشگران حوزه‌های نسخه‌شناسی، فیلولوژی عربی و تاریخ متن تبدیل کرده و به خواننده متخصص اجازه می‌دهد تا ترجمه را با متنی مصحح و معتبر مقایسه کند و حتی در مورد انتخاب‌های مترجم در گزینش میان قرائت‌های مختلف در نسخ خطی به قضاوت بنشیند. این امر، سطح گفت‌وگو در مورد نهج‌البلاغه را به شدت ارتقا می‌دهد و آن را در جایگاه آثاری چون نسخه‌های انتقادی متون کلاسیک یونانی یا لاتین قرار می‌دهد. از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، این کنش، حرکتی مهم در عرصه آکادمیک نیز محسوب می‌شود؛ زیرا با ارائه نسخه‌ای انتقادی معتبر توسط پژوهشگری برجسته از درون سنت اسلامی، این اثر به نوعی مرجعیت متنی را به خود بازمی‌گرداند و با گفتمان‌های شرق‌شناسانه کلاسیک که اغلب صلاحیت نهایی در تصحیح و نقد متون اسلامی را برای خود قائل بودند، به رقابت برمی‌خیزد.

علاوه بر این، شکل ارائه متن به صورت دو زبانه که در آن متن عربی و ترجمه انگلیسی در صفحات روبرو قرار دارند، خود انتخابی هدفمند و همسو با اسکوپوس آکادمیک است. این شکل ارائه، خواننده را به مقایسه و تحلیل دقیق تشویق می‌کند و فضایی برای «شفافیت» ترجمه ایجاد می‌نماید. این طراحی، برخلاف رویکردی که صرفاً متن مقصد را ارائه می‌دهد و مترجم را در جایگاه مرجعی نامرئی قرار می‌دهد، به خواننده اجازه می‌دهد تا خود به قضاوت در مورد انتخاب‌های مترجم بپردازد و این دقیقاً همان چیزی است که یک محیط پژوهشی سالم و پویا به آن نیازمند است.

## ۲-۱-۲. پانویس‌های توضیحی ترجمه

یکی از چالش‌های هستی‌شناختی و بنیادین در فرآیند ترجمه متون کلاسیک، به‌ویژه متونی که در اتمسفر فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی ویژه‌ای نظیر شبه‌جزیره عربستان در سده نخست هجری تکوین یافته‌اند،

1. Devin J. Stewart  
2. Emory University

مواجهه با عناصر فرهنگی خاص و اصطلاحاتی است که دلالت‌های معنایی آن‌ها فراتر از سطوح واژگانی و ارجاعات مستقیم است.

نهج‌البلاغه مشحون از استعاره‌ها، کنایات و امثال‌وحکمی است که عناصر سازنده آن نقشی محوری در صورخیال و زبان‌شناسی آن ایفا می‌کنند. بدیهی است که ترجمه تحت‌اللفظی یا صوری این عبارات برای مخاطب مدرن غربی، فاقد دلالت معنایی روشن است و ممکن است تصویری بدوی، نامفهوم و حتی غریب از متن ارائه دهد.

در همین راستا، طاهره قطب‌الدین با اتخاذ رویکردی که در آن متن اصلی با لایه‌هایی از توضیحات تکمیلی و زمینه‌ساز پشتیبانی می‌شود، کارکرد پانویس‌ها را از حاشیه‌نویسی صرف ارتقا داده و آن‌ها را به ابزاری حیاتی برای ابهام‌زدایی فرهنگی بدل ساخته است. در این رویکرد، پانویس‌ها همچون ابزارهای تفسیری عمل می‌کنند و شکاف معرفتی میان زیست‌جهان مبدأ و افق فهم مخاطب مقصد را پر می‌نمایند.

در ادامه، به واکاوی و تحلیل سه شاهد متنی برجسته در این حوزه می‌پردازیم که نشان‌دهنده کارایی این رویکرد است:

۱- امیرالمؤمنین (ع) در مقام اتمام حجت با دشمنان و تبیین ناگزیر بودن توسل به شمشیر پس از بن‌بست راهکارهای دیپلماتیک و صلح‌آمیز، می‌فرماید: «...فَإِنَّ آخِرَ الدَّوَاءِ الْكَيُّ...» (خطبه/۱۶۸).

ترجمه صوری و واژه‌به‌واژه این عبارت به انگلیسی، یعنی "The last medicine is cauterization"، برای خواننده غربی که با تاریخ پزشکی سنتی عرب و جایگاه «داغ‌گذاری» (Cauterization) در آن ناآشناست، ممکن است به‌عنوان گزاره‌ای پزشکی، خشن و بی‌ارتباط با بافت سیاسی-نظامی خطبه تعبیر شود. چنین برداشتی می‌تواند متن را از کارکرد اصلی خود تهی سازد. قطب‌الدین با اینکه در برگردان عبارت، ترجمه‌ای دقیق ارائه می‌دهد:

"Cauterizing is the last resort" (Qutbuddin, 2024: 385)

با این حال، او بلافاصله در پانویس، با رویکردی زبان‌شناختی و فرهنگی، به تشریح لایه‌های زیرین و دلالت‌های ضمنی این عبارت می‌پردازد و تصریح می‌کند:

"Ar. ākhir al-dā' al-kayy, proverb referring to battle as the final option; also rendered: ākhir al-dawā' al-kayy... Etiology in F 283-284; Ibn Manzūr, Lisān, s.v. "K-W-Y." (Qutbuddin, 2024: 385, fn. 1).

در این توضیحات فرامتنی، مترجم با انجام دو کنش علمی هم‌زمان شامل گونه‌شناسی و تفسیر، نخست هویت عبارت را به‌عنوان یک ضرب‌المثل آشکار می‌سازد تا مخاطب را از توقف در سطح معنای ارجاعی و تحت‌اللفظی برحذر داشته و به ساحت معنای ثانویه رهنمون سازد؛ و در گام بعد، با تبیین صریح کارکرد کنایی آن و استناد به منابع مرجع لغت‌شناسی نظیر لسان‌العرب، دقت فیلولوژیک و اعتبار آکادمیک این خوانش را تضمین می‌نماید. بدین ترتیب، این پانویس، کارکرد معنایی عبارت را از یک توصیه پزشکی

صرف، به یک استراتژی نظامی-سیاسی ارتقا می‌دهد و از هرگونه کج‌فهمی محتمل برای مخاطب غیرعرب جلوگیری می‌کند.

۲. در فرازی دیگر آنجا که امام (ع) بر هوشیاری و رصد دقیق توطئه‌های دشمن تأکید می‌ورزند «...وَلَا أَكُونُ كَالضَّبْعِ تَنَامُ عَلَى طُولِ اللَّدْمِ...» (خطبه/۶)، با استعاره‌ای دشوار و ریشه‌دار در زیست‌جهان بادیه‌نشینان مواجهیم. این عبارت به تکنیک خاصی در شکار سنتی اشاره دارد که طی آن، شکارچی با کوبیدن مداوم سنگ‌ریزه (لدم) و ایجاد آهنگی یکنواخت، کفتار را به خوابی مرگبار فرو می‌برد. بدیهی است که ترجمه تحت‌اللفظی این تصویر برای مخاطب ناآشنا با سنت‌های بیابانی، فاقد کارکرد ارتباطی است.

قطب‌الدین با درک این شکاف فرهنگی، از راهبرد ترجمه توصیفی بهره‌جسته و عبارت را چنین بازآفرینی کرده است:

“By God, I shall not behave like the hyena that, sleeping through a prolonged barrage of pebbles, is captured by the stealthy hunter.” (Qutbuddin, 2024: 125)

مترجم با افزودن عامدانه عبارات توضیحی نظیر "prolonged barrage of pebbles" (رگبار ممتد سنگ‌ریزه‌ها) و تصریح بر پیامد ماجرا با عبارت "is captured" (اسیر می‌شود)، دلالت‌های ضمنی متن، یعنی غفلت منجر به اسارت را به سطح زبانی آورده و ابهام‌زدایی کرده است؛ رویکردی که نشان می‌دهد بدون واکاوی فرهنگی و بسط معنایی مفهوم لدم، انتقال جوهره استعاره ناممکن می‌بود.

۳. در یکی از عبارات معروف نهج البلاغه، امام (ع) در توصیف ماهیت درونی و روان‌شناختی «گروه باغی»، از ترکیب واژگانی چندلایه «...فِيهَا الْحَمَاءُ وَالْحُمَةُ...» بهره می‌جویند. قطب‌الدین در برگردان جمله: «وَأِنَّهَا لِلْفِتْنَةِ الْبَاطِنَةِ فِيهَا الْحَمَاءُ وَالْحُمَةُ وَالشُّبُهَةُ الْمَغْدِفَةُ» (خطبه/۱۳۵)، به شکل زیر:

“Their insides are filled with dark slime, scorpion venom, and black suspicions” (Qutbuddin, 2024:319)

با گزینش هوشمندانه "Dark slime" برای «حَمَاءُ» و "Scorpion venom" برای «حُمَةُ»، کوشیده است تا انزجار حسی و زهرآگین بودن فضای فتنه را بازآفرینی کند. با این حال، اوج دقت فیلولوژیک در پانویس نمایان می‌شود؛ جایی که مترجم در پاورقی، ضمن تبیین استعاره «لجن تیره» به‌عنوان نماد فریب و تباہی، به ریشه‌های بینامتنی آن با قرآن (آیه ۲۶ سوره حجر و خلقت انسان از گل تیره) ارجاع می‌دهد. فراتر از این، او با ذکر قرائت جایگزین متنی «حَمَاءُ» (به معنای خویشاوند سببی) در نسخه‌های دیگر، لایه‌ای تاریخی-سیاسی به متن می‌افزاید که می‌تواند اشاره‌ای مستقیم به «زبیر» (پسرعمه پیامبر و علی (ع)) باشد. این رویکرد نشان می‌دهد که مترجم چگونه با مدیریت «چندمعنایی واژگان» و «تنوع نسخ‌شناسی»، ابعاد کلامی، تاریخی و ادبی متن را به‌صورت هم‌زمان پوشش داده است.

### ۳-۱-۲. ایجاد شبکه بینامتنی

کلام امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، متنی منفک از سنت پیش از خود نیست و در گفتگویی دائمی و پویا با شبکه گسترده‌ای از متون دینی، حکمی و اخلاقی در تمدن اسلامی قرار دارد. یکی از دستاوردهای مهم

ترجمه و نسخه انتقادی طاهره قطب‌الدین، آشکار ساختن و نقشه‌برداری علمی از همین ارتباطات بینامتنی از طریق پانویس‌های دقیق و پژوهش‌محور است. این رویکرد، نهج البلاغه را از اثری منفرد به نقطه‌ای کانونی در مجموعه‌ای از متون مرتبط بدل می‌کند و به پژوهشگر، سرخ‌هایی ارزشمند برای مطالعات تطبیقی و تاریخ‌اندیشه ارائه می‌دهد. نمونه‌های ذیل این مدعا را تایید می‌کنند:

۱- امام (ع) در مقام تقبیح لجاجت و اصرار بر مسیر باطل، از ترکیبی چندلایه از مفاهیم قرآنی و بلاغی بهره می‌جویند: «...مَنْ لَجَّ وَ تَمَادَى فَهُوَ الرَّكْسُ الَّذِي رَأَى اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ وَ صَارَتْ دَائِرَةُ السُّوءِ عَلَى رَأْسِهِ...» (خطبه/۲۲). قطب‌الدین با ترجمه:

“...all who persevere in their wrongdoing will be driven back—God will corrode their hearts, and the wheel of evil fortune will descend on their heads.” (Qutbuddin, 2024:653)

به وسیله گزینش واژگان کلیدی نظیر "Corrode" برای «زَن» (زنگار بستن) و "Wheel of evil fortune" برای «دائرة السوء»، بار معنایی انحطاط تدریجی و فرجام شوم را به شیوایی تمام منتقل می‌سازد. اما هنر اصلی مترجم در پانویس نهفته است؛ جایی که با ارجاع دقیق به شبکه بینامتنی آیات قرآن (نسا/۸۸، مطففین/۱۴، و فتح/۶)، نشان می‌دهد که کلام امام چقدر عمیق با آموزه‌های وحیانی درآمیخته است.

۲- آنجا که امام علی (ع) به قیاسی ظریف میان موضع خود و موضع حضرت موسی (ع) می‌پردازند «...لَمْ يُوجِسْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ خِيفَةً...» (خطبه/۴)، مترجم با ارائه برگردان دقیق:

“Moses was not fearful for his life—what he feared was the dominance of the ignorant and the control of the errant.” (Qutbuddin, 2024:125).

از طریق ساختار تقابلی “was not...—what he feared was...” (نفی ترس شخصی و اثبات نگرانی برای حقیقت)، موفق به بازآفرینی این تمایز بنیادین شده است. گزینش واژگان “Dominance” و “Control” برای «غلبه» و «دَوَل»، به‌درستی بر دلالت‌های سیاسی و اجتماعی تأکید می‌کند. اما در این مورد هم، اهمیت اصلی در پانویس نهفته است؛ جایی که مترجم با ارجاع به شبکه بینامتنی داستان موسی در قرآن (سوره هود/۷۰، طه/۶۷)، کارکرد بلاغی این قیاس را آشکار می‌سازد.

۳. امام علی (ع) در مقام تقبیح عالمان بی‌عمل و گمراه، از استعاره‌ای پیچیده و چندلایه بهره می‌جویند: «...فَهُوَ مِنْ لَبْسِ الشُّبُهَاتِ فِي مِثْلِ نَسْجِ الْعَنْكَبُوتِ...» (خطبه/۱۷). قطب‌الدین با ارائه ترجمه:

“...he remains entangled in a web of doubt” (Qutbuddin, 2024:134)

و بهره‌گیری از تصویرسازی «درهم‌تنیدگی در تارهایی از جنس تردید»، دلالت‌های حسی و روان‌شناختی این سردرگمی را به‌نیکی منتقل کرده است. هنر اصلی مترجم در این بخش، ارجاع به ریشه‌های بینامتنی این استعاره در سوره عنکبوت (آیه/۴۱)، و نمایش بار معنایی بی‌پایگی و سستی

بنیادین بنای اندیشه این عالمان با ارجاع به منبع وحیانی است. این کاربست، به مخاطب نشان می‌دهد که کلام امام (ع) در تقبیح مدعیان کاذب علم، مستقیماً از مفاهیم قرآنی سرچشمه می‌گیرد و فراتر از قضاوت‌های شخصی است.

## ۲-۲. دستیابی به هم‌ارزی کارکردی

پس از تبیین «اسکوپوس» یا هدف غایی ترجمه قطب‌الدین، اکنون می‌توان به تحلیل راهبردهای خرد او در سطح ترجمه پرداخت. در این بخش، با استفاده از نظریه هم‌ارزی کارکردی که بر اولویت تأثیرگذاری بر مخاطب نسبت به حفظ ساختار صوری تأکید دارد؛ به بررسی این موضوع می‌پردازیم که مترجم چگونه تلاش می‌کند تا تأثیر متن اصلی بر مخاطبان را در مخاطبان زبان مقصد بازآفرینی کند. این رویکرد، فراتر از وفاداری صرف به کلمات و ساختارها، بر بازآفرینی «کارکرد» پیام در بافت فرهنگی جدید تمرکز دارد.

## ۲-۲-۱. هم‌ارزی کارکردی در سطح عاطفی و تصویرسازی

بخش عظیمی از قدرت اقناعی و تأثیرگذاری نهج البلاغه، مدیون تصویرسازی‌های غنی و استعاره‌های حسی است که مستقیماً عواطف مخاطب را هدف می‌گیرند. در ترجمه این بخش‌ها، وفاداری به معنای تحت‌اللفظی واژگان کافی نیست؛ مترجم باید بتواند «بار عاطفی» و شوک حاصل از تصویر را در زبان مقصد بازآفرینی کند. قطب‌الدین در این زمینه، رویکردی جسورانه اتخاذ کرده و به جای تلطیف استعاره‌ها، بر جنبه‌های حسی و تکان‌دهنده آن‌ها تأکید می‌ورزد.

۱- آنجا که امام علی (ع) با لحنی انذارآمیز و تصویری مشمئزکننده دنیاپرستان را در عبارت «...فَإِنَّمَا أَهْلُهَا كِلَابٌ عَاوِيَةٌ...» (نامه/۳۱) توصیف می‌کنند، قطب‌الدین با برگردان:

Are her people anything but howling dogs and savage predators?  
(Qutbuddin, 2024: 585)

کوشیده است تا چالش انتقال هم‌زمان مفاهیم «خطر»، «پستی» و «صدا» را مرتفع سازد. در این ترجمه، گزینش هوشمندانه واژه "howling" به جای بدیل‌های ساده‌تری نظیر "barking"، با تداعی طنین ممتد و وحشت‌زای زوزه گرگ‌سانان در فضای بدوی، بُعد صوتی و هراس‌انگیز صحنه را تقویت کرده است. افزون بر این، مترجم با بهره‌گیری از صنعت جان‌بخشی و استفاده از ضمیر مؤنث "Her" برای ارجاع به «دنیا» (علی‌رغم خنثی بودن اشیاء در دستور زبان انگلیسی)، ضمن حفظ ساختار جنسیت در زبان مبدأ، دنیا را همچون زنی فتنه‌بازنمایی می‌کند که سرسپردگانش چون سگ‌هایی گرسنه بر سر او به نزاع برخاسته‌اند؛ تمهیدی بلاغی که دقیقاً همان حس تحقیر و اشمئزاز نهفته در متن اصلی را در ذهن خواننده مقصد بازآفرینی می‌کند.

۲- امام علی (ع) با ترسیم تصویری که قدرت بلاغی آن در تضاد دیالکتیکی میان «لذت لامسه» و «واقعیت مرگبار درونی» نهفته است، دنیا را این‌گونه توصیف می‌فرماید: «...لَيْنٌ مَسْهًا، وَالسَّمُّ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا...» (حکمت/۱۳۹). قطب‌الدین در ترجمه این عبارت به:



“...soft to the touch but filled with deadly poison” (Qutbuddin, 2024: 711)

با هوشمندی از معادل‌های انتزاعی فاصله گرفته و با گزینش عبارت "soft to the touch"، بر تجربه فیزیکی و ملموس پوست مار تمرکز کرده است. وی از این رهگذر، نرمی فریبنده ظاهری را بلافاصله در تقابل با "deadly poison" (سم کشنده) قرار می‌دهد تا با حفظ واژگان حسی، همان تجربه متناقض نمای «جذب و دفع» و هم‌آمیزی «زیبایی و خطر» را دقیقاً برای مخاطب بازسازی نماید. ۳- امام در فرازی خطاب به سپاهیان خویش در عرصه نبرد می‌فرماید: «...و تَجَلَّبُوا السَّكِينَةَ..» «خطبه/۶۶». واژه «جلباب» به معنای پوشش سراسری یا زره است و ترکیب آن با «سکینه» (آرامش)، استعاره‌ای مکنیه است.

“...and envelop your bodies with calm” (Qutbuddin, 2024: 187).

قطب‌الدین فعل «تجلیب» را به “envelop” (احاطه کردن کامل / در پوشش گرفتن) ترجمه کرده و عبارت “your bodies” را افزوده است. این کار، مفهوم انتزاعی آرامش روان را به حفاظی فیزیکی تبدیل می‌کند. مترجم با این انتخاب واژگانی نشان می‌دهد که آرامش، مانند یک زره یا سپر نامرئی، بدن سرباز را در برابر ترس و اضطراب محافظت می‌کند. قطب‌الدین با این «عینیت‌بخشی»، کارکرد روانی دستور امام را به‌درستی منتقل کرده است.

## ۲-۲-۲. هم‌ارزی کارکردی در سطح مفاهیم اخلاقی و بین‌فرهنگی

بسیاری از مفاهیم اخلاقی در نهج‌البلاغه، اگرچه در بستر فرهنگی اسلامی بیان شده‌اند، اما دارای هسته‌ای جهان‌شمول هستند که با تجربیات و دغدغه‌های بنیادین انسان در هر عصر و فرهنگی ارتباط برقرار می‌کند. کار مترجم آکادمیک، ارائه این مفاهیم به گونه‌ای است که این هسته جهان‌شمول برای مخاطبی از فرهنگی دیگر نیز قابل درک، تأثیرگذار و قابل تأمل باشد. در این راستا، ترجمه قطب‌الدین از حکمت‌های اخلاقی، نمونه‌ای برجسته از تلاش برای دستیابی به هم‌ارزی کارکردی در سطح مفاهیم بین‌فرهنگی است. نمونه‌های ذیل موید این امر است:

۱- آنجا که امام (ع) به تبیین «آسیب‌شناسی اجتماعی زبان» و مرزهای باریک میان تملق و حسادت می‌پردازند «...و التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٍّ...» (حکمت/۳۳۰)، قطب‌الدین با ارائه ترجمه:

“Praise below a person's worth is impotence or envy” (Qutbuddin, 2024: 787).

تفسیری روان‌شناختی و عمیق از متن ارائه کرده است. اوج هنر مترجم در برگردان واژه «عِيٍّ» به “Impotence” (عجز/ ناتوانی) نمایان می‌شود؛ در حالی که معنای قاموسی «عِيٍّ» به «درماندگی در گفتار» دلالت دارد، مترجم با این گزینش هوشمندانه، مفهوم را از یک نقص زبانی فراتر برده و آن را به سطح یک نقص شخصیتی و فلج اخلاقی ارتقا داده است. این انتخاب واژگانی به مخاطب نشان می‌دهد که ناتوانی در ادای حق مطلب و بیان شایستگی دیگری، ریشه در لکت زبان ندارد، بلکه ناشی از «فقدان قضاوت صحیح» و «ضعف در شجاعت اجتماعی» است.

۲- در ترجمه عبارت: «أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ» (خطبه/۷۸) آنجا که امام (ع) به بازتعریف مفهوم بنیادین «زهد» می‌پردازند؛ مترجم با ارائه ترجمه:

“People! To reject worldliness is to desire little” (Qutbuddin, 2024: 203).

آگاهانه از سنت رایج ترجمه این واژه به “Asceticism” که بار معنایی رهبانیت مسیحی و انزواطلبی را تداعی می‌کند؛ فاصله گرفته است. در این برگردان، جایگزینی اسم انتزاعی با عبارت فعلی و پویای “To reject worldliness”، موجب تغییر در مقوله دستوری شده است؛ تمهیدی زبانی که زهد را از حالتی انفعالی و ایستا، به کنشی فعالانه و انتخابی آگاهانه بدل می‌سازد که برخلاف رهبانیت، با زیست اجتماعی و حضور مؤثر در جامعه سازگاری کامل دارد.

۳- در عبارت «...مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطْوُهُ...» (حکمت/۳۳۲)، امام (ع) فرآیند سقوطی اخلاقی را ترسیم می‌کنند؛ که بدین شکل ترجمه شده است:

“When words multiply, errors multiply; when errors multiply, modesty decreases...” (Qutbuddin, 2024: 787).

مترجم با تکرار فعل “multiply” برای هر دو طرف معادله و استفاده از ساختار “When... [then]”، رابطه همبستگی مستقیم و اجتناب‌ناپذیر میان پرگویی و لغزش را نشان می‌دهد. ساختار جملات در انگلیسی به گونه‌ای چیده شده که گویی بیانگر قانونی طبیعی یا ریاضی است و قطعیت گزاره اخلاقی امام را به مخاطب القا می‌کند.

### ۲-۲-۳. هم‌ارزی کارکردی در سطح تأملات وجودی و فلسفی

بخش‌های فلسفی و حکمی نهج البلاغه، دربردارنده عمیق‌ترین تأملات در باب هستی، زمان و ذات باری تعالی است. چالش مترجم در اینجا، حفظ «دقت فلسفی» در کنار «شیوایی ادبی» است.

۱- امام (ع) در بیان بیهودگی تلاش‌های دنیوی می‌فرمایند: «...فَكَمْ مِنْ مُؤْمِلٍ مَا لَا يُدْرِكُهُ وَ كَمْ مِنْ بَانٍ مَا لَا يَسْكُنُهُ...» (حکمت/۳۲۷). قطب‌الدین در ترجمه از آرایه ادبی تکرار در آغاز جملات بهره برده است:

“...How many a person hopes for what he will not attain! How many a person builds what he will not inhabit!” (Qutbuddin, 2024: 785).

تکرار ساختار “How many a person...” مانند ضربات پیایی چکش بر ذهن مخاطب فرود می‌آید. این ریتم تکرارشونده، کارکردی معنایی دارد: القای حس «تکرار بیهوده تاریخ» و کثرت قربانیان آرزوهای دراز. استفاده از افعال متضاد (Hopes/Not attain, Builds/Not inhabit) پارادوکس تراژیک زندگی انسانی را برجسته می‌کند.

۲- در تحلیل عبارت فلسفی و پیچیده «كُلُّ مُسَمًّى بِالْوَحْدَةِ غَيْرُهُ قَلِيلٌ...» (خطبه/۶۵)، قطب‌الدین با اتخاذ رویکردی تفسیری-هستی‌شناسانه، آن را به شکل زیر ترجمه کرده است:

“...Other than him, nothing can be described as one” (Qutbuddin, 2024: 187).

گزینش واژه چندوجهی “One” و پرهیز از معادل‌سازی مستقیم برای واژه «قلیل» در متن اصلی، اقدامی هوشمندانه در راستای انتقال دقیق بار معنایی است. مترجم در پانویس، با واکاوی مفهوم «قلیل»، به تبیین لایه‌های معنایی آن می‌پردازد: از معنای تحت‌اللفظی «کم» تا تفاسیر کلامی که آن را به «محدودیت عددی» یا «ضعف وجودی» ماسوی‌الله تعبیر کرده‌اند. این رویکرد، ضمن حفظ سلاست متن، مخاطب را با غنای تفسیری و دقت فلسفی کلام امام در مرزبندی میان «وحدت حقیقی» (حق تعالی) و «وحدت اعتباری» (مخلوقات) آشنا می‌سازد.

۳. در حکمت ۱۲۵ (یا ۱۱۴)، آنجا که امام علی (ع) مراتب دین‌داری را با عبارت «الإسلامُ هُوَ التَّسْلِيمُ، وَالتَّسْلِيمُ هُوَ الْيَقِينُ...» تبیین می‌فرمایند، قطب‌الدین در برگردان انگلیسی آن:

“Islam means submission, submission means certainty, certainty means belief” ... (Qutbuddin, 2024: 713)

با ظرافت از آرایه بلاغی «تکرار زنجیره‌ای»<sup>۱</sup> بهره برده است. در این ساختار، واژه پایانی هر گزاره به رکن آغازین گزاره بعد تبدیل می‌شود تا فراتر از یک فرم نحوی، بازتاب‌دهنده «پیوستگی ذاتی» و «ترتّب منطقی» مراحل ایمان باشد؛ تمهیدی که به مخاطب نشان می‌دهد چگونه هر مرتبه از معرفت دینی، به‌طور بنیادین مقدمه و لازمه مرتبه بالاتر است.

#### ۴-۲-۲. دستیابی به هم‌ارزی کارکردی در سطح ساختار، ریتم و لحن

موسیقی کلام (سجع) و آهنگ جملات در نهج‌البلاغه، بخشی جدایی‌ناپذیر از پیام است. قطب‌الدین با آگاهی از ناتوانی زبان انگلیسی در بازتولید سجع عربی، به استراتژی جایگزین «موازنه ساختاری»<sup>۲</sup> روی آورده است. این تکنیک به او اجازه داده تا ضرب‌آهنگ، موسیقی کلام و لحن خطابی و حماسی کلام امیرالمؤمنین (ع) را در زبان مقصد بازآفرینی کند.

نمونه‌های زیر متن ترجمه قطب‌الدین که نشان‌دهنده دستیابی به این هم‌ارزی کارکردی است، موبد این امر است:

۱- «...كُلُّ عَزِيزٍ غَيْرُهُ ذَلِيلٌ، وَكُلُّ قَوِيٍّ غَيْرُهُ ضَعِيفٌ، وَكُلُّ مَالِكٍ غَيْرُهُ مَمْلُوكٌ، وَكُلُّ عَالِمٍ غَيْرُهُ مُتَعَلِّمٌ...» (خطبه/۱۶۲)

“Other than him ,the mighty are humble, the strong are weak, masters are slaves, the learned are students...” Qutbuddin, 2024: 187).

مترجم در اینجا برای بازتولید سجع‌های کوتاه و متوالی عربی، از تکرار متقارن ساختار نحوی [ The + Adjective/Noun + are + Adjective/Noun ] استفاده کرده است. این تقارن دقیق در زبان انگلیسی، علاوه بر این که تضادهای مفهومی (قوی/ضعیف، مالک/برده و...) را برجسته می‌کند، همان ریتم یکنواخت، قاطع و آهنگینی را که در ادای عبارت «كُلُّ... غَيْرُهُ...» وجود دارد، در ذهن مخاطب انگلیسی‌زبان خلق می‌نماید.

1. Anadiplosis

2. Syntactic Parallelism

۲- «...وَإِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابٌ، وَغَدًا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ.» (خطبه/۴۲)

“Today is the day for deeds, not reckoning. Tomorrow is the day of reckoning, not deeds” (Qutbuddin, 2024: 167).

در این فراز، کلام امام بر پایه تضاد و تقارنی بی‌نظیر استوار است. قطب‌الدین برای جبران فقدان سجع، از آرایه «موازنه معکوس» بهره برده است. او ساختار [Time + is the day for + Noun] را در جمله دوم دقیقاً تکرار کرده، اما جای دو اسم (reckoning و deeds) را با هم عوض کرده است. این تقارن آینه‌وار، لحن هشداردهنده و کوبنده کلام را حفظ کرده و آهنگی خلق کرده که از نظر کارکردی کاملاً با موسیقی متن اصلی هم‌ارز است.

۳- «...إِنَّهُ لَيَقُولُ فَيَكْذِبُ، وَيَعِدُ فَيُخْلِفُ، وَيُسْأَلُ فَيُخْلِلُ، وَيَسْأَلُ فَيُلْحِفُ...» (خطبه/۸۱)

“When he speaks, he lies, when he promises, he breaks his promise, when he solicits, he badgers—but when he himself is solicited, he is stingy.” (Qutbuddin, 2024: 215).

در متن عربی، افعال مضارع به شکلی مسلسل‌وار و با فاء نتیجه‌گیری (ف) به دنبال هم آمده‌اند تا زشتی‌ها و تناقضات رفتاری شخص مورد نظر (عمرو عاص) را به سرعت و با ضرب‌آهنگ بالا بگویند. قطب‌الدین این ریتم مقطع و تند را با تکرار بلوک‌های نحوی [When he + Verb 1 + he + Verb 2] جبران کرده است. این هم‌ارزی ساختاری سبب شده تا احساس تحقیر و ریتم مسلسل‌وار کلام امام، بدون نیاز به قافیه‌پردازی تصنعی، در نثر انگلیسی به روانی جاری شود.

## ۵-۲-۲. بازآفرینی حکمت تعلیمی و خلق امثال و حکم

در ترجمه حکمت‌های نهج البلاغه (کلمات قصار)، چالش اصلی مترجم گذر از معنای صرف و دستیابی به ویژگی «سهل و ممتنع بودن» و «کیفیت بیادسپاری» است. قطب‌الدین در این بخش کوشیده است تا با ایجاز و گزینش دقیق واژگان، جملاتی خلق کند که در زبان مقصد کارکرد «امثال و حکم» را ایفا نمایند. نمونه‌های زیر این مدعا را تایید می‌کنند:

۱- در حکمت ۷۲، آنجا که امام (ع) ملاک ارزش انسان را تبیین می‌فرمایند «...قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُخْسِنُهُ...»، مترجم با برگردان موجز و روان:

“The measure of a man is the good he does” (Qutbuddin, 2024: 699).

موفق به خلق ساختاری ضرب‌المثل گونه شده است. این ترجمه با بهره‌گیری از نحوی ساده و مستقیم، پارادایم ارزش‌گذاری را از مقوله «تبار و نژاد» به مقوله «کنش و مهارت» تغییر می‌دهد و همان قاطعیت و کلیت قانون‌مند کلام امام را بازتاب می‌دهد.

۲- در حکمت ۱۶ و در بیان ناپایداری فرصت‌ها «...الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ، فَاتَّهَبُوا فُرْصَ الْخَيْرِ...»، مترجم با گزینش هوشمندانه فعل پویا و قدرتمند "Seize" (قاییدن/دروبر بودن) در ترجمه:

“Opportunity passes like a cloud, so seize every opportunity for good.” (Qutbuddin, 2024: 683).

بار معنایی ویژه‌ای به متن بخشیده است. این برابرگزینی، فراتر از یک معادل‌سازی ساده عمل کرده و حس «اضطراب»، «فوریت» و لزوم کنش‌گری سریع را با توانی مضاعف به مخاطب هدف منتقل می‌سازد. ۳. در حکمت ۱۴۸، مترجم در مواجهه با تصویر بدیع «...فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ...»، از وسوسه ساده‌سازی یا استفاده از معادل‌های تفسیری پرهیز کرده و با ترجمه وفادارانه:

“...for a man is hidden under his tongue” (Qutbuddin, 2024: Wisdom 148).

دست به نوعی «آشنایی‌زدایی» زده است. حفظ این استعاره مکینیه و تصویر غریب «پنهان شدن در زیر زبان»، خواننده را به تأمل وامی‌دارد و عمق روان‌شناختی و هستی‌شناسانه کلام امام را از تقلیل یافتن به پندی اخلاقی معمولی مصون می‌دارد.

### ۳. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با تحلیل نوآوری‌های زبانی و مفهومی در ترجمه طاهره قطب‌الدین از نهج البلاغه، نشان داد که این اثر علاوه بر برگردان دقیقاً انگلیسی از متن عربی؛ طرحی فکری و فرهنگی جامع است که نقطه عطفی در تاریخ ترجمه‌های این متن شریف و معیاری نوین در حوزه ترجمه متون کلاسیک اسلامی به شمار می‌رود.

یافته‌ها در دو بعد اصلی قابل جمع‌بندی است: در بعد نوآوری‌های زبانی، تحلیل‌ها نشان داد که موفقیت این ترجمه ریشه در توانایی مترجم در دستیابی به «هم‌ارزی کارکردی» دارد. او با درک عمیق از این که بلاغت نهج البلاغه صرفاً در واژگان خلاصه نمی‌شود، به جای تقلید صوری، به دنبال بازآفرینی تأثیر متن بر مخاطب بوده است. این رویکرد در بازآفرینی ریتم خطابی کلام امام (ع) از طریق ساختارهای نحوی موازی، حفظ لحن‌های گوناگون از حماسی و نظامی گرفته تا نیایشی و حکمی، و ترجمه استعاره‌ها و کنایه‌های قدرتمند بدون تلطیف، به وضوح مشهود است. نتیجه این رویکرد، متنی است که ضمن وفاداری کم‌نظیر به معنای متن اصلی، بخش قابل توجهی از قدرت بلاغی، آهنگ و تأثیر عاطفی آن را نیز برای خواننده انگلیسی‌زبان زنده می‌کند.

در بعد نوآوری‌های مفهومی، این ترجمه با اتخاذ یک «اسکوپوس» یا هدف آکادمیک، نهج البلاغه را از متنی عمدتاً درون‌دینی به یک منبع پژوهشی جهانی بدل کرده است. این مهم از دو طریق محقق شده است: نخست، ارائه تصحیح انتقادی معتبر از متن عربی به همراه یک دستگاه علمی جامع از حواشی و نمایه‌ها که این اثر را به ابزاری خودکفا برای محققان تبدیل می‌کند. دوم، بازنمایی هوشمندانه مفاهیم کلیدی چون عدالت، آزادی و تأملات وجودی در بستری که با گفتمان‌های فلسفی، سیاسی و اخلاقی معاصر قابل گفت‌وگوست. این رویکرد، نهج البلاغه را به متنی زنده، پویا و مرتبط برای دغدغه‌های انسان امروز تبدیل کرده و پتانسیل آن را برای نقش‌آفرینی در دیالوگ‌های بین‌فرهنگی و بین‌ادیانی به حداکثر رسانده است.

جایگاه این ترجمه در مطالعات اسلامی معاصر، بسیار قابل توجه است، چرا که با تسهیل دسترسی به یکی از مهم‌ترین منابع اصلی تفکر شیعی، به ارتقاء و تعمیق این حوزه در آکادمی غرب کمک شایانی می‌کند و با ارائه چهره‌ای عقلانی، ادیبانه و عمیق از اندیشه اسلامی، گفتمان‌های غالباً تقلیل‌گرایانه را به چالش می‌کشد. اگرچه چالش‌های ذاتی ترجمه همواره باقی است، اما اثر قطب‌الدین نمونه‌ای موفق از طرحی فکری است که با ترکیب دانش سنتی و روش‌شناسی نوین، به بازتعریف جایگاه نهج‌البلاغه در گفتمان‌های جهانی منجر شده و راه را برای پژوهش‌های آتی و تعاملات فرهنگی گسترده‌تر هموار ساخته است.

### منابع

- قرآن کریم.
- نهج‌البلاغه.
- پیرزاده نیک‌نام، امیره، عسگری، انسیه، و نیک‌نسب، لیل (۱۴۰۲). واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج‌البلاغه؛ تحلیل موردی-موضوعی نفرین و نکوهش. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۱۰ (۱۹)، ۳۱۰-۲۷۰.
- درخشان‌نیا، فریدون، و ایمانی، محسن (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی ترجمه دو نسخه انگلیسی نهج‌البلاغه (ترجمه سید علی رضا و ترجمه پیرماهمد ابراهیم تراست). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۳ (۱)، ۷۷-۹۸.
- راثی تهرانی، حبیب (۱۴۰۳). درنگی بر جدیدترین ترجمه انگلیسی کتاب شریف نهج‌البلاغه، نقد ترجمه طاهره قطب‌الدین؛ استاد دانشکده مطالعات آسیا و خاورمیانه کالج سنت‌جان دانشگاه آکسفورد. آینه پژوهش، ۳۵ (۲۰۸)، ۳۵۱-۳۹۷.
- سمنانی جعفرآبادی، زهرا (۱۳۹۴). دیدگاه مترجم: مطالعه موردی ترجمه‌های انگلیسی نهج‌البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی.
- فتحی مظفری، رسول، مسبوق، سید مهدی، و قائمی، مرتضی (۱۳۹۶). کاربردشناسی معانی ارجاعی واژگان در فرآیند ترجمه نهج‌البلاغه. جستارهای قرآنی و حدیثی مدرس (مطالعات ترجمه قرآن و حدیث سابق)، ۴ (۷)، ۹۵-۱۲۳.
- قصی حمزه، کاظم (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی راهبردهای شیفت در ترجمه‌های انگلیسی نهج‌البلاغه: مطالعه موردی جملات قصار ۱-۳۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع).
- مسعودی، عبدالهادی، و فلاح‌زاده ابرقویی، حسین (۱۳۹۲). نقدی بر ترجمه استاد دشتی از حکمت‌های نهج‌البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ۱ (۴)، ۱۱۱-۱۲۸.
- میرزایی، پوران و خاتمی، محسن (۱۳۹۹). نقدی بر ترجمه کنایات در نهج‌البلاغه (مطالعه موردی: «لا ابالک و لا ابا لغيرک»). فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ۸ (۳۰)، ۱۱۳-۱۳۳.
- نیک‌نسب، لیل و عسگری، انسیه و نیک‌نام پیرزاده، امیره (۱۴۰۳). بررسی ترجمه بینامتنیت در متون حدیثی: مطالعه موردی ترجمه انگلیسی نهج‌البلاغه. پژوهش‌نامه علوی، ۱۵ (۱)، ۲۴۷-۲۲۷.

- 
- Baker, M., & Malmkjær, K. (1998). *Routledge encyclopedia of translation studies*. London: Routledge.
  - Hatim, B., & Munday, J. (2004). *Translation: An advanced resource book*. Routledge.
  - Inloes, A. (2024). Nahj al-Balāghah: The wisdom and eloquence of ‘Alī. *The Muslim World Book Review*, 45(1), 23-26.
  - Jiang, R. (2023). Advertising Translation in the Perspective of Functional Equivalence Theory. *Frontiers in Business, Economics and Management*, 8(2), 1-6.
  - Munday, J. (2001). *Introducing Translation Studies: Theories and Applications*. London & New York: Routledge.
  - Nida, E. A. (1964). *Toward a Science of Translating: With Special Reference to Bible Translating*. Leiden: Brill.
  - Qutbuddin, T. (2014). *Nahj al-Balagha: Selections from the Sermons, Letters, and Sayings of Amir al-Mu'minin Ali ibn Abi Talib*. Library of Arabic Literature. New York: New York University Press.
  - Reiss, K., & Vermeer, H. J. (2014). *Towards a general theory of translational action: Skopos theory explained, Translated by Christiane Nord*. London: Routledge.
  - Shi'i Research Institute. (2024). *Nahj al-Balaghah Translation*. <https://shiaresearch.ca/publications/nahj-al-balaghah-translation/>



## Conceptual Framework of Intergenerational Budgeting Based on the Priority of Land Development with an Emphasis on Nahj ul-Balaghah

(Research Article)

Farzaneh Sobhani Chegeni<sup>1</sup> , Seyed Mohammad Ali Mousavi<sup>2\*</sup> 

Submission Date: 7 March 2025

Revision Date: 10 June 2025

Acceptance Date: 17 June 2025

(Page 117-142)

### Abstract

In response to the pervasive crisis of "fiscal short-termism" and the systematic erosion of intergenerational justice in contemporary policymaking, this study designs a comprehensive conceptual and operational framework for sustainable budgeting. Relying on the political wisdom of Nahj ul-Balaghah and employing a two-stage qualitative content analysis method, the research identifies three fundamental principles of fiscal governance: the inherent priority of land development over revenue collection, redefining the ruler's role from "owner" to "trustee," and expanding the concept of "people's rights" to include future generations. The proposed framework translates these normative foundations into three actionable policy tools: the "Development-Revenue Assessment Matrix," the "Productive Debt Rule," and the "Annual Land Development Report." Ultimately, this model offers an alternative paradigm for fiscal governance that institutionalizes intergenerational justice by shifting the primary criterion of success from short-term economic growth to sustainable development.

**Keywords:** Intergenerational budgeting, Nahj ul-Balaghah, Land development, Intergenerational justice, Islamic public finance, Trusteeship.

1. Assistant Professor, Department of Quranic Exegesis, Jāmi'at al-Zahrā (peace be upon her), Qom, Iran

2. Assistant Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran

\*: Corresponding Author:

Email: m.a.mousavi@iki.ac.ir

**How to cite this article:** Sobhani Chegeni, F., & Mousavi, S. M. A. (2025). Conceptual Framework of Intergenerational Budgeting Based on the Priority of Land Development with an Emphasis on Nahj ul-Balaghah. *Quarterly Journal of Nahj al-Balaghah Research*, 13(49), 117-142. <https://doi.org/10.22084/nahj.2026.31751.3236>



**Extended Abstract****1. Introduction**

Contemporary fiscal governance increasingly faces a fundamental conflict between short-term political imperatives and long-term economic and environmental sustainability. This challenge, known as "fiscal short-termism," directly impacts intergenerational justice and necessitates a fundamental revision of the ethical and operational frameworks of budgeting. The dominant trend in many modern fiscal systems grapples with the "tyranny of the present," leading governments to favor immediate benefits and short-term political achievements over the long-term stability and economic health of future generations. This crisis manifests globally through the massive accumulation of public debt, the escalating degradation of the environment, and insufficient investment in vital infrastructure. The present study seeks to address this multifaceted crisis by extracting a cohesive conceptual and operational model from the teachings of Nahj ul-Balaghah to institutionalize long-term sustainability.

**2. Theoretical Framework**

The theoretical foundation of this study connects modern paradigms of sustainable development and intergenerational justice with the economic philosophy of Nahj ul-Balaghah. While modern approaches such as Green Budgeting and ESG (Environmental, Social, and Governance) frameworks integrate sustainability concerns into fiscal cycles, they often rely on external pressures and lack a binding, intrinsic philosophical mandate. In contrast, the framework derived from Nahj ul-Balaghah is built upon three solid theoretical pillars. The first one concerns the inherent priority of "development of the land" (Imarat al-Arz) over "revenue collection" (Istijlab al-Kharaj), positing that sustainable investment is the prerequisite for stable revenue. The second is related to redefining the state's relationship with public resources from "ownership" to "trusteeship" (Amanat), which forms the ethical and legal basis for strict financial oversight. Finally, the third one includes perceiving people as the "dependents of God" (Ayal Allah), which expands the concept of public rights to encompass future generations, making the defense of their rights a binding moral obligation.

**3. Research Method**

The present research utilizes a qualitative content analysis method to extract and redefine fiscal governance principles from the noble text of Nahj ul-Balaghah. The study was conducted in two stages. First, through

"historical-textual interpretation" and by referencing classical commentaries, core themes related to sustainable resource management were accurately identified and coded within their original context. In the second stage, through "conceptual reconstruction," these themes were abstracted from their historical background and transformed into a contemporary, operational framework for intergenerational budgeting. This dual approach, while remaining faithful to the authenticity of the original text, effectively bridges classical theoretical wisdom with the complexities of modern policymaking challenges.

#### 4. Conclusion

By analyzing the governance principles in Nahj ul-Balaghah, it is concluded that the noble text provides an operational decision-making system that realigns fiscal policy in favor of intergenerational justice. The extracted theoretical principles were translated into three practical policy tools: 1) The "Development-Revenue Assessment Matrix" to objectively prioritize projects that ensure long-term sustainability over short-term gains; 2) The "Productive Debt Rule," which legitimizes public borrowing strictly for creating intergenerational assets; and 3) The "Annual Land Development Report," a transparent monitoring mechanism designed to audit natural and human capital. By shifting the ultimate criterion of national success from short-term economic growth (GDP) to "sustainable development," this framework offers an ethics-driven, practical solution for institutionalizing intergenerational justice in the budgeting process.

#### References [in Persian]

- Feiz al-Islam, Ali Naqi. (1368). Translation and Commentary of Nahj al-Balaghah. Tehran: Faqih Printing and Publishing Organization.
- Goldin, Ian, & Winters, L. Alan. (1379). The Economics of Sustainable Development. Translated by Gholamreza Azad Armaki and Abdolreza Rokneddin Eftekhari. Tehran: Printing and Publishing Company affiliated with the Institute for Trade Studies and Research.
- Hosseini, Seyed Reza. (1393). The Economic Sira of Imam Ali (PBUH). Tehran: Youth Thought Center.
- Makarem Shirazi, Naser. (1375). The Message of Imam Amir al-Mu'minin (PBUH) (A Commentary on Nahj al-Balaghah). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Toutounchian, Alireza. (1395). From the Millennium Development Goals to the Sustainable Development Goals (2000-2030). Tehran: Ministry of Foreign Affairs, Publishing Department.

**References [In Arabic]**

- Ahmadi Miyanji, Ali. (1419 AH). Makatib al-Rasul (PBUH). Qom: Dar al-Hadith.
- Al-Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. (1407 AH). Al-Kafi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Al-Majlisi, Muhammad Baqir. (1403 AH). Bihar al-Anwar. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Al-Mufid, Muhammad ibn Muhammad ibn Nu'man. (1413 AH). Al-Muqni'ah. Qom: World Congress of Millennium of Sheikh Mufid.
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid. (1404 AH). Sharh Nahj al-Balaghah. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library.
- Ibn Maytham al-Bahrani, Maytham ibn Ali. (1404 AH). Sharh Nahj al-Balaghah. Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Shahr Ashub al-Mazandarani, Muhammad ibn Ali. (1379 AH). Manaqib Al Abi Talib. Qom: Allameh.
- Ibn Shu'ba al-Harrani, Hasan ibn Ali. (1404 AH). Tuhaf al-Uqul. Qom: Society of Seminary Teachers.
- Karami, Muhammad. (1398 AH). Sharh Nahj al-Balaghah. Beirut: Mu'assasat al-Tab' wa al-Nashr.
- Mughniyeh, Muhammad Jawad. (1425 AH). Fi Zilal Nahj al-Balaghah. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- Mousavi, Seyed Abbas Ali. (1418 AH). Sharh Nahj al-Balaghah. Beirut: Dar al-Rasul al-Akram.
- Sharif al-Radi, Muhammad ibn Husayn. (1414 AH). Nahj al-Balaghah (Subhi Salih). Qom: Dar al-Hijrah

**References [In English]**

- Coganuli, H. T., & Adhariani, D. (2023). Perancangan Implementasi Green Budgeting Pada PT. ABC Menuju Green Company. Owner: Riset & Jurnal Akuntansi, 7(4), 3255-3266.
- Funke, K., Huang, G., Eltokhy, K., Kim, Y., & Zinabou, G. (2021). IMF Working Paper.
- International Monetary Fund. (2024, October). Fiscal Monitor: Putting a Lid on Public Debt. Washington, DC: IMF Publication Services.
- IPCC. (2023). Climate Change 2023: Synthesis Report. Contribution of Working Groups I, II and III to the Sixth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change.
- Nihayah, D. M., & Diastuti, R. (2023). The Role of Green Budgeting on Environmental Quality on Indonesia. Economics Development Analysis Journal, 12(2), 2017-2030.
- Salako, S. E. (2017). Climate Change, Environmental Security and Global Justice. International Law Research, 6(1), 119-131.
- UN. (1987). Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future



(مقاله پژوهشی)

## چارچوب مفهومی بودجه‌ریزی بین نسلی بر اساس اولویت آبادانی زمین با تأکید بر نهج البلاغه

فرزانه سبحانی چگنی<sup>۱</sup>، سید محمدعلی موسوی<sup>۲</sup>\*

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷ بازنگری مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۲۷

(از ص ۱۲۱ تا ۱۴۲)

### چکیده

در پاسخ به بحران فراگیر «کوتاه‌مدت‌نگری مالی» و فرسایش نظام‌مند عدالت بین نسلی در سیاست‌گذاری‌های معاصر، این پژوهش به طراحی یک چارچوب مفهومی-عملیاتی جامع برای بودجه‌ریزی پایدار می‌پردازد. این تحقیق با اتکا به حکمت سیاسی نهج البلاغه و با استفاده از یک روش‌شناسی تحلیل محتوای کیفی دومرحله‌ای عمل می‌کند؛ این فرآیند شامل «تفسیر تاریخی-متنی» برای استخراج دقیق مضامین در بستر اولیه و سپس «بازسازی مفهومی» برای بازآفرینی آن اصول جهت پاسخگویی به چالش‌های مدرن است. یافته‌های نظری پژوهش منجر به شناسایی سه اصل حکمرانی مالی شد: ۱) تقدم ذاتی «عمارة الارض» (آبادانی پایدار و سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های مولد) بر «استحلاب الخراج» (درآمد آبی)؛ ۲) بازتعریف نقش حاکم از «مالک» به «امانت‌دار» که مستلزم پاسخگویی در قبال حفظ سرمایه‌های ملی است؛ و ۳) گسترش مفهوم «حق الناس» (حقوق مردم) به گونه‌ای که حقوق نسل‌های آینده را به‌عنوان یک الزام اخلاقی و حقوقی الزام‌آور در بر گیرد. چارچوب پیشنهادی، این مبانی هنجاری را در قالب سه ابزار سیاستی قابل اجرا ارائه می‌کند: «ماتریس ارزیابی آبادانی-درآمد» برای اولویت‌بندی عینی پروژه‌ها، «قاعده بدهی مولد» که استقراض عمومی را تنها برای ایجاد دارایی‌های بین نسلی مشروع می‌داند و ساز و کار نظارتی «گزارش سالانه آبادانی سرزمین» جهت پایش شفاف و حسابرسی سرمایه‌های طبیعی و انسانی. درنهایت، مدل ارائه‌شده پارادایمی جایگزین برای حکمرانی مالی ارائه می‌دهد که با تغییر «معیار موفقیت» از رشد کوتاه‌مدت به «آبادانی پایدار»، راه‌حلی اخلاقی‌مدار و عملیاتی جهت نهادینه‌سازی عدالت بین نسلی در فرآیند بودجه‌ریزی فراهم می‌آورد.

**کلید واژه‌ها:** بودجه‌ریزی بین نسلی، نهج البلاغه، آبادانی زمین، عدالت بین نسلی، مالیه عمومی اسلامی، امانت‌داری.

۱. استادیار، گروه تفسیر قرآن، جامعه الزهرا سلم الله علیها، قم، ایران

۲. استادیار، گروه اقتصاد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

\* نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

حکمرانی مالی معاصر به شکلی فزاینده با تعارض اساسی میان الزامات سیاسی کوتاه‌مدت و پایداری بلندمدت اقتصادی و زیست‌محیطی مواجه است. این چالش که از آن با عنوان «کوتاه‌مدت‌نگری مالی» یاد می‌شود، پیامدهای مستقیمی بر عدالت بین نسلی داشته و نیازمند بازنگری در چارچوب‌های اخلاقی و عملیاتی بودجه‌ریزی است. پژوهش حاضر در پاسخ به این بحران، به دنبال استخراج یک مدل مفهومی - عملیاتی از آموزه‌های نهج‌البلاغه برای نهاده‌سازی پایداری بلندمدت است.

## ۱-۱. بیان مسئله

روند غالب در بسیاری از نظام‌های حکمرانی مالی معاصر، با تعارض استیلای کوتاه‌مدت‌نگری بر افق تصمیم‌گیری‌های کلان دست‌به‌گریبان است. این پدیده که می‌توان آن را «استبداد زمان حال» نامید، دولت‌ها را به سمت سیاست‌هایی سوق می‌دهد که منافع آنی و دستاوردهای سیاسی کوتاه‌مدت را بر پایداری بلندمدت و سلامت اقتصادی نسل‌های آینده ترجیح می‌دهد. تبلور این بحران را می‌توان در سه روند نگران‌کننده جهانی مشاهده کرد: انباشت بدهی‌های عمومی سرسام‌آور که بار مالی آن بر دوش آیندگان سنگینی می‌کند؛ تخریب فزاینده محیط‌زیست و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی تجدید ناپذیر؛ و سرمایه‌گذاری ناکافی در زیرساخت‌های حیاتی که ظرفیت مولد جوامع را در آینده تضعیف می‌کند (برای نمونه نگاه شود به گزارش‌های IPCC, 2023; IMF, 2024). این چالش‌ها همگی از یک ریشه مشترک تغذیه می‌شوند: فقدان یک چارچوب اخلاقی الزام‌آور که افق بودجه‌ریزی را از دوره‌های انتخاباتی کوتاه‌مدت فراتر برده و آن را به یک ابزار امانت‌داری بین نسلی بدل سازد. درحالی‌که چارچوب‌های مدرن (مانند ESG)<sup>۱</sup> اغلب فاقد قدرت الزام درونی و فلسفی هستند و رویکردهای موجود در مالیه اسلامی نیز عمدتاً در سطح توصیفی باقی مانده‌اند، نیاز به یک مدل عملیاتی که این شکاف را پر کند، آشکار است.

ازاین‌رو، سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از:

«چگونه می‌توان بر اساس اصل محوری «اولویت آبادانی زمین (عمارة الارض) بر جمع‌آوری خراج» در نهج‌البلاغه، یک چارچوب مفهومی منسجم و عملیاتی برای بودجه‌ریزی بین نسلی طراحی کرد؟».

این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی برای استخراج و بازتعریف اصول حکمرانی مالی از نهج‌البلاغه بهره می‌برد. فرآیند تحقیق در دو مرحله انجام شد: نخست، از طریق تفسیر تاریخی-متنی و با استناد به شروح کلاسیک، مضامین اصلی مرتبط با مدیریت پایدار منابع در بستر اولیه خود شناسایی و کدگذاری شدند. در مرحله دوم، این مضامین از زمینه تاریخی خود انتزاع شده و در فرآیندی از بازسازی مفهومی، به یک چارچوب عملیاتی و معاصر برای بودجه‌ریزی بین نسلی تبدیل شدند. این رویکرد دوگانه، ضمن وفاداری به اصالت متن، پلی میان حکمت نظری کلاسیک و چالش‌های سیاست‌گذاری مدرن برقرار می‌کند.

1. Environmental, Social, and Governance(ESG)

در جدول زیر، نمونه‌ای از فرآیند کدگذاری باز و استخراج مضامین محوری از متن نهج البلاغه ارائه شده است:

جدول ۱. نمونه‌ای از فرآیند کدگذاری و استخراج مضامین از نهج البلاغه

| گزاره کلیدی از متن نهج البلاغه                                                                                | کد مفهومی اولیه                               | مضمون محوری                             |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------|-----------------------------------------|
| «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِحْلَالِ الْخَرَاجِ...» (نامه/۵۳) | تقدم آبادانی بر درآمدزایی                     | اصل اول: اولویت آبادانی بر درآمد        |
| «وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةِ أَخْرَبَ الْبِلَادَ، وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ...» (نامه/۵۳)        | درآمد بدون سرمایه‌گذاری منجر به ویرانی می‌شود | اصل اول: اولویت ذاتی آبادانی بر درآمد   |
| «وَ إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ، وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ.» (نامه/۵)                      | حکومت، امانت است نه غنیمت                     | اصل دوم: حاکم به مثابه امانت‌دار        |
| «فَارْزُقْ إِلَيَّ حِسَابَكَ، وَ اعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ.» (نامه/۴۰)     | الزام به پاسخگویی مالی در دنیا و آخرت         | اصل دوم: حاکم به مثابه امانت‌دار        |
| «وَ إِنَّ أَكْبَرَ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأُمَةِ.» (نامه/۲۶)                                               | خیانت به بیت‌المال، خیانت به کل جامعه است     | اصل دوم: حاکم به مثابه امانت‌دار        |
| «...عِبَالَةُ الْخَلَائِقِ ضَمِنَ أَرْزَاقَهُمْ وَ قَدَرُ أَقْوَاتِهِمْ.» (خطبه/۹۱)                           | مخلوقات، جیره‌خوار خداوند هستند               | اصل سوم: حقوق مردم به عنوان «عیال الله» |

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

ادبیات علمی مدرن، به‌ویژه در حوزه توسعه پایدار و چارچوب‌های ESG (محیطی، اجتماعی و حکمرانی)، تلاش‌های گسترده‌ای برای مقابله با این معضل انجام داده است. با این حال، بسیاری از این رویکردها، علی‌رغم غنای فنی، بر سازوکارهایی تکیه دارند که اغلب بیرونی و مبتنی بر فشار بازار یا نهادهای مدنی هستند تا یک الزام درونی و فلسفی برآمده از ذات حکمرانی. از سوی دیگر، ادبیات پژوهشی در حوزه اقتصاد اسلامی و به‌ویژه مطالعات مرتبط با نهج البلاغه، گستره وسیعی را پوشش داده و میراث غنی و ارزشمندی را فراهم آورده است. تحقیقات متعددی به تحلیل اصول اقتصادی مطرح شده توسط امام علی (ع) پرداخته و مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، مبارزه با فقر، اهمیت کار و تولید و اخلاق اقتصادی را به تفصیل مورد بحث قرار داده‌اند (برای نمونه ر.ک: حسینی: ۱۳۹۳). با این حال، بررسی دقیق این پژوهش‌ها یک شکاف تحلیلی مشخص را آشکار می‌سازد.

تمرکز اکثر تحقیقات پیشین عمدتاً بر دو حوزه توصیفی و فقهی-حقوقی بوده است:

الف. منابع درآمد بیت‌المال: بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها به شناسایی و تبیین منابع درآمدی حکومت اسلامی مانند خمس، زکات، خراج و جزیه اختصاص یافته است. این مطالعات با دقت، مبانی فقهی و شرایط هر یک از این منابع را تشریح کرده‌اند.

ب. مصارف و هزینه‌ها: به موازات آن، مصارف بیت‌المال نیز به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و اولویت‌هایی مانند رسیدگی به امور فقرا، یتیمان و پرداخت حقوق کارگزاران و سپاهیان به عنوان مصارف اصلی شناسایی شده‌اند.

با وجود اهمیت این پژوهش‌ها، می‌توان ادعا کرد که تمرکز غالب بر رویکردی ایستا و مبتنی بر دسته‌بندی منابع و مصارف بوده است. در مقابل، فلسفه تخصیص منابع و طراحی یک مدل پویا برای اولویت‌بندی‌های بلندمدت، کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر، ادبیات موجود به خوبی به پرسش‌های «چه چیزی» (منابع) و «برای چه کسی» (مصارف) پاسخ داده است، اما به پرسش «چگونه و با چه منطقی» باید منابع را میان نیازهای نسل حاضر و سرمایه‌گذاری برای نسل‌های آینده تخصیص داد، کمتر پرداخته است.

این مقاله با شناسایی همین خلأ پژوهشی، تلاش دارد تا از سطح توصیف منابع و مصارف فراتر رفته و با تمرکز بر اصل «عمارة الارض»، یک چارچوب مفهومی و هنجاری برای بودجه‌ریزی بین نسلی استخراج کند که به طور مستقیم به چالش اولویت‌بندی‌های بلندمدت در حکمرانی مالی اسلامی پاسخ می‌دهد.

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

اهمیت این پژوهش در پاسخ به یک خلأ دو وجهی در ادبیات موجود است: از سویی، چارچوب‌های مدرن پایداری، اغلب فاقد الزام اخلاقی درونی هستند و از سوی دیگر، ادبیات مالیه اسلامی، هرچند غنی، اما عمدتاً توصیفی باقی مانده و نتوانسته است مدلی عملیاتی برای بودجه‌ریزی بین نسلی ارائه دهد. در همین راستا، این مقاله به سراغ یکی از متون اصلی در تمدن اسلامی، یعنی نهج‌البلاغه، می‌رود تا به این سؤال اصلی پژوهش پاسخ دهد: چگونه می‌توان بر اساس اصل محوری «اولویت آبادانی زمین» (عمارة الارض) بر جمع‌آوری خراج در نهج‌البلاغه، یک چارچوب مفهومی منسجم برای بودجه‌ریزی بین نسلی طراحی کرد؟ این پژوهش با آگاهی از تفاوت‌های بسترهای تاریخی و پیچیدگی نظام‌های مالی امروز، می‌کوشد تا روح و فلسفه حاکم بر این اصل را استخراج کرده و آن را در قالبی متناسب با ساختارهای سیاست‌گذاری مدرن بازتعریف نماید. این اصل که در نامه امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر تبیین شده، یک چرخش پارادایمی را پیشنهاد می‌کند: هدف غایی دولت نه حداکثر سازی درآمد در کوتاه‌مدت، بلکه سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های مولد پایدار است که درآمد، محصول طبیعی آن خواهد بود.

بر این اساس، هدف این پژوهش، استخراج یک مدل هنجاری برای ارزیابی و اولویت‌بندی سیاست‌های مالی است که بتواند حقوق نسل‌های آینده را در محاسبات اقتصادی نسل حاضر تضمین کند. نوآوری این تحقیق نیز دقیقاً در همین نقطه نهفته است: تبدیل یک اصل اخلاقی-تاریخی به یک ابزار کاربردی و قابل دفاع برای سیاست‌گذاری مدرن. این مقاله نمی‌کوشد تا صرفاً به توصیف دیدگاه نهج‌البلاغه بپردازد، بلکه تلاش دارد تا با کالبدشکافی تحلیلی این دیدگاه، چارچوبی مفهومی ارائه دهد که بتواند راهگشای سیاست‌گذاران در مواجهه با چالش‌های پیچیده حکمرانی مالی پایدار باشد.

## ۲. چارچوب نظری

### ۲-۱. بودجه‌ریزی بین نسلی در ادبیات مدرن

برای ایجاد یک بستر تحلیلی جهت درک چارچوب بودجه‌ریزی نهج البلاغه، ضروری است ابتدا با مفاهیم و ابزارهای معاصر که به دنبال تحقق اهداف مشابهی هستند، آشنا شویم. این بخش به مرور سه مفهوم مهم می‌پردازد: (۱) توسعه پایدار به عنوان پارادایم حاکم، (۲) عدالت بین نسلی به عنوان فلسفه اخلاقی آن و (۳) بودجه‌ریزی سبز به عنوان یکی از ابزارهای عملیاتی آن.

#### ۲-۱-۱. توسعه پایدار<sup>۱</sup>

توسعه پایدار که به طور کلاسیک در گزارش کمیسیون براتلند (۱۹۸۷) تعریف شد، به معنای «توسعه‌ای است که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهایشان، تأمین می‌کند» (UN, 1987: 15). گرچه مفهوم توسعه پایدار در ابتدا بر اساس دغدغه‌های زیست‌محیطی شکل گرفت اما این مفهوم امروزه به مفهوم توسعه عادلانه، همه جانبه و متوازن ارتقاء یافته و شامل مجموعه‌ای از موضوعات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است و بالتبع اهداف متنوعی را دنبال می‌کند؛ به همین دلیل راهبردهای دستیابی به این مفهوم نیز در گذر زمان تکامل یافته است. در مراحل اولیه اتخاذ این راهبرد، مجموعه‌ای از سیاست‌های داخلی و بین‌المللی برای تحقق رشد پایدار و با هدف حفاظت از محیط‌زیست دنبال می‌شد.

برای نمونه برای اینکه طبق یک مدل سبز با هدف دستیابی به یک توافق عمومی برای کاهش گازهای گلخانه‌ای عمل شود، مقرر شد که علاوه بر کشورهای توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه نیز در فرآیند توسعه از انتشار گازهای گلخانه‌ای و گازهای خالی کننده اوزون جلوگیری کنند. البته از آنجا که جلوگیری و کاهش انتشار این گازها روند توسعه این کشورها را کند می‌کرد، پس کشورهای توسعه یافته تعهد کردند با انتقال کمک‌های فنی یا حمایت‌های مالی عمده، روند پیشرفت در کشورهای در حال توسعه را یاری رسانند (گلدین و وینترز، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۶). این الگوی جدید در سال ۱۹۹۲ با انتشار اعلامیه ریو با عنوان «محیط‌زیست و توسعه» شهرت جهانی گرفت. مهم‌ترین نتیجه این اجلاس جمع‌بندی آن است که بر اساس ماهیت یکپارچه و وابسته به هم زمین به عنوان خانه تمام انسان‌ها، اصولی بیست و هفت‌گانه را ترسیم کرده و دولت‌ها را موظف می‌کنند در چارچوب این راهبرد خاص، ترکیب اهداف توسعه‌ای و زیست‌محیطی را پیگیری کنند.

در ادامه این رویکرد جدید به توسعه در اجلاس هزاره سران در سازمان ملل متحد در سپتامبر سال ۲۰۰۰، «اعلامیه هزاره سازمان ملل» با حضور سران و مقامات عالی رتبه حدود ۱۹۰ کشور دنیا تصویب شد و همگان را موظف کرد که هر چه در توان دارند برای مبارزه با فقر، گرسنگی، بیماری، پایداری محیط‌زیست، ارتقاء کرامت انسانی، بسط و گسترش صلح و امنیت و دموکراسی انجام دهند. در همین

1. Sustainable Development



راستا «اهداف توسعه هزاره» در هشت هدف توسعه هزاره، ۱۸ هدف فرعی و با اتکاء به آن‌ها ۴۸ شاخص معرفی شد.

اهداف مذکور بیشتر معطوف به جوانب توسعه اجتماعی و در پی جلب توجه جهانیان به مشکلات مربوطه بود و به تعهداتی اشاره داشت که اکثراً باید تا سال ۲۰۱۵ برآورده می‌شد. پس از آن نیز قطعنامه‌های متعددی تصویب و حتی اجلاس‌هایی در سطح سران یا مقامات عالی رتبه در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ تحت عنوان پیگیری اهداف توسعه هزاره تشکیل شد که به‌طور خاص به پیشرفت‌ها و چالش‌های مربوط به این موضوع پرداختند. در این میان مقرر شد دستور کار توسعه برای بعد از سال ۲۰۱۵ نیز طی فرآیندی زیر نظر مجمع عمومی سازمان ملل تدوین شود. سند نهایی اجلاس سران در مورد توسعه پایدار که در سال ۲۰۱۲ در ریو برگزار شد هم صراحتاً خواستار تدوین «اهداف توسعه پایدار» بود. متعاقباً یک گروه کاری در مجمع عمومی تشکیل شد و مباحث مربوط به تدوین متن سند دستور کار توسعه برای بعد از سال ۲۰۱۵ در دستور کار قرار گرفت و نهایتاً سند «متحول کردن دنیای ما» دستور کار سال ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار در قالب هفته هدف به‌عنوان اعلامیه اجلاس در سپتامبر سال ۲۰۱۵ به تأیید نهایی سران و مقامات بیش از ۱۹۰ کشور عضو سازمان ملل متحده رسید (توتونچیان، ۱۳۹۵: ۴-۵).

نقطه اشتراک اصلی این مفهوم با پژوهش حاضر، تأکید بر افق زمانی بلندمدت و مسئولیت‌پذیری در قبال آینده است.

## ۲-۱-۲. عدالت بین نسلی<sup>۱</sup>

عدالت بین نسلی اساساً به روابط اخلاقی و عملی بین نسل‌های حال و آینده، به‌ویژه در مورد توزیع عادلانه منابع، هزینه‌ها و مسئولیت‌ها در طول زمان، مربوط می‌شود. این مفهوم در پی آن است که به این موضوع بپردازد که نسل‌های فعلی چگونه باید عمل کنند تا اطمینان حاصل شود که نسل‌های آینده می‌توانند نیازهای خود را برآورده کرده و از فرصت‌های مشابهی بهره‌مند شوند. شکل‌گیری این مفهوم اگرچه در ابتدا ریشه در نگرانی‌های زیست‌محیطی، به‌ویژه تغییرات اقلیمی جهانی و مدیریت منابع داشت، اما به‌تدریج دامنه مفهومی آن گسترش یافته و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی وسیع‌تری را در بر گرفته است (Salako, 2017: 120-121).

عدالت بین نسلی قلب فلسفی و اخلاقی توسعه پایدار است. این مفهوم، حوزه عدالت را از روابط میان افراد یک نسل فراتر برده و به روابط میان نسل‌های مختلف (گذشته، حال و آینده) تسری می‌دهد. این شاخه از فلسفه اخلاق به سؤالات مبنایی پاسخ می‌دهد: حقوق نسل‌های آینده چیست؟ آیا نسل‌های آینده حقی بر یک محیط‌زیست سالم، منابع طبیعی کافی و یک اقتصاد باثبات دارند؟

1. Intergenerational Justice

وظایف نسل حاضر چیست؟ ما چه تعهداتی در قبال کسانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند، داریم؟ آیا مجازیم برای رفاه امروز خود، هزینه‌هایی (مانند بدهی عمومی یا زباله‌های هسته‌ای) را بر دوش آن‌ها بگذاریم؟

از این منظر، سیاست‌هایی مانند استقراض بی‌رویه برای تأمین هزینه‌های جاری یا بهره‌برداری مخرب از منابع طبیعی، نه فقط یک انتخاب اقتصادی بد، بلکه یک بی‌عدالتی اخلاقی نسبت به نسل‌های آینده تلقی می‌شود. چارچوب مورد نظر این پژوهش، در جوهر خود، تلاشی برای نهادینه‌سازی همین عدالت بین نسلی در فرآیند تصمیم‌گیری مالی دولت است.

### ۳-۱-۲. بودجه‌ریزی سبز<sup>۱</sup>

بودجه‌ریزی سبز به عنوان «ادغام نگرانی‌های زیست‌محیطی در چرخه‌های مالی دولت» تعریف شده است. این پارادایم بودجه‌ریزی، عناصر زیست‌محیطی را در فرآیندهای تهیه، اجرا، نظارت و ارزیابی در اولویت قرار می‌دهد. بودجه‌ریزی سبز سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا از بودجه به عنوان ابزاری برای حمایت از دستیابی به اهداف زیست‌محیطی استفاده کنند (Coganuli et al., 2023: 3258). این فرآیند سه جنبه توسعه پایدار یعنی رشد اقتصادی، تعادل اکولوژیکی و پیشرفت اجتماعی را در یک سیاست یکپارچه گرد هم می‌آورد. در واقع این بودجه شکلی از سرمایه‌گذاری دولتی است که فعالیت‌های توسعه به محیط‌زیست آسیب نرساند (Nihayah, 2023: 2023). یکی از مهم‌ترین ابزارهای اجرایی بودجه‌ریزی سبز، برچسب‌گذاری بودجه سبز<sup>۲</sup> (GBT) است که به عنوان ابزار مدیریت بودجه، نشانگر یا کد اقلیمی یا زیست‌محیطی را به ردیف‌های بودجه یا گروه‌هایی از ردیف‌های بودجه اختصاص می‌دهد. اطلاعات تولید شده توسط این ابزار می‌تواند برای ارزیابی میزان تطبیق بودجه دولت با اهداف اقلیمی یا زیست‌محیطی استفاده شود (Funke et al. 2021, p.23).

بودجه‌ریزی سبز نزدیک‌ترین ابزار مدرن به چارچوب پیشنهادی این مقاله است، با این تفاوت که چارچوب مبتنی بر نهج البلاغه، علاوه بر بعد زیست‌محیطی (بخشی از آبادانی زمین)، ابعاد پایداری اقتصادی و اجتماعی را به شکل عمیق‌تری در فلسفه خود ادغام کرده است.

### ۳-۲. مدل مفهومی<sup>۳</sup>

یک مدل مفهومی، نمایش تصویری یا نوشتاری از یک مفهوم، فرآیند، یا سیستم است که به درک و ارتباط بهتر آن کمک می‌کند. این مدل‌ها معمولاً شامل عناصر کلیدی، روابط بین آن‌ها، و نحوه تعاملشان با یکدیگر هستند. هدف از ایجاد یک مدل مفهومی، ساده‌سازی مفاهیم پیچیده، شناسایی اجزای اصلی یک مسئله و ارائه یک چارچوب برای تحلیل و تصمیم‌گیری است. مدل‌های مفهومی می‌توانند به صورت شماتیک، نموداری یا توصیفی ارائه شوند و در زمینه‌های مختلفی مانند علوم اجتماعی، مهندسی و

1. Green Budgeting  
2. Green Budget Tagging  
3. Conceptual Model

مدیریت کاربرد دارند. به طور خلاصه، یک مدل مفهومی به ما کمک می‌کند تا یک موضوع را به شکلی سازمان‌یافته و قابل فهم تجسم کنیم. این متن به طراحی یک چارچوب مفهومی برای بودجه‌ریزی بین‌نسلی می‌پردازد که بر اساس اصل اولویت «عمارة الارض» (آبادانی زمین) در نهج‌البلاغه ایجاد شده است.

### ۳. بحث

#### ۳-۱. اصول حاکم بر بودجه‌ریزی بین نسلی در نهج‌البلاغه

##### ۳-۱-۱. اصل اول: «اولویت آبادانی زمین»

مفهوم «عمارة الارض» (آبادانی زمین) به‌عنوان یکی از ارکان محوری در فلسفه اقتصادی و الگوی حکمرانی اسلامی، دقیق‌ترین و ساختارمندترین تبیین خود را در عهدنامه امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر یافته است. این مفهوم، بسیار فراتر از یک توصیه صرف به کشاورزی، یک پارادایم کامل در تخصیص منابع، سیاست‌گذاری مالی و تعریف رابطه متقابل دولت و ملت ارائه می‌دهد. این مبانی را می‌توان در چهار محور اصلی که هر یک بر دیگری استوار است، تحلیل و بررسی کرد:

##### ۳-۱-۱-۱. تقدم ذاتی آبادانی بر درآمد (اصل بنیادین)

اساسی‌ترین اصل در این نظریه، واژگون‌سازی منطق رایج در بسیاری از نظام‌های مالی است که «استجلاب خراج» (گردآوری درآمد) را هدف غایی خود می‌دانند. در حکمت سیاسی علوی، «عمارت» به‌عنوان هدف اصلی، زیربنا و علت وجودی درآمد پایدار معرفی می‌شود. امام علی علیه‌السلام با صراحتی بی‌بدیل این قاعده را وضع می‌کنند: «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَوْلَّ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ، لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَذُرُّكَ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ» (نامه/۵۳) باید نگاه تو به آبادانی زمین، رساتر و عمیق‌تر از نگاهت به گردآوری خراج باشد، زیرا خراج جز با آبادانی به دست نمی‌آید (ابن میثم بحرانی، ۱۴۰۴ ه.ق: ۱۶۶/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ش: ۳۰/۱۱).

این دستور یک رابطه علت و معلولی قطعی را ترسیم می‌کند. آبادانی و تقویت بنیه اقتصادی مردم، «علت» است و درآمد پایدار دولت، «معلول» آن. هرگونه تلاش برای کسب درآمد بدون سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آبادانی، نتایجی فاجعه‌بار و سه‌گانه در پی خواهد داشت: «وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ أُخْرِبَ الْبِلَادَ، وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ، وَ لَمْ يَسْتَقِمَّ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا» (نامه/۵۳) و هرکس خراج را بدون آبادانی طلب کند، شهرها را ویران و بندگان را هلاک کرده و حکومتش جز اندکی دوام نخواهد یافت. شارحان برجسته نهج‌البلاغه این پیامدها را به دقت تحلیل کرده‌اند؛ برخی معتقدند چنین حاکمی هم به دلیل ظلم مورد عقوبت سریع الهی قرار می‌گیرد و هم به دلیل تضعیف پایگاه اقتصادی خود، مشروعیت و بقای حکومتش را از دست می‌دهد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۷۰-۷۱/۱۷؛ ابن‌میثم‌بحرانی، ۱۴۰۴ ه.ق: ۱۶۶/۵؛ مغنیه،

۱۹۷۹ م: ۸۷/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ش: ۳۱/۱۱-۳۰). این منطق، هسته اصلی بحث عدالت بین نسلی است، چرا که تمرکز کوتاه مدت بر درآمد، منبع همان درآمد را برای نسل‌های آینده از میان می‌برد.

### ۳-۱-۱-۲. «عمارت» به مثابه سنگ بنای جامعه (اکوسیستم اقتصادی-اجتماعی)

در این دیدگاه، «عمارت» و طبقه تولیدکننده صرفاً یک بخش از اقتصاد نیستند، بلکه شالوده‌ای هستند که تمام ساختارهای حیاتی جامعه بر آن استوارند. تأمین مالی ارتش، دستگاه قضا، کارگزاران دولتی و سایر بخش‌ها، همگی به پویایی و سلامت بخش تولیدی وابسته است. این وابستگی حیاتی در این کلام موج می‌زند: «لَأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَجِ وَ أَهْلِهِ» (نامه/۵۳) زیرا همه مردم، جیره‌خوار و وابسته به خراج و خراج دهنندگان هستند (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: ۱۰۱۴/۵). از این رو، صلاح و بهبود حال تولیدکنندگان، شرط لازم برای بهبود حال دیگران است و بدون آن، هیچ بخش دیگری از جامعه سامان نخواهد یافت (مغویه، ۱۹۷۹ م: ۸۶/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۹/۱۱؛ کرمی، ۱۳۸۷: ۳۹/۶).

این رویکرد ریشه در سیاست‌های پیامبر اسلام<sup>۹</sup> دارد. ایشان با ابزارهایی مانند «اقطاع» (واگذاری حق بهره‌برداری از زمین‌های بایر)، جامعه عرب را از یک اقتصاد ناپایدار و مبتنی بر غارت و بادیه‌نشینی به سمت یکجانشینی، تولید و تمدن سوق دادند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ ق: ۵۳۶/۳). هدف از این سیاست، ریشه‌کن کردن فقر اقتصادی بود که به عنوان علت اصلی بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی دوران جاهلیت، همچون قتل و ناامنی، شناخته می‌شد. همچنین همین اقبال به «عمارة الارض» بود که به شکل‌گیری اجتماعات بزرگ، قدرت‌یابی امت اسلامی و تأسیس یک حکومت توانمند منجر شد (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ ق: ۵۳۹/۳-۵۴۰).

### ۳-۱-۱-۳. حمایت مالی به مثابه سرمایه‌گذاری استراتژیک (سازوکار عملیاتی)

منطق «تقدم آبادانی بر درآمد» خود را در سازوکارهای عملیاتی مشخصی نشان می‌دهد. مهم‌ترین این سازوکارها، حمایت مالی هوشمند و هدفمند از بخش تولیدی در هنگام بروز بحران است. امام علی علیه السلام با دقتی کم‌نظیر، مجموعه‌ای از بحران‌ها را برمی‌شمارد که در صورت وقوع، دولت را موظف به کاهش بار مالیاتی می‌کند: سنگینی خراج، آفت‌زدگی محصول، قطع شدن یا کمبود آب و باران و آسیب دیدن زمین به دلیل سیل یا خشکسالی (نامه/۵۳) (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۷۲/۱۷-۷۱؛ ابن میثم بحرانی، ۱۴۰۴ ه.ق: ۱۶۶/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ش: ۳۲/۱۱-۳۱).

نکته اصلی در این دستور، فلسفه این حمایت است. این اقدام، یک هزینه یا ضرر برای بیت‌المال تلقی نمی‌شود، بلکه یک سرمایه‌گذاری مولد است. امام (ع) به حاکم اطمینان می‌دهند: «وَلَا يَثْقُلَنَّ عَلَيْكَ شَيْءٌ خَفَّفَتْ بِهِ الْمُؤَنَّةُ عَنْهُمْ، فَإِنَّهُ دُخْرٌ يَعُودُونَ بِهِ عَلَيْكَ فِي عَمَارَةِ بِلَادِكَ» (نامه/۵۳) و باید سبک ساختن سنگینی بار ایشان بر تو گران نیاید، زیرا تخفیفی که به آن‌ها داده‌ای اندوخته‌ای است که با آبادی شهرها و آرایش دادن حکومت به تو باز می‌گردانند (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: ۱۰۱۴/۵، ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۷۲/۱۷ و ابن میثم بحرانی، ۱۴۰۴ ه.ق: ۱۶۶/۵) این عمل را به یک «تجارت» تشبیه می‌کند که در آن، سرمایه در کوتاه مدت خارج می‌شود تا در بلندمدت با سودی بیشتر بازگردد. این حمایت مالی علاوه بر بازده

اقتصادی، موجب اعتماد عمومی، ثبات سیاسی و محبوبیت حاکم نیز می‌گردد و سبب می‌شود مردم در هنگام نیاز حکومت، با رضایت کامل به یاری آن بشتابند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ش: ۳۳-۳۲). در واقع، سرزمینی که آباد باشد، هرگونه بار و مسئولیتی را بر دوش خواهد کشید: «فَإِنَّ الْعُمَرَآنَ مُحْتَمِلٌ مَا حَمَلْتُهُ» (نامه/ ۵۳) زیرا به مملکت آباد آنچه بار کنی می‌تواند بکشد (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۸: ۱۰۱۵/۵). این حمایت حتی می‌تواند از تخفیف مالیاتی فراتر رفته و شامل اعطای کمک‌های مالی مستقیم برای پروژه‌هایی شود که مردم توان اجرای آن را ندارند (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۳۹).

#### ۴-۱-۱-۳. عوامل ویرانی در برابر عوامل «عمارَت» (روانشناسی حکمرانی)

این چارچوب به تحلیل ریشه‌های روان‌شناختی و سیاسی ویرانی یک سرزمین می‌پردازد. ویرانی زمین، معلول فقر ساکنان آن است (نامه/ ۵۳) و فقر آنان نیز معلول سه بیماری مهلک در میان حاکمان است: «لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوَلَاةِ عَلَى الْجَمْعِ، وَ سُوءِ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاءِ، وَ قِلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعِبَرِ» (نامه/ ۵۳) به توجه حکمرانان به جمع و گردآوردن (مال و دارائی) و بدگمانی‌شان به پایداری (حکومت و ریاست خود) و کم بهره بردنشان از پیشامدها و پندها و اندیشه در احوال روزگار (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۸: ۱۰۱۵/۵):

الف. حرص بر جمع‌آوری مال: تمرکز حاکم بر منافع شخصی و زراندوزی به‌جای منافع عمومی (ابن‌میثم بحرانی، ۱۴۰۴ ه.ق: ۱۶۷/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۵/۱۱)

ب. عدم اطمینان به آینده سیاسی: حاکمی که به ثبات و بقای حکومت خود بدگمان است، دست به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت عمرانی نمی‌زند و تلاش می‌کند در کوتاه‌ترین زمان، بیشترین منفعت شخصی را کسب کند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۷۳/۱۷ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۶/۱۱)

ج. عبرت نگرفتن از تاریخ: نادیده گرفتن سرنوشت حاکمان ظالمی که با همین سیاست‌ها، هم خود و هم سرزمینشان را به ورطه نابودی کشاندند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۶/۱۱)

این سه عامل، یک چرخه معیوب از بی‌اعتمادی، استثمار کوتاه‌مدت و ویرانی بلندمدت را ایجاد می‌کنند. در مقابل، حاکم عادل، حکومت را نه «طعمه» و منبع درآمد شخصی (طُعْمَة)، بلکه «امانت» (أَمَانَة) می‌داند (نامه/ ۵) و با درک این مسئولیت سنگین، پایه‌های آبادانی را برای نسل‌های حال و آینده بنا می‌نهد.

#### ۳-۱-۲. اصل دوم: حاکم به مثابه امانت‌دار

پس از تبیین اولویت آبادانی بر درآمد، دومین ستون چارچوب بودجه‌ریزی، بازتعریف رابطه حاکم با منابع عمومی است. در این دیدگاه، حاکمیت از موضع «مالکیت» به جایگاه «امانت‌داری» منتقل می‌شود. این اصل، شالوده اخلاقی و حقوقی نظارت مالی را تشکیل می‌دهد و هرگونه تصرف در بیت‌المال را تابع قواعد سخت‌گیرانه امانت می‌داند.

#### ۱-۲-۳. بازتعریف حکمرانی: از مالکیت به امانت‌داری

هسته اصلی این اصل، دگرگون ساختن ماهیت منصب حکومتی است. بر اساس حکمت علوی، مسئولیت دولتی یک امتیاز یا لقمه چرب (طُعْمَة) برای حاکم نیست، بلکه یک امانت سنگین بر عهده اوست (أَمَانَة).

این دیدگاه به صریح‌ترین شکل در نامه امام علی علیه‌السلام به اشعث بن قیس، والی آذربایجان، بیان شده است: «وَ إِنْ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ، وَلَكِنَّهُ فِي عُقْبِكَ أَمَانَةٌ» (نامه/۵) عمل (و حکمرانی) تو رزق و خوراک تو نیست (ترا حکومت نداده‌اند تا آنچه بیایی از آن خود پنداشته بخوری) ولی آن عمل امانت و سپرده‌ای در گردن تو است (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۸: ۸۳۹/۵).

این تعریف، حاکم را از جایگاه مالک به جایگاه خزانه‌دار (خُزَّانِه) تنزل می‌دهد که موظف است از اموال عمومی که متعلق به خداوند و مردم است، پاسداری کند «... وَ فِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنْتَ مِنْ خُزَّانِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَيَّ...» (نامه/۵) و در دست‌های تو است مال و دارائی از مال خداوند بی‌همتای بزرگ و تو یکی از خزانه‌داران آن هستی تا آن را به من سپاری (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۸: ۸۴۰/۵). این اصل چنان اساسی است که حرمت و ارزش مال مسلمان، هم‌تراز با حرمت خون او دانسته شده است: «حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۴۰/۲۹)؛ بنابراین، هرگونه تصرف در این اموال باید بر اساس حق و عدل باشد، نه بر مبنای میل شخصی حاکم.

### ۲-۱-۳. سازوکار پاسخگویی؛ الزام به «حساب»

اصل امانت‌داری بدون وجود سازوکار نظارت و پاسخگویی، در حد یک توصیه اخلاقی باقی می‌ماند. در نظام مالی مبتنی بر نهج‌البلاغه، «حسابرسی» (حِسَاب) یک ابزار مدیریتی با اهمیت برای پاسداری از امانت است. امام علی علیه‌السلام در نامه‌ای هشدارآمیز به یکی از کارگزاران خود که متهم به سوءاستفاده مالی بود، پس از توبیخ شدید او به دلیل خیانت به امانت، به‌صراحت دستور می‌دهند: «فَارْقَعْ إِلَيَّ حِسَابَكَ» (نامه/۴۰) پس حساب خود را برای من بفرست (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۸: ۹۵۵/۵).

این دستور نشان می‌دهد که حاکم اسلامی موظف است عملکرد مالی کارگزاران خود را به‌دقت بررسی کند و آن‌ها نیز باید شفافیت کامل داشته باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۱۱/۱۰ و ۱۱۳)؛ اما این پاسخگویی تنها به حاکم مافوق محدود نمی‌شود. امام علیه‌السلام بلافاصله یادآوری می‌کنند که یک حسابرسی بزرگ‌تر در پیش است: «وَ اعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ» (نامه/۴۰) و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم بزرگ‌تر و سخت‌تر است (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۸: ۹۵۵/۵). این اصل، نظارت دنیوی را به نظارت اخروی پیوند می‌زند و یک سیستم پاسخگویی دو لایه ایجاد می‌کند که در آن، کارگزار هم در برابر مردم و هم در برابر خداوند مسئول است.

### ۳-۱-۲-۳. پیامدهای خیانت: ابعاد فردی و جمعی

خیانت در امانت بیت‌المال، صرفاً یک تخلف اداری نیست، بلکه گناهی است که پیامدهای ویرانگری برای فرد و جامعه دارد. کسی که امانت را سبک بشمارد و در وادی خیانت گام نهد، خود را در دنیا به ذلت و خواری کشانده و در آخرت خوارتر و رسواتر خواهد بود: «وَ مَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَ رَغَعَ فِي الْخِيَانَةِ... فَقَدْ أَحَلَّ بِنَفْسِهِ الذُّلَّ وَ الْخِزْيَ فِي الدُّنْيَا...» (نامه/۲۶).

بالین‌حال، در این دیدگاه، تمام خیانت‌ها یکسان نیستند. امام علیه‌السلام با ارائه یک تفکیک تکان‌دهنده، خطرناک‌ترین نوع خیانت را مشخص می‌کنند: «وَ إِنْ أَكْبَرُ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأُمَّةِ» (نامه/۲۶) همانا

بزرگ‌ترین خیانت و نادرستی خیانت به امت است (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۸: ۸۸۶/۵). دلیل این امر آن است که کسب رضایت و جبران خسارت از یک فرد امکان‌پذیر است، اما جبران خیانت به یک ملت و کسب حلالیت از نسلی که حقوقشان پایمال شده، تقریباً محال است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۳۷/۹). این نگاه، فساد اقتصادی و حیف‌ومیل بیت‌المال را از یک گناه شخصی به یک جنایت علیه امنیت و حقوق کل جامعه ارتقا می‌دهد.

#### ۴-۲-۱-۳. سیره شخصی حاکم: زهد و همدردی

اصل امانت‌داری زمانی به بهترین شکل محقق می‌شود که حاکم، خود تجسم امانت و پارسایی باشد. سیره امام علی علیه‌السلام نشان می‌دهد که این اصل صرفاً یک دستورالعمل برای دیگران نبود، بلکه یک رویه قطعی در زندگی شخصی ایشان بود. ایشان بیت‌المال را متعلق به عموم مسلمانان می‌دانستند و هرگونه برداشت شخصی بیش از حق عمومی را دزدی تلقی می‌کردند، حتی اگر درخواست‌کننده، برادر ایشان عقیل باشد (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۲/۱۰۹-۱۰۸ و علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۴/۴۱-۱۱۳).

این سخت‌گیری تا جایی بود که ایشان حتی حاضر نبودند با وجود عنوان «امیرالمؤمنین»، در سختی‌های روزگار با مردم شریک نباشند، درحالی‌که شاید فردی در دورترین نقاط حکومت، نانی برای خوردن نداشته باشد: «أَفْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ...» (نامه/۴۵). این رویکرد، الگویی برای حاکمان تعیین می‌کند که بر اساس آن، امانت‌دار واقعی کسی است که نه تنها از اموال عمومی محافظت می‌کند، بلکه سطح زندگی خود را نیز به ضعیف‌ترین اقشار جامعه نزدیک می‌سازد تا درد فقر را با تمام وجود درک کند.

#### ۴-۳-۱-۳. اصل سوم: حقوق مردم به عنوان «عیال الله»

سومین اصل، چارچوب را از یک مدل مدیریتی صرف به یک منشور حقوقی ارتقا می‌دهد. این اصل، مردم (شامل نسل‌های آینده) را به عنوان صاحبان حق معرفی می‌کند و دولت را موظف به رعایت این حقوق در تمامی سیاست‌گذاری‌های مالی خود می‌داند.

شالوده فلسفی این اصل، مفهوم «عیال الله» یا وابستگان و خانواده خداوند است. در خطبه «اشباح» امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «عِيَالُ الْخَلَائِقِ ضَمِنَ أَرْزَاقَهُمْ وَ قَدَّرَ أَقْوَاتَهُمْ» (خطبه/۹۱) آفریده‌شدگان جیره‌خوار او هستند که ضامن و متکفل روزی آنان است و آنچه را که می‌خورند مقدر و تعیین فرموده است (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۸: ۲۲۲/۲).

شارحان توضیح می‌دهند که واژه «عیال» به صورت استعاری به کار رفته تا بیانگر محبت، عنایت و مسئولیت‌پذیری پروردگار نسبت به مخلوقاتش باشد (ابن میثم بحرانی، ۱۴۰۴: ۳۲۵/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۵/۴). همان‌گونه که سرپرست یک خانواده، خود را موظف به تأمین نیازهای اعضای خانواده می‌داند، خداوند نیز رزق تمام بندگان را تضمین کرده است. باین‌حال، این ضمانت الهی، نافی مسئولیت انسان نیست. گرسنگی و فقر گسترده در جهان نه به دلیل کمبود در منابع الهی، بلکه نتیجه بی‌عدالتی،

ظلم و سوء مدیریت انسان‌هایی است که سهم دیگران را غصب می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۵/۴). این ضمانت همچنین مشروط به تلاش و کوشش است، چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید که آیا اگر مردی خود را در خانه حبس کند، باید انتظار داشته باشد روزی‌اش از آسمان نازل شود؟ (مغنیه، ۱۴۲۵ ق: ۷-۸/۲).

این مفهوم الهیاتی، پیامدهای مستقیمی برای حکمرانی و مسئولیت اجتماعی دارد. حدیث مشهوری از پیامبر اکرم <sup>۹</sup> این بنیاد نظری را به یک دستورالعمل اخلاقی شفاف بدل می‌سازد: «الْخُلُقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخُلُقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱۶۴/۲) مخلوقات، وابستگان و نان‌خوران خداوند هستند، پس محبوب‌ترین فرد نزد خداوند، کسی است که به وابستگان او نفعی برساند. این کلام، مفهوم انتزاعی «عیال الله» بودن را به یک الزام روشن برای سیاست‌گذاری عمومی تبدیل می‌کند. اگر همه مردم وابستگان خداوند هستند، پس دولت که نقش امانت‌دار را ایفا می‌کند، وظیفه‌ای مهم در قبال مراقبت از آنان دارد.

از این منظر، مفهوم «حق الناس» (حقوق مردم) را می‌توان و باید گسترش داد تا حقوق نسل‌های آینده را نیز در بر گیرد. سیاست‌هایی که امروز منابع آب را آلوده می‌کنند، جنگل‌ها را از بین می‌برند، یا صندوق‌های بازنشستگی را خالی می‌کنند، مصداق بارز تضییع حقوق نسل فردایی هستند که آن‌ها نیز «عیال الله» محسوب می‌شوند. دفاع از حقوق آنان به دلیل غیبتشان، وظیفه اخلاقی دولت امروز است. در نتیجه، هر بودجه سالانه‌ای باید دارای یک «پیوست عدالت بین نسلی» باشد و سیاست‌گذاران را ملزم کند تا بارها و فرصت‌های بلندمدت هر تصمیم مالی کلان را ارزیابی نمایند.

## ۲-۳. محدودیت‌های ساختاری و قابلیت تعمیم چارچوب هنجاری

چارچوب مفهومی ارائه شده، اگرچه ریشه در جهان‌بینی اسلامی دارد و این امر منبع قدرت هنجاری و الزام‌آور آن در نظام‌های مرتبط است، اما محدودیت ذاتی اجرای مستقیم آن در نظام‌های کاملاً سکولار یا با ایدئولوژی‌های متفاوت را می‌پذیرد؛ زیرا مبنای آن، تعریف حاکم به‌عنوان «امانت‌دار» و مردم به‌عنوان «عیال الله» است. با این حال، قابلیت تعمیم این مدل از طریق تبدیل اصول آن به عقلانیت بلندمدت اقتصادی میسر است؛ به‌طوری که اصول عملیاتی مانند «ماتریس ارزیابی آبادانی-درآمد» و «قاعده بدهی مولد»، در واقع معادلاتی برای جلوگیری از «کوتاه‌مدت‌نگری مالی» هستند که در ادبیات مدرن توسعه پایدار و عدالت بین نسلی (مفاهیمی مانند ESG و حفظ سرمایه طبیعی) بازتعریف شده‌اند؛ بنابراین، در حالی که مبنای اخلاقی مدل منحصر به فرد است، معیار موفقیت نهایی آن (تأمین زیرساخت‌های مولد و حفظ ظرفیت‌های اقتصادی برای آیندگان) با الزامات جهانی حکمرانی مسئولانه هم‌پوشانی دارد و می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب ارزیابی پایداری مورد پذیرش قرار گیرد، هرچند در نظام‌های سکولار، نیاز به تفکیک و تأکید بیشتر بر استدلال‌های صرفاً اقتصادی-زیست‌محیطی خواهد بود.



### ۳-۳. ارائه چارچوب مفهومی بودجه‌ریزی بین نسلی

بر اساس تحلیل سه اصل (اولویت آبادانی بر درآمد، حاکم به‌مثابه امانت‌دار و حقوق مردم به‌عنوان عیال الله) در این بخش، چارچوب مفهومی یکپارچه برای بودجه‌ریزی بین نسلی ارائه می‌شود. در قلب این چارچوب، یک پرسش محوری قرار دارد که هر سیاست مالی یا پروژه بودجه‌ای باید با آن ارزیابی شود: «آیا این اقدام به آبادانی پایدار زمین منجر می‌شود یا صرفاً یک درآمد آنی ایجاد می‌کند؟» این پرسش به‌ظاهر اقتصادی، در واقع عصاره ترکیبی سه اصل مذکور است و چارچوب عملیاتی زیر را شکل می‌دهد.

#### ۱-۳-۳. اجزای چارچوب عملیاتی

این چارچوب از سه جزء اصلی تشکیل شده است: یک ابزار ارزیابی، یک قاعده الزام‌آور و یک سازوکار نظارتی.

#### ۱-۳-۳-۱. ابزار ارزیابی پروژه: ماتریس آبادانی در برابر درآمد

این ابزار، اصل اول (اولویت آبادانی) را به یک معیار سنجش عینی تبدیل می‌کند. به‌جای تحلیل هزینه-فایده سنتی، پیشنهاد می‌شود یک ماتریس دویبعی برای سنجش پروژه‌ها ایجاد گردد. محور عمودی: میزان تأثیر بر آبادانی بلندمدت (شامل پایداری زیست‌محیطی، تقویت زیرساخت‌های مولد و سرمایه انسانی). محور افقی: میزان تأثیر بر درآمد کوتاه‌مدت.

بر اساس این ماتریس، اولویت مطلق با پروژه‌هایی است که در ربع «آبادانی بالا - درآمد بالا/متوسط» قرار می‌گیرند. این ابزار به سیاست‌گذار کمک می‌کند تا میان منافع آنی و پایداری بلندمدت، انتخابی آگاهانه و مبتنی بر منطق آبادانی انجام دهند. برای تشریح کاربرد عملیاتی «ماتریس آبادانی»، یک سناریوی فرضی (و رایج) در سیاست‌گذاری کلان انرژی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این سناریو، دولت باید در تخصیص بودجه سالانه انرژی، میان دو گزینه رقیب تصمیم‌گیری کند: سیاست (الف): تخصیص یارانه سنگین به سوخت‌های فسیلی (برای کنترل قیمت و جلب رضایت کوتاه‌مدت عمومی).

سیاست (ب): سرمایه‌گذاری کلان و زیربنایی در زیرساخت‌های انرژی تجدیدپذیر (مانند نیروگاه‌های خورشیدی و بادی).

درحالی‌که یک تحلیل هزینه-فایده سنتی تمایل دارد بر شاخص‌های کوتاه‌مدت مانند کنترل تورم و هزینه حمل‌ونقل تمرکز کند، چارچوب پیشنهادی، این دو سیاست را بر اساس دو محور «آبادانی بلندمدت» و «درآمد کوتاه‌مدت» ارزیابی می‌کند. ماتریس حاصل دارای چهار ربع تحلیلی است:

ربع اول (بالا-راست): آبادانی بالا / درآمد بالا (ایده آل - پروژه‌های برد-برد)

ربع دوم (بالا-چپ): آبادانی بالا / درآمد پایین (سرمایه‌گذاری استراتژیک - مورد تأکید چارچوب علوی)

ربع سوم (پایین-چپ): آبادانی پایین / درآمد پایین (اتلاف منابع - پروژه‌های شکست‌خورده)

ربع چهارم (پایین-راست): آبادانی پایین / درآمد بالا تله کوتاه‌مدت - مصداق ویرانی سرزمین

جدول ۲. ماتریس ارزیابی سیاست‌های بودجه‌ای بر اساس چارچوب آبادانی-درآمد

| درآمد کوتاه‌مدت: بالا<br>(بازدهی آنی بالا، جذابیت سیاسی)                                                                                                    | درآمد کوتاه‌مدت: پایین (هزینه<br>اولیه بالا، بازدهی آنی کم)                                                                                                                      |                                                             |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------|
| ربع اول: وضعیت ایده آل (برد-برد) (مثال:<br>پروژه‌های فناورانه که هم سبز هستند و هم<br>به سرعت سودآور می‌شوند)                                               | ربع دوم: سرمایه‌گذاری استراتژیک<br>(اولویت علوی) پروژه ب: سرمایه‌گذاری<br>در انرژی تجدیدپذیر (ایجاد دارایی پایدار<br>برای نسل‌های آینده، حفظ محیط‌زیست<br>و امنیت انرژی بلندمدت) | آبادانی بلندمدت: بالا (ایجاد<br>دارایی مولد، پایداری منابع) |
| ربع سوم: تله کوتاه‌مدت (رویکرد مخرب):<br>پروژه الف: یارانه‌های سوخت فسیلی (رضایت<br>آنی عمومی در ازای تخریب زمین، آلودگی هوا<br>و تهی کردن منابع نسل آینده) | ربع چهارم: اتلاف منابع (پروژه‌هایی که نه<br>درآمدی دارند و نه آینده‌ای می‌سازند)                                                                                                 | آبادانی بلندمدت: پایین<br>(تخریب منابع، ایجاد بدهی)         |

تحلیل جایگاه‌یابی سیاست‌ها در ماتریس به صورت زیر است:

الف) تحلیل سیاست یارانه سوخت‌های فسیلی (سیاست الف):

محور درآمد کوتاه‌مدت: امتیاز بالا.

توضیح: هرچند یارانه مستقیماً یک «هزینه» است، اما با پایین نگه‌داشتن مصنوعی قیمت‌ها، به رضایت عمومی، کنترل ظاهری تورم و حفظ کوتاه‌مدت سودآوری صنایع سنتی منجر می‌شود. این اقدام دقیقاً با منطق تمرکز بر «استجلاب خراج» (یا حفظ خروجی آنی اقتصاد) تطابق دارد.

محور آبادانی بلندمدت: امتیاز بسیار پایین (منفی).

توضیح: این سیاست منجر به اتلاف شدید منابع تجدید ناپذیر (سرمایه نسل‌های آینده)، آلودگی بحرانی محیط‌زیست (تخریب مستقیم «زمین»)، افزایش هزینه‌های سلامت عمومی و ایجاد تعهدات مالی سنگین و ناپایدار برای دولت در آینده می‌شود.

نتیجه‌گیری: این سیاست مستقیماً در ربع چهارم (تله کوتاه‌مدت) قرار می‌گیرد. این، مصداق دقیق سیاستی است که امام علی (ع) آن را «تخریب سرزمین و هلاک کردن بندگان» برای یک دستاورد آنی و ناپایدار می‌داند.

ب) تحلیل سرمایه‌گذاری در انرژی تجدید پذیر (سیاست ب):

محور درآمد کوتاه‌مدت: امتیاز بسیار پایین (منفی).

توضیح: این یک سرمایه‌گذاری هنگفت و پرهزینه در کوتاه‌مدت است. بازده مالی آن فوری نیست و تا زمان رسیدن به بهره‌برداری کامل، یک هزینه خالص برای بودجه جاری محسوب می‌شود.

محور آبادانی بلندمدت: امتیاز بسیار بالا.

توضیح: این پروژه یک دارایی مولد برای نسل‌های آینده خلق می‌کند. این سیاست منجر به حفظ محیط‌زیست (پاسداری از «زمین»)، تضمین امنیت انرژی پایدار، کاهش هزینه‌های بلندمدت سلامت و ایجاد یک زیرساخت حیاتی برای توسعه آتی کشور می‌شود.

نتیجه‌گیری: این سیاست مستقیماً در ربع دوم (سرمایه‌گذاری استراتژیک) قرار می‌گیرد.

یک تحلیل سنتی که اسیر فشارهای سیاسی و اقتصادی کوتاه‌مدت است، به احتمال زیاد سیاست «الف» (یارانه) را انتخاب می‌کند. در مقابل، چارچوب بودجه‌ریزی مبتنی بر آبادانی، با الزام به استفاده از این ماتریس، منطق تحلیلی متفاوتی را ارائه می‌دهد. این چارچوب به وضوح سیاست «الف» را علی‌رغم جذابیت‌های ظاهری‌اش، به عنوان یک سیاست مخرب و ضد «عمارت» شناسایی می‌کند؛ بنابراین، چارچوب، سیاست‌گذار را ملزم به اولویت‌دهی و تخصیص منابع به سیاست «ب» می‌کند، زیرا این انتخاب، عینیت بخشیدن به «نگاه عمیق‌تر به آبادانی» به جای «نگاه به درآمد آتی» و همسو با هر سه اصل امانت‌داری و حق الناس است.

### ۲-۳-۱. قاعده طلایی مالی: قاعده بدهی مولد

این قاعده، پیامد مستقیم اصل دوم (حاکم به مثابه امانت‌دار) در حوزه مدیریت بدهی‌های عمومی است. این اصل به صورت یک قانون الزام‌آور تعریف می‌شود:

«استقراض عمومی و ایجاد بدهی برای نسل آینده، تنها برای تأمین مالی پروژه‌هایی مجاز است که در ماتریس ارزیابی (بخش الف)، امتیاز «آبادانی بالا» را کسب کرده باشند.»

این قاعده تضمین می‌کند که هر بدهی که بر دوش نسل آینده گذاشته می‌شود، با یک دارایی مولد و ارزشمند که ظرفیت حیاتی کشور را برای همان نسل افزایش می‌دهد، متوازن گردد. این کار، مرز میان «سرمایه‌گذاری بین نسلی» و «خیانت‌درامنت» را به روشنی ترسیم می‌کند...

### ۳-۳-۱. سازوکار نظارتی: گزارش سالانه آبادانی سرزمین

برای تضمین اجرای مؤثر چارچوب و جلوگیری از انحراف از اهداف بلندمدت، یک سازوکار نظارتی شفاف و الزام‌آور پیشنهاد می‌شود. این سازوکار، دولت را موظف می‌کند تا در کنار لایحه بودجه سالانه، یک «گزارش سالانه آبادانی سرزمین» منتشر نماید. این گزارش، ترجمان عملی اصل دوم (امانت‌داری) و اصل سوم (حق الناس) است؛ زیرا امانت‌دار (دولت) را ملزم به ارائه گزارش درباره وضعیت امانت (سرمایه‌های ملی) به صاحبان حق (مردم حال و آینده) می‌کند.

محتوای این گزارش، برخلاف گزارش‌های مالی سنتی، بر ارزیابی سرمایه‌های کلیدی و غیرمالی کشور متمرکز است. این گزارش شاخص‌هایی نظیر وضعیت ذخایر آب زیرزمینی، کیفیت خاک کشاورزی، وسعت جنگل‌ها، سلامت عمومی و سطح سرمایه انسانی را پایش و ارائه می‌کند. هدف غایی این سازوکار، تغییر معیار سنجش موفقیت ملی از رشد کوتاه‌مدت GDP<sup>۱</sup> به «آبادانی پایدار» و پاسخگو ساختن دولت در قبال حفظ و ارتقای امانتی است که برای نسل‌های آینده در دست دارد.

1. Gross Domestic Product

### ۳-۳-۲. مشارکت ذینفعان و نقش نهادهای غیردولتی در تحقق آبادانی

پژوهش حاضر در هسته مفهومی خود بر نقش محوری حاکمیت در تعیین اولویتهای مالی بلندمدت تأکید دارد، اما اذعان می‌نماید که تحقق کامل «عمارة الارض» بدون مشارکت فعال بخش خصوصی و نهادهای مدنی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا منابع مالی دولت، حتی در صورت تخصیص بهینه، محدود است. برای پاسخگویی به این چالش و تکمیل چارچوب حکمرانی، سازوکارهای زیر برای تشویق و نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت غیردولتی پیشنهاد می‌گردد:

**(الف) تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی مبتنی بر اصول:** دولت باید از طریق ابزارهای مالیاتی و مشوق‌های مقرراتی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را به سمت پروژه‌هایی هدایت کند که در ماتریس بودجه‌ریزی (ربع دوم: آبادانی بالا/درآمد پایین) قرار می‌گیرند. این امر می‌تواند شامل اعطای «مجوزهای بلندمدت سبز» یا کاهش مالیات بر سود انباشته‌ای باشد که مجدداً در پروژه‌های زیرساختی پایدار سرمایه‌گذاری می‌شود (مانند پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر یا کشاورزی هوشمند).

**(ب) نقش نهادهای مدنی و نظارت بین نسلی:** نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد<sup>۱</sup> (NGOs) باید به عنوان نهادهای «ناظر حقوق نسل آینده» تعریف شوند. این نهادها باید دسترسی کامل به «گزارش سالانه آبادانی زمین» (که در بخش قبل معرفی شد) داشته باشند تا بتوانند دولت و بخش خصوصی را بر اساس شاخص‌های پایداری مورد بازخواست قرار دهند. دولت می‌تواند با ایجاد صندوق‌های امانی نظارتی که بخش خصوصی و مدنی در هیئت امنای آن مشارکت دارند، شفافیت و اعتماد را افزایش دهد.

**(ج) قاعده بدهی مولد برای بخش خصوصی:** در صورت استفاده از ابزارهای مالی مانند انتشار اوراق مالی اسلامی دولتی برای تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی مشترک، باید این قاعده تعمیم یابد که بدهی ایجاد شده توسط بخش خصوصی برای اجرای پروژه‌های آبادانی، باید دارای توجیه اقتصادی بلندمدت مشابه با بدهی مولد دولتی باشد تا از انحراف منابع جلوگیری شود.

### ۳-۳-۳. بررسی پیامدهای توزیعی و سازوکارهای مدیریت

در حالی که چارچوب پیشنهادی بر عدالت بین نسلی تمرکز دارد، به‌طور قطع ممکن است پیامدهای توزیعی منفی بر نسل حاضر نیز داشته باشد. برای مثال، سرمایه‌گذاری گسترده در انرژی تجدیدپذیر ممکن است منجر به کاهش بودجه آموزش عالی شود و به‌طور موقت به نسل حاضر آسیب بزند. یا افزایش مالیات بر بخش‌های خاص اقتصادی برای تأمین مالی پروژه‌های پایدار، ممکن است بر سودآوری و اشتغال‌زایی در کوتاه‌مدت تأثیر منفی بگذارد. برای مدیریت این تعادل و کاهش اثرات منفی، پیشنهادهاى زیر ارائه می‌شود:

- **ایجاد صندوق‌های ویژه:** تخصیص بخشی از درآمد حاصل از پروژه‌های پایدار (مانند مالیات بر کربن) به صندوق‌های ویژه برای حمایت از آموزش عالی و سایر نیازهای ضروری نسل حاضر.

- **سیاست‌های تعدیل‌کننده:** طراحی سیاست‌هایی که تأثیرات منفی سرمایه‌گذاری در بلندمدت را کاهش دهد. مثلاً ارائه مشوق‌های مالیاتی به شرکت‌هایی که در زمینه انرژی تجدیدپذیر فعالیت می‌کنند تا بخشی از هزینه‌های آن‌ها را پوشش دهد.
  - **مشارکت ذینفعان:** ایجاد سازوکارهای مشارکتی برای تصمیم‌گیری در مورد تخصیص بودجه بین نسل‌ها، به منظور اطمینان از اینکه منافع همه گروه‌های ذینفع در نظر گرفته می‌شود.
  - **شفافیت و گزارش‌دهی:** انتشار منظم گزارش‌هایی در مورد پیامدهای توزیعی سیاست‌ها، به منظور افزایش آگاهی عمومی و پاسخگویی دولت.
- البته باید توجه داشت که تعادل بین منافع نسل حاضر و آینده یک چالش پیچیده است و نیازمند رویکردی جامع و انعطاف‌پذیر است که هم به حفظ پایداری برای نسل‌های آینده و هم به رفاه نسل حاضر توجه کند. این چارچوب می‌تواند ابزاری مفید برای کمک به اتخاذ تصمیمات آگاهانه در این زمینه باشد.

#### ۳-۳-۴. مطالعه موردی: کاربرد چارچوب مفهومی در سیاست‌گذاری مدیریت منابع آب

برای آزمودن کارایی و شفاف‌سازی عملکرد چارچوب مفهومی، در این فصل آن را بر روی یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری معاصر (مدیریت منابع آب در بخش کشاورزی) اعمال می‌کنیم. این مسئله به دلیل تقابل آشکار میان اهداف کوتاه‌مدت (امنیت غذایی و درآمدزایی) و الزامات بلندمدت (پایداری منابع آب‌و خاک)، یک نمونه آزمایشی ایده آل است.

##### ۱-۳-۳-۴. تشریح مسئله و رویکرد رایج (مبتنی بر درآمد)

سناریوی سیاست‌گذاری: دولتی با هدف دستیابی به خودکفایی در تولید یک محصول استراتژیک (مانند گندم) و افزایش درآمد ناخالص ملی، سیاست «ارائه یارانه‌های سنگین برای آب و برق به کشاورزان» را اتخاذ می‌کند.

تحلیل رویکرد رایج: این سیاست از منظر یک تحلیل هزینه-فایده سنتی که بر شاخص‌های کوتاه‌مدت متمرکز است، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. افزایش تولید منجر به رشد GDP بخش کشاورزی، کاهش واردات و تأمین امنیت غذایی در کوتاه‌مدت می‌شود. این رویکرد، مصداق بارز تمرکز بر «استحلاب الخراج» یا حداکثر سازی خروجی آبی است.

پیامدهای بلندمدت: نتیجه این سیاست در میان‌مدت و بلندمدت، تخلیه فاجعه‌بار سفره‌های آب زیرزمینی، فرسایش خاک و ایجاد یک بحران زیست‌محیطی و اقتصادی برای نسل‌های آینده است. درواقع، این رویکرد «آبادانی» را فدای «درآمد» می‌کند.

##### ۲-۳-۳-۴. تحلیل سناریو از طریق چارچوب بودجه‌ریزی بین نسلی علوی

اکنون همان سناریوی سیاست‌گذاری را از فیلتر سه جزء اصلی چارچوب مفهومی عبور می‌دهیم:

##### الف) کاربرد ابزار ارزیابی (ماتریس آبادانی در برابر درآمد)

سیاست «یارانه‌های سنگین آب» در این ماتریس قرار می‌گیرد:

امتیاز درآمد کوتاه‌مدت: بالا (به دلیل افزایش سریع تولید)  
امتیاز آبادانی بلندمدت: بسیار پایین (به دلیل تخریب منابع آب‌و خاک)  
در مقابل، سیاست جایگزین «سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های آبیاری مدرن، اصلاح الگوی کشت و پروژه‌های آبخیزداری» ارزیابی می‌شود:  
امتیاز درآمد کوتاه‌مدت: متوسط یا پایین (ممکن است تولید در کوتاه‌مدت اندکی کاهش یابد)  
امتیاز آبادانی بلندمدت: بسیار بالا (به دلیل حفظ منابع حیاتی برای آینده)  
نتیجه تحلیل: چارچوب به‌وضوح سیاست اول را به‌عنوان یک انتخاب غیر بهینه و مخرب رد کرده و سیاست دوم را، علی‌رغم بازدهی کمتر در کوتاه‌مدت، به‌عنوان سرمایه‌گذاری استراتژیک در آبادانی در اولویت مطلق قرار می‌دهد.

### ب) کاربرد قاعده طلایی مالی (قاعده بدهی مولد):

فرض کنید دولت برای اجرای سیاست دوم (مدرن‌سازی آبیاری) نیازمند استقراض و ایجاد بدهی عمومی است. بر اساس این قاعده، چون این بدهی مستقیماً برای تأمین مالی پروژه‌ای با امتیاز آبادانی بالا صرف می‌شود و یک دارایی پایدار (امنیت آبی و خاک حاصلخیز) برای نسل آینده به ارث می‌گذارد، این استقراض کاملاً مشروع و توجیه‌پذیر است. این بدهی، یک «بدهی مولد» است. در مقابل، استقراض برای پوشش هزینه یارانه‌های مصرفی آب، به دلیل ماهیت مخرب آن، مصداق بارز «خیانت در امانت» و نقض این قاعده است.

### ج) کاربرد سازوکار نظارتی (گزارش سالانه آبادانی سرزمین):

حتی اگر دولت سیاست اول را اجرا کند، این سازوکار نظارتی مانع از پنهان ماندن هزینه‌های واقعی آن می‌شود. در «گزارش سالانه آبادانی سرزمین» که در کنار گزارش بودجه منتشر می‌شود، یک بخش کلیدی به «ترازنامه منابع آب ملی» اختصاص دارد. این بخش به‌روشنی نشان خواهد داد که در ازای افزایش تولید گندم، چند میلیارد مترمکعب از ذخایر استراتژیک و تجدید ناپذیر آب زیرزمینی (که یک سرمایه بین نسلی است) از دست رفته است. این شفافیت، هزینه واقعی سیاست را برای عموم مردم و نهادهای نظارتی آشکار کرده و ادامه آن را برای دولت بسیار دشوار می‌سازد.

### ۳-۳-۴-۳. نتیجه‌گیری مطالعه موردی

این تحلیل نشان می‌دهد که چارچوب بودجه‌ریزی بین نسلی علوی، صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه یک سیستم تصمیم‌گیری جایگزین ارائه می‌دهد. این چارچوب با تغییر «معیار موفقیت» از درآمد آنی به آبادانی پایدار و با فراهم آوردن ابزارهای شفاف برای ارزیابی و نظارت، سیاست‌گذار را به سمت اتخاذ تصمیماتی هدایت می‌کند که منافع و حقوق نسل‌های آینده را به‌طور نظام‌مند تضمین نماید.

### ۳. نتیجه‌گیری

این پژوهش در پاسخ به بحران جهانی کوتاه‌مدت‌نگری در بودجه‌ریزی، کوشید تا با رجوع به حکمت سیاسی نهج‌البلاغه، یک چارچوب مفهومی برای بودجه‌ریزی بین نسلی ارائه دهد. چارچوب پیشنهادی بر سه اصل استوار است: اولویت ذاتی آبادانی بر درآمد (عمارة الارض)، حاکم به‌مثابه امانت‌دار (امانت) و حقوق نسل‌های آینده ذیل مفهوم حق الناس. این اصول نظری، در قالب سه ابزار عملیاتی ارائه شدند: ماتریس ارزیابی پروژه (آبادانی در برابر درآمد) برای اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری‌های پایدار، قاعده بدهی مولد برای مشروع‌سازی استقراض عمومی و گزارش سالانه آبادانی سرزمین به‌عنوان یک سازوکار نظارتی برای پاسخگو کردن دولت در قبال سرمایه‌های ملی.

این مدل نشان می‌دهد که حکمت علوی، نه تنها یک مجموعه توصیه‌های اخلاقی، بلکه یک نظام تصمیم‌گیری عملیاتی ارائه می‌دهد که با تغییر معیار سنجش موفقیت از «درآمد آبی» به «آبادانی پایدار»، منطق سیاست‌گذاری مالی را به نفع عدالت بین نسلی بازآرایی می‌کند و راه‌حلی ریشه‌دار و اخلاق‌مدار برای چالش‌های حکمرانی معاصر فراهم می‌آورد.

چارچوب ارائه شده، می‌تواند به شکل پیشنهادی مشخص برای نهادهای سیاست‌گذار، به‌ویژه سازمان برنامه‌وبودجه و وزارتخانه‌های کلیدی (مانند نیرو، جهاد کشاورزی و اقتصاد) مورد استفاده قرار گیرد:

- الزام به ارزیابی چندبعدی پروژه‌ها: پیشنهاد می‌شود «ماتریس آبادانی-درآمد» به‌عنوان یک پیوست الزامی برای ارزیابی و تصویب تمامی طرح‌های کلان ملی در نظام فنی و اجرایی کشور گنجانده شود.
- تدوین قاعده انضباط مالی بین نسلی: پیشنهاد می‌شود «قاعده بدهی مولد» مبنای تدوین یک ماده قانونی قرار گیرد که بر اساس آن، استقراض دولت تنها برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی که به شکل اثبات‌شده‌ای به تقویت سرمایه‌های طبیعی و انسانی کشور منجر می‌شوند، مجاز شمرده شود.
- راه‌اندازی حسابرسی سرمایه‌های ملی: پیشنهاد می‌شود نهادهای متولی، به‌صورت آزمایشی، تدوین و انتشار «گزارش سالانه آبادانی سرزمین» را آغاز کنند تا در کنار شاخص‌های مالی، تصویری جامع از وضعیت واقعی ثروت‌های ملی برای سیاست‌گذاران و عموم مردم فراهم آید.

این پژوهش، به‌عنوان یک چارچوب مفهومی، می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقات تکمیلی در حوزه‌های زیر باشد:

**طراحی مدل‌های کمی:** می‌توان با تعریف شاخص‌های کمی برای «آبادانی» (مانند کاهش ردپای کربن، بهبود تراز آب زیرزمینی، افزایش شاخص سرمایه انسانی)، یک مدل ریاضی برای امتیازدهی پروژه‌ها در ماتریس آبادانی-درآمد طراحی کرد.

**مطالعات تطبیقی:** مقایسه تحلیلی این چارچوب با الگوهای مدرن «بودجه‌ریزی مبتنی بر رفاه» و «بودجه‌ریزی سبز» می‌تواند نقاط اشتراک و تمایز آن‌ها را آشکار سازد.

**تحقیقات فقهی-حقوقی:** بررسی عمیق‌تر مبانی فقهی «حقوق نسل‌های آینده» و الزامات حقوقی ناشی از اصل «امانت‌داری» برای دولت‌ها، می‌تواند پشتوانه نظری این چارچوب را غنی‌تر سازد.

## منابع

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله). قم: جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. قم: علامه.
- ابن میثم بحرانی، میثم بن علی (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغه. بیروت: دار الفکر.
- احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ ق). مکاتیب الرسول (صلی الله علیه و آله). قم: دارالحديث.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- کرمی، محمد (۱۳۹۸). شرح نهج البلاغه. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۶۸). ترجمه و شرح نهج البلاغه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) (شرحی بر نهج البلاغه). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۵). فی ظلال نهج البلاغه. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- موسوی، سید عباس علی (۱۴۱۸). شرح نهج البلاغه. بیروت: دار الرسول الاکرم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴). نهج البلاغه (صباحی صالح). قم: دارالهجره.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلدین، یان، و ال. آلن وینترز (۱۳۷۹). اقتصاد توسعه پایدار، ترجمه: غلامرضا آزاد ارمکی و عبدالرضا رکن الدین افتخاری، چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
- توتونچیان، علیرضا (۱۳۹۵). از اهداف توسعه هزاره تا اهداف توسعه پایدار (سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰)، تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر.
- حسینی، سید رضا (۱۳۹۳). سیره اقتصادی امام علی علیه السلام، تهران: کانون اندیشه جوان.
- Coganuli, H. T., & Desi Adhariani (2023). Perancangan Implementasi Green Budgeting Pada PT. ABC Menuju Green Company, Owner: Riset & Jurnal Akuntansi, 7(4), 3255-3266.
- Nihayah, D. M. and Rini Diastuti (2023). The Role of Green Budgeting on Environmental Quality on Indonesia, Economics Development Analysis Journal, Vol. 12(2), 2017-230.
- Funke, Katja & G. Huang, Khaled Eltokhy, Yujin Kim, Genet Zinabou (2021). IMF Working Paper.
- Salako, S. E. (2017). Climate Change, Environmental Security and Global Justice, International Law Research, Vol. 6, No. 1, 119-131.
- UN (1987). Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future, [www.are.admin.ch](http://www.are.admin.ch)
- Salako, S. E. (2017). Climate Change, Environmental Security and Global Justice. International Law Research; Vol. 6, No. 1, P.119-131.



- 
- International Monetary Fund. (2024, October). *Fiscal Monitor: Putting a Lid on Public Debt*. Washington, DC: IMF Publication Services.
  - IPCC. (2023). *Climate Change 2023: Synthesis Report*. Contribution of Working Groups I, II and III to the Sixth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change.



## The Convergence of Hekmat-e Alawi (Alawi wisdom) with Medical and Psychological Sciences in Enhancing Anger Management Skills: A Reexamination of the Teachings of Nahj ul-Balagha and Medical Findings on Anger: A Comprehensive and Interdisciplinary Approach

(Research Article)

Seyed Aqill Nasimi<sup>1\*</sup> , Masoomeh Keramati<sup>2</sup> 

Submission Date: 19 December 2024

Revision Date: 23 February 2025

Acceptance Date: 10 May 2025

(Page 143-166)

### Abstract

Anger, as one of the fundamental human emotions, emerges in response to adversities, injustices, threats, and frustrations. However, if not properly managed, it can lead to aggressive and harmful behaviors, as well as physical and psychological consequences. This study aims to examine anger management skills within the teachings of Nahj ul-Balagha and to compare them with contemporary findings in medicine and psychology, employing a descriptive-analytical method. The central question of the research is how Nahj ul-Balagha, centuries prior to the development of modern theories, has presented ethical, educational, and behavioral strategies for controlling and guiding anger, and to what extent these teachings align with current scientific mechanisms.

**Keywords:** Anger, Nahj ul-Balagha, anger management, psychology, medicine.

1. Assistant Professor, Department of Theology Education, Farhangian University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Religious Studies, Faculty of Basic Sciences and Religious Studies, Esfarayen University of Technology, Esfarayen, Iran

\*; Corresponding Author:

Email: sa.nasimi@cfu.ac.ir

**How to cite this article:** Nasimi, S. A., & Keramati, M. (2025). The Convergence of Hekmat-e Alawi (Alawi wisdom) with Medical and Psychological Sciences in Enhancing Anger Management Skills: A Reexamination of the Teachings of Nahj ul-Balagha and Medical Findings on Anger: A Comprehensive and Interdisciplinary Approach. *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, 13(49), 143-166. <https://doi.org/10.22084/nahj.2025.30852.3184>

**Extended Abstract****1. Introduction**

Anger is among the emotions that can serve both a protective role and, if uncontrolled, become a destructive force. In everyday life, individuals encounter situations that provoke anger; therefore, learning appropriate ways to deal with it is considered an essential life skill. In recent years, psychologists and mental health professionals have emphasized the importance of emotion regulation, impulse control, and coping skills training. Similarly, in Islamic texts—particularly Nahj al-Balagha—anger has been analyzed in a precise and multidimensional manner, and practical strategies have been proposed for its regulation. Drawing on this capacity, the present study seeks to demonstrate that Alawi teachings, alongside scientific data, can provide a comprehensive model for anger management.

**2. Theoretical Framework**

The study is grounded in the assumption that anger is a natural and dual-faceted emotion. When guided by reason, justice, and spirituality, it can become a constructive force for defending truth and preserving human dignity. However, when uncontrolled, it leads to impaired judgment, disrupted relationships, increased tension, and physical harm. Accordingly, the teachings of Nahj ul-Balagha are conceptualized within a three-stage framework: primary prevention, secondary prevention, and restorative treatment.

In the first stage, suppressing anger (*kazm al-ghayz*) and silence are considered initial mechanisms for emotional restraint and prevention of behavioral outbursts. In the second stage, forbearance (*hilm*), patience, foresight, self-awareness, and attention to the Creator function as cognitive and emotional regulation tools. In the third stage, forgiveness, benevolence, compassion, and relational repair facilitate the reconstruction of human bonds and the reduction of anger's harmful effects.

**3. Research Method**

This study employs a textual analysis method. Relevant aphorisms, letters, sermons, and statements concerning anger in Nahj ul-Balagha were extracted and then compared with corresponding concepts in psychology and medicine. The research adopts a qualitative and interdisciplinary approach, aiming to achieve a deep understanding of anger-related concepts and behavioral patterns in Nahj ul-Balagha and to interpret their practical applications in contemporary life.

Data were collected from religious, exegetical, ethical, medical, and psychological sources, and analyzed using a descriptive-analytical approach. Both the conceptual dimensions of anger and its signs, triggers, stages, and control strategies were examined. Additionally, findings from prior studies on anger, aggression, and religious teachings were utilized, including works by Safarzadeh, Sharifi et al., Jalaei et al., Yarmohammadi and Ghanadi, Memari and Zomorodi, Tarkashvand and Ghadiri, as well as contemporary psychological studies on emotion regulation, mindfulness, and anger.

#### 4. Conclusion

The findings indicate that Nahj ul-Balagha offers a comprehensive and practical model for anger management, encompassing ethical, psychological, and therapeutic dimensions. It presents advanced preventive, regulatory, and restorative strategies for controlling anger—strategies whose validity and effectiveness are supported by modern psychological and medical sciences. Teachings such as suppressing anger, forbearance, silence, foresight, changing physical posture, attentiveness to God, and forgiveness are all consistent with scientific findings on emotion regulation and stress control.

Thus, the integration of Hekmat-e Alawi (Alawi words of wisdom) with psychological and medical sciences provides a comprehensive framework for teaching anger management skills. This framework is effective not only at the individual level, enhancing calmness and mental health, but also at the social level, contributing to the reduction of violence, increased empathy, and improved quality of human relationships. Accordingly, incorporating Nahj ul-Balagha into educational, counseling, and training programs can serve as an effective approach to promoting mental health and social ethics.

#### References [in Persian]

- Lavasani, F. (n.d.). *Anger Management: Reference Book*. Ministry of Health and Medical Education. Retrieved from [hd.lums.ac.ir](http://hd.lums.ac.ir).
- Yarmohammadi, M., & Ghanadi, F. (2020). Resilience skills and their characteristics from the perspective of Imam Ali (AS) in Nahj al-Balagha. *Nahj al-Balagha Research Journal*, 8(31), 129–150.
- Pasandideh, Abbas (1384 SH). *Life Satisfaction*. Qom: Dar al-Hadith.
- Dinparvar, Seyyed Jamal al-Din (1379 SH). *Encyclopedia of Nahj al-Balagha*. Tehran: Nahj al-Balagha Foundation

**References [In Arabic]**

- *Nahj al-Balagha* (1381 SH). Translated by Mohammad Dashti, Qom: Amir al-Mu'minin Cultural Research Center.
- Raghīb al-Isfahānī, Husayn ibn Muhammad (1412 AH). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an*. Damascus & Beirut: Dar al-'Ilm.

**References [In English]**

- Kleinke, C. (2010). *Life Skills* (Trans. Mohammadkhani). Tehran: Sepand Honar.
- Kross, E., & Ayduk, Ö. (2011). Self-distancing: Theory, research, and current directions. *Advances in Experimental Social Psychology*, 44, 1-34.
- LeDoux, J. (1996). *The Emotional Brain: The Mysterious Underpinnings of Emotional Life*. Simon & Schuster.
- Neff, K. D. (2003). The development and validation of a scale to measure self-compassion. *Self and Identity*, 2(3), 223-250.



(مقاله پژوهشی)

## همگرایی حکمت علوی و دانش پزشکی و روانشناسی در ارتقای مهارت کنترل خشم (بازخوانی آموزه‌های نهج‌البلغه و دستاوردهای علمی به مقوله خشم: رویکردی میان‌رشته‌ای)

سیدعقیل نسیمی<sup>۱\*</sup>، معصومه کرامتی<sup>۲</sup>

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹ بازنگری مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵  
پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰  
(از ص ۱۴۷ تا ۱۶۶)

### چکیده

خشم، بعنوان یکی از احساسات طبیعی در پاسخ به ناملایمات، بی‌عدالتی‌ها، تهدیدات و ... بروز می‌کند که مواجهه نادرست و عدم کنترل صحیح آن می‌تواند منجر به رفتارهای غیرموثر، آسیب‌رسان و حتی مشکلات جسمی و روانی گردد. آموزش مهارت‌های زندگی از جمله روش‌هایی است که برای دستیابی به زندگی منطقی، سالم، هدفمند، انعطاف‌پذیر، رفتارهای سازگارانه و مثبت پیشنهاد می‌شود. پژوهش حاضر با رویکردی میان‌رشته‌ای، با استفاده از روش تحلیل متنی به شناسایی و تبیین آموزه‌های نهج‌البلغه در زمینه کنترل خشم و یافته‌های علمی در این زمینه و بررسی چگونگی کاربرد این آموزه‌ها در زندگی معاصر می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که آموزه‌های نهج‌البلغه در بسیاری از موارد با سازوکارهای شناخته‌شده روان‌شناختی و پزشکی هم‌پوشانی دارند و می‌تواند مبنایی برای طراحی الگوهای کاربردی مدیریت خشم باشند. بر اساس یافته‌ها، کظم‌غیظ، حلم، صفح و احسان چرخه‌ای از پیشگیری اولیه؛ پیشگیری ثانویه و درمان را شامل می‌شود که با برخی سازوکارهای مطرح در روان‌شناسی و پزشکی نوین از جمله تنظیم هیجان، کنترل تکانه، بازسازی شناختی، تاب‌آوری و ترمیم روابط بین‌فردی همسو و هم‌افزا هستند این چرخه، نه صرفاً فضایل و توصیه‌های اخلاقی، بلکه مراحل مکمل یک فرایند پیشگیرانه، کنترلی و ترمیمی در مدیریت خشم محسوب می‌شوند. بر این اساس، می‌توان گفت نهج‌البلغه قرن‌ها پیش راهبردهایی اخلاقی و تربیتی و علمی را طرح کرده که امروزه در قالب مفاهیم علمی جدید قابل تبیین‌اند. این هم‌سویی نشان می‌دهد که متون دینی، علاوه بر کارکرد هدایتی و اخلاقی، ظرفیت آن را دارند که در گفت‌وگو با دانش معاصر به‌عنوان منبعی برای فهم عمیق‌تر و کاربردی‌تر مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

**کلید واژه‌ها:** خشم، نهج‌البلغه، پزشکی، مهارت کنترل خشم.

۱. استادیار، گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه معارف و عمومی، مجتمع آموزش عالی فنی مهندسی اسفراین، خراسان شمالی، ایران

\*: نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

بسیاری از افراد هنگام روبه‌رو شدن با دشواری‌ها و مسائل روزمره، فاقد مهارت‌های لازم برای مدیریت مؤثر این موقعیت‌ها هستند و همین موضوع آن‌ها را آسیب‌پذیر و ناتوان می‌سازد. برای اینکه انسان‌ها بتوانند به شکل سازگارانه با فشارها و تعارض‌های زندگی کنار بیایند، لازم است مجموعه‌ای از مهارت‌ها را بیاموزند (Klinke, 2010). یکی از برنامه‌های مؤثر در این زمینه، آموزش مهارت‌های زندگی است که با هدف کمک به افراد برای شناخت بهتر خود، کنترل احساسات و استرس، و حل کارآمد مشکلات طراحی شده است. بر اساس پژوهش‌ها، آموزش مهارت‌های زندگی نقش مهمی در تقویت توانایی‌هایی همچون تصمیم‌گیری، ایجاد انگیزه فردی، پذیرش مسئولیت، برقراری ارتباط سازنده با دیگران، افزایش عزت نفس، حل مسائل، خودنظمی، خودتکایی و ارتقای سلامت روانی ایفا می‌کند (JalilAbkenar S, 2010: 66-72). در سال‌های اخیر، توجه متخصصان حوزه روانشناسی و تعلیم و تربیت به سنجش و آموزش مهارت‌های زندگی معطوف شده، یکی از مهارت‌های اساسی، توانایی تنظیم و مدیریت هیجان‌هاست. در این میان، کنترل خشم جایگاه ویژه‌ای دارد؛ خشم از جمله احساساتی است که بر جنبه‌های مختلف زندگی هر فرد تاثیر عمیقی می‌گذارد و نقش قابل توجهی در رفتار انسان‌ها ایفا می‌کند (کاشفی، ۲۰۱۶: ۴۵). این هیجان معمولاً زمانی ظاهر می‌شود که فرد نسبت به رفتارهای نادرست یا نامطلوب دیگران واکنش نشان می‌دهد (Klinke, 2010).

از سوی دیگر، یادگیری مهارت‌های زندگی نیازمند بهره‌گیری از الگوهای شایسته است و آموزش رفتارهای مثبت اجتماعی به کودکان تنها با نصیحت مستقیم امکان‌پذیر نیست، نمایش عملی رفتارهای صحیح و داشتن الگوهای رفتاری مناسب، نقش مؤثرتری در تقویت، یادگیری و تثبیت این‌گونه رفتارها در کودکان دارد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵). در این میان، نهج‌البلاغه به‌عنوان اثری گران‌سنگ و الگویی کامل، می‌تواند پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای فکری، اخلاقی و روحی انسان در همه زمان‌ها باشد چراکه، دست قدرت‌الهی، حضرت علی (ع) را ساخته تا از زمان و محیط خودش فراتر رود و برای همه زمان‌ها و نسل‌ها سخن بگوید (شیخی، ۱۳۸۶: ۵). بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکردی بین‌رشته‌ای می‌کوشد با تکیه بر آموزه‌های نهج‌البلاغه، مهارت کنترل خشم را تحلیل کند و نشان دهد که این آموزه‌ها چگونه می‌توانند در بهبود کیفیت زندگی و روابط انسانی به‌کار آیند.

## ۱-۱. بیان مسئله

خشم یکی از هیجانات طبیعی و ذاتی انسان است که در شرایط مختلف زندگی بروز می‌کند. این احساس، اگرچه در برخی مواقع می‌تواند انگیزه‌بخش و محافظتی باشد، اما در بسیاری از موارد به‌ویژه زمانی که کنترل نشود، آثار مخرب و زیانباری بر سلامت روانی، روابط اجتماعی و کیفیت زندگی افراد به‌جای می‌گذارد. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که خشم افسارگسیخته می‌تواند منجر به بروز مشکلاتی نظیر پرخاشگری، خشونت، اضطراب، افسردگی و حتی اختلالات روانی شود (شکیبایی، ۲۰۰۴). از این‌رو، مدیریت خشم به‌عنوان یکی از مهارت‌های مهم زندگی، همواره مورد توجه روانشناسان، جامعه‌شناسان و

متخصصان علوم رفتاری بوده است. از سوی دیگر، آموزه‌های دینی و اخلاقی به‌ویژه در متون اسلامی، به‌طور گسترده به موضوع خشم و کنترل آن پرداخته‌اند. نهج‌البلاغه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع معرفتی و اخلاقی که سخنان و نامه‌های امیرالمومنین امام‌علی (ع) را در برمی‌گیرد، آموزه‌های ارزشمندی در زمینه مدیریت هیجانات، به‌ویژه خشم ارائه کرده‌است. امیرالمومنین در نهج‌البلاغه خشم را به‌عنوان نیروی قوی و خطرناک معرفی کرده‌اند که اگر به‌درستی کنترل نشود، می‌تواند به نابودی فرد و جامعه منجر شود (حکمت/۲۵۲). این آموزه‌ها نه تنها به جنبه‌های اخلاقی و معنوی خشم می‌پردازند، بلکه راهکارهای عملی و رفتاری نیز برای مهار و مدیریت آن ارائه می‌دهند (حکمت/۲۰۷).

اغلب مطالعات موجود به‌صورت جداگانه به تحلیل روانشناختی یا تفسیری خشم در نهج‌البلاغه پرداخته‌اند و کمتر تحقیقاتی به‌صورت بین‌رشته‌ای و کاربردی به این موضوع پرداخته. این خلأ پژوهشی باعث شده است که فرصت‌های بهره‌گیری از آموزه‌های غنی دینی در بهبود مهارت‌های زندگی و مدیریت هیجانات به‌طور کامل مورد استفاده قرار نگیرد. این پژوهش با رویکرد بین‌رشته‌ای، تلاش می‌کند تا ضمن تحلیل متن نهج‌البلاغه در زمینه خشم و کنترل آن، مفاهیم و آموزه‌های آن را با یافته‌های علمی روانشناسی (مهارت‌های زندگی) و پزشکی تلفیق کند و چارچوبی جامع برای آموزش و مدیریت خشم ارائه دهد. این رویکرد می‌تواند علاوه بر غنای علمی، در ارتقای فرهنگ کنترل هیجانات و کاهش آسیب‌های روانی و اجتماعی مؤثر واقع شود. این پژوهش می‌تواند به‌عنوان پلی میان دانش دینی و علوم رفتاری عمل کند و به توسعه دانش کاربردی در حوزه مهارت‌های زندگی و مدیریت خشم کمک نماید. موضوعی که با توجه به افزایش فشارهای روانی و تنش‌های اجتماعی در جامعه امروز، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در چنین شرایطی، ارائه راهکارهای جامع و کارآمد برای مدیریت هیجانات، بیش از پیش ضرورت می‌یابد.

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

در خصوص خشم، غضب، پرخاشگری، خشونت در آموزه‌های دینی و نهج‌البلاغه پژوهش‌های صورت پذیرفته که محقق در طی این پژوهش از آنها بهره برده‌است مانند: «بررسی تطبیقی خشم و کنترل آن در نهج‌البلاغه و صحیفه سجاده» که توسط صفرزاده (۱۴۰۲) انجام شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که خشم در هر دو متن به‌عنوان هیجانی طبیعی اما خطرناک مطرح شده. شریفی و همکاران (۱۴۰۲) «مفهوم‌شناسی خشونت در کلام امام‌علی (ع) با تأکید بر گستره معنایی آن در نهج‌البلاغه» را تحلیل کرده‌اند. و به بررسی ابعاد خشونت و ارتباط آن با خشم و پرخاشگری در آموزه‌های امام‌علی (ع) پرداخته‌اند. «تحلیل عاطفه غضب در خطبه‌های نهج‌البلاغه» توسط جلائی و همکاران (۱۴۰۲) به «بررسی روانشناختی و معنایی خشم در متون نهج‌البلاغه» و نقش آن را در سلامت روان و رفتار اجتماعی می‌پردازد. خوش‌منش (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی تحت‌عنوان «خشم و غضب در نهج‌البلاغه» به تبیین آموزه‌های اخلاقی و رفتاری امام‌علی (ع) درباره کنترل خشم پرداخته است. معماری و زمردی (۱۳۹۴) به «بررسی نقش خشم و پرخاشگری در آموزه‌های دینی» پرداخته‌اند و کنترل خشم را نه تنها فضیلتی اخلاقی



بلکه ضرورتی برای سلامت فرد و جامعه می‌دانند. ترکاشوند (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان «خشم و کنترل آن در آموزه‌های دینی» به تحلیل راهکارهای دینی برای مهار خشم اشاره کرده است. قدیری (۱۳۷۹) «نقش خشم در رفتار پرخاشگرانه را از دیدگاه امام‌علی(ع)» بررسی کرده است، رحیمیان (۱۳۹۲) نیز مطالعه روانشناختی «خشونت و پرخاشگری از منظر نهج‌البلاغه» را انجام داده و به تطبیق آموزه‌های دینی با یافته‌های روانشناسی پرداخته است. علیرغم انجام پژوهش‌های متعدد و ارزشمند در حوزه موضوع مورد مطالعه، بررسی دقیق ادبیات موجود نشان می‌دهد که همچنان خلأهای قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. بسیاری از مطالعات پیشین یا به جنبه‌های محدودی از موضوع پرداخته‌اند یا رویکردهای متفاوتی را اتخاذ نموده‌اند که پاسخگوی برخی از ابعاد مسئله نبوده است. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی متفاوت می‌کوشد تا این خلأها را پوشش داده و افق‌های جدیدی را در حوزه مذکور بگشاید.

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت این پژوهش ناشی از افزایش فشارهای روانی، تنش‌های اجتماعی و مشکلات رفتاری در جامعه کنونی است که نیازمند راهکارهای جامع و مؤثر برای مدیریت هیجانات، به‌ویژه خشم، می‌باشد. بررسی آموزه‌های غنی نهج‌البلاغه با دانش روانشناسی و پزشکی، چارچوبی نوین و علمی برای آموزش و کنترل خشم فراهم می‌کند. این پژوهش بین‌رشته‌ای، با پر کردن خلأ علمی موجود، می‌تواند به بهبود سلامت-روان، تقویت روابط اجتماعی و کاهش آسیب‌های ناشی از خشم کمک کند. نهج‌البلاغه، راهکارهای عملی و اخلاقی ارائه می‌کند که در آموزش مهارت‌های زندگی، مشاوره و برنامه‌های پیشگیری و مداخله روانی قابلیت بهره‌برداری دارد، با توجه به کمبود مطالعات میان‌رشته‌ای که ظرفیت‌های دینی و پزشکی را تلفیق کنند، این پژوهش اهمیت یافته، و امکان طراحی برنامه‌های آموزشی و درمانی کارآمد و متناسب با ارزش‌ها و فرهنگ جامعه را فراهم می‌آورد.

### ۲. بحث

امام‌علی (ع) در نهج‌البلاغه با نگرشی جامع، خشم را نه تنها یک هیجان طبیعی بلکه نیرویی قدرتمند و بالقوه می‌داند که در صورت عدم کنترل، می‌تواند به آسیب‌های روانی، جسمانی و اجتماعی منجر شود. از این‌رو، ایشان راهکارهای اخلاقی و رفتاری متعددی را توصیه می‌کنند که هم‌راستا با یافته‌های علمی و روانشناختی امروز است.

### ۱-۲. تحلیل مفهومی خشم

راغب، «غضب را جوشش خون قلب برای انتقام می‌داند» (مفردات، ۱۴۱۲: ۶۰۸). خشم به معنای غضب، غیظ، قهر و سَخَط در مقابل خشنودی است و حالتی است که در انسان برای اجرای کارهای درست و بجا و دفاع از خود و حق، کارکردی طبیعی دارد. در صورتی که این نیرو به‌درستی و در حد تعادل به کار گرفته شود، می‌تواند زمینه‌ساز شجاعت و دفاع عقلانی از حق باشد. اما استفاده بیش از اندازه و افراطی از آن، به صفت ناپسند تهور و درنده‌خویی می‌انجامد و در مقابل، اگر این نیرو به کار گرفته نشود و دچار کم‌کاری و

تفریط گردد، صفت منفی ترس و بزدلی و جبن در فرد ایجاد خواهد شد (نراقی، ۱۳۸۹: ۱۰۳-۱۷۳). از این رو، خشم در این پژوهش نه به صورت مطلقاً منفی، بلکه به عنوان نیرویی دوجبه‌ای تحلیل می‌شود که کارکرد آن وابسته به جهت‌گیری عقلانی، اخلاقی و معنوی آن است. این تبیین با روانشناسی معاصر نیز هم‌خوان است، زیرا خشم را پاسخ طبیعی بدن به موقعیت‌هایی می‌داند که فرد با ناکامی یا موانع روبه‌رو می‌گردد (کاپلان و سادوک، ۲۰۰۱). خشم، از هیجانات انسانی است که در رفتار و واکنش‌های بدنی نمود پیدا می‌کند و از ناراحتی جزئی تا عصبانیت شدید و واکنش‌های تند پیش می‌رود (کدخدایی، ۱۳۷۹).

در نهج البلاغه، خشم زمانی ارزشمند است که در خدمت حق و عدالت باشد و زمانی نکوهش می‌شود که از مدار عقل و شرع خارج گردد. خشم زمانی کارکرد سازنده دارد که به صورت کنترل شده و متناسب با موقعیت ابراز شود. بنابراین، خشم در دو سطح قابل تحلیل است: نخست، سطح پیش‌ران یا دفاعی؛ دوم، سطح مخرب که در آن خشم از کنترل عقل و شرع خارج می‌شود و به پرخاشگری، تصمیم‌گیری شتاب‌زده و آسیب بین‌فردی می‌انجامد. این تمایز، امکان پیوند دادن آموزه‌های نهج البلاغه با نظریه‌های تنظیم هیجان را فراهم می‌کند. «إِذَا اخْتَشَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ، فَقَدْ فَارَقَهُ» (حکمت/۴۸۰).

## ۲-۲. مراتب خشم در نهج البلاغه و روانشناسی

پیامبر اکرم (ص) مردم را از حیث مواجهه و واکنش به خشم به سه گروه تقسیم می‌کند: «مردم به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند؛ برخی دیر خشمگین می‌شوند و زود آرام می‌گیرند، برخی دیگر زود به خشم می‌آیند و سریع نیز آرام می‌شوند، و گروهی زود خشمگین می‌شوند اما دیر به حالت طبیعی بازمی‌گردند. بدانید که بهترین افراد کسانی هستند که دیر خشم می‌گیرند و زود آرام می‌شوند، و بدترین آن‌ها کسانی‌اند که زود خشمگین می‌شوند و دیر آرام می‌گیرند (الترمذی، بی‌تا: ۴۹۶)». این تقسیم‌بندی را می‌توان با سه سطح افراط، تفریط و اعتدال تحلیل کرد. حضرت علی (ع) نیز به میانه‌روی فرا می‌خواند و می‌فرماید: «همواره اعتدال را در امور خود رعایت کن؛ زیرا دوری از میانه‌روی به بی‌عدالتی می‌انجامد و پایبندی به آن نشانه انصاف و عدالت است» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ۴۴۴). روان‌شناسان نیز سبک‌های عصبانیت را در چند صورت بررسی می‌کنند، از جمله منفعلانه، پرخاشگرانه، قاطعانه و صریح و محترمانه؛ این سبک‌ها را می‌توان ذیل افراط، تفریط و اعتدال فهم کرد. همچنین در روان‌شناسی میان خشم سالم و ناسالم تمایز گذاشته می‌شود (پاترافرون، ۱۳۷۸: ۲۲۱). و گفته می‌شود خشم مناسب، کوتاه‌مدت، متعادل و متناسب با موقعیت است و به شیوه قاطعانه ابراز می‌شود (لواسانی، ۱۳۹۹). بر این اساس، نهج البلاغه میان خاموش‌سازی خشم و رهاسازی آن، راه سوم «هدایت آگاهانه» را پیشنهاد می‌کند.

## ۲-۳. تبدیل خشم به نیروی محرکه: «حق محوری» جایگزین «اشخاص محوری»

برخلاف رویکردهایی که خشم را صرفاً هیجان منفی می‌دانند، در نهج البلاغه خشم نیرویی دوگانه است که می‌تواند هم عامل رشد و هم عامل سقوط انسان باشد. امام علی (ع) با تفکیک میان خشم ممدوح (الهی) و خشم مذموم (شیطانی)، نقش عقل و شرع را در جهت‌دهی به این هیجان برجسته می‌کند. این نگاه با نظریات روانشناسی مدرن درباره خشم سالم و ناسالم و تقسیم‌بندی انواع خشم هم‌راستا است. آموزه‌های

نهج‌البلاغه، خشم را ابزاری برای دفاع از حق و عدالت می‌دانند و در عین حال هشدار می‌دهند که خروج از اعتدال، منجر به آسیب‌های فردی و اجتماعی می‌شود.

اولین مرحله از خشم که مورد تأیید آموزه‌های دینی قرار گرفته است، خشم برای رضایت الهی است. امام علی<sup>علیه السلام</sup> در تأیید این نوع خشم در نامه‌ای که هنگام انتصاب مالک اشتر به فرمانداری مصر برای مردم این سرزمین نوشت، ایشان مردم مصر را چنین ستود: «این نامه از بنده خدا، علی امیرالمؤمنین، به گروهی است که هنگامی که در زمین خداوند نافرمانی شد و حق او پایمال گشت، برای خدا به خشم آمدند.» امام(ع) در این فراز، مردم مصر را به خاطر غیرت دینی و خشم مقدس‌شان در برابر گناه و ظلم ستایش می‌کند و آنان را مردمی می‌داند که در برابر معصیت و از بین رفتن حق الهی، بی‌تفاوت نمانند و برای دفاع از حق، واکنش نشان دادند. در مدح اباذر نیز امام علی(ع) او را به سبب خشمی که برای خداوند گرفت، ستود و خشم ابوذر را نشانه ایمان و تعهد به ارزش‌های الهی دانست. که برخاسته از غیرت دینی و دفاع از حق بود، نه واکنشی شخصی یا نابجا. «يَا أَبَاذَرٍّ، إِنَّكَ إِنَّمَا غَضِبْتَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَأَرْجُ مَنْ غَضِبْتَ لَهُ، إِنَّ الْقَوْمَ خَائِفُونَ عَلَى دُنْيَاهُمْ وَ خِفَتُهُمْ عَلَى دِينِكَ، ...». ایشان از این خشم در سیره و روش زندگی پیامبر نیز مصداق آورده که «پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> هرگز به خاطر مسائل دنیوی و ناملایمات آن خشمگین نمی‌شد، اما زمانی که حق الهی پایمال می‌گشت یا حرمت خداوند شکسته می‌شد، خشم ایشان شدت می‌گرفت و تا زمانی که حق را یاری نمی‌کرد، آرام نمی‌گرفت. خشم پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> صرفاً برای خدا و دفاع از حق بود و هرگز انگیزه شخصی یا دنیوی نداشت» (فیض کاشانی، ۱۳۳۹: ۳۰۳/۵). امام علی<sup>علیه السلام</sup> در خطبه ۱۰۶ می‌فرماید: «شما پیمان‌های خدا را شکسته می‌بینید اما به خشم نمی‌آیید، در حالی که از شکسته شدن پیمان‌های پدران‌تان به غیرت می‌آیید و ناراحت می‌شوید». خشم در قبال پیمان‌شکنان مورد تأیید حضرت است. از موارد دیگر خشم ممدوح، که امام علی<sup>علیه السلام</sup> در حکمت ۳۱ بیان کرده خشم بر فاسقان و ناپاکاران است: «کسی که به‌خاطر خداوند با افراد بدکردار دشمنی کند و در راه او به خشم آید، خدا نیز به حمایت او برمی‌خیزد و در روز قیامت او را خشنود می‌سازد.»

در نهج‌البلاغه از خشم ناپسند و مذموم نیز نام برده شده‌است. علت مذمت این نوع از خشم به سبب آثاری است که بر آن مترتب است. امام علی<sup>علیه السلام</sup> در توصیف این خشم از تعبیر جند شیطان یاد می‌کنند. زیرا شیطان از آن بهره می‌گیرد و بر عقل آدمی مسلط می‌شود. ایشان از خشم با تعبیری نظیر جند شیطان، آتش قلب و آتش سوزنده، سبکسری و عامل جنون، اسب سرکش، عضو ناسپاس، و تقلیل منزلت انسان در حد چارپایان نام می‌برند. از نشانه‌های خشم مذموم، حالتی است که فرد در آن کنترل عقل، آگاهی و اختیار خود را از دست می‌دهد و قادر به مهار احساسات و رفتارهایش نیست. در این وضعیت، شخص از قدرت اندیشه و بصیرت بی‌بهره می‌شود و ممکن است خشم خود را به سمت کسانی یا مسائلی معطوف کند که نقشی در برانگیختن خشم او نداشته‌اند. این نوع خشم، که تحت سلطه هوا و هوس بروز می‌کند، در فرهنگ اسلامی نکوهش شده و به‌عنوان کلید همه بدی‌ها و ریشه بسیاری از رفتارهای خطرناک و ناهنجار شمرده می‌شود (زین‌الهادی، ۱۳۸۳: ۱۹۸). امام علی<sup>علیه السلام</sup> بهترین مکان خشم را خشم در

راه رضایت الهی عنوان می‌کنند. و درخصوص زمان مناسب خشم در حکمت ۱۹۴ می‌فرماید: «متی اشقی غیظی اذ غضبت؟ احین اعجز عن الانتقام فیقال لی: لو صبرت؟ ام حین اقدر علیه فیقال لی لو عفوت». مدیریت خشم آن زمانی است: «که قدرت انتقام داریم و ببخشاییم. این زمان، از بهترین زمان‌های فرو خوردن خشم است.» همچنین در فراز دیگری می‌فرایند در جایی که باید خشم گرفت نباید سستی ورزید.

#### ۲-۴. چرخه خشم در نهج البلاغه

چرخه خشم در نهج البلاغه را می‌توان از تحریک اولیه تا خشم شدید به صورت یک فرایند روانی و رفتاری تحلیل کرد. این چرخه با الهام از آیه ۱۳۴ سوره آل عمران، به سه مرحله اصلی تقسیم می‌شود و الگویی جامع برای مدیریت خشم ارائه می‌دهد. این الگو صرفاً به کنترل لحظه‌ای خشم نمی‌پردازد، بلکه به رشد شخصیتی و ترمیم روابط اجتماعی نیز توجه دارد. از این منظر، نهج البلاغه میان پیشگیری، کنترل و ترمیم پیوند برقرار می‌کند.

##### ۱-۲-۴. مرحله پیشگیری اولیه

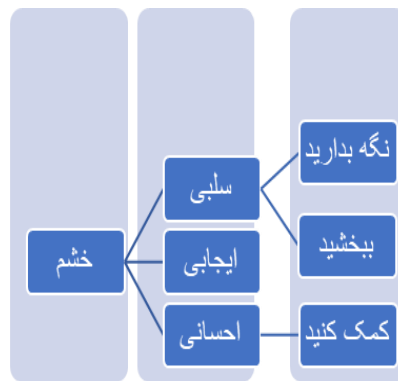
در این مرحله، سفارش به کظم مطرح است. کظم به معنای فروخوردن خشم در لحظه تحریک است. ابن فارس، زمخشری و فیومی کظم را فروخوردن خشم دانسته‌اند. این واژه در قرآن نیز در چند آیه آمده است، از جمله: ﴿وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾ (آل عمران/۱۳۴). امام علی(ع) نیز در خطبه همام و در نامه ۳۱ بر کظم غیظ تأکید دارند و می‌فرمایند: «خشم خود را فرو خور که من جرعه‌ای خوش‌عاقبت‌تر و گوارتر از آن ندیده‌ام». این مرحله در واقع معادل کنترل ارادی، تأخیر در واکنش و فرصت دادن به عقل برای دخالت است. به معنای سرکوب خشم نیست در روان‌شناسی نیز این مرحله با مهارت‌های تنظیم هیجان و کنترل تکانه هم‌خوان است.

##### ۲-۲-۴. پیشگیری ثانویه

در پیشگیری ثانویه، بر بکارگیری حلم سفارش می‌شود. امام علی(ع) حلم را وزیر عقل دانسته می‌فرماید: «العقل خلیل المرء، والحلم وزیره»؛ ایشان در سخن دیگری فرمودند: «مَنْ حَلَمَ سَادَ»؛ «هر که بردبار باشد، آقای کند». «و لَا عِزَّ كَالْحِلْمِ»، «هیچ عزتی چون حلم نیست»؛ «أَوَّلُ عَوْصِ الْحَلِيمِ مِنْ حِلْمِهِ أَنَّ النَّاسَ أَنْصَارُهُ عَلَى الْجَاهِلِ»؛ اولین بهره‌ای که انسان بردبار از شکیبایی خود می‌برد این است که مردم در مواجهه با افراد نادان، جانب او را می‌گیرند و حمایتش می‌کنند. در حکمت‌های ۱۱ و ۵۲ نیز به حلم سفارش شده است. امام علی(ع) حلم را مرحله پیشگیری قرار می‌دهند. مرحله‌ای که فرد با بهره‌گیری از خرد و تعقل، خشم خود را به شکلی متعادل و سازنده مدیریت می‌کند. این مرحله نمایانگر رشد اخلاقی و توانایی تحمل محرک‌های خشم بدون واکنش‌های مخرب است. روانشناسی معاصر حلم را معادل تاب‌آوری هیجانی و مهارت‌های مقابله‌ای می‌داند که به فرد کمک می‌کند در مواجهه با فشارهای روانی و تحریکات خشم، واکنش‌های متعادل و منطقی نشان دهد. حلم در نهج البلاغه، فراتر از صبر صرف است و شامل درک عمیق، گذشت و حفظ کرامت انسانی است.

## ۳-۴-۲. درمان

در مرحله درمان، صفح و احسان مطرح می‌شوند. صفح به معنای چشم‌پوشی از خطا، ترک سرزنش و نادیده گرفتن لغزش‌هاست؛ به گونه‌ای که انگار اشتباهی رخ نداده است (قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲: ۱۳۲/۴؛ قرآتی، ۱۳۸۳: ۱۸۶/۱؛ راغب، ۱۴۱۲: ۴۸۶). در نهج‌البلاغه واژه‌های عفو، غفران و صفح در زمینه بخشیدن و گذشت بسیار به کار رفته‌اند (محمدی، ۱۳۹۸: ۲۷). امام علی(ع) در نامه ۶۹ می‌فرماید: «خشم خود را مهار کن و زمانی که قدرت داری، گذشت پیشه‌ساز. هنگام عصبانیت، بردباری نشان بده و وقتی بر دیگران برتری یافتی، بخشش را فراموش نکن تا عاقبت نیکی نصیبت شود» (نامه/۶۹). «جَهَادُ الْغَضَبِ بِالْحِلْمِ بُرْهَانُ الْتَّبَلُّغِ»؛ «با بردباری به جنگ خشم رفتن، نشانه شرافتمندی است.» (تمیمی: ۱۴۱۰: ۳۸۱)



نمودار ۱. چرخه و مراحل خشم

در این مرحله، تنها کنترل خشم کافی نیست، بلکه ترمیم رابطه، بازسازی اعتماد و گسترش احسان نیز دنبال می‌شود. احسان در اینجا کمک فعال و رفتار نیک پس از بخشش است و به استحکام پیوندهای اجتماعی می‌انجامد. از منظر روانشناسی، این مرحله با مفاهیمی چون آشتی، بازسازی شناختی و مهارت‌های حل تعارض ارتباط دارد که موجب کاهش تنش‌های هیجانی و بهبود کیفیت روابط بین فردی می‌شود.

## ۵-۲. نشانه‌شناسی پنهان و آشکار خشم

خشم پدیده‌ای چندبعدی است که در سطح جسمی، شناختی، هیجانی، اجتماعی و معنوی نمود پیدا می‌کند. شناخت این نشانه‌ها برای فهم بهتر سازوکار خشم و نیز برای مداخله مؤثر در کنترل آن ضروری است. از این منظر، نهج‌البلاغه و یافته‌های پزشکی و روان‌شناسی در توصیف علائم خشم هم‌پوشانی قابل توجهی دارند.

## ۱-۵-۲. نشانه‌های جسمی و فیزیولوژی (زبان بدن در موضع خشم)

خشم کنترل نشده با تغییرات جسمانی آشکاری همراه است. تحقیقات علمی نشان می‌دهد که در حالت خشم، ترشح آدرنالین افزایش می‌یابد، ضربان قلب و فشار خون بالا می‌رود، تنفس سریع‌تر می‌شود و خون

از بخش‌هایی مانند پوست، معده و روده به سوی قلب و دستگاه عصبی منتقل می‌گردد (پیوریفوی، ۱۳۷۰: ۴۱؛ قاسمی‌دمشقی، بی‌تا: ۲۲۶). در نتیجه، حرارت بدن افزایش می‌یابد، چهره سرخ می‌شود، لب و دهان خشک می‌گردد و عضلات فک و بدن سفت می‌شوند. پیامبر اکرم (ص) نیز خشم را شعله‌ای در دل انسان دانسته‌اند که اثر آن در سرخی چشم‌ها و برجسته شدن رگ‌های گردن آشکار می‌شود (ناصف، ۱۹۷۵: ۲۹۸-۲۹۹). این توصیف دینی با داده‌های پزشکی درباره واکنش‌های فیزیولوژیکی خشم هم‌خوان است. این بیان نشان‌دهنده همسویی آموزه‌های دینی با یافته‌های علمی در شناخت نشانه‌های آشکار خشم است. که مداخلات شناختی-رفتاری و تمرینات آرام‌سازی می‌توانند در کاهش آن مؤثر باشند. این دستاوردهای علمی با آموزه‌های نهج البلاغه در مدیریت واکنش‌های جسمانی خشم همسویی دارد.

#### ۲-۵-۲. نشانگرهای شناختی و عقلانی

از نشانه‌های خشم مذموم، اختلال در قوه عقل و کاهش قدرت تحلیل است. وقتی خشم بر فرد غلبه می‌کند، عقل از جایگاه هدایت‌گر خود فاصله می‌گیرد و فرد در معرض قضاوت عجولانه، باورهای نادرست و بی‌توجهی به پیامدها قرار می‌گیرد. در حکمت ۳۶۳ آمده است: «مِنَ الْخُرْقِ الْمُعَاجِلَةِ قَبْلَ الْإِمْكَانِ، وَالْأَنَاءَةِ بَعْدَ الْفُرْصَةِ»؛ یعنی شتاب‌زدگی پیش از فراهم شدن شرایط و سستی پس از فراهم شدن فرصت، از نشانه‌های نادانی و اختلال در تشخیص است. امام علی (ع) همچنین خشم مذموم را نوعی جنون معرفی می‌کند (حکمت/۲۵۵). از نظر روان‌شناسی نیز خشم شدید می‌تواند فعالیت بخش‌های مرتبط با تصمیم‌گیری و کنترل هیجان را کاهش دهد و رفتارهای تکانشی را افزایش دهد.

#### ۲-۵-۳. نشانگرهای هیجانی و عاطفی

خشم با مجموعه‌ای از نشانه‌های هیجانی و عاطفی نیز همراه است، از جمله آن‌ها می‌توان به کمبود صبر و تحمل، رفتارهای عجولانه و شتاب‌زده، وجود کینه و حسادت، دورویی و پنهان‌کاری، بی‌ثباتی روحی، نارضایتی شدید در مواجهه با مشکلات و احساس غم حتی در زمان شادی اشاره کرد (قاسمی، بی‌تا: ۲۲۶). امام علی (ع) حسادت را عاملی مهم در بروز خشم دانسته و می‌فرماید: «فرد حسود بدون آن‌که طرف مقابل مرتکب گناهی شده باشد، نسبت به او خشم می‌ورزد» (حکمت/۲۵۵). همچنین کینه‌توزی و دشمنی را زمینه‌ساز خشم معرفی می‌کنند «الحقد مثار الغضب»، دشمنی و کینه‌ورزی، زمینه‌ساز بروز خشم در انسان می‌شود (ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۴۵۶/۲). «الْحَدَّةُ صَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ، لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ؛ فَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ، فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكِمٌ» (حکمت/۲۵۵) تندخویی را می‌توان نوعی جنون دانست، چرا که فرد تندخو معمولاً پس از رفتار خود احساس پشیمانی می‌کند و اگر این پشیمانی در او ایجاد نشود، نشانه پایداری این حالت غیرعادی است.

#### ۲-۵-۴. نشانگرهای اجتماعی و بین‌فردی

خشم مهارنشده در روابط اجتماعی آشکار می‌شود و ادب، احترام و تعادل ارتباطی را از بین می‌برد. امام علی (ع) می‌فرماید: «الغضب يُرْدِي صَاحِبَهُ وَيُيْلِدِي مُعَايِنَةً»؛ خشم صاحب خود را نابود می‌کند و عیب‌های او را آشکار می‌سازد (تمیمی، ۱۴۱۰: ۹۱). این سخن نشان می‌دهد که خشم نه تنها به روابط فرد با

دیگران آسیب می‌زند، بلکه منزلت اجتماعی او را نیز کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی، فرد ممکن است به انزوا، بدگویی، درگیری و گسست روابط دچار شود.

### ۵-۲-۵. نشانگرهای معنوی و اخلاقی

معنویت یک عامل کلیدی در ایجاد تاب‌آوری و افزایش آن است (یارمحمدی، ۱۳۹۹) و غضب، ایمان و رشد اخلاقی انسان را تهدید می‌کند. در منابع روایی آمده است: «بَسَّ الْقَرْيُنُ الْغَضَبُ: يُبْدِي الْمَعَائِبَ وَ يُدْنِي الشَّرَّ وَ يُبَاعِدُ الْخَيْرَ»؛ خشم بدترین همشین است، زیرا بدی را نزدیک و خوبی را دور می‌کند (غررالحکم، حکمت/۴۴۱۷). همچنین، «الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْحَلُّ الْعَسَلَ»؛ خشم ایمان را تباه می‌کند، همان‌گونه که سرکه عسل را (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۷). بر این اساس، خشم فقط یک مشکل رفتاری نیست، بلکه می‌تواند سلامت معنوی انسان را نیز تضعیف کند.

### ۶-۲. محرکات و برانگیزاننده‌های خشم

خشم معمولاً بدون محرک پدید نمی‌آید و عوامل فیزیولوژیک، بین‌فردی، خانوادگی، عاطفی و شناختی در شکل‌گیری آن نقش دارند.

#### ۱-۶-۲. فیزیولوژی و جسمی

افرادی که به راحتی خشمگین می‌شوند، معمولاً در نظام عصبی و تنظیم برانگیختگی بدنی تعادل ضعیف‌تری دارند. در چنین افرادی، محرک‌های کوچک نیز می‌تواند سیستم سمپاتیک را فعال کند و ترشح آدرنالین و نورآدرنالین را بالا ببرد (مرادی، ۱۳۸۱). آلودگی صوتی، تنش‌های محیطی و قرار گرفتن در معرض صداهای آزاردهنده نیز بر شدت خشم می‌افزاید (پورافکاری، ۱۳۷۶). در نهج البلاغه نیز به آثار ظاهری این حالت اشاره شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «زمانی که انسان دچار خشم شدید می‌شود، چهره سرخ شده، رگ‌های گردن متورم و تمامی اعصاب و عضلات تحریک شده‌اند، فرد دست به اقداماتی می‌زند که نه تنها خلاف عقل و خارج از چارچوب شرع است، بلکه به ضرر خودش نیز تمام می‌شود» (حکمت: ۲۵۵). لذا خشم، اگرچه واکنشی طبیعی است، اما در صورت عدم کنترل و مدیریت صحیح، می‌تواند منجر به رفتارهای زیان‌بار و آسیب‌زننده به فرد و جامعه شود. بنابراین، شناخت سازوکارهای زیستی خشم و تأثیر عوامل محیطی همراه با بهره‌گیری از آموزه‌های اخلاقی و دینی، کلید مدیریت مؤثر این هیجان است.

#### ۲-۶-۲. بین فردی و اجتماعی

از عوامل مهم تشدید خشم در مباحث اجتماعی، الگوگیری نادرست، تحریکات ناشی از دوستان و هم‌نشینان ناسالم و روابط تنش‌زا است. در بسیاری از موارد، خشم به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد؛ به این معنا که پس از آغاز آن، حتی سخن یا رفتار کوچک دیگری، می‌تواند موجی شدیدتر از پرخاشگری ایجاد کند. این حالت ناشی از الگویی فزاینده در بروز خشم است که باعث می‌شود آستانه تحریک‌پذیری فرد کاهش یافته و نسبت به محرک‌های کوچک نیز واکنش افراطی نشان دهد (پورافکاری، ۱۳۷۶) از منظر روانشناسی، این حالت را می‌توان به فرآیند «حساسیت‌زدایی معکوس» نسبت داد؛ یعنی هنگامی که

فرد در وضعیت هیجانی بالا قرار می‌گیرد، سیستم عصبی‌اش به محرک‌ها حساس‌تر شده و واکنش‌های هیجانی تشدید می‌شود. امام‌علی(ع) در نامه ۵۳ بر اهمیت انتخاب همراهان صالح و روابط اجتماع مناسب تأکید دارند و می‌فرمایند: «وَلَيْسَ كَثِيرًا أَلْفُ خَلٍّ وَ صَاحِبٍ وَ إِنَّ عَدُوًّا وَاحِدًا لَكَثِيرٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۰/۷۵). این بیان نشان می‌دهد که کیفیت روابط از کمیت آن مهم‌تر است بنابراین، آموزش مهارت‌های اجتماعی، خودکنترلی و انتخاب هوشمندانه دوستان، به‌عنوان راهکارهای مؤثر در مدیریت-خشم و پیشگیری از پیامدهای منفی آن، اهمیت ویژه‌ای دارد.

### ۳-۶-۲. خانوادگی

امام علی(ع) در نامه ۳۱ بر نقش بنیادین خانواده در تربیت عاطفی و اخلاقی فرزندان تأکید می‌کند. خانواده نخستین محیطی است که کودک در آن الگوی کنترل خشم، تعامل و تنظیم هیجان را می‌آموزد. پژوهش‌های روان‌شناسی نیز نشان می‌دهند والدینی که خود در مدیریت هیجانات موفق‌اند، فرزندان با توانایی بالاتر در تنظیم خشم پرورش می‌دهند (موریس، ۲۰۰۰). بنابراین، تربیت خانوادگی یکی از مهم‌ترین بسترهای پیشگیری از خشم ناسالم است.

### ۴-۶-۲. عاطفی و روانشناختی

عوامل روان‌شناختی و هیجانی متعددی در شکل‌گیری و بروز خشم نقش دارند که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به احساس طردشدگی، ناکامی، پیش‌بینی شکست، احساس گناه، حسادت، غم، اضطراب، حقارت، استرس، کینه‌ورزی، خودبزرگ‌بینی و خودمحوری اشاره کرد. از منظر روان‌شناسی، این عوامل به‌عنوان محرک‌های درونی یا شناختی عمل می‌کنند که باعث فعال‌سازی سیستم عصبی سمپاتیک و افزایش واکنش‌های فیزیولوژیکی مرتبط با خشم می‌شوند (لدوکس، ۱۹۹۶). برای مثال، احساس ناکامی و پیش‌بینی شکست، موجب کاهش اعتماد به نفس و افزایش تنش‌های روانی می‌گردد که در نهایت به شکل‌گیری خشم منجر می‌شود (لازاروس، ۱۹۹۳). همچنین، اضطراب و استرس مزمن، توانایی فرد را در کنترل هیجانات کاهش داده و او را مستعد واکنش‌های انفجاری می‌کند (اسپیلبرگ، ۱۹۸۳). به‌عنوان مثال حسادت به‌عنوان یکی از هیجانات پیچیده، نقش ویژه‌ای در بروز خشم دارد. الحسود سریع‌الوثبه و بطی العطفه حسود زود خشمگین می‌شود و دیر کینه از دلش می‌رود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۶/۷۰) «حَسَدُ الصَّدِيقِ مِنْ سَقَمِ الْمَوَدَّةِ» (حکمت/۲۰۸)؛ بنابراین، خشم اغلب ریشه در هیجان‌های ناسالم و پردازش‌های شناختی معیوب دارد.

### ۵-۶-۲. شناختی و عقلانی

فقدان مهارت‌های شناختی مانند تفکر انتقادی، حل مسئله و کنترل تکانه، زمینه بروز خشم را فراهم می‌کند. و باعث می‌شوند فرد در مواجهه با محرک‌ها، کنترل خود را از دست بدهد (تقی‌پور، ۱۳۷۱) اولین ثمره عدم مهارت شناختی در مواجهه با خشم، از کار افتادن قوه عقل است، و وقتی عقل از کار بیفتد، انسان قدرت تشخیص را از دست می‌دهد. امام علی(ع) می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْغَضَبَ، فَإِنَّ أَوَّلَهُ جُنُونٌ وَ آخِرُهُ نَدَمٌ» (تمیمی، ۱۴۰۱: ج ۴۰۴/۱). همچنین در حکمت ۲۱۱ آمده است: «وَكَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٍ تَحْتَ



هُوَ أَمِيرٌ؛ «چه بسیار خواهش و تمایلات نفسانی وجود دارد که عقل‌ها را در بند خود گرفته و تسلط کامل بر آن‌ها یافته‌اند» خشم مهارنشده عقل را تضعیف و فرد را از تشخیص درست دور می‌کند. از منظر علمی، این پدیده ناشی از تأثیر خشم بر قوه تعقل و مهارت‌های شناختی است. در حالت خشم، فعالیت بخش‌هایی از مغز که مسئول تصمیم‌گیری، حل مسئله و کنترل هیجانات هستند، کاهش می‌یابد و فرد به دلیل ناتوانی در به کارگیری قوه تعقل، واکنش‌های هیجانی و غیرمنطقی نشان می‌دهد. روایات نیز بر این نکته تأکید دارند که خشم، عقل را تباه می‌کند و از مسیر درست دور می‌سازد «شِدَّةُ الْغَضَبِ تُغَيِّرُ الْمَنْطِقَ، وَ تَقَطِّعُ مَادَّةَ الْحُجَّةِ، وَ تُفَرِّقُ الْفَهْمَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲۸/۷۱).

## ۲-۷. تأثیرات خشم بر کیفیت زندگی

از جمله آثار و پیامدهایی خشم عبارتند از:

### ۲-۷-۱. آثار فیزیولوژیکی

خشم، در صورت کنترل‌نشدن، می‌تواند پیامدهای منفی گسترده‌ای بر کیفیت زندگی داشته باشد. آموزه‌های دینی به‌ویژه سخنان حکیمانه امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، اهمیت کنترل خشم را به‌عنوان عاملی حیاتی برای حفظ سلامت و پیشگیری از آسیب‌های فردی و اجتماعی برجسته کرده‌اند. «مَنْ أَطْلَقَ غَضَبَهُ تَعَجَّلَ خَفَهُ» هر که عنان خشم خود را رها کند، مرگش شتاب گیرد (تمیمی، ۱۴۱۰: ۶۳۶). و نیز می‌فرماید: «إِنَّكُمْ إِنْ أَطَعْتُمْ سُورَةَ الْغَضَبِ أَوْرَدَتْكُمْ نَهَايَةَ الْعَطَبِ»؛ اگر از تندی خشم فرمان برید، شما را به نقطه پایان هلاکت بر (تمیمی، ۱۴۱۰: ۳۸۵۵) مطالعات علمی متعدد ارتباط معناداری میان خشم، استرس و بیماری‌های جسمی به‌ویژه بیماری‌های قلبی-عروقی نشان داده‌اند. تکرار خشم بر سلامت جسمانی و روانی، ارتباطات اجتماعی و کیفیت کلی زندگی اثرات منفی دارد (قدیری، ۲۰۱۷: ۴) دیاموند (۱۹۸۲) نشان داده که افراد مبتلا به فشار خون بالا، نسبت به افراد سالم، خشم و پرخاشگری بیشتری را تجربه می‌کنند. وایدنر و همکاران (۱۹۸۹) نیز تأیید کرده‌اند که خشم مکرر و شدید، فشار خون را افزایش داده و خطر بیماری‌های قلبی را بالا می‌برد. این واکنش‌ها به دلیل ترشح هورمون‌های استرس مانند آدرنالین و افزایش ضربان قلب است که موجب تنگی عروق و فشار خون می‌شود (موسوی، ۱۳۷۸). بنابراین، مدیریت خشم و استرس نقش حیاتی در حفظ سلامت قلب، کنترل فشار خون و بهبود کیفیت زندگی فردی دارد. خشم مکرر نه تنها سلامت جسم را تهدید می‌کند، بلکه با افزایش استرس روانی، به کاهش رضایت از زندگی و افزایش اختلالات روانی منجر می‌شود.

### ۲-۷-۲. تأثیر بر کیفیت زندگی اجتماعی

خشم، نه تنها تأثیر بر کیفیت زندگی فردی دارد بلکه، تأثیرات مخربی بر روابط اجتماعی و کیفیت زندگی جمعی دارد. خشم فرهنگ گفتار و تعامل انسان را دگرگون می‌کند و به تدریج او را از جمع دور می‌سازد (تمیمی، ۱۴۱۰). «الْغَضَبُ مَرْكَبُ الطُّيْشِ»؛ «خشم، مرکب سبکسری است» (تمیمی، ۸۰۸). خشم، حکمت را از دل و زبان می‌رباید و فرد را به سخنان بی‌هدف و رفتارهای مخرب سوق می‌دهد. در نتیجه، حمایت اجتماعی کاهش می‌یابد و روابط انسانی دچار تنش می‌شود (کدخدایان، ۱۳۷۹).

### ۳-۷-۲. تاثیر بر سلامت معنوی

خشم اگرچه نیرویی طبیعی برای دفاع از حق و حفظ خود است، اما هنگامی که از حد اعتدال خارج شود، به یکی از عوامل اصلی فساد ایمان تبدیل می‌گردد و زمینه‌ساز بسیاری از رذایل اخلاقی دیگر می‌شود. آگاه باش که خشم و غضب تو را به ارتکاب گناه وادار نکند؛ چرا که در نتیجه خشم شفا می‌یابی، ولی دینت بیمار می‌گردد» (خطبه: ۱۸۳). همچنین به پیامدهای درونی خشم اشاره شده است: «الْغَضَبُ يُبْرِئُ الْوَأَمَنَ الْحَقْدَ»؛ «خشم، کینه‌های نهفته را برمی‌انگیزد» (تمیمی: ۲۱۶۴) «الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ»؛ «خشم، ایمان را تباہ می‌کند همان‌گونه که سرکه عسل را» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۷) از این‌رو، مهار خشم در کنار کنترل شهوت، اساس شکل‌گیری فضایل اخلاقی معرفی شده است؛ چنان‌که آمده: «رَأْسُ الْفَضَائِلِ مَلِكُ الْغَضَبِ وَ إِمَاتَةُ الشَّهْوَةِ»؛ «تسلط داشتن بر خشم و میراندن خواهش نفس، سرآمد فضایل است.» (تمیمی، ۱۴۱۰: ۵۲۳۷) انسان با انتساب به نسب خوب بلند و با نسبت بد پست می‌شود. غضب از بدترین نسبت‌ها و خویشاوندی‌هایی است که آدمی را پست و خوارتر می‌کند. «لَا تَسَبَّ أَوْضَعُ مِنَ الْغَضَبِ»؛ «هیچ اصل و نسبی پست‌تر از خشم نیست» (صدوق، ۱۳۶۲: ۵۱۵) همچنین به‌عنوان همنشینی زبان‌بار توصیف شده که عیب‌ها را آشکار می‌کند، انسان را به شر نزدیک و از خیر دور می‌سازد «يُنْسِ الْقَرِيبُ الْغَضَبُ»؛ «یُبدی المَعَائِبِ، وَ يُدْنِي الشَّرَّ، وَ يُبَاعِدُ الْخَيْرَ»؛ (تمیمی، ۱۴۱۰: ۷۹۴۸). بر این اساس، کنترل خشم نقشی بنیادین در سلامت روانی و استواری ایمان دارد و افراط در آن می‌تواند هم رفتار اخلاقی و هم بنیان‌های اعتقادی انسان را تضعیف کند.

### ۳-۸. تاثیر بر تعادل عاطفی و روانی

خشم، در صورت مدیریت نادرست و تخلیه عاطفی نامناسب، می‌تواند به رفتارهای پنهان و مخربی مانند غیبت و سخن‌چینی منجر شود؛ رفتارهایی که هرچند ظاهراً بی‌ضررند، اما اعتماد، صمیمیت و انسجام روابط انسانی را تضعیف می‌کنند. این الگوها نه‌تنها به خود فرد آسیب می‌زنند، بلکه سلامت روانی و اجتماعی محیط را نیز مختل می‌سازند و موجب بی‌نظمی و آشفتگی در محیط‌های کاری و اجتماعی می‌گردند (میدلتون و همکاران (۲۰۰۳) امام‌علی علیه السلام نسبت به این ابعاد مخرب هشدار داده و می‌فرماید: «مَنْ غَضِبَ عَلَى مَنْ لَا يَقْدِرُ عَلَى مَضَرَّتِهِ طَالَ حُزْنُهُ وَ عَذَّبَ نَفْسَهُ»؛ (تمیمی، ۱۳۶۶: ۸۷۲۸). خشم پیش از آنکه آسیبی به اطرافیان وارد کند، بیشترین آسیب را به خود فرد وارد می‌سازد. «افراد خشمگین، کینه‌جو و حسود، پیش از هرکس، خودشان گرفتار پیامدهای منفی رفتارشان می‌شوند» (تمیمی، ۱۴۱۰: ۶۳۲۵). بنابراین، مدیریت درست خشم و یادگیری شیوه‌های سالم تخلیه هیجان برای پیشگیری از این پیامدها ضروری است، و آموزه‌های امام‌علی (ع) می‌توانند در این زمینه راهنمایی مؤثر باشند.

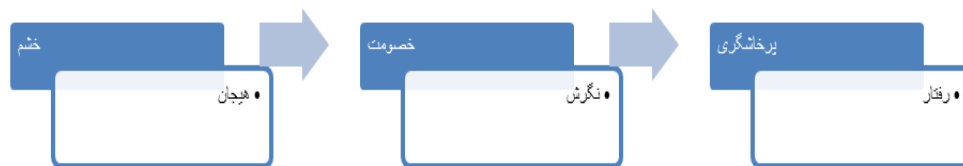
### ۳-۹. نقش نهج‌البلاغه در پرورش مهارت‌های زندگی و مدیریت عواطف

بیشتر افراد درباره خشم دچار دوگانگی‌اند؛ از یک‌سو آن‌را هیجانی طبیعی و غریزی می‌دانند، و از سوی دیگر آن‌را مانعی برای رسیدن به اهداف خود می‌بینند. در نتیجه، مسئله اصلی این است که چگونه

می‌توان این هیجان را به‌درستی مهار و هدایت کرد تا به جای آسیب، کارکردی سازنده داشته باشد. نگاه یک‌سویه به جنبه‌های منفی خشم، سبب شده این احساس غالباً نامطلوب تلقی شود؛ در حالی که اگر خردمندانه مدیریت شود، می‌تواند نیرویی مفید برای حفظ حیات، عزت‌نفس و کرامت انسان باشد. بنابراین، توجه هم‌زمان به ابعاد عاطفی و عقلانی انسان، برای کنترل و جهت‌دهی درست خشم ضروری است

### تکنیک‌های علمی و عملی

خشم نوعی هیجان است که با اختلال شناختی، فیزیولوژیک و واکنش‌های رفتاری همراه است. و نیازمند بهره‌گیری از فنون و راهبردهایی است.



نمودار ۲. تکنیک‌های علمی و عملی کنترل خشم

### ۱-۹-۲. بینشی و شناختی

بینش به معنای شناختی عمیق و فراگیر است که انسان را به‌طور کامل با واقعیت مربوطه آشنا می‌سازد و در پی آن است که دیدگاه فرد نسبت به مسائل تغییر یابد. قرآن کریم به چند نوع بینش کلیدی اشاره دارد که هدفشان تحول نگرش انسان درباره موضوعاتی چون نظام هستی، جهان مادی، ذات انسان، تاریخ بشری، و مرگ و زندگی پس از آن است (باقری، ۱۳۸۶: ۴۵). حضرت در آثار خود به ارائه دیدگاهی جامع درباره مالکیت حقیقی عالم، ساختار هستی، جهان، ماهیت انسان، جریان تاریخ، و سرنوشت پس از مرگ پرداخته‌اند.

### بینش درباره خالق و معنای جویی

مهم‌ترین عامل در مهار و مدیریت نفس توجه به خالق و داشتن رویکردی الهی است. حضور الهی، می‌تواند آرامش‌بخش و مهارکننده هیجانات شدید باشد خشم هنگامی که در مسیر الهی و برای اهداف مقدس به‌کار گرفته شود، نه تنها مضر نیست بلکه قدرت‌بخش و انگیزه‌دهنده است. از منظر روان‌شناسی، به‌ویژه در رویکرد معنادرمانی، معنا و هدفمندی در زندگی از عوامل مهم افزایش تحمل، تنظیم هیجان و کاهش واکنش‌های تکانشی به‌شمار می‌آیند. بر این اساس، جهت‌گیری الهی و ارزش‌محور در نهج‌البلاغه با این دیدگاه همسو است؛ زیرا توجه به خالق، معنا و غایت، به آرامش روانی و مهار هیجانات شدید کمک می‌کند و خشم را از واکنشی انفجاری به نیرویی هدایت‌شده و سازنده تبدیل می‌سازد. این معنا در نهج‌البلاغه نیز به‌روشنی دیده می‌شود: «مَنْ خَافَ اللَّهَ لَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ»؛ «کسی که از خدا بترسد، هنگام خشم انتقام نمی‌گیرد». (غررالحکم: ۸۱۵۸) همچنین در نامه ۵۳ به مالک اشتر، مهار تند خشم و توجه به معاد و بازگشت به پروردگار، راهی برای بازگرداندن اختیار و آرامش معرفی شده است. افزون بر این،

خطاب به رزمندگان در نبرد فرمود: «مَنْ أَحَدٌ سَنَّ الْقَضْبَ لِلَّهِ قَوِي عَلَى قَتْلِ أَشْدَّاءِ الْبَاطِلِ» «هرکس نیزه خشم را برای رضای خدا تیز کند، بر نابودساختن سخت‌ترین باطل‌ها قادر خواهد بود.» یعنی خشم جهت‌مند در مسیر الهی می‌تواند به نیرویی برای مقابله با باطل تبدیل شود.

### بینش درباره دنیا

کاهش وابستگی به امور دنیوی یکی از راهکارهای مهم کنترل خشم است. در نهج‌البلاغه، دنیا امری ناپایدار و گذرا معرفی می‌شود که دلبستگی به آن می‌تواند نوسانات هیجانی، نارضایتی و خشم را افزایش دهد «آگاه باشید که این دنیایی که شما آرزوی آن را دارید و به آن دل بسته‌اید، گاهی شما را خشمگین و گاهی راضی می‌کند، اما این دنیا جایگاه همیشگی شما نیست» (خطبه/۱۷۳) از نگاه امام علیه السلام آنچه آدمی را به سمت دنیای فانی می‌کشاند، شایسته آن است که موردخشم واقع شود» (دین‌پرور، ۱۳۷۹: ۳۳۰). از دید روان‌شناسی نیز، وابستگی شدید به ارزش‌های مادی با افزایش استرس، اضطراب، افسردگی، نوسانات هیجانی و کاهش رضایت از زندگی همراه است، در حالی که تمرکز بر ارزش‌های درونی و معنوی به افزایش تاب‌آوری و تنظیم بهتر هیجان کمک می‌کند (کاسر، ۲۰۰۲).

### بینش درباره خود و تصحیح نگرش

بشر وقتی رویدادی را تجربه کند بعضاً به تفسیر موقعیت می‌پردازد، گاهی به علت خطاهای شناختی، ارزیابی‌ها و تفاسیر غلط ممکن است به خشونت و غضب متوسل شود. یکی از بینش‌ها شناخت خود و معرفت‌النفس و تصحیح نگرش‌هاست. خودشناسی و اصلاح نگرش‌ها از پایه‌های مهم مهار هیجان و پیشگیری از خشم و خشونت است. در سخنان مولای متقیان (ع)، نفس به‌عنوان گوهر ارزشمندی شناخته شده‌است که اگر از آلودگی‌های گناه و ناپاکی‌های نگه داشته شود، فرد را به مقام والایی از کمال و رشد می‌رساند؛ اما اگر به حال خود رها شود و مراقبت نشود، موجبات ذلت و سقوط را فراهم می‌کند آگاهی و شناخت نسبت به خود، تأثیر و ثمره‌ای مشابه حلم و بردباری دارد و نقش مهمی در مهار هیجانات و عواطف و در نتیجه، رفتار صحیح ایفا می‌کند. «هَلْكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ»، «آنکس که ارزش خود را ندانست، نابود و تباه شد». (حکمت/۱۴۹) «وَمَنْ افْتَصَرَ عَلَى قَدْرِهِ كَانَ أَبْقَى» (نامه/۳۱). از منظر روان‌شناسی نیز، خودآگاهی و بازنگری در ارزیابی‌های شناختی، به افزایش کنترل هیجان، کاهش واکنش‌های انفجاری و بهبود روابط اجتماعی کمک می‌کند؛ و تکنیک‌هایی مانند تعادل نیز در کاهش تنش و ترمیم تعاملات بین‌فردی مؤثر شناخته شده‌اند (گروس، ۱۹۹۸؛ نف، ۲۰۰۳).

### عاقبت‌اندیشی و پیش‌بینی پیامدها

از دیگر راه‌های مدیریت خشم «حزم» است، حزم به‌معنای دوراندیشی یا عاقبت‌اندیشی است. حزم به فرد کمک می‌کند تا پیش از واکنش هیجانی، به پیامدهای مثبت و منفی احتمالی رفتارش بیندیشد و از تصمیم‌گیری‌های شتابزده و مخرب پرهیز کند (پسندیده، ۱۳۸۴). امام‌علی (ع) می‌فرماید: «ای مالک! تو نمی‌توانی خشم را مهار سازی، مگر اینکه به معاد و زندگی آخری بسیار بیندیشی» (نامه/۵۳). امام علیه السلام می‌فرماید: «أَبْقِ لِرِضَاكَ مِنْ غَضَبِكَ، وَ إِذَا طُرَتْ فَفَقَّ شَكِيرًا»؛ «در هنگام خشم جایی برای خشنودیت نیز

باقی بگذار و هرگاه خشم گرفتی مگذار اوج بگیرد.» (غررالحکم/۲۳۴۰) در خطبه ۱۵۳ به نابخشودنی بودن گناه خشم و در خطبه ۱۹۲ به پیشامد اخروی آن اشاره دارند.

از منظر روان‌شناسی نیز، پیش‌بینی پیامدها و ایجاد فاصله ذهنی از هیجان، کنترل هیجانی را افزایش داده و احتمال واکنش‌های تکانشی و مخرب را کاهش می‌دهد (پسندیده، ۱۳۸۴؛ کروس، ۲۰۱۱؛ داک‌ورث، ۲۰۱۵)

### ۲-۹-۲. تکنیک عاطفی و هیجانی

در مدیریت عاطفی خشم می‌توان به حلم و صبوری اشاره کرد. که به فرد امکان می‌دهد هیجان خود را مهار کرده و در برابر فشارهای روانی، رفتاری سنجیده و متعادل نشان دهد. در نهج‌البلاغه نیز بر این پیوند تأکید شده است: «ضادُوا الغضبَ بالحلم»؛ «با بردباری به جنگ خشم بروید» (غررالحکم/۵۹۱۱). همچنین صبر به عنوان نیرویی برای تحمل ناملایمات و فروخوردن خشم معرفی شده است

این صفت نفسانی، ثبات درونی و استقامت روانی را افزایش می‌دهد و نه تنها فضیلتی اخلاقی بلکه ابزاری تربیتی و فلسفی است که کلید حفظ تعادل روانی و رشد معنوی انسان به‌شمار می‌آید. لذا صبر با مهار خشم رابطه ماهوی پیدا می‌کند «الصَّبْرُ أَنْ يَحْتَمِلَ الرَّجُلُ مَا يُنَوِّهُ، وَ يَكْتُمُ مَا يَغْضِبُهُ» (غررالحکم/۱۸۷۴). «صَبَطُ النَّفْسِ عِنْدَ حَادِثِ الْغَضَبِ يُؤْمِنُ مَوَاقِعَ الْعَطَبِ»؛ «خوشتنداری به هنگام بروز خشم، از افتادن در ورطه‌های هلاکت مصون می‌دارد.» (غررالحکم/۵۹۳۱) از منظر روانشناسی با مفاهیمی چون تنظیم هیجان، خودکنترلی و تاب‌آوری هم‌راستا است. (یارمحمدی، ۱۳۹۹). و به حفظ تعادل روانی و پیشگیری از واکنش‌های تکانشی کمک می‌کند

### همدلی و پذیرش منظر دیگری

یکی از راهکارهای کلیدی در مدیریت هیجانات منفی و بهبود کیفیت تعاملات اجتماعی، بهره‌گیری از اصل همدلی و رعایت انصاف در رفتار با دیگران است. همدلی در نهج‌البلاغه صرفاً یک فضیلت عاطفی نیست، بلکه سازوکاری شناختی-اخلاقی برای مهار خشم و بازسازی رابطه است. امام‌علی(ع) در نامه ۳۱ یا بنی اجعل نفسک میزاناً فیما بینک و بین غیرک فأحبب لغيرک ما تحب لنفسک و اگره له ما تکره لها و لا تطلم کما لا تحب أن تطلم...» با توصیه به اینکه انسان خود را میزان سنجش میان خویش و دیگران قرار دهد، در واقع به «تغییر منظر» و «فهم موقعیت دیگری» دعوت می‌کند؛ زیرا هرگاه فرد بتواند دیگری را از زاویه تجربه و جایگاه او ببیند، داوری شتاب‌زده جای خود را به انصاف، و خشم جای خود را به گذشت می‌دهد. از این‌رو، همدلی، مقدمه‌ای برای بخشش و حفظ پیوندهای انسانی است، نه صرفاً یک احساس اخلاقی گذرا (نامه/۳۱). این منظر، توصیه امام‌علی(ع) در نامه ۳۱، علاوه بر ارزش اخلاقی، با یافته‌های روان‌شناسی درباره نقش همدلی در کاهش تعارض و افزایش سازگاری اجتماعی هم‌سو است

### ۲-۹-۳. فنون و تکنیک‌های رفتاری و عملی

تمرین مستمر و الگوگیری عملی از عناصر مهم مدیریت خشم‌اند. در این نگاه، صرف دانستن کافی نیست؛ بلکه عقل عملی زمانی شکل می‌گیرد که آگاهی به رفتار سنجیده و کنترل‌شده تبدیل شود. امام

علی(ع) نیز در حکمت ۱۹۴ بر همین معنا تأکید دارند و فرو نشانندن خشم در زمان توانایی واکنش و اختیار بخشش را نشانه‌ای از تسلط بر نفس می‌دانند. از سوی دیگر، در روان‌شناسی نیز یادگیری رفتاری و مشاهده الگوهای آرام و غیرپرخاشگرانه، نقش مهمی در کاهش خشم و تقویت خودکنترلی دارد؛ زیرا رفتارهای هیجانی، مانند رفتارهای آرام، قابلیت انتقال و آموخته شدن دارند.

از راهکارهای عملی در مهار خشم، سکوت، تغییر حالت بدنی، وضو و پرهیز از شتاب‌زدگی است. در نهج البلاغه آمده است: «دَاوُوا الْغَضَبَ بِالصَّمْتِ، وَالشَّهْوَةَ بِالْعَقْلِ» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ۳۰۳)؛ سکوت در لحظه خشم به کاهش برانگیختگی و جلوگیری از واکنش‌های ناگهانی کمک می‌کند. همچنین توصیه به نشستن هنگام خشم و توجه به قدرت و گذشت پروردگار، بر نقش تغییر وضعیت جسمانی و تمرکز ذهن در آرام‌سازی هیجان دلالت دارد. در روایات نبوی نیز وضو یا غسل هنگام خشم توصیه شده است (ابن حنبل، ۲۲۶/۴)؛ این امر با یافته‌های پزشکی درباره افزایش حرارت بدن، ضربان قلب و تنش عضلانی در حالت خشم هم‌خوان است، و شست‌وشو می‌تواند به کاهش برانگیختگی فیزیولوژیک کمک کند. از منظر روان‌شناسی نیز، این رفتارها با ایجاد فاصله میان محرک و پاسخ، خودکنترلی را تقویت کرده و از تبدیل واکنش‌های شتاب‌زده به عادت جلوگیری می‌کنند. امام علی(ع) نیز فروبردن خشم در زمان قدرت را نشانه بردباری و تسلط بر نفس می‌دانند «برترین انسان کسی است که هنگام قدرت، خشم خود را فرو ببرد و بردباری پیشه کند.» (تمیمی: ۴۴۸۷؛ نامه ۳۱). بنابراین، این آموزه‌ها علاوه بر پشتوانه دینی، با اصول تنظیم هیجان و آرام‌سازی در علوم پزشکی و روان‌شناسی نیز همسو هستند.

جدول ۱. تکنیک‌های مدیریت خشم

| راهبرد در نهج البلاغه      | تبیین پزشکی و روان‌شناختی                                      | مداخله یا تکنیک علمی                           |
|----------------------------|----------------------------------------------------------------|------------------------------------------------|
| کظم غیظ و حلم              | تقویت مهارت تنظیم هیجان، کاهش تکانشگری و کنترل برانگیختگی      | آموزش تنظیم هیجان، تنفس عمیق، آرام‌سازی        |
| سکوت و خاموشی              | کاهش تحریک‌پذیری و فرصت دادن به پردازش شناختی                  | مکث رفتاری، توقف پاسخ، ذهن‌آگاهی               |
| تغییر وضعیت بدنی           | کاهش برانگیختگی فیزیولوژیک و کمک به آرام‌سازی بدن              | فاصله‌گیری موقعیتی، آرام‌سازی جسمانی، ریلکسیشن |
| تأخیر در واکنش             | افزایش کنترل تکانه و کاهش تصمیم‌های غیرمنطقی                   | بازسازی شناختی، خودکنترلی، توقف پاسخ           |
| صفح و گذشت                 | دوری از کینه، کاهش تنش بین‌فردی و بهبود سازگاری اجتماعی        | حل مسئله، درمان شناختی-رفتاری، مهارت تعارض     |
| خشم در مدار حق، عقل        | اختلال در قضاوت، افزایش پرخاشگری و کاهش کارکرد شناختی          | آموزش خودآگاهی، کنترل هیجان، مداخلات شناختی    |
| خشم ارزش‌محور و عدالت‌محور | خشم جهت‌مند می‌تواند به انگیزش اخلاقی و رفتار هدفمند تبدیل شود | تنظیم هیجان، جهت‌دهی ارزش‌محور، خشم سازنده     |
| عاقبت‌اندیشی و زمان‌بندی   | فاصله گرفتن از اوج برانگیختگی و پیشگیری از آسیب روانی و جسمانی | تأخیر در پاسخ، مهار تکانه، خودنظارتی           |

### ۳. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف دستیابی به مهارت‌های کنترل خشم در آموزه‌های نهج‌البلاغه و یافته‌های پزشکی و روان‌شناسی، با روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که خشم، هرچند هیجانی طبیعی و ذاتی در وجود انسان است، در صورت عدم مهار و هدایت صحیح می‌تواند پیامدهای جدی فردی، خانوادگی، اجتماعی و حتی جسمانی به دنبال داشته باشد. از این رو، شناخت عوامل فیزیولوژیکی، اجتماعی، خانوادگی، عاطفی و شناختی برانگیزاننده خشم، نقش مهمی در مدیریت کارآمد این هیجان دارد. بررسی نهج‌البلاغه نشان داد که این متن شریف، چرخه‌ای جامع برای فهم، مهار و اصلاح خشم ارائه می‌کند؛ چرخه‌ای که در آن کظم غیظ، حلم، صفح، احسان، سکوت، عاقبت‌اندیشی، خودشناسی، همدلی، توجه به خالق و خویش‌داری، به عنوان مراحل و راهبردهای مکمل پیشگیری، کنترل و ترمیم مطرح می‌شوند. این آموزه‌ها خشم را نه صرفاً یک واکنش منفی، بلکه نیرویی می‌دانند که اگر در مدار عقل، عدالت و معنویت قرار گیرد، می‌تواند به عامل رشد، دفاع از حق و ارتقای کرامت انسانی تبدیل شود. در مقابل، خشم مهارنشده به اختلال در قضاوت، افزایش تنش، تضعیف روابط و آسیب به سلامت روان و جسم منجر می‌گردد. یافته‌های این پژوهش با مطالعات پیشین نیز هم‌سویی دارد. پژوهش‌های صفرزاده (۱۴۰۲)، شریفی و همکاران (۱۴۰۲)، جلائی و همکاران (۱۴۰۲)، یارمحمدی و قنادی (۱۳۹۹)، معماری و زمردی (۱۳۹۴)، ترکاشوند (۱۳۷۹) و قدیری (۱۳۷۹) بر ابعاد اخلاقی، تربیتی و روان‌شناختی خشم در آموزه‌های دینی تأکید کرده‌اند. همچنین، یافته‌های دودج و همکاران (۱۹۸۷)، لی، اسپوبدار و لویز (۲۰۰۸) و کابات‌زین (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که تنظیم هیجان، کنترل تکانه، ذهن‌آگاهی و بازسازی شناختی از مؤلفه‌های کلیدی در مهار خشم هستند؛ مؤلفه‌هایی که در قالب توصیه‌های نهج‌البلاغه نیز به روشنی قابل بازخوانی‌اند. به‌ویژه، پژوهش یارمحمدی و قنادی (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که آموزش آموزه‌های دینی می‌تواند به تقویت هوش هیجانی، افزایش خودکنترلی و بهبود رفتارهای اجتماعی منجر شود.

از منظر روان‌شناسی، توصیه‌هایی چون تأخیر در واکنش، بازسازی افکار منفی، تنظیم شناختی، تغییر زاویه دید، سکوت در لحظه خشم و تقویت مهارت‌های ارتباطی، با آموزه‌های نهج‌البلاغه هم‌پوشانی آشکار دارند. از منظر پزشکی نیز، کنترل خشم با کاهش هورمون‌های استرس، تعدیل فعالیت سیستم عصبی سمپاتیک و پیشگیری از بیماری‌های قلبی و روان‌تنی همراه است؛ یافته‌ای که با توصیه‌های علوی درباره آرام‌سازی، تغییر وضعیت بدنی و فروبردن خشم هم‌خوانی دارد.

### منابع

- القرآن‌الکریم.
- ابن‌حنبل، احمد (بی‌تا). مسند الإمام. أحمد بن حنبل، بیروت: دارالصادر.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۴). رضایت از زندگی. قم: دار الحديث.
- پیوریفوی، رانو (۱۳۷۰). غلبه بر خشم. ترجمه مهدی قرچه داغی. تهران: اوحدی.

- الترمذی، محمد بن عیسی (بی تا). السنن. محمد ناصر الألبانی، ریاض: مكتبة المعارف.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰). غرر الحکم و دُرر الکلم. قم: دفتر تبلیغات .
- دشتی، محمد (۱۳۸۱). نهج البلاغه. قم: مرکز فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- دین پرور، سیدجمال الدین (۱۳۷۹). دانشنامه نهج البلاغه. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. دمشق و بیروت: دارالعلم.
- رونالد پاترافرون (۱۳۷۸). غلبه بر خشم. ترجمه مهدی مجردزاده کرمانی، تهران: مؤسسه فرهنگی راه بین.
- زین الهدی، محمد (۱۳۸۳). روانشناسی دعوت اسلامی. ترجمه احمد حکیمی. تهران: احسان.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). خصال. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه المدرسین.
- فرانزوی، استفن (۱۳۸۱). روانشناسی اجتماعی. ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۳۳۹). المحجة البيضاء فی تهذیب الإحياء. تهران: مكتبة الصدوق.
- القاسمی الدمشقی، محمد جمال الدین (بی تا). موعظة المؤمنین من إحياء علوم الدین. مصر: المكتبة التجارية الكبرى .
- قدیری، محمدحسین (۱۳۹۷). مدیریت خشم. قم: معرفت
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کریس ال کلینکه (۱۳۸۸). مهارتهای زندگی. ترجمه: شهرام محمدخانی، تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). اصول کافی. تهران: المكتبة الإسلامية.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: دارالحسنة التراث العربی.
- محمدی، سید کاظم و دشتی، محمد (۱۳۶۹). المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه. قم: نشر امام علی (ع).
- ناصف، منصور علی (۱۹۷۵). التاج الجامع الأصول فی أحادیث الرسول. القاهرة: دار الفكر.
- نراقی، علی محمد (۱۳۸۹). شرح رساله حقوق. قم: انتشارات مهدی نراقی
- یارمحمدی، مسیب، قنادی، فاطمه (۱۳۹۹). مهارت تاب آوری و ویژگیهای آن از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، ۸ (۳۱)، ۱۲۹-۱۵۰.
- Duckworth, A. L., & Steinberg, L. (2015). Unpacking self-control. *Child Development Perspectives*, 9(1), 32-37.
- Gross, J. J. (1998). The emerging field of emotion regulation: An integrative review. *Review of General Psychology*, 2(3), 271-299.
- Kaplan HI, Sadock BJ. eds. Kaplan and sadock's synopsis of psychiatry: behavioral sciences, clinical psychiatry. Pour Afkari N, translator. Tehran: Shahrab Publication; 1997. [In Persian]
- Kleinke, C. (2010). *Life Skills*. Translated by: Sh, Mohammadkhani, Tehran: Sepand Honar. (Persian)
- Kross, E., & Ayduk, Ö. (2011). Self-distancing: Theory, research, and current directions. *Advances in Experimental Social Psychology*, 44, 1-34.



- 
- Lazarus, R. S. (1991). *Emotion and Adaptation*. In Pervin, L. A. (Ed.), *Handbook of Personality: Theory and Research* (pp. 609-637). Guilford Press.
  - LeDoux, J. (1996). *The Emotional Brain: The Mysterious Underpinnings of Emotional Life*. Simon & Schuster.
  - Neff, K. D. (2003). The development and validation of a scale to measure self-compassion. *Self and Identity*, 2(3), 223-250.



---

## — CONTENTS —

---

|                                                                                                                                                                                                                                                                            |            |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------|
| <b>Providing a Spiritual Lifestyle Model Based on the Alawi Tradition for Managers in Iran's Public Organizations.....</b>                                                                                                                                                 | <b>1</b>   |
| Hossein Esmaili, Seyed Mahdi Viseh, Zeinab Toulabi                                                                                                                                                                                                                         |            |
| <b>Investigating Ethical and Managerial Requirements in the Relationship Between the Ruler and Government Officials, Focusing on the third letter of Nahj ul-Balagha and the Content Analysis .....</b>                                                                    | <b>33</b>  |
| Atefeh Bakhtiari, Zahra Sarfi                                                                                                                                                                                                                                              |            |
| <b>Genealogy of the detailed testament of Imam Ali (AS) to Muhammad ibn Abi Bakr (Authentication of texts and sources).....</b>                                                                                                                                            | <b>65</b>  |
| Ali Hajikhani, Hossein Shahvaroghi Farahani                                                                                                                                                                                                                                |            |
| <b>Analysis of Linguistic and Conceptual Innovations in the English Translation of Nahj ul-Balagha by Taherah Qutbuddin Based on Functional Equivalence Theory.....</b>                                                                                                    | <b>93</b>  |
| Mohammad Taheri, Naser Gharekhani                                                                                                                                                                                                                                          |            |
| <b>Conceptual Framework of Intergenerational Budgeting Based on the Priority of Land Development with an Emphasis on Nahj ul-Balaghah ...</b>                                                                                                                              | <b>117</b> |
| Farzaneh Sobhani Chegeni, Seyed Mohammad Ali Mousavi                                                                                                                                                                                                                       |            |
| <b>The Convergence of Hekmat-e Alawi (Alawi wisdom) with Medical and Psychological Sciences in Enhancing Anger Management Skills: A Reexamination of the Teachings of Nahj ul-Balagha and Medical Findings on Anger: A Comprehensive and Interdisciplinary Approach...</b> | <b>143</b> |
| Seyed Aqill Nasimi, Masoomeh Keramati                                                                                                                                                                                                                                      |            |



Bu-Ali Sina University

## Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research

(Scientific)

Vol. 13, No. 49, Spring 2025

- ❖ **Licence Holder:** Bu-Ali Sina University
- ❖ **Field of Publication:** Nahj al-Balagha Research
- ❖ **Director:** Shahryar Yarmohamadi vassel
- ❖ **Editor - in - chief:** Seyed Mehdi Masbogh
- ❖ **English Editor:** Sajad Sepehriniya
- ❖ **Internal Manager:** Vahideh MirzaEbrahimi
  
- ❖ **Editorial Board (In Alphabetical Order):**
  - ❖ Salahaldin Abdi Associate Professor of Bu-Ali Sina University
  - ❖ Mohamad Taghi Dayari Bidgoli Professor, University of Qom
  - ❖ Hassan Dadkhah Tehrani Professor, Shahid Chamran University, Ahvaz
  - ❖ Seyed MohammadReza Ebnealrasoul Professor, University of Isfahan
  - ❖ Morteza Ghaemi Professor Bu-Ali Sina University
  - ❖ Seyed Mehdi Masbogh Professor Bu-Ali Sina University
  - ❖ Faramarz Mirzaee Professor, University of Tarbiyat Modares
  - ❖ Ezat Mollaebrahimi Professor, University of Tehran
  - ❖ Ali Nazari Professor, Lorestan University
  - ❖ Seyed Hossein Seyedi Professor, University of Ferdosi Mashhad
  - ❖ Karm Siyavashi Associate Professor Bu-Ali Sina University
  - ❖ Ali Bagher Taheriniya Professor, University of Tehran
  - ❖ Shahryar Yarmohamadi vassel Professor, Bu-Ali Sina University
  - ❖ Mohammad Reza Yousefzade Professor, Bu-Ali Sina University
  
- ❖ **International Editorial Board**
  - ❖ Anwer Abbas Majeed Associate Professor, University of Baghdad
  
- ❖ **Scientific Consultants (In Alphabetical Order):**

Afzali, A., Akhavan Kazemi, B., Asghari Sarem, A., Bahadori, A., Ghafari, S., Hajian Hosseinabadi, R., Hakak, M., Honari Latifpour, Y., Hosseini, S. M., Hosseini, M., Khabareh, K., Mohammadi poya, F., Pirooz, M. A., Rayaan, M., Salmanian, S., Shahabadi, A., Shariati niyasar, H., Sharifiniya, M. H., Siyavoshi, K., Tabatabaee nadoshan, S. R., Yarmohammadi vassel, Sh.
  
- ❖ **Designer:** Mozhgan Jamshidi
- ❖ **Publisher:** Roshan
- ❖ **Circulation:** 100 Copies
- ❖ **Price:** 100000 Rials
- ❖ **Journals office address:** Deputy of Chancellor in research, Bu-Ali Sina University, Hamedan
- ❖ **Tel:** 081-31400000
- ❖ **Website Publication System:** <http://nab.basu.ac.ir>
- ❖ **Email:** [journal.nahj@yahoo.com](mailto:journal.nahj@yahoo.com) and [journal.nahj@basu.ac.ir](mailto:journal.nahj@basu.ac.ir)

**In The Name Of God**



ISSN 2345-5233

Quarterly Journal of

**Nahj al-Balagha**

Vol 13, Num 49, ASpring 2025

***Providing a Spiritual Lifestyle Model Based on the Alawi Tradition for Managers in Iran's Public Organizations*** 1

*Hossein Esmaili, Seyed Mahdi Viseh, Zeinab Toulabi*

***Investigating Ethical and Managerial Requirements in the Relationship Between the Ruler and Government Officials, Focusing on the third letter of Nahj ul-Balagha and the Content Analysis*** 33

*Atefeh Bakhtiari, Zahra Sarfi*

***Genealogy of the detailed testament of Imam Ali (AS) to Muhammad ibn Abi Bakr (Authentication of texts and sources)*** 65

*Ali Hajikhani, Hossein Shahvaroghi Farahani*

***Analysis of Linguistic and Conceptual Innovations in the English Translation of Nahj ul-Balagha by Taherah Qutbuiddin Based on Functional Equivalence Theory*** 93

*Mohammad Taheri, Naser Gharekhani*

***Conceptual Framework of Intergenerational Budgeting Based on the Priority of Land Development with an Emphasis on Nahj ul-Balaghah*** 117

*Farzaneh Sobhani Chegeni, Seyed Mohammad Ali Mousavi*

***The Convergence of Hekmat-e Alawi (Alawi wisdom) with Medical and Psychological Sciences in Enhancing Anger Management Skills: A Reexamination of the Teachings of Nahj ul-Balagha and Medical Findings on Anger: A Comprehensive and Interdisciplinary Approach*** 143

*Seyed Aqill Nasimi, Masoomeh Keramati*